

انجيل يوحنا

پیشگفتار

انجیل یوحنا

يك انجيل

انجيل يوحنا بر طبق يکي از سنتهای بزرگ مسيحيان اوليه، روايتگر وقایعی است از ایام يحيی تعمید دهنده تا روزی که خداوند عیسی به شکوه پدر گذر نمود (اع: ۲۱-۲۲). این اثر به عنوان یک شهادت معرفی شده و مسلماً یوحنا می خواسته انجیلی واقعی بنویسد. مؤلف پس از مقدمه ای رسمی و مجلل در باب الهیات (۱:۱-۱۸)، در قسمت اول به بیان وقایع و آموزه های مربوط به آن وقایع می پردازد (۱:۱۹-۵۰:۱۲) و در قسمت دوم وقایع مربوط به مصائب و مصلوب شدن و ظاهر شدنهای مسیح برخاسته از مرگ را مفصلاً روایت می نماید (۱:۱۳-۲۵:۲۱). یوحنا به طوری که در نتیجه گیری کوتاهی توضیح می دهد (۲۰:۳۰-۳۱)، بعضی از نشانه ها را انتخاب کرده و اهمیت و معنی آنها را یادآوری کرده است تا مسیحیانی که انجيل به آنان خطاب شده ایمان خود به عیسی مسیح پسر خدا را عمیق تر کرده و بدین گونه مشارکت با خدا را در زندگی خود توسعه دهند. یوحنا برای انجام این کار ضروری دیده که در مقابل انحرافات مختلفی که مسیحیت دوران او را تهدید می کرد موضع گرفته و از آن دفاع نماید.

ترکیب و ساختار انجيل

در اینکه مؤلف در نوشتن انجيل چه طرحی داشته و جزئیات آن چه بوده نمی توان به طور دقیق مطمئن بود. البته وی بیشتر وقایع را کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر روایت می کند ولی معلوم نیست این وقایع را به چه ترتیب و توالی ذکر کرده و بر مبنای چه معیارهایی است. این مسئله بدان سبب دقیق و حساس است که برطبق یک نظریه، بخش هایی از آن به هنگام انتشار انجيل جابجا شده اند. مثلاً می توان باب پنجم را بین آیات ۷:۱۵ و ۷:۱۶ جای داد و با این تغییر، ترتیب قرار گرفتن مطالب از نظر جغرافیایی منظم و یکنواخت خواهد شد، بدین معنی که پس از اقامت در جلیل فعالیت طولانی در اورشلیم قرار خواهد گرفت (۴:۴۳-۵۴ و ۶:۱-۷:۱۳). بعضی از منتقدان در مورد این فرضیه فراتر رفته و تصور می کنند تعداد زیادی از مطالب جابجا شده و ترکیب و ساختار دیگری برای انجيل پیشنهاد می نمایند.

با این همه باید قبول کرد که این نظریه ها در روایات متون نقطه انکایی ندارند. به علاوه در این نظریه ها قوانین قابل انعطاف روایات شفاهی منظور نشده و به موضوع انشای زبان عبری که با روش منطق ما تطبیق نمی کند توجه نشده است.

تمام این نظریات جالب به نظر می‌رسند و گاهی ماهرانه و ظریف هستند ولی به ندرت می‌توان نظریه‌ای یافت که کاملاً و از هر حیث رضایت بخش باشد. اصولاً مسلم نیست که یوحنا در انشاء اثر خود از قواعد معینی پیروی کرده باشد یا حتی به طور قطعی انشاء اثر خود را به پایان رسانده باشد. به نظر ما انجیل چهارم حاوی قسمتهایی است که وقایع و آموزشهایی را یکی پس از دیگری ذکر می‌کند و گرچه بر مبنای طرحی دقیق نیست با این همه موضوع برخورد تدریجی عیسی و «دنیا» را توضیح داده و تشریح می‌نماید و از سوی دیگر پیشرفت آگاهی و معرفت ایمانداران را که امری دشوار است بدو در جلیل و سپس در اورشلیم روایت می‌کند.

ارتباط با اناجیل نظیر

گرچه یوحنا در نظر دارد به طور کلی یک انجیل بنویسد با این همه اثر وی از بسیاری جهات متمایز از اناجیل نظیر است؛ در ابتدا تفاوتهایی که از نظر جغرافیایی و ترتیب و توالی وقوع حوادث وجود دارد موجب حیرت می‌شود. در اناجیل نظیر در ابتدا از دورانی طولانی در جلیل یاد شده، سپس یک راهپیمایی کم و بیش طولانی به سوی یهودیه و بالاخره اقامتی کوتاه در اورشلیم آمده است؛ در صورتی که در انجیل یوحنا تغییر مکانهای متعددی از یک منطقه به منطقه دیگر روایت شده و سپس حضوری دراز مدت در منطقه یهودیه و مخصوصاً در اورشلیم آمده است (۱:۱۹-۵۱:۲؛ ۱۳:۳-۳۶:۵؛ ۴۷-۱۴:۷-۲۰:۳۱). یوحنا از چندین بار برگزاری عید گذر یاد می‌کند (۲:۱۳؛ ۵:۱؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵) و بدین سان نشان می‌دهد که رسالت عیسی بیش از دو سال بوده است.

برای کسانی که ترتیب و توالی کنونی مطالب کتاب را می‌پذیرند ترکیب و ساختار انجیل را به طریق مختلفی می‌توان توضیح داد ولی در هر صورت تقریباً پذیرفته شده است که انجیل به دو بخش تقسیم می‌شود و قبل از این دو بخش پیشگفتاری آمده است. ضمناً با توجه به مشخصات جغرافیایی یا ترتیب و توالی وقایع یا تکرار بعضی طرحهای ادبی (روایت - گفتار) به آسانی می‌توان تشخیص داد که متون مجزای متعددی وجود دارد. ولی این متون به چه ترتیبی نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ به نظر بعضی از نویسندگان، این انجیل بر مبنای طرحی معین و منطقی تنظیم شده و نظریات مهم الهیاتی به شیوه منظمی تشریح گشته است (روشنایی، زندگی، شکوه). کسان دیگری در این کتاب مراحل برخورد و رویارویی تدریجی مسیح با «دنیا» را می‌بینند و آن را همچون نمایشنامه‌ای غم‌انگیز یا محاکمه‌ای می‌دانند که در جریان وقایع عید گذر به پایان می‌رسد. طرحهای دیگری پیشنهاد شده که بر مبنای موضوعات مربوطه است. طرفداران این طرحها نمی‌پذیرند که در انجیل یوحنا مجموعه‌ای با ترکیب منطقی و دقیق وجود داشته باشد بلکه به نظر آنان این کتاب نوعی نوشته ادبی است که یادآور تغییرات آهنگ موسیقی است. به طوری که نشان داده شده برخی فنون ادبی زبان سامی نظیر «ادخال» در این اثر بکار رفته است. بسیاری از دانشمندان اهمیت بعضی اعداد و جنبه نمادین آنها را یادآوری کرده و طرحهایی بر مبنای اعداد سه و هفت ارائه داده‌اند. بالاخره برخی ادعا کرده‌اند که جریان وقایع با آنچه در سفر خروج آمده تطبیق می‌کند و بعضی از محققان فرضیه‌ای پیشنهاد کرده‌اند که بر طبق آن انجیل یوحنا تقلید و اقتباس از نوشته‌هایی است که در کنیسه‌های قدیم قرائت می‌شد.

تمام این نظریات جالب به نظر می‌رسند و گاهی ماهرانه و ظریف هستند ولی به ندرت می‌توان نظریه‌ای یافت که کاملاً و از هر حیث رضایت‌بخش باشد. اصولاً مسلم نیست که یوحنا در انشاء اثر خود از قواعد معینی پیروی کرده باشد یا حتی به طور قطعی انشاء اثر خود را به پایان رسانده باشد. به نظر ما انجیل چهارم حاوی قسمتهایی است که وقایع و آموزشهایی را یکی پس از دیگری ذکر می‌کند و گرچه بر مبنای طرحی دقیق نیست با این همه موضوع برخورد تدریجی عیسی و «دنیا» را توضیح داده و تشریح می‌نماید و از سوی دیگر پیشرفت آگاهی و معرفت ایمانداران را که امری دشوار است بدو در جلیل و سپس در اورشلیم روایت می‌کند.

ارتباط با اناجیل نظیر

گرچه یوحنا در نظر دارد به طور کلی یک انجیل بنویسد با این همه اثر وی از بسیاری جهات متمایز از اناجیل نظیر است؛ در ابتدا تفاوتهایی که از نظر جغرافیایی و ترتیب و توالی وقوع حوادث وجود دارد موجب حیرت می‌شود. در اناجیل نظیر در ابتدا از دورانی طولانی در جلیل یاد شده، سپس یک راهپیمایی کم و بیش طولانی به سوی یهودیه و بالاخره اقامتی کوتاه در اورشلیم آمده است؛ در صورتی که در انجیل یوحنا تغییر مکانهای متعددی از یک منطقه به منطقه دیگر روایت شده و سپس حضوری دراز مدت در منطقه یهودیه و مخصوصاً در اورشلیم آمده است (۱:۱۹-۵۱:۲؛ ۱۳:۳-۳۶:۵؛ ۴۷-۱:۵؛ ۷:۱۴-۲۰:۳۱). یوحنا از چندین بار برگزاری عید گذر یاد می‌کند (۲:۱۳؛ ۵:۱؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵) و بدین سان نشان می‌دهد که رسالت عیسی بیش از دو سال بوده است.

برای کسانی که ترتیب و توالی کنونی مطالب کتاب را می‌پذیرند ترکیب و ساختار انجیل را به طریق مختلفی می‌توان توضیح داد ولی در هر صورت تقریباً پذیرفته شده است که انجیل به دو بخش تقسیم می‌شود و قبل از این دو بخش پیشگفتاری آمده است. ضمناً با توجه به مشخصات جغرافیایی یا ترتیب و توالی وقایع یا تکرار بعضی طرحهای ادبی (روایت - گفتار) به آسانی می‌توان تشخیص داد که متون مجزای متعددی وجود دارد. ولی این متون به چه ترتیبی نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ به نظر بعضی از نویسندگان، این انجیل بر مبنای طرحی معین و منطقی تنظیم شده و نظریات مهم الهیاتی به شیوه منظمی تشریح گشته است (روشنایی، زندگی، شکوه). کسان دیگری در این کتاب مراحل برخورد و رویارویی تدریجی مسیح با «دنیا» را می‌بینند و آن را همچون نمایشنامه‌ای غم‌انگیز یا محاکمه‌ای می‌دانند که در جریان وقایع عید گذر به پایان می‌رسد. طرحهای دیگری پیشنهاد شده که بر مبنای موضوعات مربوطه است. طرفداران این طرحها نمی‌پذیرند که در انجیل یوحنا مجموعه‌ای با ترکیب منطقی و دقیق وجود داشته باشد بلکه به نظر آنان این کتاب نوعی نوشته ادبی است که یادآور تغییرات آهنگ موسیقی است. به طوری که نشان داده شده برخی فنون ادبی زبان سامی نظیر «ادخال» در این اثر بکار رفته است. بسیاری از دانشمندان اهمیت بعضی اعداد و جنبه نمادین آنها را یادآوری کرده و طرحهایی بر مبنای اعداد سه و هفت ارائه داده‌اند. بالاخره برخی ادعا کرده‌اند که جریان وقایع با آنچه در سفر خروج آمده تطبیق می‌کند و بعضی از محققان فرضیه‌ای پیشنهاد کرده‌اند که بر طبق آن انجیل یوحنا تقلید و اقتباس از نوشته‌هایی است که در کنیسه‌های قدیم قرائت می‌شد.

این انجیل با اناجیل نظیر تفاوت بسیار دارد: اصطلاح «ملکوت خدا» فقط یک بار بکار برده رفته است (۳:۵)؛ یوحنا ترجیح می‌دهد در زندگی و از زندگی جاودان سخن بگوید و موضوعاتی از قبیل دنیا، نور و ظلمت، حقیقت و دروغ، شکوه خدا و شکوه ناشی از انسانها را دوست دارد.

گرچه مطالبی در روایات اناجیل نظیر هست که در انجیل چهارم وجود ندارد اما در عوض حاوی اطلاعات جدیدی است: نشانه قانا (۱:۲-۱۱)، گفتگو با نیکودیموس (۳:۱-۱۱)، گفتگو با زن سامری (۴:۵-۴۲)، رستاخیز ایلعازر و نتایج آن (۱۱:۱-۵۷)، شستشوی پاها (۱۳:۱-۱۹) و نکات مختلفی در روایت مصائب و مصلوب شدن رستاخیز عیسی. همچنین ملاحظه می‌شود که برای روشن شدن وقایع ذکر شده خطابه‌ها و گفتگوهای طولانی آمده است از جمله گفتگو و خطابه مهم نهایی پس از شام آخر (۱۳:۳۱-۲۶:۱۷) که به استقبال دوران کلیسا می‌رود.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که یوحنا تا چه اندازه با اناجیل نظیر آشنایی داشته است؟ تعداد زیادی از مفسران تصور کرده‌اند که از آنها آگاهی نداشته و فقط روایات مربوط به خداوند را می‌شناخته است چنانکه اناجیل نظیر هم به نوبه خود به آنها اشاره و مراجعه کرده‌اند، با این همه بین اناجیل چنان ارتباط واضح و روشنی وجود دارد که کاملاً محتمل است یوحنا با انجیل مرقس و مخصوصاً انجیل لوقا آشنایی داشته ولی در مورد انجیل متی موضوع کاملاً روشن نیست.^۲ به

همچنین تفاوت‌هایی از نظر شیوه نگارش و طرز انشاء مشاهده می‌شود: در اناجیل نظیر اکثراً متونی مختصر، نکات و گزیده‌هایی از حکمت و اندرز یا روایاتی از معجزه‌ها وجود دارد که حاوی اظهارات کوتاهی می‌باشد در صورتی که یوحنا تعداد محدودی از وقایع یا نشانه‌ها را ذکر کرده و اکثراً آنها را با گفتگوها و خطابه‌هایی روشن نموده است و در انجام این امر گاهی به لحظاتی دقیق و هیجان‌آور می‌رسد.

همچنین از ویژگی‌های یوحنا آن است که مطالب بدیع و شگفت‌انگیز بکار می‌برد. البته بسیاری از وقایعی را که اناجیل نظیر روایت کرده‌اند ذکر می‌کند، نظیر فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید عیسی در رودخانه اردن و فراخواندن نخستین شاگردان (۱:۱۹-۵۱)؛ متن مربوط به بیرون کردن سوداگران از معبد (۲:۱۳-۲۱)؛ شفای پسری از افسران (۴:۳۴-۵۴)؛ شفای یک مفلوج (۵:۱-۱۵)؛ شفای یک نابینا (۹:۱-۴۱)؛ تکثیر نانها در کنار دریاچه و راه رفتن بر روی آب (۶:۱-۲۱)؛ مباحثه و مجادله در اورشلیم (۷:۸-۱۰)؛ تدهین در بیت عنیا و جریان وقایع عید گذر (۱۲-۲۱). ولی چنین به نظر می‌رسد که مطالب دیگری از روایات اناجیل نظیر در اینجا وجود ندارد مثل وسوسه در صحرا، تجلی مسیح، روایت مربوط به بنیان‌گذاری راز قربانی مقدس، اندوه عیسی در جتسیمانی، روایات متعددی درباره معجزات و بسیاری از تعالیم (از خطابه روی کوه و اکثر مثل‌ها گرفته تا خطابه درباره پایان روزگار)^۱. همچنین لحن و زبان در

۱- یافتن نکات و مواردی که در مجموعه انجیل یوحنا با این مطالب تطبیق کند کار دشواری نیست مثلاً وسوسه از «دنیا» می‌آید، تجلی در تمام لحظات و مخصوصاً در رستاخیز مسیح وجود دارد. در مورد اندوه ر. ک ۲۷:۱۲؛ در مورد راز قربانی مقدس ر. ک ۵۱:۶.

۲- یو ۵:۸ و مر ۲:۱۱؛ یو ۶:۷ و مر ۶:۳۷؛ یو ۱۲:۳ و مر ۱۴:۳؛ یو ۱۲:۴ و لو ۳۶-۴۴؛ یو ۱۳:۲، ۲۷ و لو ۲۲:۳؛ یو ۲۲:۳؛ یو ۳۸:۱۳ و لو ۲۲:۳۴؛ یو ۱۵:۲۰ و مت ۲۴:۱۰-۲۵؛ یو ۱۸:۱۰ و لو ۲۲:۳۰ و مت ۱۱:۱۱ و مت ۲۶:۵۲؛ یو ۲۰:۲۳ و مت ۱۸:۱۸.

هر صورت می توان گفت که یوحنا به خوبی می دانست مخاطبانش از روایات مهم اناجیل نظیر اطلاع دارند.

یوحنا سعی می کند مجدداً این روایات را ذکر کرده آنها را با اطمینان و آزادی بیشتر از نویسندگان قبلی توضیح دهد و تشریح نماید. به نظر او امانت در آن است که اهمیت و ارزش وقایع نجات را که در عیسی انجام می شود عمیقاً درک نمود و بیان کرد و شاید بتوان گفت چنین امانتی آفریننده است.

مسائل مربوط به نگارش

آیا عدم وابستگی انجیل یوحنا به روایات اناجیل نظیر به معنی استفاده از منابع دیگری است؟ آیا این کتاب از نظر ادبی اثری یکپارچه و یکدست است یا اینکه در نگارش آن از مدارک مختلفی استفاده شده است؟

و قبل از هر چیز این سؤال پیش می آید که اولین بار به چه زبانی نوشته شده است؟ در این انجیل اصطلاحات متعددی وجود دارد که مختص زبان آرامی است لذا بسیاری از دانشمندان از این فرضیه طرفداری می کنند که نسخه اصلی به زبان آرامی بوده و سپس به یونانی ترجمه شده است؛ دانشمندان دیگری چنین پنداشته اند که نویسنده یونانی از برخی متون که به زبان آرامی بوده استفاده کرده است ولی با بررسی های دقیق تر این فرضیه ها کنار گذاشته شدند. انجیل یوحنا از نظر ادبی اثری یکدست و یکپارچه است و مستقیماً به زبان یونانی کم مایه ولی صحیح و به قاعده نوشته شده است، با این همه خواننده را شدیداً تحت تأثیر قرار می دهد و این از مختصات انجیل چهارم است. در این کتاب مخصوصاً کلمات و جناس هایی بکار برده شده که معادل آنها در زبان

آرامی وجود ندارد و در ضمن از شیوه نگارش و نکات ادبی که در آن بکار رفته می توان نتیجه گرفت که انشای آن یکدست می باشد. نکات بسیاری نشان می دهد این نویسنده که به زبان یونانی می نویسد اصلاً سامی نژاد است یا اینکه ترجمه یونانی عهد عتیق (هفتاد تنان) بر او اثر گذاشته است. البته ممکن است از منابع مخصوصی به ویژه از مجموعه روایات معجزات استفاده کرده باشد ولی آنها را نیز به مانند روایات اناجیل نظیر آزادانه و بدون تکلف بسط و توضیح داده است. لازم به یادآوری است که یوحنا وابسته به محافل مسیحی بوده و در بعضی موارد از عبارات و اصطلاحات آیین نیایش و متون موعظه های مذهبی استفاده می کند، مثلاً چنین می نماید که کهن ترین قسمت مقدمه این انجیل از سرودی گرفته شده که یادآور نامه های دوران اسارت یا نامه های رسولی است و گفتار مربوط به نان زندگی طبق گفتارهای مذهبی کاهنان یهود تنظیم گشته است.

محیط اندیشه

هر اندیشه ای از طریق زبان بیان می شود و به محیط های فرهنگی بستگی دارد. در بیان هر اندیشه ای کلمات و مقولاتی بکار می رود که انعکاسی از نظریات و اشتغال خاطر مردمان آن محیط است. هرگاه اندیشه ای تازه و بدیع باشد بیان آن مستلزم ایجاد روایتی جدید بین کلمات و مطالب است و باید به وسیله مصالحی که از جاهای دیگر به عاریت گرفته می شود مطالب تازه ای اظهار گردد. کتاب مقدس از این قوانین مستثنی نیست. بنابراین ریشه سخنان و طرز بیان یوحنا را باید در تمدن و فرهنگهای مختلفی جستجو کرد که در نواحی شرقی امپراتوری روم در کنار یکدیگر

قرار داشته اند و انجیل در میان آنها به رشته تحریر درآمده است.

به نظر دانشمندان موارد تماس و ارتباط این انجیل با فرهنگهای مختلف خیلی زیاد و متنوع هستند. در ابتدا تأثیر تمدن و فرهنگ یونانی و سپس روابط فراوانی که با عهد عتیق و محافل مختلف دارد مشخص شده و حتی دریافته اند که ارتباط هایی با جریانهای فکری گنوسی^۳ وجود دارد.

الف) نفوذ تمدن یونانی: مسلم است که انجیل یوحنا بیشتر از انجیل نظیر با فرهنگ یونانی که در خاورمیانه نفوذ کرده بود در ارتباط است. ابراز علاقه به موضوعات مربوط به شناخت حقیقت، بکار بردن عنوان یونانی Logos (سخن) و مخصوصاً کاربرد فراوان تمثیل، تحقیقات دانشمندان را در این طریق هدایت می کند. در این مورد مخصوصاً باید از فیلون اهل اسکندریه یاد کرد که در قرن اول میلادی به وسیله اقدامات وسیع و گسترده ای سعی کرده بود میراث مذهبی یهود را با تمدن و فرهنگ یونانی هماهنگ سازد. وی هر چند در آثار خود موضوع لوگوس را به طور مبهم ذکر نموده ولی جایگاه مهمی برای آن قائل شده است و این نکته نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی را تأیید می کند. ظاهراً چنین به نظر می رسد که افکار فیلون در محافل یهودیان خارج از فلسطین (مهاجران یهودی) رواج داشته و موجب ایجاد سبکی در تحقیق و زندگی شده بود ولی دیدگاه کلی کاملاً متفاوت است، بدین معنی که در نوشته های یوحنا مدارج شناخت علوم و اندیشه های فلسفی منتهی به معرفت «هستی» وجود ندارد: به نظر او موضوع اصلی شناختن

«پسر تن گرفته» در ایمان است. حتی موقعی که همان کلمات بکار می رود معانی آنها تغییر می کند: مثلاً کلمه لوگوس که یوحنا ذکر می کند مخلوق واسطه ای بین خدا و جهان نیست بلکه پسر ازلی است که در عمل خدا شراکت کامل دارد.

در آغاز قرن اخیر که اشکال رایج زندگی فلسفی و مذهبی شناخته شد و دریافتند که در آن دوران تا حدی تمایل به ایجاد وحدت بین عقاید و ادیان وجود داشته شباهت های دیگری در عبارات و بیان انجیل ملاحظه نمودند. بعضی چنین نتیجه می گرفتند که انجیل یوحنا اقدامی گسترده برای انطباق دادن مسیحیت با سایر ادیان است بدین معنی که نظریات مکاشفه ای و یهودی از آن حذف شده و به صورت عقیده ای عرفانی و شخصی تغییر یافته است.

ب) تأثیر و نفوذ یهودیت: ولی دیری نپایید که متوجه شدند انجیل چهارم در عهد عتیق و یهودیت ریشه دارد زیرا شیوه نگارش و تعداد زیاد ترکیب عبارات سامی موجب شده بود تصور کنند که این انجیل در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده است. از سوی دیگر یادآوری و تأکید شده که در این انجیل اشاره به عهد عتیق اهمیت فراوانی دارد. گرچه یوحنا به ندرت صریحاً از عهد عتیق نقل قول می کند و گرچه در پی آن است که نظام کهن را از نظام نوین کاملاً جدا و متمایز سازد با این همه عبارات و اصطلاحات متعددی را از عهد عتیق بکار می برد مخصوصاً موضوعات ادبی که در نوشته های حکمت عهد عتیق آمده است نظیر آب، مائده آسمانی، من، شبان، درخت مو و معبد، چنانکه گویی یوحنا به موضوعات مذکور کاملاً آشنا بوده و مفاهیم مختلف آنها را می دانسته است

۳- نهضت های مذهبی که بین قرن اول پیش از میلاد و قرن چهارم میلادی شیوع داشت و نجات را از شناخت و معرفت اسرار الهی می دانستند و منکر ارزشهای دنیوی بودند.

ولی آنها را به طریق شخصی و به نحو بدیعی بکار برده است.

وانگهی متوجه شده اند که موارد ارتباط متعددی با یهودیت دوران انجیل نگار وجود دارد (نوع استدلال، روش انشا، اطلاعات و کلماتی که در آن زمان در محافل کاهنان یهود رایج بود). حتی بعضی ها تصور کرده اند که در این انجیل اشاراتی از آیین نیایش یهود وجود دارد یا از آن به عاریت گرفته شده است. آنچه مسلم است یوحنا کاملاً در جریان رسوم و عادات و افکار یهودیان فلسطین قرن اول میلادی بوده ولی به اختلافات عمیقی که آن را از مسیحیت جدا می کند کاملاً آگاه است. این جدائی عملاً انجام شده بود (ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲) و یوحنا که از دنیای متشرعان یهود و آداب نیایش مربوطه کاملاً فاصله گرفته بود نوآوری و تعالی دنیای تن گیری پسر خدا را روشن می کند.

مدارک قمران که پنجاه سال پیش کشف شده ما را با محیط یهودیان دیگری آشنا می کند که با انجیل چهارم قرابت هایی دارد. مثلاً مشاهده می شود که در زمینه های مذهبی و اخلاقی در هر دو طرف نوعی دوگانگی عوامل وجود دارد که در تقابل نور با ظلمت و حقیقت با دروغ بیان می شود. هر دو طرف معتقدند که جماعت آنها آغازگر ایام آخر هستند و کوشش دارند معنی مکتوم قرائنی را که در عهد عتیق آمده درک و کشف نمایند. چه در انجیل یوحنا و چه در اسناد قمران اهمیت زیادی برای «استاد آموزه» قائل شده و در مورد نقش روح حقیقت یا تسلی دهنده تأکید می کنند.

ولی در کنار این نکات مشترک، اختلافات متعددی نیز بین دو جماعت وجود دارد و جو محیط کاملاً متفاوت است. یوحنا به همان گونه که از

روحیه مکاشفه ای بعضی مدارک قمران بدور است مقررات شدید شرعی را که در آن جماعت رعایت می کردند نمی پذیرد. نقش عیسی به کلی غیر از نقش «استاد عدالت» یا دو مسیح موعود فرقه قمران است. البته می توان مطابقت هایی در عبارات و هدفهای آنان پیدا کرد ولی مجموعه گرایشهای این جماعتها اصولاً متفاوت است.

ج) افکار گنوسی: از دو قرن پیش به این طرف سعی شده که موقعیت انجیل را نسبت به جریان افکار گنوسی تعیین کنند. می دانیم که نظریات گنوسی ها به طور کلی به صورت آموزشی پنهانی ارائه می شد که پیروان خود را پس از چند دوره تصفیه، از طریق معرفت به حقایق مذهبی یا به وسیله خلصه به سوی نجات و رستگاری رهبری می کردند و در این عقاید نسبت به حقایق مادی و نفسانی نوعی نفرت واقعی تلقین شده و آنها را شر مطلق بشمار می آوردند. از طریق متونی که پس از قرن اول میلادی نوشته شده با گرایشهای گنوسی ها آشنایی داریم. این متون در اوضاع و احوالی نوشته شده که تحت نفوذ تمدن یونانی و کمابیش تحت تأثیر شرقیان بوده یا در محیطی مسیحی نگارش یافته است. ضمناً می توان تصور کرد که بعضی از روایات گنوسی که مربوط به دوران قدیم تری است با انجیل چهارم تلاقی داشته اند.

بررسی این مسئله بدان سبب حساس و دقیق است که منابع مربوطه خیلی نادر بوده و در تاریخهای بعدتری نوشته شده اند. چنانچه تسلیم تصور و خیال نشویم و بر مبنای مدارکی که بعدها نوشته شده قواعد و اصول گنوسی را در نظر بگیریم که بیشتر محافل مذهبی قرن اول میلادی را دربر می گرفته بایستی فقط بر رسالات شاخص «مجموعه قوانین رهبانی» تکیه نماییم. دو تا از

این رسالات (شماره ۱ و ۱۳) اصول و ترتیباتی نسبتاً روشن را ارائه می‌کنند. بدین شرح که انسانی الهی یا انسان اولیه سقوط کرده و در ماده آلوده و غوطه‌ور شده است؛ سپس اوضاع و احوال مراحل بالا رفتن او به آسمانها توصیف شده که از میان جوهای اهریمنی و تحت نظارت سیارات می‌گذرد. در این مدارک خدا به صورت «موجودی» اسرارآمیز، منبع نور و زندگی معرفی می‌شود و زندگی واقعی برای آدمیان آن است که در معرفت فوری و سعادت بخش به او ملحق شوند.

تعیین ارتباط بین نوشته‌های یوحنا و این رسالات دشوار است (و در صورتی که ارتباطی وجود داشته باشد کدام یک بر دیگری اثر گذاشته است؟)^۴، ولی باید پذیرفت که در هر دو نظریات و بعضی عبارات مشترک هستند. یوحنا در محیطی مختلط و در هم پیچیده تربیت شده بود که در آن گرایشهای مختلفی با یکدیگر تلاقی و برخورد می‌کردند و اوضاع و شرایط این محیط او را برانگیخت تا ارتباط بین معرفت و زندگی الهی را که ممکن است به آدمیان ارزانی شود کاملاً روشن و نمایان سازد. ولی او به طرز شگفت‌انگیزی عمل کرده زیرا ایمان او به اینکه همه چیز را خدا آفریده منافعی با بدبینی فلسفه ماوراءالطبیعه است و به نظر او تن‌گیری پسر جاودانی به جسم و وضعیت بشری معنی و مفهومی می‌دهد که به کلی با نظریات و افکار گنوسی‌ها تفاوت دارد.

د) نوآوری و اصالت یوحنا: با وجود کلیه مقایسه‌های دقیق و حساس نمی‌توان محیطی فکری تعیین کرد که یوحنا نظریات اساسی آن را پذیرفته باشد. چنین به نظر می‌رسد که وی در نقطه تلاقی جریانهای مهم فلسفی و مذهبی دوران

خود می‌زیسته، احتمالاً در یکی از شهرهای بزرگی که در آنجا افکار یونانی با تصوف و عرفان شرقی برخورد و تلاقی داشته و حتی یهودیت هم تغییر یافته و نفوذ خارجی را پذیرفته بود. با این همه نباید اصالت و نوآوری عمیق افکار او را نادیده گرفت. زیرا اندیشه او به زندگی و گفتارهای جماعتی که بدانها تعلق داشت وابسته است. وی قبل از هرچیز به وقایع اساسی و بنیادی مسیحیت اشاره می‌کند و از اصطلاحات و مطالبی که در ابتدا برای بیان الهیات مسیحی بکار می‌رفته استفاده می‌نماید. ضمناً ملاحظه شده که بعضی از نکاتی که وی ذکر کرده شبیه نوشته‌های پولس است مخصوصاً نامه‌هایی که وی در زندان نوشته و مدارکی که طبق روایات مربوط به افسس می‌باشد؛ همچنین یوحنا با متون مختلف آیین نیایشی آشنا است.

با این همه و با اینکه انجیل نگار در محیط مسیحیت آن دوران ریشه دارد مانع از آن نبوده که اثری شگفت‌انگیز و بدیع بوجود آورد که پخته و سنجیده و کاملاً مستقل از جریانهای فکری مختلفی باشد که بدانها برخورد کرده و برای آنها ارزش قائل بوده است. یوحنا همه چیز را با توجه به نظریه‌ای پیچیده که در عین حال خیلی ساده است یعنی واقعیت نقش عیسی، مسیح، پسر خدا (۳۰:۲۰) گرفته و تحلیل می‌کند.

انجیل چهارم و تاریخ

از آغاز قرن نوزدهم میلادی موضوع ارزش تاریخی انجیل چهارم مطرح گردید. همان‌طور که قبلاً ملاحظه شد انجیل یوحنا از بسیاری جهات متمایز از اناجیل نظیر است چنانکه بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح کردند که آیا جنبه

۴- تأثیر انجیل یوحنا بر قسمتهایی از رساله ۱۳ بسیار محتمل است.

الهیاتی این کتاب برای پاسخ دادن به مطالب دیگری غیر از مسائل تاریخی است؟ آیا بکار بردن رموز و اشارات برای آن نیست که خواننده را به ماورای وقایع و گفتارها بدان گونه که در نخستین مرحله درک می شود هدایت نماید؟ لذا بسیاری از منتقدان ارزش انجیل چهارم را به عنوان مدرکی تاریخی صریحاً رد کردند و آن را رساله ای در بررسی و تحقیق یا حتی «فرضیه الهیاتی» بشمار آوردند. ولی بررسی دقیق تر روش نگارش انجیل نظیر و هدف و منظور آنها، تفکر مجدد درباره روش تاریخی و مطالعه و تأمل در مورد اطلاعاتی که یوحنا داده است خواننده امروزی را وادار می کند که نظریه سابق را کنار بگذارد زیرا مسئله بغرنج تر از نظریات مذکور است.

یوحنا وقایع زیادی را ذکر می کند که انجیل نظیر به نوبه خود گزارش می نمایند و این موضوع مخصوصاً در مورد فعالیت یحیی تعمید دهنده، تعمید در رودخانه اردن و چندین معجزه به ویژه تکثیر نانها صدق می کند (۱۹:۱-۵۱؛ ۲:۱۳-۲۱؛ ۶:۱-۲۱)؛ همچنین در مورد مجموعه روایات مربوط به مصائب و مصلوب شدن و رستاخیز عیسی (۱۲-۲۱). از مقایسه این قسمتها می توان نتیجه گرفت که منظور یوحنا آن است که وقایعی را ذکر نماید که در روایات آمده و شناخته شده است و این عمل را با امانت انجام می دهد. حتی در موارد بسیاری نکات تازه ای ذکر می کند که ارزش تاریخی آنها قابل توجه است مثلاً اطلاعات جغرافیایی و تاریخی و همچنین مطالبی درباره تشکیلات و تهادهای یهودیان و رومیان که نشان می دهد شرایط زندگی مردم را در آغاز قرن اول میلادی در فلسطین به خوبی می شناخته است.

در صورتی که پس از جنگ سالهای ۶۶-۷۲ میلادی این اوضاع سپری شده بود. بنابراین یوحنا دقت نموده که به اوضاع و شرایط واقعی تاریخ عیسی وابسته بماند: اکنون در برابر ما افسانه ای الهیاتی قرار ندارد بلکه انجیل از کسی سخن می گوید که زندگی کرده، مرده و در لحظه دقیق و معینی رستاخیز کرده است (ر.ک ۲:۲۰) و یوحنا به خوبی به روایات آن آشناست. این مؤلف خود را شاهد می نامد یا لااقل او را با این عنوان می شناختند (۱۹:۳۵؛ ۲۱:۲۴) و این متضمن صحت وقایع است یا اینکه حقایق را شخصاً شناخته و گواهی کرده باشند. اگر پیام انجیل اساساً این است که «سخن تن گرفت و در میان ما ساکن شد» به طوری که «ما شکوه او را دیده ایم» می توان اهمیت منحصر به فرد حقیقت تاریخی وقایعی را که ذکر شده درک نمود. یوحنا معنی آنچه را در عیسی مسیح روی داده روشن می کند و بدین سبب کتاب او در ابتدا همچون رابطه بین مجموعه ای از نشانه ها ارائه می شود که از میان نشانه های بسیار انتخاب شده است (۲۰:۳۰-۳۱؛ ۲۱:۲۵). انجیل نگار با انجام این عمل همان روش سنتی کتاب مقدس را بکار می برد که سعی می کند رابطه خدا و قوم او را مرحله به مرحله به عنوان روایت اعمال خدا در تاریخ آدمیان بنویسد. اسرائیل همواره برتری وقایع را بر «سخن»^۵ پذیرفته است. «اندیشه عبری که به وسیله کلمات، سنن و روایات تاریخی بیان می شود اساساً در جهت تلفیق عملی تفسیر مذهبی مطالبی که دریافت نموده حرکت می کند به طوری که ارتباط تاریخی همواره مقدم بر اندیشه مذهبی است.»

۵- البته در آیین یهود، در دورانی که مؤخر بر کتاب مقدس است تاریخ را اجرای طرحی می دانستند که به وسیله یک سخن بیان شده است.

زیرا کافی نیست که انجیل نگار وقایع را فقط به همان گونه که روی داده گزارش نماید بلکه بایستی در معنی و مفهوم آنها تعمق کرده (ر.ک. ۱:۹-۴۱) اهمیت و ژرفای آنها را درک نماید تا شاگردان در راه معرفت پیشرفت کنند و برای زندگی جاودان آماده شوند. این نشانه ها روایت شده «تا شما ایمان بیاورید که عیسی، مسیح، پسر خدا است و برای اینکه با ایمان آوردن به نام او زندگی داشته باشید» (۳۱:۲۰). یوحنا به خوبی می داند که این شناخت تدریجی را جز با توجه به رمز وقایع عید گذر نمی توان بدست آورد. برای آنکه معنی عمیق زندگی عیسی و کوچکترین کارهای او روشن شود لازم بود که مسیح به وسیله صلیب به شکوه تمام بگذرد. در عین حال موهبت روح حقیقت که ثمره عید گذر است ضرورت داشت (۷:۳۹؛ ۱۶:۷؛ ۲۰:۲۲):

زیرا روح القدس ایمانداران را به شناختن حقیقت و تمام حقیقت می رساند یعنی به درک آنچه حقیقت عمل عیسی پسر تن گرفته خدا است (۱۶:۵-۱۵). آنچه یوحنا تذکر داده و یادآوری می کند درک و شناسایی کامل تاریخ زندگی عیسی است (۲:۲۱-۲۲؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶-۲۷).

برطبق روش و سنت مهمی که در مسیحیت وجود دارد این ادراک به وسیله انتساب و مقایسه وقایع زندگی عیسی با وقایع و گفتارهای پیامبران عهد عتیق به دست می آید و بدین گونه مفهوم آنها روشن می شود (۲:۱۷؛ ۵:۳۷-۴۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۲:۱۶، ۳۷-۴۱؛ ۱۹:۲۴، ۲۸، ۳۶-۳۷).

یوحنا بیش از هر کس دیگر تازگی حقایق را که در عیسی تجلی می نماید دریافته و این حقایق را برابر طرحهایی که مختص مسیحیت است بیان می کند.

بنابراین ما در برابر اقدامی قرار داریم که کاملاً تاریخی است ولی با اقدامات و مقتضیات تاریخ نویسان معمولی تفاوت دارد. زیرا تاریخ نویسان وقایع را عیناً گزارش می کنند ولی به هیچ وجه مفهوم آنها را روشن نکرده و نمی گویند که در مجموعه نظام نجات این وقایع در چه محلی قرار دارند. مفسران جدید ممکن است آن را تاریخ «اعلام منویات خدا» یا «تاریخ کیفی» بنامند. قبلاً مفسران کهن مسیحیت از «انجیل معنوی» نام می بردند (کلمان اهل اسکندریه). این ادراک عمیق مسیح و عمل او اکثراً به کمک ارائه تاریخ با رموز و اشارات انجام می شود. توجه شاگردان رفته رفته جلب شده و کشف می کنند که اعمال و سخنان درجات مختلفی دارد و مفهوم آنها همواره ماورای خود اعمال و سخنان است و بدین گونه اهمیت «نشانه» معلوم می شود که معانی مختلف و متعدد یک عمل یا یک گفتار را یادآوری می کند (۳:۱۴-۱۵؛ ۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲) همچنانکه در برابر سخنان رقیبان نوعی تمسخر زیرکانه وجود دارد که ممکن است مفهومی غیر از آنچه می خواهند بگویند دربر داشته باشد (۷:۵۲؛ ۹:۲۴-۲۷؛ ۱۱:۴۹؛ ۱۲:۱۹؛ ۱۶:۳۰؛ ۱۹:۱۸-۲۲). فقط با تجربه روح القدس می توان هدف و منظور متن را دریافت.

نویسنده

از تمام این ملاحظات نتیجه می گیریم که انجیل یوحنا تنها شهادت یک شاهد عینی نیست که فردای وقوع رویدادها به یک باره نوشته شده باشد بلکه برعکس همه شواهد حاکی است که پس از تعمق طولانی تهیه شده است. با این همه چنین به نظر می رسد که کتاب ناتمام مانده زیرا شیوه ارتباط دادن بعضی از

هویت او را یکی از پسران زبیدی تعیین کرده اند که یکی از دوازده رسول بود، ولی متنی از پاپیاس که اسقف هیراپولیس در فریجیه بوده و مربوط به حدود سالهای ۱۴۰ میلادی است در این مورد تردید ایجاد کرده و چنین می نویسد: «تردیدی به خود راه نخواهم داد که در تفسیرهای خود چیزی بگنجانم که روزی از قدما آموخته و به خوبی در خاطر خود حفظ کرده و از واقعیت آنها اطمینان دارم... حتی اگر کسی می آمد که پیرو قدما بوده است از گفته های قدما اطلاع بدست می آوردم: مثلاً آنچه آندریاس، یا پطرس، یا فیلیپس، یا توما، یا یعقوب، یا یوحنا، یا متی، یا یکی دیگر از شاگردان خداوند گفته بودند یا آنچه آریستیون و یوحنا پیر شاگردان خداوند می گویند» (اوزبیوس، جلد سوم تاریخ کلیسا ۳:۳۹-۴). بنابراین در نوشته پاپیاس یک نفر به نام یوحنا ذکر شده که رسول و یکی از دوازده تن است و یوحنا دیگری که پیر و شاگرد خداوند است. ولی موضوع نوشته ها در کار نیست بلکه پاپیاس مخصوصاً به «سخن زنده و پادار» علاقمند است. در پایان قرن دوم میلادی ایرنائوس به صراحت می نویسد: «سپس یوحنا، شاگرد خداوند، همان کسی که بر سینه او تکیه کرد در مدتی که در افسس می زیست انجیلی نوشت.» ایرنائوس خود را شاگرد پولیکارپ معرفی می کند که «از روابط خود با یوحنا و سایر شاگردان خداوند سخن می گفت...» (اوزبیوس، جلد پنجم تاریخ کلیسا ۶:۲۰-۸). به نظر ایرنائوس منظور یوحنا پسر زبیدی و یکی از دوازده تن است. لازم به یادآوری است در این دوران کاملاً گرایش بر آن بود که علی رغم تردیدهایی که

مطالب ناشیانه است و حتی بعضی از قطعات ارتباطی با ترکیب و مطالب سایر عبارات ندارد (۱۳:۳-۲۱، ۳۱-۳۶؛ ۱۵:۱). وضعیت طوری است که گویی نویسنده احساس نمی کرده هرگز آن را به پایان خواهد رساند و بدین گونه بی ترتیبی نسبی قسمتهای کتاب را می توان توضیح داد. محتمل است انجیل را به صورتی که امروزه در دست داریم شاگردان نویسنده منتشر کرده و باب ۲۱ و چندین تذکر به آن افزوده باشند (مثلاً ۲:۴ و شاید ۱:۴؛ ۴:۴؛ ۷:۳۹؛ ۲:۱۱؛ ۱۹:۳۵). و اما درباره روایت زن زناکار (۷:۵۳-۸:۱۱)، همه بر این عقیده اند که این قطعه از منبعی ناشناخته است که بعداً در انجیل گنجانیده شده است (با این همه جزو نوشته های رسمی و مورد قبول کلیسا است).

در مورد نویسنده و تاریخ نگارش چهارمین انجیل به هیچ وجه قرینه صریحی در متن این اثر وجود ندارد و شاید تعمداً چنین است زیرا نباید توجه به شخصیت شاهد معطوف گردد بلکه به کسی توجه نمایند که زندگی و اعمال او را اعلام کرده و درباره او تعمق و نظاره نموده است (۳:۲۹؛ ۸:۱؛ ۴:۴۱). با این همه آیه ۲۱:۲۴ که به انجیل افزوده شده جای شکی باقی نمی گذارد که نویسنده انجیل «شاگردی» است که عیسی او را دوست می داشت و همان کسی است که چندین بار در جریان وقایع عید گذر از او یاد می شود (۱۳:۲۳؛ ۱۹:۲۶؛ ۲۰:۲) و یقیناً منظور همان «شاگرد دیگری» است که در چندین متن ذکر شده بدون اینکه نام او آورده شود (۱:۳۵-۳۹؛ ۱۸:۱۵). این شاگرد از قرن دوم میلادی به بعد در روایات کلیسا به نام یوحنا خوانده شده و

چهارم (۳۱:۱۸، ۳۳، ۳۷-۳۸) در مصر کشف شده که بهترین متخصصان تاریخ آن را مربوط به سالهای ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلادی می‌دانند و بنابراین منتقدان مجبور شده‌اند به نظریات سنتی بازگشته تاریخ انجیل را حدود اواخر قرن اول میلادی بپذیرند. بسیار محتمل است که انجیل در یکی از کلیساهای آسیای صغیر که تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی بوده (افسس) نوشته شده باشد. البته نمی‌توان فرضیه نگارش انجیل را به وسیله خود یوحنا کنار گذاشت ولی اکثر منتقدان این احتمال را نمی‌پذیرند. بعضی از آنان نام مؤلف را ذکر نکرده و او را فردی مسیحی توصیف می‌کنند که به زبان یونانی می‌نوشت و انجیل را در یکی از کلیساهای آسیا به رشته تحریر درآورد، یعنی در محلی که جریانهای مختلف فکری دنیای یهود و دنیای مشرق که تمدن یونانی را پذیرفته بود برخورد و رویارویی داشتند. منتقدان دیگری این نکته را می‌افزایند که نویسنده انجیل وابسته به روایاتی است که مربوط به یوحنا رسول است و بدین سبب در این انجیل برای «شاگردی که عیسی دوست داشت» مقام ممتازی قائل شده‌اند و ضمناً چنین به نظر می‌رسد که این شاگرد را یوحنا پسر زبدی تشخیص داده‌اند؛ شگفت آنکه این شاگرد تنها رسول از بین رسولان مهمی است که هرگز نام او ذکر نشده.

الهیات

اندیشه و افکار یوحنا درباره الهیات را نمی‌توان به شکل یک نظریه کلی و ترکیبی ارائه نمود. وی که به سنت‌های بزرگ کتاب مقدس وفادار است در نظر ندارد مجموعه‌ای

وجود داشت نوشته‌های رسمی و مورد قبول کلیسا را به یکی از دوازده رسول نسبت دهند. در مورد نویسنده انجیل چهارم به طوری که ملاحظه می‌شود تقریباً اتفاق آراء وجود دارد بدین معنی که تمام نویسندگان کتابهای رسمی کلیسا (فهرست موراتوری، کلمان اهل اسکندریه، اوریجن، ترتولیان) نقش یوحنا را که یکی از دوازده تن بود ذکر کرده و این موضوع را قطعی می‌دانستند، فقط عده معدودی از مسیحیان روم که در اطراف کشیش کایوس گرد آمده بودند بدون آنکه به روایات استناد کنند اظهار تردید می‌کردند. در آغاز قرن ۱۹ میلادی، منتقدان این نظریه سنتی را مورد بحث قرار داده، تفاوت‌های این انجیل با اناجیل نظیر و همچنین نظریات مشروح الهیاتی در این انجیل را یادآوری کردند. البته وقتی مؤلف را به عنوان شاهد عینی نمی‌پذیرفتند اکثراً ارزش تاریخی کتاب او را انکار می‌کردند و او را الهیدانی بشمار می‌آوردند که در حدود اواسط قرن دوم میلادی جریانهای فکری پطرس و پولس را با یکدیگر ترکیب و تلفیق نمود. در آغاز عکس‌العمل محافل کلیسا خیلی شدید بود زیرا در آن اوقات مسئله منابع انجیل یوحنا و ارزش شهادت او را کاملاً به یکدیگر وابسته می‌دانستند، چیزی نمانده بود که انتساب این متن به شخص یوحنا رسول به صورت مسئله‌ای ایمانی درآید. امروزه ما یاد گرفته‌ایم که مسائل را بهتر تشخیص دهیم و با پیشرفت‌هایی که در امر بررسی تاریخ و روشهای آن حاصل شده می‌توانیم از نظریات مختلف گذشته صرف نظر نماییم. لازم به یادآوری است قطعه‌ای از انجیل

خلال وقایع زندگی عیسی که در عید گذر به اوج خود می رسد خدا در جهان تجلی می نماید (شکوه)، ولی این تظاهر امری مربوط به دنیا و دنیوی نیست بلکه دنیا را مورد بحث قرار داده و آن را استیضاح می کند. آنان که ایمان می آورند زندگی جدیدی آغاز خواهند کرد ولی دنیا به صورتی که هست آنچه را که متناسب و هماهنگ با او نباشد نخواهد پذیرفت و انجیل نتیجه این برخورد را که مصائب، صلیب و رستاخیز خواهد بود ذکر می کند. دنیا در «ساعتی» که تصور می کرد ب رکسی که اساساً نمی شناخت پیروز خواهد شد داوری و محکوم گردید.

یوحنا ازلی بودن مسیح را توصیف نمی کند و مثلاً گفتگوی آسمانی را که طی آن رسالت خود را دریافت می کند ذکر نمی نماید زیرا در اینجا سخن از افسانه و اسطوره نیست. برای کسانی که به وسیله ایمان و موهبت روح القدس در راه شناخت و معرفت پیش می روند پدر در وجود عیسی تجلی می نماید.

از قواعد و اصول پیشنهاد نماید بلکه می خواهد وقایع مربوط به نجات را روشن کند. در این فکر نیست که یک اصل اساسی مقرر سازد که بر مبنای آن اطلاعات موجود را طبقه بندی نمود بلکه تمام توجه او بر مسیح متمرکز است: بدین معنی که ایمانداران به شرط شناختن او و در همبستگی با او به زندگی جاودان دست یافته پدر را کشف خواهند نمود و در اینجا فقط به ذکر تعدادی از راههای وصول به آن اکتفا می شود.

البته طرح ازلی بودن - تن گیری پسر خدا مختص به انجیل چهارم نیست. همین موضوع در جاهای دیگر مخصوصاً در سرود فی ۲:۶-۱۱ و در کول ۱:۱۵ نیز آمده است ولی در آنجا برای رو در روی هم قرار دادن مصائب و مصلوب شدن مسیح در برابر رستاخیز اوست. یوحنا نظری وسیع تر دارد که مآلاً نظری سنتی تر است بدین معنی که مجموعه زندگی عیسی (نشانه ها و گفتارها) را ملاحظه کرده و اهمیت وافر برای جریان این زندگانی در طی زمان قائل می شود (موضوع «ساعت»). از

انجیل یوحنا

مقدمه^a

و بدون او هیچ چیز از آنچه پدید آمده است، پدید نیامد. زندگی در او بود، و زندگی نور آدمیان بود ^g ؛ و نور در تاریکی می درخشید و تاریکی بر آن دست نیافت ^h .	۱ در آغاز ^b سخن ^c بود و سخن نزد خدا بود ^d و سخن خدا بود. ۲ در آغاز او نزد خدا بود ^e . ۳ همه چیز به وسیله او پدیدار شد ^f	۵:۱۷ ۱-۱۰:۱ مکا:۱۹ حک:۱۹ امث:۸:۲۲ ۱-۸:۶ کول:۱۶-۱۷ عبر:۱-۳ مکا:۱۴-۱۳
--	--	---

a- چنین به نظر می رسد که پیشگفتار انجیل در دو مرحله تنظیم شده است: قسمت اول سرودی به افتخار مسیح است که به عنوان سخن الهی ستایش می شود و این قسمت شیوه انجام پرستش مسیحیان افسس را به یاد می آورد (ر. ک کول:۱:۱۵؛ ۱- تیمو:۳:۱۶؛ عبر:۱-۳)؛ سپس انجیل نگار این قسمت را بسط و توسعه داده تا چند موضوع اساسی اثر خود را ارائه نماید.
b- در این عبارت که نخستین کلمات کتاب پیدایش به کار برده شده منظور از «آغاز» شروع دوران جهان نیست بلکه به «ازل» اشاره می کند. سخن به طرز والا و جاودانی وجود دارد و فعل بودن که به صورت ماضی استمراری بکار رفته این نکته را نشان می دهد.

c- در زبان یونانی، مسیح logos نامیده شده که «سخن» ترجمه شده است؛ این واژه را می توان «کلام» یا «گفتار» ترجمه نمود ولی در این طرز بیان بایستی تأثیر نوشته های عهدعتیق را که جنبه تهذیب اخلاقی دارند در نظر داشت (امث:۸:۲۳-۳۶؛ حک:۷:۲۲-۸:۱؛ بنسی:۱-۲۴؛ ۲۲)، همچنین تأثیر نوشته های یهودیانی که نظریات یونانی گرایی داشتند: برابر این عقاید مسیح به عنوان پسر جاودانی بیاناگر کامل پدر می باشد (ر. ک کول:۱:۱۵؛ تصویر خدای نادیده؛ فی:۲:۶ درباره وضعیت خدا؛ عبر:۱:۳؛ درخشش شکوه پدر). پسر خدا از راه تن گیری، ظهور والای خدا در میان بشریت خواهد بود (ر. ک ۱-یو:۲).
d- گاهی ترجمه می کنند: «به سوی خدامعطوف بود» زیرا حرف اضافه یونانی که در این جمله به کار رفته به مفهوم «توجه به سوی کسی» را نیز می رساند. سخن کاملاً از پدر که در اینجا خدا نامیده شده متمایز است ولی در شراکت کامل با او است چنان که انجیل نگار نشان خواهد داد (۱۷:۵-۳۰).

e- قبلاً در نوشته های عهدعتیق، آفرینش جهان به کلام خدا مربوط و وابسته بود (مز:۳۳:۶؛ ۹؛ ۱۴۷:۱۵-۱۸؛ اش:۴۰:۲۶؛ ۳:۴۸؛ حک:۱:۹، ۹؛ ر. ک پید:۱:۳) یا اینکه به حکمت الهی مربوط می شد (امث:۸:۲۷-۳۰؛ حک:۷:۱۲؛ ۸؛ ۴:۹؛ ۹). تمام فعالیت های خلقت، عمل پدر و پسر است (ر. ک ۱-قرن:۸:۶).

f- فعل یونانی که در این مورد به کار رفته و «نمایان شد» ترجمه شده، همان فعلی است که در پید:۳ آمده و به خوبی مفهوم به وجود آمدن هر چیزی را از «نیستی مطلق» می رساند (ر. ک ۱۷:۲۴). خود ماده هم آفریده شده است، بنابراین اثری از فلسفه ثنویت و وجود دو اصل و مبدأ نیست و افکار گنوسی منتفی می باشد.

g- سخن، منبع و منشأ هر چیزی است که آدمیان را قادر می سازد کاملاً و به تمام معنی زندگی کنند، زندگی مادی و جسمانی و همچنین زندگی که در ملاقات با خدا انجام می شود. ضمناً سخن نوری است که به آدمیان راه راستی را که باید ادامه دهند نشان می دهد (۱۲:۸).

h- کلمه یونانی که در اینجا «دست یافتن» ترجمه شده گاهی «دریافتن» ترجمه می شود: ر. ک ۱۰:۱-۱۳:۱ افس:۱۸:۳؛ فی:۱۲-۱۳؛ ۱۰:۳۴-۱۳:۴. آدمیان نخستین ظهور سخن را که در آفرینش پدیدار شده است دریافته اند (ر. ک ۱-قرن:۲۱:۱؛ روم:۱۹-۲۳؛ حک:۱۳-۹). یا این که برابر یک روایت یونانی که به دوران اوريجن (Origenius) نسبت داده شده می توان چنین درک کرد که آدمیان موفق نشده اند نور را تسخیر کرده بر آن دست یابند (ر. ک ۷:۳۴؛ ۸:۲۱؛ ۳۵:۱۲).

٣:٥-٦:
 ١:١٨:
 ٢-١٨:٥
 روم ١:٣: غلا ٢:٤:
 في ٢:٧:
 ١- تيمو ٣:١٦:
 عبر ٢:١٤:
 ١- يو ٢:٤:
 مكا ٢:٣:

t- منظور مردمان به طور کلی است (۱: ۵، ۹-۱۳) و مخصوصاً شاگردان یا مسیحیان که این تجربه را درک کرده‌اند.

شهادت یحیی

(متی ۱: ۱۲-۱۳؛ مرقس ۱: ۲-۸؛
لوقا ۱۵: ۳-۱۷)

^{۱۹} و چنین است شهادت یحیی به هنگامی
که یهودیان^{۱۹} از اورشلیم، کاهنان و لایوان
را فرستادند تا از او بپرسند: «تو
کیستی^d؟»^{۲۰} و او اقرار کرد، انکار
نکرد، اقرار کرد: «من مسیح نیستم.»^{۲۱}
از او پرسیدند: «پس چه؟ آیا تو الیاس
هستی؟» گفت: «خیر، من نیستم.» «آیا تو
آن پیامبری؟» پاسخ داد: «خیر^e.»^{۲۲} پس
به او گفتند: «تو کیستی؟ تا به کسانی که
ما را فرستاده‌اند، پاسخ دهیم؟ از خود چه
می‌گویی؟»^{۲۳} اظهار کرد: «من صدای آن
موازی

و ما شکوه^u او را تماشا کردیم،
شکوهی که پسری یکتا سرشار از فیض و
راستی^v از پدر دارد.

^{۱۵} یحیی در باره او شهادت می‌داد و فریاد
می‌زد: «این همان است که گفته‌ام: آن
که پس از من می‌آید، پیش از من شده
زیرا پیش از من بوده است^w.»
^{۱۶} زیرا از سرشاری^x او همه ما بهره بردیم و
فیض بیش از فیض^y،
^{۱۷} زیرا تورات به وسیله موسی داده شده، اما
فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح است.
^{۱۸} خدا^z را هرگز کسی ندیده است. یک
خدا، [همان] پسر یکتا^a که در آغوش
پدر است وی او را شناسانید^b.

خروج ۲۵: ۸؛
تث ۴: ۷؛
اش ۶۰: ۱-۲؛
حزق ۳۷: ۲۷؛
۲۷: ۱؛
۳۰: ۲۷؛
مت ۱۱: ۳؛
مر ۷: ۱؛
۳۴: ۳؛
کول ۹: ۱-۱۰؛
خروج ۳۱: ۱۸؛
۳۴: ۶؛
روم ۱۴: ۱۶؛
۱۰: ۴؛
۳۷: ۵؛
۹: ۱۴؛
۱- تیمو ۱: ۱۷؛
۱۶: ۶؛
۱- یو ۱: ۱۲؛
مت ۱۶: ۲۷؛
لوقا ۱۰: ۲۲؛

^u - در نوشته‌های عهد عتیق کلمه شکوه به چیزی اطلاق می‌شود که خدا به آدمیان پدیدار می‌کند؛ گاهی به معنی نوعی درخشندگی
نورانی است که به آنچه مقدس است وابسته است و گاهی وقایعی است که از ورای آنها قدرت خدا ظاهر می‌گردد، یوحنا
فعالیت‌های مختلف عیسی را که شکوه او را نشان می‌دهد توصیف خواهد کرد (۱۱: ۲) و مخصوصاً واقعه عید گذر (۱۳: ۳۱):
۱۷: ۲-۵؛ ۲۳: ۱۲؛ ۲۸)

^v - عنوان پسر یکتا، فرزندی مسیح را توصیف می‌کند که کاملاً جنبه بی‌همتا و یگانه دارد. این عنوان تأیید می‌کند که پسر در
فیض و راستی کاملاً سهیم است. اصطلاح فیض و راستی از خروج ۳۴: ۶ آمده و در آنجا در توصیف احسان خدا
می‌باشد، خدایی که عطایای خود را با کرم زوال ناپذیر خود می‌بخشد.

^w - شهادت یحیی تعمیددهنده ارزش همیشگی خود را حفظ می‌کند. یحیی یادآوری می‌کند که عیسی با آن که از نظر تاریخی پس
از او آمده اما به دلیل مأموریت و منشأ الهی خود از بنیان برتر از اوست.

^x - شناختن سخن تن گرفته، جماعت ایمانداران را هدایت می‌کند که همواره بیش از پیش در تحقق یافتن نعمت‌های روحانی که
در او و فقط در او وجود دارد شرکت داشته باشند.

^y - به طوری که از ترکیب عبارت برمی‌آید منظور آن نیست که فیضی پس از فیض دیگر دریافت شده (مثلاً عهد عتیق و سپس
عهد جدید دریافت شده یا این که مسیح و سپس روح القدس) بلکه امکان دریافت فیض خدا که مرتباً بیشتر و بیشتر می‌شود.

^z - اصولاً آدمی قادر نیست به تنهایی موفق به شناختن خدا شود (تث ۴: ۱۲؛ مز ۹۷: ۲) فقط می‌تواند اشتیاق و تمایل به شناخت
خدا داشته باشد.

^a - رک ۱۳: ۲۳. در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته شده است: آن خدا پسر یکتا.

^b - فقط پسر یکتا که کاملاً و بدون حد و حصر در زندگی پدر سهیم است می‌تواند آدمیان را به دانش و زندگی هدایت کند.
عیسی به وسیله هستی و اعمال و گفتار خود مظهر بیان خدا خواهد بود.

^c - در نوشته‌های یوحنا کلمه یهودیان گاهی در مورد افراد قوم بنی اسرائیل به طور کلی به کار می‌رود (۳: ۲۵؛ ۴: ۹؛ ۲۲ و غیره)؛
ولی در بیشتر موارد منظور او نمایندگان دنیایی هستند که بر اثر سوء تفاهم و نهایتاً دشمنی، علیه فرستاده خدا باشند؛ در این
معنی منظور از کلمه یهودیان مخصوصاً مقامات رسمی می‌باشد (۲: ۱۸؛ ۵: ۱۰-۱۸؛ ۷: ۱۳؛ ۹: ۲۲ و غیره).

^d - در اینجا بدون مقدمه به شهادت اصلی پرداخته می‌شود و در برابر نمایندگان مقامات عالیه شهادت داده شده و نقش شخص
عیسی در برابر یحیی تعمید دهنده تعیین می‌گردد.

^e - برابر ملا ۲۳: ۳۸ و بنسی ۱۰: ۴۸-۱۱ و نوشته‌های دیگر کتاب مقدس الیاس نبی می‌بایست مجدداً و پیش از داوری نهایی بیاید
و برای آخرین بار مردم را به توبه و بازگشت دعوت نماید (ر. ک مت ۱۱: ۱۴؛ ۱۰: ۱۷). انتظار آمدن پیامبر ایام آخر در
محافل مختلف شیوع داشته و شاید مستند به تث ۱۸: ۱۵ بوده است (ر. ک ۶: ۱۴؛ ۳: ۲۲).

زیرا پیش از من بوده است.^۱ ^{۳۱} و من او را ۲۶:۱
نمی‌شناختم. اما چون باید بر اسرائیل ظاهر
شود لذا من که در آب تعمید می‌دهم
آمده‌ام.» ^{۳۲} و یحیی شهادت داده گفت:

«من روح را دیدم که به مانند کبوتری از
آسمان نازل شده بر وی مانند ^m. ^{۳۳} و من او
را نمی‌شناختم ولی آن که مرا فرستاده تا در
آب تعمید دهم، او به من گفته است: بر آن
کس که ببینی روح فرود آمده و بر او
می‌ماند هم اوست که در روح القدس تعمید
می‌دهد. ^{۳۴} و من دیده و شهادت می‌دهم:
او برگزیده خداست.ⁿ»

مت ۱۷:۳
لو ۳۵:۲۳
اش ۱:۴۲

نخستین شاگردان

^{۳۵} روز بعد، یحیی با دو تن از
شاگردانش باز در آنجا ایستاده بود.
^{۳۶} با مشاهده عیسی که می‌گذشت گفت:
«اینک بره خدا». ^{۳۷} و آن دو شاگرد این
گفتار را شنیده به دنبال عیسی رفتند.

^{۳۸} چون عیسی دید به دنبال او می‌آیند مت ۹:۲۲ و متون
موازی

کس هستم که در صحرا فریاد برمی‌آورد راه
خداوند را راست گردانید برابر آنچه
اشعیای پیامبر گفته است.^f ^{۲۴} و
فرستادگان از فریسیان بودند.^g ^{۲۵} ایشان از
او پرسیده گفتند: «اگر تو نه مسیح، نه
الیاس و نه آن پیامبر هستی، پس چرا تعمید
می‌دهی؟» ^{۲۶} یحیی در پاسخ ایشان گفت:
«من در آب تعمید می‌دهم. در بین شما
کسی ایستاده که شما او را نمی‌شناسید،
آن که پس از من می‌آید و من لایق آن
نیستم که بند پای پوش او را باز کنم.»
^{۲۸} این در بیت عنیا در ماوراء اردن^h که
یحیی آنجا تعمید می‌داد، روی داد.

۱۶:۹

مت ۱۶:۱۴
اش ۲۵:۲۱
مر ۳۰:۱۱
لو ۴:۲۰

مت ۲۷:۷
مت ۱۱:۶
۱-یو ۵:۶
لو ۲۱:۱۷

مت ۲۶:۳
۱-یو ۱۵:۱
اع ۲۵:۱۳

مت ۴۰:۱۰
مت ۱۳:۶

بره خدا

^{۲۹} روز بعد عیسی را می‌بیند که به
سویش می‌آید. پس گفت: «اینک بره
خداⁱ که گناه^k جهان را برمی‌دارد.» ^{۳۰} او
همان کسی است که درباره اش گفته‌ام:
پس از من مردی می‌آید که پیش از من شده
f- ر. ک اش ۴۰:۳.

۳۶:۱۹
۳۶:۱۹
۱۳:۲۲
اش ۷:۴-۵۳

۳۲:۸
۱-قرن ۵:۷
۱-پط ۱:۱۸-۱۹

۲۴:۲
مکا ۹:۱۲
مت ۱۷:۸-۱

یو ۵:۴۲
۵۸:۸
۱۵:۱

g- ترجمه دیگر: «و فرستادگان فریسی بودند.»

h- این محل به نام بیت عنیا همان دهی نیست که ده ایلعازر و در نزدیک اورشلیم است (۱۸، ۱:۱۱) بلکه دهکده‌ای در ساحل
شرق رود اردن می‌باشد که محل و موقعیت آن مشخص نیست. [طبق نظر بعضی از متخصصین، در برخی نسخ به جای
بیت عنیا، بیت عبره نوشته شده که به معنی محل عبور می‌باشد].

i- این متن یادآوری مرگ عیسی به خاطر کفاره می‌باشد و دو تصویر مرسوم و مختلف را درهم می‌آمیزد: از یک سو تصویر
خدمتگزار رنجور که در کتاب اشعیای آمده (اش ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲) که گناهان انبوه مردمان را بر عهده می‌گیرد و با آنکه
بی‌گناه است خود را به مانند بره‌ای تقدیم می‌کند؛ از سوی دیگر تصویر بره عید گذر یهودیان که نماد باز خرید اسرائیل
می‌باشد (خروج ۱۲:۱-۲۸): ر. ک ۱۹:۱۴-۳۶:۱-۱ قرن ۵:۷: مکا ۵:۶، ۱۲.

j- فعل یونانی که در این مورد بکار رفته به معنی از زمین بلند کردن است و می‌توان به مفهوم: یا حمل کردن، به دوش گرفتن، یا بردن،
حذف کردن، از بین بردن به کار برد و یوحنا معمولاً به مفهوم اخیر بکار می‌برد (ر. ک ۲:۱۶:۵؛ ۸:۵؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۸:۱۰-۱-یو ۳:۵).

k- منظور از این کلمه که به صورت مفرد آمده، مجموع گناهان جهان است و شامل کلیه گناهان و نتایج و آثار آنها است.
l- ر. ک ۱:۱۵، ۲۷.

m- ر. ک مت ۱۶:۳ توضیح Z و یو ۴:۱۵ توضیح h. کلمه یونانی meno در نوشته‌های یوحنا مکرراً آمده است: یو ۱:۳۲، ۳۳،
۳۹، ۳۸، ۲:۲، ۱۲:۴، ۴۰:۸، ۳۵:۱۰، ۴۰:۱۱، ۵۴:۱۴، ۱۷:۴۵، ۱۳:۱۹ به معنی ماندن در یک جا؛ یو ۵:۳۸، ۵۶:۶؛
۲:۱۴، ۱۰:۲۳، ۱۵:۴-۷؛ ۱-یو ۶:۱۴، ۲۴، ۲۷، ۲۸:۳، ۶:۹، ۱۵، ۱۷، ۲۴:۴، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶-۲-یو ۲۰ به معنی
ماندن در کسی؛ یو ۷:۸، ۳۱، ۱۲:۲۴، ۱۵:۹، ۱۰:۱-یو ۳:۱۰، ۱۴:۳، ۱۶:۴-۲-یو ۹ به معنی ماندن در یک حالت
خاص؛ یو ۳:۳۶، ۶:۲۷، ۹:۴۱، ۱۲:۳۴، ۱۵:۱۶، ۲۱:۲۲، ۲۳-۱-یو ۱۷:۲؛ مکا ۱۰:۱ به معنی باقی ماندن.
n- در یکی از نسخه‌های خطی و تعدادی از ترجمه‌ها نوشته شده است: «برگزیده» یا «پسر برگزیده».

برگشته به آنان گفت: «در جستجوی چه هستی؟» به او گفتند: «ربی - یعنی استاد - کجا می‌مانی؟»^{۳۹} به آنان گفت: «بیایید و خواهید دید.» پس آنان آمدند و دیدند در کجا می‌ماند و آن روز نزد او ماندند؛ این در حدود ساعت دهم بود.

^{۴۰}آندریاس، برادر شمعون پطرس، یکی از آن دو بود که [گفتار] یحیی را شنیده به دنبال [عیسی] رفته بود.^{۴۱} او اول، برادرش شمعون را یافته به او گفت: «ما مسیح را یافته ایم!» - که به معنای کریستوس می‌باشد.^{۴۲} او را نزد عیسی برد. عیسی در او نگریسته گفت: «تو شمعون پسر یوحنا هستی. تو کیفا نامیده خواهی شد» که به معنای صخره است.^P

^{۴۳}روز بعد عیسی خواست به جلیل برود و فیلیپس را یافته به او گفت: «به دنبال من بیا!»^{۴۴} فیلیپس اهل بیت صیدا^{۴۵}، شهر آندریاس و پطرس بود. فیلیپس، نتنائیل^r را یافته به او گفت: «آن کسی را که موسی در تورات و همچنین پیامبران

درباره‌اش نوشته‌اند ما او را یافته ایم! او عیسی، پسر یوسف از [شهر] ناصره^{۵۲، ۴۱:۷} است.»^{۴۶} و نتنائیل به او گفت: «آیا ممکن است از ناصره هم چیز خوبی در بیاید؟» فیلیپس به او گفت: «بیا و ببین.»^{۴۷} عیسی نتنائیل را دید که به سویش می‌آمد و در باره‌اش گفت:

«اینک به راستی یک اسرائیلی که بی‌ریا است.»^{۴۸} نتنائیل به او گفت: «از کجا مرا می‌شناسی؟» عیسی در پاسخ به او گفت: «پیش از آنکه فیلیپس تو را بخواند، وقتی زیر درخت انجیر بودی^t تو را دیدم.»^{۴۹} نتنائیل به او پاسخ داد: «ربی، پسر خدا توئی! پادشاه اسرائیل توئی!»^{۵۰} عیسی به سخن درآمده به او گفت: «چون به تو گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم ایمان آوردی! باز برتر از این را خواهی دید.»^{۵۱} و به او گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم: خواهید دید که آسمان گشوده شده و فرشتگان خدا بر پسر انسان بالا رفته و فرود می‌آیند.»^u

^o- شکی نیست که یوحنا انجیل خود را خطاب به کسانی نوشته که زبان یونانی را به خوبی صحبت می‌کردند، با این همه چندین بار (ر.ک ۱۷:۱۹؛ ۱۶:۲۰) کلمات عبری یا آرامی آورده که لازم دیده ترجمه کند (ر.ک ۳۸:۱، ۴۱، ۴۲). شاید با این روش می‌خواهد تأکید کند که در لحظه معینی از تاریخ، در فلسطین، واقعاً سخن خدا به صورت بشر درآمده است (۱۴:۱). در اینجا یوحنا ابتدا کلمه عبری مسیح را آورده و ترجمه یونانی آن (کریستوس) را برای خوانندگان ذکر کرده که به معنی کسی است که تدهین شده است: برطبق روایات یهود این کلمه عنوان داود جدیدی است (ر.ک ۲۵:۴) که در پایان روزگار انتظار آمدن او را دارند.

^p- عیسی به صورتی اسرارآمیز تمام کسانی را که به او نزدیک می‌شوند می‌شناسد (۱۹:۴؛ ۲۵:۲؛ ۴۸:۱). وقتی به شمعون نام جدیدی می‌دهد (در زبان آرامی کیفا، در زبان یونانی پطرس که هر دو به معنی صخره است) برای او وظیفه جدیدی تعیین می‌نماید (ر.ک در مورد ابراهیم پید ۱۷:۵).

^q- بیت صیدا/ی جولیا در شمال دریاچه طبریه قرار دارد (ر.ک مر: ۲۲-۲۶؛ مت: ۱۱:۲۱).

^r- بعضی از روایات او را با برتولمای رسول یکی دانسته‌اند ولی این موضوع مأخذ و مبنایی ندارد (ر.ک ۲۱:۲).

^s- نتنائیل که ظاهراً در بررسی نوشته‌های مقدس کوشش می‌کرده در مورد اطلاعاتی که می‌دهند بعداً نوعی تردید دارد ولی ملاقات با عیسی و شنیدن سخنان او موجب شناختن او و رسالت وی می‌شود.

^t- [زیر درخت انجیر بودن] احتمالاً اشاره به زندگی است که به مطالعه نوشته‌های مقدس مصروف می‌شود. این اصطلاح در نوشته‌های کاهنان یهود کاملاً شناخته شده است که در آنها درخت انجیر به درخت شناخت نیک و بد تشبیه و مقایسه می‌شود.

^u- مسیح در انجیل یوحنا به مانند اناجیل نظیر عنوان پسر انسان دارد. ولی منظره زمان آخر که در دان ۷:۹-۱۵ یاد شده و عیسی در جریان محاکمه در برابر سانه‌درین وعده می‌دهد (مر: ۱۴:۶۲؛ مت: ۲۶:۶۴) از دیدگاه انجیل یوحنا از هم‌اکنون آغاز شده است. با توجه به حضور عیسی بر روی زمین آسمانها گشوده شده‌اند (اش: ۶۳:۱۹؛ مر: ۱۰:۱؛ لو: ۹-۱۳) و ارتباط با خدا که رؤیای یعقوب اعلام می‌کرد (پید: ۲۸:۱۷) برای ایمانداران به صورت حقیقتی مداوم و پایدار درمی‌آید.

نخستین نشانه

۱ و روز سوم^v، عروسی ای در قانای
 ۲ جلیل بود و مادر عیسی آنجا بود.
 ۳ عیسی و همچنین شاگردانش به عروسی
 دعوت شده بودند. و چون شراب رو به
 اتمام بود مادر عیسی به او گفت: «شراب
 ندارند.» عیسی به او گفت: «این برای
 من و تو چیست^w ای زن؟ ساعت من هنوز
 ۱-۲۱:۲:۴۶:۴ فرا نرسیده است^x». مادرش به خادمین
 پید^{۵۵:۴۱} گفت: «هرچه به شما بگوید بکنید.»^۶ در
 آنجا برای تطهیر یهودیان شش سنگاب بود
 که هر یک دو یا سه کیل^۷ گنجایش داشت.
 ۷ عیسی به آنان گفت: «این سنگابها را پر
 از آب کنید» و ایشان لبالب پر کردند.^۸ و
 به ایشان گفت: «اکنون از آن بردارید و به

پیش خوان سالار ببرید.» ایشان بردند.
 ۹ وقتی خوان سالار آبی را که شراب شده
 بود چشید - و نمی دانست از کجاست اما
 خادمین که آب برداشته بودند می دانستند -
 خوان سالار داماد را خوانده^{۱۰} به او گفت:
 «همه اول شراب خوب را پیش می آورند و
 چون سرمست شدند، شراب کم ارزش تر
 را. تو شراب خوب را تاکنون نگاه
 داشته ای!»^{۱۱} این چنین بود نخستین از
 نشانه های^{۱۲} عیسی که آن را در قانای جلیل
 انجام داد و شکوه خود را نمایان ساخته
 شاگردانش به او ایمان آوردند.^{۱۳} پس از
 آن، وی به کفرناحوم فرود آمد همراه با
 مادر، برادران^{۱۴} و شاگردانش و چند روز
 بیشتر در آنجا نماندند.

v- روز سوم: سه روز پس از وعده ای که به نتنائیل داده شده و لذا هفت روز پس از صحنه بیت عنیا (شهادت یحیی تعمید دهنده، ۲۸:۱). بنابراین انجیل به مانند کتاب پیدایش (باب اول) با یک هفته آغاز می شود، هفته ای (۱:۱۹، ۲۹، ۳۵، ۴۱، ۴۳:۲) که در روز هفتم به ظهور شکوه عیسی می رسد (۱۱:۲).

w- این جمله که عیناً و تحت اللفظی ترجمه شده گاهی [در زبانهای غربی برای تفهیم خوانندگان] این گونه ترجمه می کنند: /از من چه می خواهی؟ همین جمله در موارد دیگری ممکن است به مفهوم به چه چیزی دخالت می کنی؟ باشد چنانکه در مر:۲۴ چنین است. این عبارت در بین یهودیان و همچنین در زبان یونانی متداول بوده و نشان می دهد که بین گفتگو کنندگان تفاوتی وجود دارد. در حقیقت عمل عیسی در سطحی انجام می شود که از انتظار معمول مریم بسیار فراتر است. بکار بردن عبارت «ای زن!» به هیچ وجه نشانه ای از عدم رعایت احترام ندارد (۲۶:۱۹) بلکه مخصوصاً با روش و رسوم یونانیان تطبیق می نماید (همچنین ر.ک ۴:۲۱:۸:۱۰:۲۰:۱۳، ۱۵).

x- کلمه ساعت به طور کلی به مفهوم ظهور شکوه عیسی است و در بیشتر موارد منظور از ساعت، زمان گذر از راه صلیب است که زمان گذشتن به سوی شکوه پدر می باشد (۲۳:۱۲، ۲۷:۱۳:۱:۱۷:۱:۳۰:۷:۲۰:۸). همچنین ممکن است موقعیتی باشد که پدر معین کرده تا شکوه [رستاخیز] از قبل به وسیله نشانه ها ظاهر گردد. عیسی از مادر خود فاصله می گیرد (ر.ک ۴۹:۲) و بدین وسیله نشان می دهد معجزه ای که شکوه او را ظاهر خواهد ساخت (۱۱:۲) طبق اراده پدر انجام می شود. همین جمله را از نظر دستور زبان یونانی می توان این گونه ترجمه کرد: آیا ساعت من فرا نرسیده است؟

y- هر کیل در حدود چهل لیتر است و بنابر مقدار خیلی زیادی می باشد. [سنگاب به معنی خمره سنگی بزرگ می باشد].

z- در انجیل نظیر کلمه نشانه در مورد کارهای فوق العاده ای بکار می رود که افتتاح دوران مسیحایی را نشان می دهند (مت ۳۸:۱۲:۱۶:۱-۴:۸:۱۱-۱۲:۱۶:۱۰:۲۹). بالعکس برای معجزه کلمه یونانی دیگری بکار برده اند که ترجمه تحت اللفظی آن عمل قدرت می باشد. یوحنا که روش عهد عتیق را اختیار کرده (اش ۱۹:۶۶) نشانه ها را به عنوان اشارات و رموزی می نگرد که نشان می دهند در عیسی واقعه پایان روزگار روی داده و از همه مردمان دعوت می شود عیسی را به مقام فرزند خدا درک نمایند. تغییر آب به شراب که در قانا روی داده است احتمالاً اشاره به گذشتن از عهد عتیق به عهد جدید می باشد (ر.ک مر ۲:۶ توضیح n).

a- ر.ک مت ۴۶:۱۲ توضیح f.

پاکسازی معبد

(متی ۲۱:۱۲-۱۷؛ مرقس ۱۱:۱۵-۱۷؛
لوقا ۱۹:۴۵-۴۶)

۱۳ جشن گذر یهودیان نزدیک بود و
عیسی به اورشلیم فراز آمد. ۱۴ و در معبد،
فروشنندگان گاو و گوسفند و کبوتر و
همچنین صرافان را یافت که نشسته اند.
۱۵ از طناب تازیانه ای ساخته همه آنان را از
معبد براند یعنی گوسفندان و گاوان را و
نقدینه صرافان را بپراکند و پیشخوان
ایشان را واژگون کرد. ۱۶ و به فروشنندگان
کبوتران گفت: «این را از اینجا بردارید و
لو ۲۹:۲۰ دیگر خانه پدرم را خانه سوداگری نکنید.»
۱۷ شاگردانش به خاطر آوردند که مکتوب
مزم ۱۰:۶۹ است: «غیرت خانه تو مرا خواهد خورد.»
۱۸ یهودیان به سخن درآمده به او گفتند:
«برای چنین کارهایی که می کنی چه
مت ۱:۱۶؛ ۳:۴؛ ۴:۳۸؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۶:۱۱؛ ۲۹-۳۰؛ ۳۱:۷؛ ۳۸-۴۷؛ ۴۸:۱۱؛ ۵۸:۱۴؛ ۵۹:۱۵؛ ۶۱:۲۶؛ ۶۲:۲۷؛ ۷۰:۴۰»

نشانه ای به ما می دهی؟» ۱۹ عیسی در

پاسخ به آنان گفت: «این قدس را ویران
کنید، سه روزه آن را قائم خواهم کرد.»
۲۰ آنگاه یهودیان به او گفتند: «اینک
چهل و شش سال^f کار شده که این قدس
بنا شود و تو سه روزه آن را قائم خواهی
کرد؟» ۲۱ اما او از قدس تن خود^g سخن
می گفت. ۲۲ وقتی که از میان مردگان قیام
کرد شاگردانش به خاطر آوردند که این را
می گفت و به نوشته مقدس و به سخن
عیسی که گفته بود ایمان آوردند.^h

ایمانی که کافی نیست

۲۳ چون در جشن گذر در اورشلیم بود،
بسیاری با دیدن نشانه هائی که انجام می داد
به نام او ایمان آوردند.ⁱ ۲۴ اما عیسی به
آنان اعتماد نداشت زیرا همه آنان را ۱۵:۶

b- منظور حیواناتی است که مردم برای قربانی کردن می خریدند و سکه هایی که مجاز بودند به معبد تقدیم کنند و همه آنها نشانه
و مظهر ترکیب و نظامی است که از این پس کهنه شده و اعتباری ندارد. [بعضی از مفسرین به این نکته اشاره می کنند که
کلمه ta در زبان یونانی دو معنی دارد: «رو» و «یعنی» که در این ترجمه از معنی دوم استفاده شده که نشان می دهد عیسی از
تازیانه فقط برای بیرون راندن گاو و گوسفندان استفاده کرده و نه آدمیان.]

c- شاگردان با یادآوری مزم ۱۰:۶۹ (ترجمه هفتاد تنان به زبان یونانی) معنی این واقعه را روشن می کنند. کلیسای اولیه جنبه
مسیحایی آن را تشخیص داده و در این واقعه اعلام رنجها و صلیب عیسی را دیده است (بکار بردن فعل به صورت آینده و
محتوای کلی مطالب انجیل، این نکته را القا می نماید).

d- در نظر یهودیان، اقتداری که عیسی در مورد امور معبد ادعا می کند بایستی به وسیله عملی خارق العاده تأیید و ثابت شود
(ر. ک مزم ۱۱:۸؛ مت ۱۲:۳۸؛ ۱۶:۱۶؛ لوقا ۱۶:۱۱، ۲۹-۳۰؛ ۳۱:۷-۱۱؛ ۳۸-۴۷؛ ۴۸:۱۱-۱۶).

e- عیسی نشانه ای اعلام می کند که به کلی در سطح دیگری غیر از سطح مخاطبان او است. عبارتی که اناجیل نظیر بکار برده اند
(مر ۱۴:۵۸؛ ۱۵:۲۹؛ مت ۲۶:۶۱؛ ۲۷:۴۰) تغییر داده شده تا با جنبه نمادینی که بعداً آمده تطبیق نماید: یهودیانند که معبد
را ویران می کنند و عیسی قادر است آن را در مدت کوتاهی برپا کند.

f- ساختمان معبد هیرودیس در سال ۲۰-۱۹ پیش از میلاد مسیح آغاز شده بود (فلاویوس ژوزف، آثار باستانی یهود ۱۵:۳۸۰).
انجیل نگار تاریخ فعالیت عیسی را در سالهای ۲۷-۲۸ میلادی تعیین کرده است. در این تاریخ ساختمان معبد به اتمام نرسیده
بود اما قسمت اساسی آن ساخته شده بود.

g- بشریت عیسی جایگاه حضور و تجلی خدا در بین آدمیان است، بنابراین عیسی معبد واقعی است و از این پس عبادت و ستایش
به او وابسته خواهد بود (۱:۱۴؛ ۱:۵۱؛ ۴:۲۰-۲۴).

h- شاگردان فقط پس از رستاخیز عیسی و اعطای روح القدس، وقایع، سخنان و زندگی زمینی عیسی را درک می نمایند (۱۶:۱۲؛
۱۴:۲۶؛ ۱۵:۲۶).

i- انجیل یوحنا همانند اناجیل نظیر شامل مطالب مختصر و چکیده آنها است و اشاره به نشانه هایی کرده که روایت نمی نماید
(ر. ک ۱۲:۳۷؛ ۲۰:۳۰). متی، مرقس و لوقا قسمت اعظم فعالیت های عیسی به استثنای رنجها و صلیب را در جلیل ذکر
کرده اند در صورتی که یوحنا قسمت بیشتر اعمال او را در اورشلیم روایت می نماید.

j- فعل یونانی که معمولاً ایمان آوردن ترجمه می شود و در آیه ۲۳ به همین معنی آمده گاهی با توجه به ترکیب عبارت و محتوای
مطلب به مفهوم اعتماد داشتن است.

می شناخت^k. ۲۵ و او نیازی نداشت که کسی درباره آدمی شهادت دهد: زیرا او خود می دانست در [باطن] آدمی چیست.

گفتگو با نیکودیموس

۱ در میان فریسیان مردی به نام نیکودیموس بود از بزرگان یهود^۱.
 ۲ وی شبانه نزد عیسی آمده به او گفت: «ربی ما می دانیم که تو از سوی خدا چون استاد آمده ای زیرا هیچکس نمی تواند این نشانه ها را که تو انجام می دهی انجام دهد مگر آنکه خدا با او باشد.»^۳ عیسی در پاسخ به او گفت: «آمین، آمین، به تو می گویم: هیچکس نمی تواند ملکوت خداⁿ را ببیند مگر آنکه از بالا^m زاده شود.»^۴ نیکودیموس به او گفت: «چگونه

۴۷:۴۲، ۵۰:۴۸، ۵۲:۵۲
 ۳۰:۱۶، ۴۲:۴۳، ۴۳:۱۹

مت ۱۶:۲۲
 یو ۹:۱۶
 اغ ۱:۳۸

مت ۳:۱۸
 لو ۱۷:۲۱
 ۱- پط ۱:۲۳
 ۱- یو ۵:۱
 یح ۱:۱۷-۱۸

ممکن است انسان زاده شود وقتی که سالخورده باشد؟ آیا می تواند بار دیگر در رحم مادرش وارد شده دوباره زاده شود؟»^۵ عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به تو می گویم: هیچکس نمی تواند وارد ملکوت خدا گردد مگر آنکه از آب^o و روح زاده شود. آنچه از تن زاده شده، تن است، آنچه از روح زاده شده، روح^p. تعجب مکن اگر به تو گفتم: شما بایستی از بالا زاده شوید.^۸ باد به هر جا که می خواهد می وزد و تو صدای آن را می شنوی، اما نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود^q. این چنین است هر که از روح زاده شده باشد.^۹ نیکودیموس در پاسخ به او گفت: «چگونه چنین امری می تواند روی دهد؟»^{۱۰} عیسی در پاسخ او گفت:

حزق ۳۶:۲۵-۲۷، مت ۱۹:۲۸، روم ۴:۴، افس ۵:۲۶، تبط ۳:۵، ۱- پط ۱:۳، ۲- پط ۱:۱۱، ۶:۶۳، غلا ۶:۸، مز ۷۸:۳۹، ۱- قرن ۱۵:۴۴-۵۰، جا ۱۱:۵، بنسی ۱۶:۱۹، یو ۱۴:۱۷

k- ر. ک ۴۲:۱ توضیح p. این آیه را می توان به طرق مختلفی درک کرد: ۱- عیسی به ایمان این مردان اعتماد ندارد زیرا شیفتگی در برابر کسی که اعمال خارق العاده انجام می دهد هنوز ایمان به سخنی که به صورت بشر مجسم شده نمی باشد. ۲- او اعتماد ندارد زیرا می داند که کسب ایمان، پیمودن راه درازی است و نه هدفی زودگذر و فوری.

l- این شخص عضو سانهترین بود و به طوری که خواهد آمد تا حدودی از عیسی پیروی می کرد (۴۸:۷-۵۲:۷؛ ر. ک ۴۲:۱۲)؛ و در تدفین وی نیز شرکت نمود (۳۴:۱۹). [در مورد سانهترین ر. ک مر ۸:۲۱ توضیح l]

m- کلمه یونانی anothēn که در اینجا بکار رفته و «از بالا» ترجمه شده می تواند معانی مختلف داشته باشد: مثلاً از آغاز، مجدداً، از بالا... ضمن گفتگوی عیسی با نیکودیموس، یوحنا با استفاده از دو مفهوم اخیر عبارتی بکار برده که معنی دو پهلوی دارد و هم به معنی «از بالا» و هم به معنی «مجدداً» می باشد.

n- مفهوم اصطلاح «ملکوت خدا» که یهودیان به کار می برند و به کرات در اناجیل نظیر آمده، معمولاً در نظر یوحنا متضمن اتخاذ روشی در زندگی است که اصولاً تازگی دارد و این موهبت را نمی توان بدست آورد مگر آنکه از عالم بالا یعنی از سوی خدا عطا شود. یوحنا آن را زندگی جاودان یا زندگی به طور مطلق می نامد. موضوع دیگری که مطرح کرده یعنی تولد دوباره در تبط ۳:۵؛ ۱- پط ۱:۲۳؛ ۱- یو ۲:۲۹؛ ۳:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۱ نیز آمده است.

o- ذکر کلمه آب که اشاره به تعمید می باشد ممکن است یادآور ورود ایمانداران جدید به جمعیت شاگردان باشد. [لازم به یادآوری است کلمه یونانی pneuma که روح ترجمه شده و در آیه ۶ نیز آمده (آنچه از روح زاده شده) می توان روح یا روح القدس تعبیر کرد چنانکه در زبانهای غربی که حروف کوچک و بزرگ وجود دارد آن را با حروف بزرگ می نویسند.]

p- کلمه یونانی sarx که در اینجا تن ترجمه شده به مفهوم طبیعت بشری با امکانات و محدودیت های مربوطه می باشد و به طور کلی بیانگر زندگی زمینی است بدون اینکه هیچ گونه تحقیری برای آن قائل شود (ر. ک ۱:۱۴)؛ کلمه روح (pneuma) قدرت الهی را نشان می دهد، منبع وجود و زندگی مسیحی و روش و رفتاری که متضمن آن است.

q- در نوشته های قدما اکثراً جنبه اسرارآمیز باد را با عمل خدایی مقایسه و تشبیه کرده اند (جا ۱:۱۵؛ امث ۳۰:۴؛ بنسی ۱۶:۲۱). ضمناً کلمه یونانی که در این مورد بکار می رود هم به معنی باد و هم به معنی روح است و این مقایسه را تسهیل می کند.

محبت نموده که پسر خود، آن یگانه را
داده تا هر که به او ایمان آورد هلاک
نشود بلکه زندگانی جاودانی یابد.^{۱۷} زیرا
خدا، پسر را به جهان نفرستاده تا جهان را
داوری کند بلکه تا جهان به وسیله او
نجات یابد.^{۱۸} آن که به او ایمان آورد،
داوری نمی شود، آن که ایمان نیاورد
هم اکنون داوری شده است^{۱۹} زیرا به نام^{۲۰}
پسر یگانه خدا، ایمان نیاورده است.
^{۱۹} داوری چنین است: نور به جهان آمده و
مردم تاریکی ها را بیشتر از نور محبت
کرده اند زیرا عمل ایشان شرورانه بوده
است.^{۲۰} زیرا هر کس بدی می کند از
نور متنفر است و به سوی نور نمی آید
مبادا اعمالش سرزنش شود.^{۲۱} اما آن

a- کلام خدا، کسی را که بدی می کند افشاء می نماید و همین امر، داوری یا محکومیت کسی است که خدا را نمی پذیرد.

به سوی او می آیند!»^{۲۷} یحیی پاسخ داده گفت: «انسان نمی تواند چیزی بگیرد، مگر آنکه از آسمان به او داده شده باشد. ^{۱۹:۱۱؛ ۱-قرن ۷:۴؛ عبر ۴:۵؛ یوح ۱۷:۱} شما خود شهادت می دهید که گفته ام: ^{۲۸} «من مسیح نیستم. اما پیش از او فرستاده شده ام. ^{۱۹:۲۷؛ ملا ۱:۳؛ مت ۱۱:۱۰؛ مر ۲:۱؛ مت ۱۵:۹؛ مر ۱۹:۲} اما دوست داماد^h که در آنجا ایستاده و به او گوش می دهدⁱ از صدای داماد بسیار شاد است.ⁱⁱ چنین است شادی من که به کمال است. ^{۳۰} باید که او افزون شود و من ^{۲-سمو ۳:۳} کاهش یابم.

آن که از بالا می آید

^{۳۱} «آن که از بالا می آید، برتر از همه ^{۸:۲۳؛ ۱-یوح ۵:۴} است. آن که از زمین است زمینی است و زمینی^j سخن می گوید. آن که از آسمان می آید^k برتر از همه است. ^{۳۲} به آنچه دیده

کس که راستی را برپا می دارد^b، به سوی نور می آید، برای آنکه نمایان شود که کارهایش در خدا انجام می گردد.^c ^{طو ۴:۶؛ یونانی ۱-یوح ۱:۶؛ مت ۱۶-۱۴}

یحیی و عیسی

^{۲۲} بعد از آن، عیسی با شاگردانش به سرزمین یهودیه آمد و در آنجا با آنان اقامت کرده تعمید می داد. ^{۲۳} یحیی نیز در مت ۳:۶ عینون نزدیک «سالم» تعمید می داد زیرا در آنجا آب بسیار بود^d و مردم آنجا حاضر شده تعمید می یافتند. ^{۲۴} زیرا یحیی هنوز به زندان نیفتاده بود. ^{۲۵} پس در آنجا بحثی بین شاگردان یحیی و فردی یهودی^e درباره طهارت در گرفت. ^{۲۶} و آنان به سوی یحیی^f آمده به او گفتند: «ربی آن کس که با تو در آن سوی اردن بود، آن که درباره او شهادت داده ای، اینک او تعمید می دهد و همه

- ^b ترکیب این عبارت که یوحنا بکار برده کاملاً یهودی است. در نظر یهودیان این راستی در تورات نشان داده شده است (ر. ک ۱۷:۷) به نظر یوحنا راستی را برپا ساختن بدان معنی است که اراده خدا را به همان نحوی که درک می شود انجام دهند (ر. ک ۳۷:۱۸)، بدین گونه به الهام کلام خدا که در عیسی داده شده ایمان آورده و به این ایمان عمل می کنند.
- ^c کسی که عمل خوب انجام می دهد هم اکنون به نحوی در شراکت با خدا است و این شراکت به ملاقات کامل که در پسر او انجام می شود منجر می گردد (۱۷:۶-۹).
- ^d یوحنا در اینجا اطلاعاتی را ذکر می کند که در انجیل نظیر وجود ندارد؛ موقعیت [دقیق] این محل معلوم نیست. [کلمه آرامی «عینون» به معنی چشمه ها است. برخی از مفسرین، این محل را شهر سالم در ۵ کیلومتری شرق شکیم در سامره می دانند (پید ۳۳:۱۸-۱۹؛ یوح ۴:۵). ۹ کیلومتر دورتر از شهر سالم، چشمه های (عینون) رودخانه «فارع» به سوی رود اردن جریان دارد. طبق این تفسیر به نظر می آید که یحیی گاهی اوقات در سامره که چند کیلومتر دورتر از چاه یعقوب بوده فعالیت داشته است، نزدیک به جایی که عیسی با زن سامری ملاقات نمود. این تفسیر بعضی از کلمات عیسی در آن محل را توضیح می دهد (یوح ۴:۳۷-۳۸).]
- ^e در تعدادی از نسخ خطی نوشته شده است: یهودیان.
- ^f یوحنا به کرات به یحیی تعمید دهنده اشاره می کند (ر. ک ۱:۶-۹، ۱۵، ۱۹-۳۴، ۳۵؛ ۳۵:۱۰؛ ۴۱:۱۰) و او را به عنوان شاهدهی معرفی می نماید که گواهی می دهد عیسی پسر خدا است. شکی نیست که این متون انعکاس مشاجره و اختلافی است که با شاگردان یحیی وجود داشته زیرا برخی او را مسیح می دانستند (ر. ک ۱۹:۱۹-۷). بنابراین یوحنا در نوشته های خود به طور غیرمستقیم بحث و استدلال نموده و اظهار می کند که عیسی فرستاده خدا است و یحیی فقط شاهد او است.
- ^g در عهد عتیق گاهی اسرائیل به عنوان زوجه خداوند بشمار آمده است (هو ۲۱:۲؛ حزق ۱۶:۸؛ اش ۶۲:۴-۵). در عهد جدید کلیسا زوجه مسیح است (۲-قرن ۱۱:۲؛ افس ۵:۲۵-۳۱؛ مکا ۲۱:۲؛ ۱۷:۲۲). یوحنا عیسی را به عنوان رئیس قوم زمان آخر می شناسد.
- ^h برطبق رسوم و عادات یهودیان، در جشنهای عروسی، دوستان داماد وظایفی در ترتیب دادن جشن برعهده داشتند.
- ⁱ یحیی در وضعیت خدمتگزاری است؛ گوش دادن متضمن توجه داشتن و اطاعت کردن است.
- ⁱⁱ [تحت اللفظی طبق دستور زبان آرامی: از شادی شادمان است].
- ^j در ماورای گواهی یحیی تعمید دهنده، این قسمت شرح و توضیحاتی را که در ۱:۳-۲۱ داده شده به پایان می رساند. زمین مظهر حیطه مخلوقات و محدودیت های مربوط به آن است و در برابر آسمان یعنی خدا است، خدایی که فرستاده او عیسی در موقعیت او سهیم است.
- ^k در تعدادی از نسخ خطی جمله «برتر از همه است» وجود ندارد.

بلکه شاگردانش،^۳ یهودیه را ترک کرد و ۱-قرن:۱۷
 مجدداً به سوی جلیل رفت.^۴ می بایست از
 میان سامره عبور می کرد.^۵ پس به شهری
 از سامره به نام «سوخار» در نزدیک ملکی
 که یعقوب به پسرش یوسف داده بود آمد. یوشع ۳۲:۲۴
^۶ چشمه یعقوب^۱ در آنجا بود، پس عیسی، ۱۲:۴
 خسته از راه روی، کنار چشمه نشسته بود و مر ۳۸:۴
 این در حدود ساعت ششم بود.^۸ زنی
 سامری برای کشیدن آب آمد. عیسی به او ۲۸:۱۹
 گفت: «به من آب بده». ^۸ زیرا شاگردانش
 برای خرید خوراکی به شهر رفته بودند. مر ۳۷:۶
^۹ پس زن سامری به او گفت: «چطور! تو
 که یهودی هستی از من که زنی سامری ام
 آب می خواهی!» زیرا یهودیان با سامریان
 مراوده ندارند.^{۱۰} عیسی در پاسخ او گفت:
 «اگر موهبت خدا را می دانستی و کیست
 آن که به تو می گوید آب به من بده، خودت
 از او می خواستی و او به تو آب زندگی^{۱۱} u
 ۵۶:۶
 مکا ۶:۲۱
 ۱۷:۲۲

۱۱:۳ و شنیده است شهادت می دهد و شهادتش
 را هیچکس نمی پذیرد. ^{۱۱} آن کس که
 شهادتش را می پذیرد تأیید می نماید^۱ که
 خدا راست است. ^{۱۲} در واقع آن کس را که
 خدا فرستاده است سخنان خدا را
 می گوید^m زیرا خدا روح را به اندازه
 نمی دهد.ⁿ ^{۱۳} پدر پسر را محبت می کند و
 همه چیز را به دست او سپرده است.^o ^{۱۴} آن
 که به پسر ایمان دارد، زندگی جاودانی
 دارد. آن که ایمان به پسر را نمی پذیرد
 زندگی را نخواهد دید بلکه خشم خدا بر او
 می ماند.^p ۱۷:۱۰:۲۰:۵
 ۹:۱۵
 ۱۸-۱۶:۳
 ۱۲:۵ یو ۱
 ۷:۳ مت
 ۸:۲ روم
 ۳:۲ افس

گفتگو با زن سامری

^۱ چون خداوند دانست که فریسیان
 شنیده اند که عیسی بیش از یحیی
 شاگرد تعلیم و تعمید می دهد،
^۲ هر چند خود عیسی نبود که تعمید می داد

- ۱- ترجمه تحت اللفظی: با مهر تأیید می کند.
 m- به طوری که در سرتاسر انجیل چهارم آمده عیسی فرستاده به اعلی درجه و پسر یکتا است. یوحنا اکثراً این کلمه را در مورد
 عیسی بکار می برد (ر. ک ۱۹:۵-۳۰:۹).
 n- می توان این عبارت را چنین درک کرد: فرستاده خدا، روح القدس را به فراوانی به ایمانداران می دهد.
 o- گاهی ترجمه می کنند: / او همه چیز را به دست وی داده است.
 p- ایمان که عبارت از گرایش با توکل به شخص پسر است تنها شرط دریافت زندگانی جاودان می باشد. بالعکس امتناع از ایمان
 آوردن، آدمی را بلامحافظ در برابر خشم خدا قرار می دهد که داوری او بشمار می رود.
 q- البته عیسی می توانست بدون اینکه از سرزمین سامره عبور کند به جلیل برود (بدین معنی که در امتداد دره رود اردن بالا
 برود)، ولی یوحنا می خواهد یکی از وقایع مهم رسالت عیسی را در سرزمین سامره روایت کند. شاید بدین سبب که جماعت
 ایمانداران او با محافل سامریان ارتباط و نزدیکی داشته یا اینکه ملاقات با زن سامری پیش نمودی از مأموریت کلیسا در مورد
 ملت های غیریهودی می باشد (ر. ک ۴:۲۷-۳۸:۱۲:۲۰-۲۴).
 r- منظور آبی است که در ته چاهی نسبتاً عمیق غلیان می کند.
 s- ساعت ششم یعنی ظهر و وسط روز که روشنائی به حد اکثر می رسد.
 t- انشعاب سامریان در دوران پس از تبعید یهودیان بوجود آمد. این انشعاب عکس العملی برضد اصلاحات و سخت گیریهای
 مربوط به آن بود و منجر به اختلافات شدید بین یهودیان و سامریان شده بود. یک فرد یهودی بایستی از هرگونه تماس با
 ناپاکان خودداری کند و البته به دلیل بالاتر، از آنان خوراکی درخواست ننماید (ر. ک بنسی ۵۰:۲۵-۲۶:۹؛ لو ۵۲:۱۰:۳۳؛
 مت ۵:۱). [علاوه بر این یک مرد تنها اجازه صحبت کردن با زنی تنها را نداشت].
 u- [تحت اللفظی: آب زنده (یعنی آبی که از سرچشمه جاری می شود).] در نوشته های کهن تفاوت آبهای را کد (یا آبهای مرده) در
 برابر آبهای روان (یا آبهای زنده) موضوعی معمولی و شناخته شده است (ار ۱۳:۲). عیسی نظیر موقعی که با نیکودیموس گفتگو
 می کرد از طریق سلسله مطالبی که در مخاطب خود سوء تفاهم ایجاد می کند خود را به صورت موجودی مرموز و عجیب می شناساند.

می داد.»^{۱۱} زن به او گفت: «خداوند^۷، چیزی برای کشیدن آب نداری و چاه عمیق است، پس این آب زندگی را از کجا داری؟^{۱۲} آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتر هستی که این چاه را به ما داد و خودش و پسرانش و دامهایش از آن نوشیدند؟»
 ار ۱۳:۲ ^{۱۳} عیسی در پاسخ او گفت: «هر که از این آب بنوشد، باز تشنه خواهد شد.^{۱۴} اما آنکه از آبی بنوشد که من به او خواهم داد، دیگر هرگز تا به ابد تشنه نخواهد شد: آبی که من به او خواهم داد در او چشمه آبی جوشان به سوی زندگی جاودان خواهد گردید^{۱۵}». W زن به او گفت: «خداوند از این آب به من بده تا دیگر تشنه نشوم و برای کشیدن آب به اینجا نیایم.»^{۱۶} به او گفت: «برو شوهرت را صدا کن و به اینجا بیا.»^{۱۷} زن در پاسخ او گفت: «من شوهر ندارم.»^{۱۸} عیسی به او گفت: «درست گفתי که «شوهر ندارم» زیرا پنج شوهر^X داشته ای و آن که اکنون داری شوهرت نیست. در این باره راست گفתי.»^{۱۹} زن به

او گفت: «خداوند می بینم که تو پیامبر هستی...^{۲۰} پدران ما در بالای این کوه^Z پرستش کرده اند و شما می گویند در اورشلیم جائی است که باید در آنجا پرستش کرد.»^{۲۱} عیسی به او گفت: «ای زن به [سخن] من ایمان بیاور، ساعتی فرامی رسد که نه بر بالای این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. اع ۱۴:۶
^{۲۲} شما آنچه را که نمی شناسید پرستش می کنید، ما آن را که می شناسیم پرستش می کنیم زیرا نجات از یهودیان می آید.^{۲۳} اما ساعتی فرامی رسد - و هم اکنون است - که پرستش کنندگان راستین، پدر را در روح و راستی^a پرستش خواهند کرد. زیرا پرستندگانی که پدر می جوید چنین هستند.^{۲۴} خدا روح است^b و آنانی که او را می پرستند باید در روح و راستی بپرستند.»^{۲۵} زن به او گفت: «می دانم که مسیح (که کریستس می نامند) باید بیاید. وقتی او بیاید همه چیز را به ما نوید خواهد داد.»^{۲۶} عیسی به او گفت: «من که با تو

مت ۳۱:۶-۳۲:۸
 ۴۲:۱۲-۴۱:۵۳
 ۳۸:۷-۳۵:۶
 اش ۳:۴۴
 ۱۰:۴۹
 ۱۱:۵۸
 ۳۴:۶
 ۲۵:۵-۲۱:۲
 افس ۱۸:۲
 ۱:۵-۶
 ۲:۳-۱۷:۳
 روم ۱:۱۴
 فی ۳:۳
 تث ۱۸:۱۸-۱۸:۲۲
 یو ۴:۱-۲۶:۱۴

۷- عنوان «خداوند» در اینجا فقط جنبه احترام دارد (ر.ک ۴:۱۱، ۱۹، ۴۹، ۱۵:۲۰) و می توان آن را «ای آقا» ترجمه کرد.
 W- در این سرزمین که در جوار صحرا قرار دارد آب مظهر تمام ارزشهای زندگی است (اش ۳:۱۲؛ ار ۱۳:۲؛ ۱۳:۱۷) و مخصوصاً مظهر فرزاندگی (باروخ ۱۲:۳؛ بنسی ۳:۱۵؛ ۲۴:۳۰-۳۱) و مظهر شریعت یا روح القدس است (اش ۳:۴۴؛ یول ۱:۳). یوحنا در اینجا به موهبت روح القدس می اندیشد که زندگی جاودان می بخشد (ر.ک ۳۸:۷-۳۹).
 X- بعضی از مفسران در این نکته اشاره ای به پنج رب النوع سامریان می بینند که در ۲-۲۹:۱۷-۴۱ ذکر شده است.
 Y- زن سامری متوجه می شود که عیسی اسرار زندگی او را می داند، پس به او به عنوان یک مرد خدا سلام کرده و درخواست می کند مسئله مهم و تعیین کننده مربوط به پرستش واقعی را روشن نماید (ر.ک ۴۲:۱ توضیح p).
 Z- عبادنگاه کوه جرزیم را که مشرف بر شکیم کهن بود هیرکان در ۱۲۹ قبل از میلاد مسیح ویران کرده بود. این محل عالی ترین مکان پرستش برای سامریان بوده است. [پرستش کرده اند در ترجمه تحت اللفظی: سجده کرده اند].
 a- موهبت روح القدس انسان را قادر می سازد که خدا را به عنوان پدر شناخته پرستش کند: و پرستش در راستی به همین معنی است. این روش پرستش از مشخصات زمان آخر است. از آن پس دوران هر نوع پرستش دیگری و مخصوصاً آنچه در معبد اورشلیم برگزار می شود کهنه شده و سر آمده است (ر.ک اع ۷:۴۷-۴۸).
 b- در اینجا منظور آن نیست که جنبه غیرمادی خدا یادآوری و تأکید شود بلکه گفته می شود که او منبع موهبت های روحانی است که وجود هر آفریده ای را متعالی می سازند.

کشتزارها را تماشا کنید که برای درو کردن سفید شده اند.^{۳۶} از این پس دروگر مزدش را دریافت می کند و میوه ای برای زندگانی جاودانی برداشت می کند تا بذرافشان و دروگر با هم شاد شوند.^{۳۷} زیرا در این مورد راست گفته اند که: یکی بذر می افشاند و دیگری درو می کند.^{۳۸} من شما را فرستاده ام تا آنچه را که برای آن زحمت نکشیده اید درو کنید. دیگران زحمت کشیده اند و شما از زحمت ایشان بهره می برید.^{۳۹} بسیاری از سامریان این شهر به خاطر حرف این زن که شهادت می داد «هر آنچه کرده ام به من گفته است» به او ایمان آوردند.^{۴۰} پس وقتی سامریان نزد او آمدند از او خواهش کردند با ایشان بماند و او دو روز در آنجا ماند.^{۴۱} و کسان بیشتری به خاطر سخن وی ایمان آوردند.^{۴۲} و به آن زن می گفتند: «دیگر به خاطر گفته های تو نیست که ایمان می آوریم. خودمان شنیده ایم^g و می دانیم که به راستی او منجی جهان است.^h»

مز ۱۲۶: ۵-۶؛ اش ۹: ۲
میک ۱۵: ۶
۱- قرن ۳: ۶
لو ۵: ۲۲؛ مت ۲۳: ۸؛ اعا ۴۸: ۱۰؛ ۲۰: ۱۸
اع ۸: ۸
لو ۵: ۲۲؛ مت ۲۳: ۸؛ اعا ۴۸: ۱۰؛ ۲۰: ۱۸
۱۷: ۳؛ ۱۴: ۱۰

سخن می گویم من همان هستم.^c»^{۲۷} در همان وقت شاگردانش آمدند و از اینکه با زنی حرف می زد تعجب کردند، با وجود این هیچ یک نگفتند: «چه می خواهی؟» یا «چرا با او حرف می زنی؟»^d پس زن کوزه اش را گذاشته به سوی شهر رفت و به مردمان گفت: «بیائید انسانی را ببینید که همه آنچه کرده ام به من گفته است. آیا او مسیح نیست؟»^{۳۰} آنان از شهر خارج شده به سوی او می آمدند.^{۳۱} در این بین شاگردان از او خواهش کرده می گفتند: «ربی بخور». اما به ایشان گفت: «من خوراکی برای خوردن دارم که شما نمی دانید.»^{۳۳} نگاه شاگردان به یکدیگر می گفتند: «آیا کسی برای او چیزی برای خوردن آورده است؟»^{۳۴} عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده آن که مرا فرستاده انجام دهم و عمل او را تحقق بخشم^{۳۵} آیا خودتان نمی گوئید: چهار ماه دیگر موسم درو می رسد. اینک به شما می گویم: چشمها را بلند کنید و

مر ۱۴: ۶۱-۶۲؛ ۳۷: ۹
مت ۲۳: ۱۲
مت ۲۶: ۷
لو ۱: ۱۰-۳۰؛ ۳۸: ۶-۷
مت ۳۷: ۹-۳۸: ۶
لو ۱۰: ۲۰؛ ۲۵: ۸
۱۵: ۱۴
مت ۳۷: ۹-۳۸: ۶
لو ۱۰: ۲۰؛ ۲۵: ۸
۱۵: ۱۴

c- عیسی در ماورای اظهاراتی که درباره مسیح بودن خود می نماید پاسخی می دهد که از نظر علم الهی ارزش و دامنه وسیع تری دارد زیرا عبارتی را که خدا به موسی اظهار کرده است: «من هستم»، عیسی در مورد خود بکار می برد (خروج ۳: ۱۴-۱۵؛ هوی ۹: ۱؛ ر. ک. ۲۴: ۸، ۲۸، ۵۸؛ ۱۹: ۱۳).

d- تعجب شاگردان فقط بدین سبب نیست که گفتگوی مردی با زنی برخلاف عادات و رسوم آن دوران بوده بلکه تعجب می کنند که عیسی کلام خدا را به زنی اظهار می نماید، به علاوه این زن سامری است. شاگردان دریافته اند که عیسی در جستجوی چیزی است که پدر جستجو می کند (ر. ک. ۲۳: ۴).

e- با نگاه به کشتزارها به دقت می توان برآورد کرد که چه مدتی تا برداشت محصول مانده است ولی هنگام برداشت محصول زمان آخر آغاز شده و بایستی به تمام مناطق دنیا گسترش یابد (۴۲: ۴). سامریان که نزدیک می شوند نخستین محصول و نوبر آن بشمار می آیند (ر. ک. مت ۹: ۳۷-۳۸؛ لو ۱۰: ۲).

f- شاگردان عیسی دروگران زمان آخر خواهند بود. ایشان آنچه را که به قیمت رنج و زحمت دیگران کاشته شده است برمی چینند. این نکته اشاره به پیامبران کهن و مخصوصاً اشاره به [یحیی، ر. ک. ۲۲: ۳] و عیسی است.

g- شهادت زن سامری و نیز شهادت رسولان در آینده، حتماً منجر به ایمان نمی شود مگر اینکه موقعیتی برای ملاقات و برخورد با گفتار و شخص عیسی باشد.

h- عنوان منجی گاهی در عهد عتیق به خدا نسبت داده شده است (اش ۹: ۱۹؛ ۳: ۴۳) ولی در دنیای یونانی گاهی این عنوان به امپراتور داده می شد. نویسندگان عهد جدید این عنوان را عموماً در مورد عیسی بکار برده اند (مت ۲۱: ۱؛ لو ۴۷: ۱؛ ۱۱: ۵؛ ۳۱: ۱۳؛ ۲۳: ۳؛ ۲۰: ۳) یوحنا تنها کسی است که عنوان منجی جهان بکار می برد (۱- یو ۱۴) و بدن وسیله جنبه عالمگیری نجات را یادآوری و تأیید می نماید؛ این عنوان که در پایان روایت زن سامری ذکر شده نشان می دهد که روایت ارزش نمادین دارد.

نشانه دوم قانا

۴۳ پس از این دو روز از آنجا به جلیل رفت. ۴۴ زیرا خود عیسی تأیید کرده بود^{hh}

که هیچ پیامبری در موطن خود مورد تکریم نیست.^{۴۵} پس هنگامی که به جلیل آمد، جلیلیان از او به خوبی پذیرایی کردند به خاطر همه کارهایی که به هنگام جشن در اورشلیم از او دیده بودند زیرا آنان نیز برای جشن آمده بودند.

۴۶ پس بار دیگر به قانای جلیل که در آنجا آب را شراب کرده بود باز آمد. در آنجا یک افسر شاهی بود که پسرش در کفرناحوم بیمار بود.^k وقتی شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده است، به سویش آمد و از او خواهش می کرد که فرود آمده^۱ پسرش را شفا دهد زیرا پسرش دم مرگ بود. ۴۸ پس عیسی به او گفت: «اگر

نشانه ها و کرامات نبینید، ایمان نخواهید آورد.^m» ۴۹ افسر شاهی به او گفت: «خداوندا پیش از آنکه کودک بمیرد فرود آی.» ۵۰ عیسی به او گفت: «برو، پسرت زنده است.» مرد به سخنی که عیسی به او گفته بود ایمان آورده به راه افتاد. ۵۱ چون به پایین می رفت بردگانش به استقبال آمده به او گفتند که کودکش زنده است. ۵۲ پس از آنان سؤال کرد در چه ساعتی حالش بهتر شد؟ به او گفتند: «دیروز، ساعت هفتم بود که تیش قطع شد.» ۵۳ آنگاه پدر دانست که در همان ساعت عیسی به او گفته بود: «... پسرت زنده است» و او و تمام اهل خانهⁿ ایمان آوردند. ۵۴ این بود نشانه دوم که عیسی در بازگشت از یهودیه به جلیل انجام داد.

hh- [تحت اللفظی: شهادت داده بود.]

i- مفهوم این عبارت مبهم است زیرا یوحنا در هیچ مورد اشاره ای نکرده که در ناصره، عیسی را از روی بی ایمانی و با تردید پذیرفته باشند (ر. ک. مت ۵: ۱۳-۵۸؛ مر ۶: ۱-۶؛ لو ۴: ۱۶-۳۰). بنابراین آیا می توان تصور نمود که اورشلیم را به عنوان موطن واقعی عیسی بشمار می آورد؟ اگر این افسر [ر. ک. آیه ۴۶] فرد بت پرستی است می توان او را مظهر و نماینده دسترسی مشرکان به زندگی شناخت (منظور از خارجیان و مشرکان افراد غیریهودی هستند) و در مقابل بی ایمانی یهودیان (ر. ک. ۱۹: توضیح c: ۱-۳).

j- ترجمه دیگر: با این همه وقتی به جلیل رسید جلیلیان از او خوب پذیرایی کردند زیرا توانسته بودند همه آنچه را که عیسی کرده بود ببینند چون او هم برای جشن به اورشلیم رفته بود.

k- این افسر وابسته به شخص پادشاه هیروдіس آنتیپاس است و در روایتی که در اینجا آورده شده چندین نکته وجود دارد که واقعه سنتوریون را به یاد می آورند (مت ۵: ۱۳؛ لو ۷: ۱-۱۰).

l- شهر کفرناحوم در کنار دریاچه قرار دارد و در میان دامنه های ارتفاعات کاملاً محصور می باشد بنابراین برای رفتن به آنجا بایستی مدت زیادی در سرازیری پایین رفت.

m- ر. ک. ۲: ۲۴ توضیح k. ایمانی که محدود به آن باشد که مرتباً تقاضای معجزه کنند کافی نیست بلکه فقط ایمان بدون تردید به عیسی و گفتار او به زندگی منجر می شود. در سرتاسر این روایت، ارتباط بین ایمان و زندگی و همچنین تقابل مرگ و زندگی ملاحظه می شود: عیسی سرچشمه آب زندگی (۴: ۲۶) کسانی را که به او ایمان می آورند از مرگ به سوی زندگی منتقل می سازد (ر. ک. ۵: ۱۹-۳۰).

n- تحت اللفظی: خانه اش.

شفای يك مفلوج در اورشلیم

^۱ پس از آن جشن یهودیان^۵ بود و

^۵ عیسی به اورشلیم فراز آمد. ^۲ باری

در اورشلیم نزدیک دروازه برّه ها استخری^{۷:۹} است که به عبری بیت حسدا^{۳۲} نامیده

می شود که پنج رواق دارد^۳ و در زیر آنها

انبوهی از بیماران، کوران، لنگان و عاجزان

بسر می بردند [که در انتظار غلیان آب

می بودند^۴ زیرا فرشته خداوند گاهگاهی در

استخر فرود آمده آب به حرکت درمی آمد،

پس اولین کسی که بعد از حرکت آب داخل

آن می شد، بیماریش هرچه بود بهبود

می یافت^۹.] در آنجا مردی بود که سی و

هشت سال از بیماریش رنج می برد^۲.

^۶ عیسی چون او را دید که دراز کشیده و

می دانست مدت درازی است که به این

حال است به او گفت: «آیا می خواهی بهبود

یابی؟» ^۷ [مرد] بیمار به او پاسخ داد:

«خداوند^۸ من کسی را ندارم که وقتی آب

به حرکت درمی آید مرا به استخر بپندازد و

تا خود به آنجا می روم، دیگری پیش از من

فرو رفته است. ^۸ عیسی به او گفت: «قیام

کن! بستر خود را بردار و راه برو!» ^۹ در

همان دم مرد بهبود یافته بستر خود را

برداشت و راه می رفت. آن روز یک روز

سبت بود، ^{۱۰} پس یهودیان به آن کس که

شفا یافته بود می گفتند: «روز سبت تو

مجاز نیستی بستر خودت را حمل کنی^۴.»

^{۱۱} اما او به ایشان پاسخ داد: «آن کس که

مرا بهبودی داده است او به من گفت: بستر

خود را بردار و راه برو» ^{۱۲} از او پرسیدند:

«کیست مردی که به تو گفت بستر خود را

بردار و راه برو.» ^{۱۳} اما آن که شفا یافته

بود نمی دانست او کیست زیرا عیسی ناپدید

شده بود چون در آنجا ازدحام جمعیت بود.

^{۱۴} پس از آن عیسی او را در معبد یافت و به

او گفت: «اکنون بهبود یافته ای، دیگر گناه

مکن مبادا به تو چیز بدتری برسد^{۱۵}.» ^{۱۵} مرد

o- منظور یکی از جشن های مهم یهودیان است ولی به دشواری می توان تعیین کرد که کدام جشن می باشد. در بعضی از نسخ خطی، آن جشن بطور کلی ذکر شده که بایستی به مفهوم جشن گذر یهودیان تعبیر شود. در فاصله بین ۵۴:۴ و ۱:۵ و همچنین ۴۷:۵ و ۱:۶ موضوع مطالب سرعاً تغییر می کند، بدین سبب بعضی از مفسران تصور می کنند که باب پنجم در اصل بین بابهای ۶ و ۷ یا در بین آیات ۱۴:۷ و ۱۵:۷ قرار داشته است (در این صورت قسمت ۱۵:۷-۲۴ نتیجه گیری مناسبی از مطالب ۱۹:۵-۴۷ خواهد بود) و از این رو جشنی که در ۱:۵ ذکر شده همان جشن گذر خواهد بود که در ۴:۶ آمده است.

p- نام این محل بیت حسدا/ یا بیت زاتا، نام یکی از محله های اورشلیم است که در شمال معبد قرار دارد. در حفاریهای جدید، خرابه های استخر کشف شده ولی از پنج رواق اثری به دست نیامده است. در این محل معبدی مختص سراسپیس، رب النوع شفا بخش یونانیان قرار داشته است.

q- پایان آیه ۳ و تمام آیه ۴ که در داخل قلاب گذاشته شده در تعدادی از نسخ خطی معتبر که خیلی قدیمی هستند وجود ندارد. این مطالب تذکر و توضیحی برای بقیه روایت است.

r- این روایت از بسیاری جهات موضوع شفای مفلوج در مر ۱:۲-۱۲ و متون متوازی را به یاد می آورد. [عدد سی و هشت به تث ۱۴:۲ اشاره دارد که زمان سرگردانی قوم برگزیده در صحراست. آیا انجیل یوحنا می خواهد اشاره نماید که این مرد مفلوج، نماینده و سمبل قوم برگزیده است که مسیح او را شفا داد؟]

s- ر. ک ۱۱:۴ توضیح v.

t- در میشنا [که مجموعه دستورات و مقررات شرعی یهودیان دکلمه و تشریح شده است] در مورد استراحت روز سبت تصریح گردیده که حمل بار ممنوع می باشد (شبات ۲:۷).

u- در این متن اظهار نشده که بین گناه و بیماری ارتباط وجود دارد (ر. ک ۳:۹؛ ۴:۱۱)، [ر. ک ۲۳:۷] ولی چنین برمی آید که عمل عیسی منحصر به شفای جسمانی نیست بلکه کسی که به معجزه شفا یافته از این پس باید بر طبق موهبتی که دریافت کرده است زندگی کند. [کلمه بهبودی ۷ بار در این مورد و در مورد کور مادرزاد آمده است].

به همان گونه که مردگان را قیام می بخشد و به آنها زندگانی می دهد، به همان گونه پسر نیز به آنانی که بخواهد زندگانی می دهد.^{۲۲} زیرا پدر هیچکس را داوری نمی کند بلکه همه داوری را به پسر سپرده است.^{۲۳} تا همه پسر را تکریم کنند، چنان که پدر را تکریم می کنند، آن کس که پسر را تکریم نکند، پدری که او را فرستاده است تکریم نمی کند.^{۲۴} آمین، آمین، به شما می گویم: آن که سخن مرا می شنود و به آن که مرا

۲۷:۵؛ ۱۷:۳؛
۴۷:۱۲؛ ۳۹:۹
۴۲:۱۰؛ ۳۱:۱۳
فی ۱۱-۱۰:۲؛
لو ۱۶:۱۰؛
۱-یو ۲۳:۲

۱۶-۱۵؛ ۱۱:۳؛
۲۷:۱۰؛ ۵۱:۸
۴۴:۱۲؛
۳۷:۱۸؛
۱-یو ۱۴:۳

فرستاده است ایمان دارد زندگانی جاودانی دارد و به داوری نمی رود بلکه از مرگ به زندگانی گذر کرده است.^{۲۵} آمین، آمین، به شما می گویم: ساعتی فرا می رسد - و هم اکنون است! - که مردگان^b صدای پسر خدا را خواهند شنید و آنان که شنیده باشند، زندگانی خواهند کرد.^{۲۶} زیرا به همان گونه که پدر زندگانی را در خود دارد، همچنان آن را به پسر داده است که زندگانی را در خود داشته باشد^{۲۷} و به او اقتدار داده تا داوری کند زیرا او پسر انسان

برفت و به یهودیان اعلام کرد که عیسی بود که او را بهبودی بخشیده است.^{۱۶} به این مت ۱۴:۱۲ سبب یهودیان عیسی را آزار می دادند زیرا این را در روز سبت انجام می داد.^{۱۷} اما به ایشان پاسخ داد: «پدرم تاکنون کار می کند، من نیز کار می کنم.^{۱۸}» به همین سبب یهودیان، بیشتر در جستجوی آن بودند تا او را بکشند زیرا نه فقط [قانون] سبت را می شکست بلکه خدا را هم پدر خود می نامید و خود را با خدا برابر می کرد.^{۱۹}

۲۵؛ ۱۹؛ ۱:۷؛
۵۳:۱۱؛ ۳۳:۱۰؛
مت ۵:۱۴؛
۴:۲۶؛
مر ۱:۱۴

اقتدار پسر

^{۱۹} عیسی به سخن درآمده به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم: پسر از پیش خود هیچ نمی تواند بکند مگر آنچه را که می بیند پدر می کند، زیرا آنچه او می کند، پسر نیز به همان گونه می کند.^{۲۰} زیرا پدر پسر را محبت می کند و همه آنچه را به جای می آورد به او نشان می دهد و برایش کارهای بس بزرگتر از اینها نشان خواهد داد تا شما شگفت زده شوید.^{۲۱} زیرا پدر

۲۸:۸؛ ۳۰:۵؛
۱۷:۱۰؛ ۳۵:۳؛
۹:۱۵؛ ۱۲:۱۴؛
۲۴-۲۳:۱۷
تث ۱۳-۱۰:۷؛
۳۹-۳۲؛
۱-سمو ۲:۶؛
۲-پاد ۵:۷؛
روم ۱۷:۴؛
افس ۵:۲؛
یو ۲۵:۱۱

- ۷- ربی های یهود فعالیت خلاقه خدا را که در روز هفتم آفرینش پایان یافت (پید۲:۲) از فعالیت مداوم داور متعال که دنیای آدمیان را بسوی تمامیت هدایت می کند متمایز می کردند. عیسی عمل خود را در همان سطح و در داخل عمل مداوم پدر قرار می دهد. w- اظهارات عیسی متضمن موقعیت الهی او و نیز فرزندی خدا به مفهوم واقعی کلمه است. این اظهارات موجب بحث و مجادله شده و منجر به توضیحاتی می شود که در آیات ۱۹-۳۰ آمده است ولی دورنمای مرگ عیسی نیز پدیدار می شود.
- x- پسر در هیچ لحظه ای مستقلاً نه عمل نمی کند (۲۸:۸؛ ۷:۱۶-۱۸؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۰:۱۴؛ ۷:۲۸؛ ۸:۴۲؛ ۵:۳۰) و همچنین پدر هیچ عملی را به خود منحصر نمی نماید: عمل هر یک کاملاً در داخل عمل دیگری است. بنابراین فعالیت عیسی ظهور و تجلی کامل فعالیت پدر است.
- y- از کارهای رسالت عیسی بر روی زمین، برتر و بالاتر کارهایی است که مربوط به صعود و شکوه یافتن او می باشد یعنی داوری و زندگی جاودانی (ر.ک ۲۱:۵-۳۰؛ ۱۴:۱۲-۱۴؛ ۱۵:۲۰).
- z- برابر روایات یهود، خدای زنده قادر است زندگی بدهد. کلمات «به آنانی که بخواهد» تاکید می نماید که این گزینش رایگان است.
- a- کسانی را که پدر به وسیله عیسی فراخوانده و به پدر ایمان می آورند، زندگی خدایی دریافت می کنند و داوری زمان آخر درباره آنان نیست (ر.ک ۱۸:۳).
- b- در تمام این قسمت انجیل، نظیر ۱۱:۲۵-۲۶ یوحنا به روشهای مختلف کلمه «مرگ» را به عنوان نماد بکار می برد و همچنین کلمه «مردگان» درباره کسانی است که دور از خدا زندگی می کنند و در برابر کلام خدا که می تواند به آنان مجدداً حیات بخشد مرده اند (ر.ک ۱۱:۲۶ توضیح ۷).

دان ۷:۱۰-۱۴ است.^c از این تعجب نکنید زیرا ساعتی فرا می‌رسد که تمام کسانی که در قبرند، صدای او را خواهند شنید^{۲۹} و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده‌اند برای رستخیز زندگان و آنان که بدی کرده‌اند برای رستخیز داوری^d.^{۳۰} من چیزی از پیش خود نمی‌توانم بکنم، برابر آنچه می‌شنوم داوری می‌کنم و داوری من عدالت است زیرا اراده خود را نمی‌جویم، بلکه اراده آن کس که مرا فرستاده است.

شهادت‌ها

۱۳:۸-۱۴ اگر من درباره خودم شهادت بدهم، شهادتم راست نیست.^{۳۱} دیگری درباره من شهادت می‌دهد و می‌داند شهادتی که درباره من می‌دهد راست است.^{۳۲} شما ۶:۱۵-۹ یو ۱۹:۱-۲۷:۱ کسانی به نزد یحیی فرستاده‌اید و او به ۱۱:۷-۱۱:۱۱ مت

راستی شهادت داده است.^f ۳۴ اما من شهادت انسان را نمی‌پذیرم بلکه این را می‌گویم تا شما نجات یابید.^{۳۵} او چراغی بود که می‌سوزد و می‌درخشد^g و شما را ۵:۹-۱ خوش آمد که دمی به درخشش او شادی کنید.^h ۳۶ من شهادتی بزرگتر از [شهادت] یحیی دارم: کارهایی که پدرم به من سپرده تا آنها را انجام دهم، همین کارها درباره من شهادت می‌دهند که پدر مرا فرستاده است.^{۳۷} و پدر که مرا فرستاده، او درباره من شهادت داده است. شما هرگز نه صدای او را شنیده‌اید و نه صورت او را دیده‌اید.^{۳۸} و سخن او را ندارید تا در شما بماند زیرا شما به کسی که او فرستاده است ایمان ندارید.^{۳۹} نوشته‌های مقدس را کاوش می‌کنید زیرا می‌پندارید که زندگانی جاودانی را در آنها خواهید داشت^k و همین ۱۰:۱۶-۱۱:۱۱ مت

c- در نبوت‌های مربوط به ایام آخر در مکاشفه‌های یهودیان، «پسر انسان» وظایف داور اعلی را دارد (دان ۷:۱۳؛ خنوخ ۲۷:۴۹؛ رک ۵۱:۱).

d- در آیات ۲۸-۲۹ سخن از رستخیز در روز آخر است (رک دان ۱۲:۱-۳). یوحنا با آن که قسمت اساسی رستخیز را که زندگی در شراکت با خدای زنده است در زمان حاضر تعیین می‌کند با این همه منظره رستخیزی را که کاملاً در ایام آخر تحقق خواهد یافت حفظ می‌نماید.

e- برابر اصول و قواعد قضایی معمول، مخاطبان حق دارند شهادت‌هایی درخواست کنند که اظهارات عجیب و بی‌مانند عیسی را تأیید نمایند ولی در این وضعیت فقط شهادت خدا می‌تواند این اظهارات را تأیید کند (رک مت ۱۳:۸-۱۴).

f- به نظر عیسی شهادت یحیی تعمید دهنده فقط ارزش نسبی دارد با این همه عیسی از آن یاد می‌کند زیرا یهودیان تا حدی آن را پذیرفته بودند (۱۹:۱-۳۴؛ ۲۲:۳-۳۰). رک ۲۶:۳ توضیح f.

g- این عبارت بنسی ۴۸:۱ را به یاد می‌آورد.

h- شهادت یحیی، آن طور که باید مورد قبول عامه واقع نشده بود زیرا قاعدتاً این شهادت بایستی مردم را به سوی عیسی هدایت می‌کرد در صورتی که عملاً فقط لحظه‌ای شور و هیجان ایجاد کرده بود.

i- نشانه‌ها و کارهایی که عیسی انجام می‌دهد متفقاً عمل پدر می‌باشند: بنابراین کسانی که اظهارات و ادعای عیسی را مبنی بر مسیح بودن او نمی‌پذیرند قطع رابطه خود را با خدا نشان می‌دهند زیرا هیچکس نمی‌تواند نشانه‌های عیسی را انجام دهد مگر اینکه از سوی خدا آمده باشد (۲:۳؛ ۹:۱۶، ۳۱). یهودیان می‌بایست او را به عنوان پسر خدا بپذیرند (رک ۱۹:۵-۳۰؛ ۲۵:۱۰-۳۸؛ ۱۰:۱۴-۱۲؛ ۱۵:۲۴).

j- ظهورهای قبلی الهی نظیر تجلی خدا در سینا (آیه ۳۷؛ خروج ۱۹:۱۶-۱۷) و دائمی بودن کلام خدا (آیه ۳۸ الف؛ خروج ۱۹:۵) به طوری که باید پذیرفته نشده بود و نشانه این امر آن است که یهودیان در عیسی عمل خدا را نشناخته‌اند.

k- نوشته‌های مقدس، منبع زندگی حقیقی هستند (رک تث ۴:۱؛ ۸:۱؛ ۳۰:۳؛ ۱۵:۲۰؛ مز ۱۱۹). در محافل ربی‌های یهود که دائماً در نوشته‌های مقدس کاوش می‌کنند این موضوع به فراوانی ذکر شده است.

۴۷ اما اگر به نوشته های او ایمان ندارید، لو ۲۷:۱۶-۳۱ چگونه به سخنان من ایمان خواهید آورد.

عیسی جمعیت زیادی را غذا می دهد^۹
(متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛
لوقا ۹:۱۰-۱۷)

۱ پس از آن عیسی به آن سوی
دریای جلیل با طبریّه رفت.
۲ جمعیت زیادی به دنبال او می آمدند زیرا
نشانه هایی را که برای بیماران انجام می داد
مشاهده می کردند. ۳ عیسی از کوه بالا رفت
و در آنجا با شاگردانش نشست. ۴ جشن
گذر یهودیان^۵ نزدیک بود. ۵ چون چشمها را
بلند کرده دید که انبوهی از مردم به سویش
می آیند عیسی به فیلیپس گفت: «از کجا
نان بخیریم تا این مردم بخورند؟» ۶ این را

نوشته ها است که درباره من شهادت
می دهند.^۱ و نمی خواهید بسوی من آئید
تا زندگی داشته باشید. ۴۱ من شکوهی را
که از مردم بیاید نمی پذیرم، ۴۲ اما شما را
شناختم که محبت خدا در درون شما
نیست. ۴۳ من به نام پدرم آمده ام و شما
مت ۲۴، ۵:۲۴ مرا نمی پذیرید، اگر دیگری به نام خودش
بیاید او را خواهید پذیرفت. ۴۴ چگونه
می توانید ایمان بیاورید، شما که شکوه را
از یکدیگر می جوئید و شکوهی را که از
خدای یکتا می آید جستجو نمی کنید!^۵
۴۵ مپندارید که من در مقابل پدر شما را
تث ۲۶-۲۷ متهم خواهم کرد، متهم کننده شما موسی
است که شما به او امید دارید. ۴۶ اگر به
تث ۱۸:۱۵؛ مت ۸:۱۰؛ یو ۲۴:۲۷؛
ع ۳:۲۲؛ ۷:۳۷ می آوردید، زیرا او درباره من نوشته است.

۱- هرگاه نوشته های مقدس را در پرتو انسان شدن پسر خدا و صعود وی به آسمان بخوانیم در آنها سخنان و وقایعی ذکر شده که
خدا به وسیله آنها آمدن پسرش را اعلام می کند تا تمامیت زندگی را بیاورد (رک ۱:۴۵؛ ۲:۲۲؛ ۴:۲۰-۲۴؛ ۵:۴۷؛ ۱۲:۴۱؛
۲۸:۱۹). عیسی یهودیان را سرزنش نمی کند که چرا در نوشته های مقدس کاوش می کنند بلکه بدین سبب که تشخیص
نمی دهند این نوشته ها بر او شهادت می دهند.

m- به همان گونه که یهودیان کلام خدا را در خود ندارند فاقد محبت واقعی نسبت به او هستند (رک ۱۴:۲۱، ۲۳). عیسی از
قلب ها آگاه است (۲:۲۵؛ ۳:۱۹-۲۱). این آیه را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «اما من دریافته ام که شما در خود محبت
خدا را ندارید».

n- آنان که به نام خودشان سخن می گویند به این دنیا تعلق دارند و به زبان دنیا سخن می گویند (۷:۱۷-۱۸)؛ دنیا آنچه را
که با او هم آهنگ است دوست دارد و در آنها انعکاسی از تصویر خود می بیند (۱۵:۱۹). شکی نیست که منظور پیامبران
دروغین است (۸:۱۰) ولی امکان دارد که منظور یوحنا شیطان باشد (رک ۸:۴۱-۴۴) و بیشتر محتمل است که در اینجا
دستوری کلی بیان می کند.

o- ریشه عمیق بی ایمانی در آن است که در جستجوی افتخار شخصی باشند و دنیا را به خاطر افتخار و شکوهی که در آن بدست
آمده و سهمی برمی گیرند بپذیرند در صورتی که ایمان ایجاب می نماید بدون قید و شرط در صف خدا قرار گرفته فقط از او
انتظار شکوه و جلال داشته باشند چنانکه خود عیسی چنین کرده است (۷:۱۸؛ ۸:۵۰-۵۴؛ ۱۲:۲۳، ۲۸، ۴۳؛ ۱۳:۳۱-۳۲؛
۱۷:۱؛ رک ۱-۱ قرن ۱:۲۹؛ ۳۱؛ ۳:۲۱؛ ۴:۷).

p- موسی واسطه و حامی اسرائیلیان در حضور خدا بشمار می آمد. عیسی او را همچون متهم کننده یهودیان معرفی می کند زیرا
معنی واقعی تورات را در نیافته اند که بایستی ایشان را به شناختن و مکاشفه نهایی در عیسی هدایت نماید (۱:۱۷؛ ۶:۳۲؛
۷:۲۲-۲۳؛ ۹:۲۸-۲۹).

q- موضوع تکثیر ناناها و ماهی ها جایگاه مهمی در این انجیل و نیز در اناجیل نظیر دارد (مرک ۳۵:۴۴؛ ۸:۱-۹؛ مت ۱۳:۱۴-
۲۱؛ ۱۵:۳۸-۳۲؛ لو ۹:۱۰-۱۷؛ قبلاً در ۲-۲ یاد ۴۲-۴۴ نیز ملاحظه شود). این نشانه، اوج فعالیت های عیسی در جلیل و
نقطه پایانی آنها است، موقعی که بایستی بین ایمان آوردن یا نپذیرفتن آن یکی را انتخاب قطعی نمود.

r- یوحنا با اصرار یادآوری می کند که اعمال مهم عیسی در ایام جشن های یهودیان رخ داده است (جشن گذر ۲:۱۳-۲۳؛ ۴:۶؛
۱۱:۵۵؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۱؛ ۱۸:۲۸؛ ۳۹؛ جشن خیمه ها ۷:۲؛ جشن تطهیر و تقدیس معبد که یادآور پیروزی یهودای مکابی بر
آنتیوخوس چهارم بود ۱۰:۲۲). جشن گذر واقعی، به جلال رسیدن پسر، بره خدا است؛ جشن های یهودیان لحظاتی هستند که
در آنها بی ایمانی بیشتر جلوه می کند (۱:۱۹ توضیح c).

برای آن می‌گفت تا او را امتحان کند، زیرا خودش می‌دانست چه خواهد کرد.^۵

^۷فیلیپس به او پاسخ داد: «دویست دینار نان هم کفایت نمی‌کند تا هر یک کمی دریافت کنند.»^۸ یکی از شاگردانش، آندریاس برادرشمعون پطرس به او گفت:

^۹«در اینجا کودکی هست که پنج قرص نان

۱: ۴۰
مت ۱۸: ۴
۲: ۱۰
مر ۱۶: ۱
لو ۱۳: ۶
۹: ۲۱-۱۳

جَو و دو ماهی کوچک دارد، اما برای این همه مردم چیست؟»^{۱۰} عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آن محل علف زیادی بود.

پس نشستند، در حدود پنج هزار مرد بودند.^{۱۱} پس عیسی آنها را گرفت و شکرگزاری کرده بین هم سفره ها تقسیم کرد. همچنین ماهی های کوچک را هر قدر که می خواستند.^{۱۲} وقتی سیر شدند به شاگردانش گفت: «تکه هائی را که زیادی مانده جمع کنید تا چیزی از بین نرود».^{۱۳} پس، آنها را جمع کردند و دوازده سبد را با تکه های پنج قرص نان جو که پس از خوردن باقی مانده بود پر کردند.^{۱۴} پس

t- مقدار پولی که ذکر شده مبلغ مهمی بشمار می رود زیرا یک دینار اجرت روزانه یک کارگر بوده است (مت ۲۰:۲).

W- عیسی در طی محاکمه خود در برابر پیلاتوس از ملکوتی سخن خواهد گفت که به این جهان تعلق ندارد (۳۶:۱۸)، مقام پادشاهی را که جمعیت در نظر دارد نمی پذیرد و از همین موقع با نظریه عمومی درباره پایان جهان و مسیحایی دنیوی و سیاسی قطع رابطه شده است.

x- این مسافت در حدود پنج کیلومتر است و بنابراین می توان گفت در وسط دریاچه بودند.

y- ترجمه دیگر: منم. به طوری که در مر۶: ۵۰ ذکر شده عیسی خود را می شناساند. نام الوهیت را که در سفر خروج (۱۴: ۳) آمده: «من هستم» یوحنا بیشتر بکار برده و تشریح نموده است و الوهیت عیسی را بیان می نماید (ر. ک ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ توضیح i: ۲۸، ۵۸: ۱۳، ۱۹: ۱۸، ۵، ۶، ۸)

به قایق سوار کنند، اما همان دم قایق به جائی که می‌رفتند رسید.^Z

عیسی، نان زندگانی

^{۲۲} روز بعد جمعیتی که در آن سوی دریا ایستاده بودند، دیدند که در آنجا جز یک قایق کوچک وجود نداشت و عیسی با شاگردانش سوار قایق نشده بود و تنها شاگردانش رفته بودند.^{۲۳} ولی قایق‌هایی از طبریه به نزدیک جائی آمدند که پس از شکرگزاری خداوند^d نان خورده بودند.^{۲۴} وقتی جمعیت دیدند که نه عیسی و نه شاگردانش در آنجا نیستند سوار قایق‌های کوچک شده به کفرناحوم در جستجوی عیسی برآمدند.^{۲۵} و او را در آن سوی دریا یافته به او گفتند: «رَبِّی کی به اینجا رسیده‌ای؟»^{۲۶} عیسی در پاسخ ایشان گفت:

«آمین، آمین، به شما می‌گویم مرا جستجو می‌کنید نه به سبب نشانه‌هایی که دیده‌اید، بلکه به سبب نانها که خوردید و سیر شدید.^b کار کنید نه برای آن خوراکی^{۱۱:۶-۱۲} که از بین می‌رود، بلکه برای خوراکی که جهت زندگانی جاودانی می‌ماند،^c همان که پسر انسان به شما خواهد داد، زیرا خدای پدر او را مَهر کرده است.^d»^{۲۸} پس به او گفتند: «برای بجا آوردن کارهای خدا چه باید بکنیم؟»^e عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «کار خدا آن است که به کسی که او فرستاده ایمان بیاورید.^f»^{۳۰} پس به او گفتند: «توجه نشانه‌ای می‌دهی تا ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه کاری انجام می‌دهی؟»^g پدران ما در صحرا «مَن» خوردند همان طور که نوشته شده^{۱۵-۱۳:۴} است: به ایشان برای خوردن، نانی رسیده^{۹-۷:۱۱} نَح ۱۵:۹

Z- برخی از مفسرین این را پنجمین نشانه انجیل یوحنا می‌دانند (ر.ک مز ۱۰۷:۲۳-۳۲).

a- کلمات «شکرگزاری خداوند» در بسیاری از نسخ خطی حذف شده است. این کلمات منظره سپاسگزاری [یعنی راز شام آخر] را که در تمام این بخش وجود دارد تشدید و تأکید می‌کنند.

b- در جریان واقعه تکثیر نان قدرت عیسی را شناختند و پذیرفتند و بلافاصله به معنی واقعی آن پی نبردند ولی بهره برداری فوری که می‌توانستند از آن بکنند علاقه آنان را جلب کرد. در صورتی که بالعکس ایمان بر اثر شناختن اعمال عیسی به عنوان نشانه بوجود می‌آید (رک ۱۱:۲).

c- نپایستگی تنها به خوردن نان اکتفا کرده شیفته کسی باشد که نانها را تکثیر نموده است بلکه بایستی دریابد این عمل نماد و نشانه چیست. بایستی درمی‌یافت عیسی آن کسی است که غذا می‌دهد و زندگی می‌بخشد. در نظر یوحنا زندگی/بدی متعلق به کسانی است که با پدر آشتی کرده/ند و در صمیمیت با او زندگی می‌کنند و در این معنی ایمان و زندگی چیز واحدی هستند.

d- پسر خدا/ از آسمان می‌آید و نشانه‌هایی که انجام می‌دهد اعمالی هستند که به وسیله آنها خدا اصالت رسالت او را تضمین می‌نماید (۳۳:۳)، همچنین امکان می‌دهد که آدمیان به وسیله او زندگی جاودان یابند. بعضی از مفسران در این عبارت «مَهر کرده/ست» اشاره‌ای به تعمید یافتن عیسی تشخیص داده‌اند و چنین استدلال می‌کنند که همین کلمات در معنی تعمید بر طبق الهیات بکار برده (رک افس ۱:۱۳:۴؛ مکا ۳:۷-۴).

e- مخاطبان در پی آنند که کارهای خدائی انجام دهند در صورتی که عیسی می‌خواهد ایمان بیاورند و آنچه به ایشان عطا شده است بپذیرند. همین نکته تفاوت مهم بین دو فعل انجام کار و ایمان آوردن را نشان می‌دهد.

f- تنها روش کار کردن برای خدا/ این است که با او همکاری کنیم با ایمان آوردن به کسی که او را فرستاده است.

g- بنظر یوحنا تنها کسی واقعاً می‌بیند حقیقت کامل آن شخص را که نشانه‌های انجام می‌دهد و کشف کند و شخص توسط ایمان می‌بیند. تماشای بزرگترین کارهای شگفت‌انگیز چشمها را باز نمی‌کند و تقاضایی که از عیسی می‌کند همواره موجب همین سوء تفاهم می‌شود: بدین معنی که از او انتظار دارند ادعاهای مسیح بودن خود را با معجزه‌هایی توجیه و ثابت کند و معجزه‌های او از آنچه قوم اسرائیل در گذشته شناخته بود فراتر رود در صورتی که در برابر نشانه‌ها بی بصیرت می‌مانند.

نزد من می آید او را بیرون نخواهم افکند^۱.
 ۳۸ زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای
 آنکه اراده خود را انجام دهم بلکه اراده آن
 کس که مرا فرستاده است^m.^{۳۹} باری
 چنین است اراده آن کس که مرا فرستاده که
 از آنچه به من داده است، هیچ چیز را از
 دست ندهمⁿ بلکه در واپسین روز
 برخیزانم^o.^{۴۰} زیرا اراده پدر من چنین است
 که هر کس پسر را می بیند و به او ایمان
 می آورد زندگانی جاودان داشته باشد و من
 او را در واپسین روز برخیزانم.^{۴۱}
 پس یهودیان درباره او زمزمه
 می کردند^p، زیرا گفته بود: «من نانی هستم
 که از آسمان نازل شده ام»^{۴۲} و می گفتند:
 «آیا او عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و
 مادرش را می شناسیم؟ چگونه اکنون
 ۱۷:۲، ۲۰:۶-۸،
 مت ۱۱:۲۸-۲۹
 ۱۶:۱۴
 ۳۹:۴، ۳۰:۵
 مت ۲۶:۱۳-۳۹
 مر ۱۲:۳۶
 لو ۲۲:۴۲-۴۳
 عب ۱۰:۹
 ۳:۵-۳
 ۱۰:۲۸-۲۹
 ۱۷:۱۲-۱۸:۹
 ۴۴:۵۴
 ۱۱:۲۴:۲۴
 ۳۵:۳۳، ۳۵،
 ۵۸، ۵۱
 مت ۱۳:۵۵
 مر ۳:۶
 لو ۲۲:۴۲

از آسمان داده است^h.^{۳۲} پس عیسی به
 ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما
 می گویم، موسی نیست که به شما آن نانی
 داد که از آسمان می آید بلکه پدر من به
 شما آن نان راستین را که از آسمان می آید
 می دهدⁱ.^{۳۳} زیرا نان خدا، آن است که از
 آسمان نازل می شود و به جهان زندگانی
 می دهد.»
 ۳۴ پس به او گفتند: «خداوندا از این
 نان همیشه به ما بده.»^{۳۵} عیسی به ایشان
 گفت: «من آن نان زندگی هستم^j، آنکه به
 سوی من می آید گرسنه نخواهد شد و آنکه
 به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد.
 ۳۶ اما به شما گفته ام: شما مرا دیده اید و
 ایمان نمی آورید^k.^{۳۷} هر آنچه پدر به من
 می دهد به سوی من خواهد آمد و آنکه به
 ۱۱:۴ یو
 ۱۵:۴
 مت ۱۱:۶
 لو ۳:۱۱
 امت ۹:۱-۶
 بنسی ۲۴:۱۹-۲۲
 لشی ۱:۵۵-۳
 یو: ۴۸، ۵۱، ۵۸
 ۱۰:۴-۱۴
 ۲۶:۶، ۲۹، ۴۰
 ۱۵:۲۴
 ۲۰:۲۹
 ۱۳:۱۳

^h - بنظر بسیاری از حکمای یهود، عطیه روزانه مائده آسمانی «من» که در صحرای سینا می رسید بزرگترین واقعه شگفت انگیز دوران خروج بشمار می آمد (خروج ۱۶:۱۵؛ اعدا ۷:۱۱؛ تث ۵:۲۱؛ تث ۸:۳؛ حک ۲۰:۱۶). یوحنا جمله ای از مز ۷۸:۲۴ یا نح ۱۵:۹ را نقل می کند. [کلمه من هو به معنی این چیست به استناد خروج ۱۵:۱۰ که در ترجمه قدیم من ترجمه شده. ر. ک یو ۴:۱۶، عب ۹:۴، مکا ۲:۱۷]

ⁱ - وعده های پیمان و عهدعتیق در عیسی تحقق می یابد. به این ترتیب موسی (۱۷:۱؛ ۵:۴۵-۴۶؛ ۷:۱۹؛ ۲۴) یعقوب (۴:۴-۱۵) و ابراهیم (۸:۳۱-۵۹) به نظام کهنی تعلق دارند که دوران آن سپری شده است با توجه این که شهادت داده اند که نجات در عیسی می آید. به نظر نخستین مسیحیان عهدعتیق قبل از هر چیز پیشگویی تن گیری پسر خدا می باشد.

^j - ترجمه تحت الفظی من هستم آن نان زندگی. یوحنا بارها این ترکیب کلام را بکار می برد که در آن عیسی خود را به عنوان کسی معرفی می کند که در خود کمال عطیه را برای ایمانداران می آورد (ر. ک ۸:۱۲؛ ۷:۱۰؛ ۹؛ ۱۱:۲۵؛ ۱۴:۶؛ ۱۵:۱). عیسی نان زندگی است (ر. ک ۵:۶) زیرا ایمان آوردن به او شرکت در زندگی حقیقی است.

^k - ر. ک ۳۰:۶ توضیح g، عیسی شهادت می دهد کسی که حقیقتاً به او ایمان دارد می تواند مفهوم واقعی آنچه را همه دیده بودند دریابد زیرا ایمان قدرت نفوذ دید را تشدید می کند (ر. ک ۴۱:۹).

^l - کسانی که رو به سوی عیسی می آورند در حقیقت کسانی هستند که پدر به پسر عطا کرده است و بدین سبب پسر آنان را پذیرفته و حفظ می نماید (۱۷:۱۵-۶). یوحنا مجدداً اقتدار کامل و رایگان بودن فیض خدای پدر را تأیید می کند (ر. ک ۲۸:۶ توضیح e؛ ۲۹:۶ توضیح f).

^m - ر. ک یو ۳۴:۴؛ ۵:۱۹-۳۰. در هر مورد که یوحنا ذکر می کند پسر را پدر فرستاده است (ر. ک ۳۴:۳ توضیح m) یا از محبت پدر نسبت به پسر سخن می گوید مجدداً وحدت عیسی و خدا را بیان کرده و عیسی را به فرزندی خدا تأیید می نماید.

ⁿ - همین نکته در یو ۱۰:۲۸-۲۹؛ ۱۷:۱۲؛ ۱۸:۱۹ ذکر شده است، ر. ک مت ۱۸:۱۴.

^o - یوحنا در عین حال که درباره کنونی بودن رستخیز و زندگی جاویدان اصرار دارد منظره انتظار برای رستخیز نهائی را حفظ می کند.

^p - نظیر آنچه در خروج ۱۶:۲-۸ آمده است جمعیت با زمزمه و بحث کردن ها بی ایمانی خود را ابراز می کند.

می گوید: از آسمان نازل شده ام؟^۹ «
^{۴۳} عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «بین هم
 زمزمه نکنید.^{۴۴} هیچکس نمی تواند
 به سوی من آید اگر پدر که مرا فرستاده
 است او را به سوی خود نکشد^{۴۵} و من او را
 در واپسین روز برخوام خیزانید.^{۴۵} در
 [کتابهای] پیامبران نوشته شده است: و
 همه بوسیله خدا آموزش خواهند یافت.^{۴۶}
 هرکس پدر را شنیده و آموزش او را
 دریافته است به سوی من می آید.
^{۴۶} هیچکس پدر را ندیده است مگر آن
 کس که از نزد خدا می آید: او پدر را دیده
 است.^{۴۷} آمین، آمین، به شما می گویم آن
 که ایمان دارد^{۴۸} زندگانی جاودانی^{۴۹} دارد.
 من آن نان زندگانی هستم.^{۴۹} پدران شما
 در صحرا «منا» خوردند و مردند.^{۵۰} چنین
 است نانی که از آسمان نازل می شود، کسی
 که از آن می خورد نمی میرد.
^{۵۱} من آن نان زنده هستم، نازل شده از
 آسمان. اگر کسی از این نان بخورد جاودانه
 زندگی خواهد کرد و^{۵۲} نانی که من خواهم
 داد، تن^{۵۳} من است برای زندگانی جهان^{۵۴}.
^{۵۲} پس یهودیان با هم مجادله کرده
 می گفتند: «چگونه این مرد می تواند تن
 خود را برای خوردن به ما بدهد؟»^{۵۳} پس
 عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به
 شما می گویم اگر تن پسر انسان^{۵۴} را نخورید
 و خون او را ننوشید در خود زندگانی
 مت ۲۶:۲۶؛ ۳۸، ۳۵:۶
 ۵۸، ۵۱
 ۴۸، ۳۱:۶
 مت ۲۶:۲۶
 مر ۱۴:۲۲
 لو ۱۹:۲۲
 عبر ۱۰:۵، ۱۰
 اش ۵۴:۱۳
 ار ۳۳:۳۱-۳۴
 ۱-تسا ۹:۹
 ۱-یو ۱۲:۴
 خروج ۲۰:۳۳
 یو ۱۸:۱
 ۲۹:۷
 ۳۶-۱۵:۱۶
 ۱۴:۴
 ۲۶:۵
 مت ۲۶:۲۶

q- یهودیان نمی توانند موقعیت بشری عیسی را با اصل و منبع خدایی او که اظهار می کند با یکدیگر سازش دهند: فقط ایمان که
 موهبتی خدایی است (۱۷:۷) درک آن را مقدور می سازد. در اینجا اشاره ای به آبستنی عذرائی نشده ولی اگر یوحنا این
 روایت را که متی و لوقا ذکر کرده اند می شناسد (و بعضی از مسیحیان یهودی الاصل با آن مخالفت داشته اند) در اینجا
 کنایه ای استهزاآمیز وجود دارد که نظیر نکته ای است که در ۴۱:۷ آمده است.

t- زمزمه و بحث ها بجایی نمی رسد بلکه عمل پدر، طرفداران خود را به جانب کسی می کشاند که در او تمامیت الهام خدا عرضه
 می شود (۲۱:۳)، ر. ک ۳۷:۶ توضیح ۱.

s- این عبارت توضیحی از اش ۵۴:۱۳ گرفته شده است (رک ار ۳۱:۳۳-۳۴؛ ۱-تسا ۹:۹).

t- رک ۱۸:۱، یوحنا مفهوم غلطی را که ممکن است در تفسیر این عبارت درک شود رو می نماید: زیرا به وسیله عیسی که بدون
 واسطه و کاملاً پدر را می شناسد وعده ای که داده شده تحقق می پذیرد.

u- در تعدادی از نسخ خطی معتبر نوشته شده است: آن کس که به من ایمان دارد.

v- ر. ک ۲۵:۵ توضیح b: ۲۶:۱۱ توضیح v.

w- آخرین قسمت گفتار (قسمت آخر آیه ۵۱-۵۸ و احتمالاً ۴۸-۵۸) صریحاً به راز نماز و شام آخر تخصیص داده شده است. با
 اینکه عموم مفسران بطور کلی در ترکیب عبارات این قسمت انشای یوحنا را تشخیص می دهند ولی ممکن است که آیات
 مذکور بعداً به بقیه باب افزوده شده باشد یا بالعکس یوحنا آنها را از روایت کهن تری گرفته باشد.

x- کلمه یونانی sarx تن به مفهوم آن چیزی است که واقعیت بشر را با امکانات و ناتوانیهای او می رساند (رک ۱:۱۴؛ ۳:۶؛
 ۸:۱۵؛ ۱-یو ۴:۲). ممکن است یوحنا روایت مستقلی را که مربوط به سنت نیایشی بوده حفظ کرده و کلمه تن ترجمه
 تحت اللفظی کلمه آرامی besra باشد که عیسی در طی شام واپسین به کار برده است. یوحنا در مورد ارزش نجات بخش راز
 تن گیری اصرار می نماید.

y- یوحنا به روش خود عبارت سنی را حفظ کرده که بیان می کنند مرگ عیسی برای بازخرد گناهان جهان است. ضمناً بین این
 نکته که عیسی منبع زندگی جاویدان است و واقعه مرگ او رابطه ای وجود دارد. بدین سبب موضوع نانی که خواهد داد مطرح
 است (رک ۱۰:۱۱، ۱۵؛ ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۱۴-۱۶؛ ۳:۱۶).

z- در اینجا موضوعاتی که در قسمت قبلی ارائه شده مجدداً ذکر می شود و در مقابل مجموعه نکاتی که قبلاً تشریح گردیده
 به صورت آداب دعای سپاسگزاری درمی آید.

تصمیم درباره ایمان

نخواهید داشت. ^{۵۴} هر که تن مرا می خورد^a و خون مرا می نوشد زندگانی جاودانی دارد و من او را در واپسین روز برخواهم خیزانید. ^{۵۵} زیرا تن من خوراک راستین و خون من نوشیدنی راستین است. ^{۵۶} هر که تن مرا می خورد و خون مرا می نوشد در من می ماند و من در او. ^{۵۷} همان گونه که پدر، آن زنده، مرا فرستاده و من به واسطه پدر زندگی می کنم، به همان گونه آن کس که مرا می خورد او هم به واسطه من زندگی خواهد کرد. ^{۵۸} چنین است نانی که از آسمان نازل شده، نه همچون نانی که پدرانتان خوردند و مردند. هر که این نان را بخورد جاودانه زندگی خواهد کرد. ^{۵۹} این سخنان را هنگامی که در کنیسه کفرناحوم آموزش می داد گفت.

^{۶۰} پس بسیاری از شاگردانش پس از شنیدن، گفتند: «این گفتار سخت است! چه کسی می تواند آن را گوش کند.» ^{۶۱} اما عیسی که در درون خود می دانست که شاگردانش در این باره زمزمه می کنند به آنان گفت: «آیا این برایتان موجب لغزش است؟ ^{۶۲} پس اگر ببینید پسر انسان را به جائی که اول بوده بالا برود چه؟ ^{۶۳} روح زندگانی بخش است، تن را فایده ای نیست. سخنانی که من به شما گفته ام روح اند و زندگانی اند، ^{۶۴} اما در بین شما هستند کسانی که ایمان نمی آورند.» زیرا عیسی از همان آغاز می دانست چه کسانی ایمان نمی آورند و چه کسی او را تسلیم خواهد کرد. ^{۶۵} پس گفت: «بدین سبب

a- ترجمه تحت اللفظی این کلمه جویدن است. یوحنا مخصوصاً در آداب دعای سپاسگزاری کلماتی به کار می برد که جنبه مادی و حقیقی دارند. بدین وسیله به خوانندگان بر ضد کسانی که برای رسالت عیسی فقط جنبه تصویری و غیر واقعی قائل بودند هشدار می دهد. ضمناً برابر رسوم متداول، یهودیان می بایست غذای جشن فصح خود را به خوبی جویده و می خوردند.

b- پسر انسان از آسمان می آید و باز به آسمان بالا می رود و بنابراین آنانی که به او ایمان دارند و در این راز شرکت می کنند در زندگی آسمانی که در اوست با او سهیم خواهند بود. راز سپاسگزاری مایه رستخیز کسانی است که ایمان دارند (رک ۳۹:۶، ۴۰، ۴۴:۵:۲۹-۲۱).

c- در طی شام واپسین نان و شراب یعنی جسم و خون مسیح به طرز والایی هدف و منظور این غذا و آشامیدنی را که زندگانی می باشد تحقق می بخشد.

d- زندگی کردن یعنی مشارکت کامل با پسر و بنابراین با پدر. این مبادله که با علم و شناسایی و محبت متقابل انجام می شود به طرز مطمئن و قاطعی وعده داده شده است و در حال حاضر شرکت در شام آخر در زمان حال نشانه ممتاز این مشارکت می باشد.

e- این عبارت ناتمام مانده است. مصلوب شدن عیسی در عین اینکه منتهای رسوایی است در نظر ایمانداران به عنوان بازگشت عیسی در شکوه و جلال پدیدار می شود، شکوهی که پیش از آفرینش از آن او بوده است (۱:۱۵:۱۷، ۵:۲۴). بدین سان کلماتی که قبلاً بیان شده با توجه به شکوه یافتن عیسی و موهبت روح القدس که از آن ناشی می شود (۷:۳۹) تمام معنی و مفهوم خود را خواهند یافت. بایستی از ورای موقعیت زمینی عیسی و مصلوب شدن او (رک ۷:۱۳) شکوه او را تشخیص داد و حقیقت و قدرت سخنان و رفتار او را باز شناخت. اگر آیات ۵۱-۵۸ جزء اصلی این گفتار باشد (رک ۶:۵۱ توضیح w) می توان چنین درک کرد که برای شناختن قدرت زندگی بخش آیین سپاسگزاری بایستی قبلاً شکوه و جلال عیسی را درک کنند.

f- یوحنا که تن را در برابر روح آورده، در وجود آدمی دو قسمت تشخیص نمی دهد بلکه دو نوع زندگی کردن را توصیف می نماید. تن، انسانی است که با محدودیت امکان خود به خودش واگذار شده است. این انسان نمی تواند به خودی خود مفهوم عمیق سخنان و نشانه های عیسی را درک نماید و نمی تواند ایمان بیاورد (رک ۶:۳۷ توضیح l) در صورتی که روح قدرت زندگانی است که آدمی را هدایت نموده چشمانش را باز می کند و او را قادر می سازد کلام خدا را که در عیسی بیان شده است تشخیص دهد. [می توان روح القدس را در نظر گرفت.]

بی‌ایمانی برادران عیسی

به شما گفته‌ام هیچکس نمی‌تواند به سوی من آید اگر این از پدر به او داده نشده باشد.»
 ۶۲:۹ لو ۶۶ از آن به بعد بسیاری از شاگردانش از او روگردان شدند و دیگر با او نرفتند.
 ۶۷ پس عیسی به آن دوازده تن گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟»^{۶۸} شمعون پطرس به او پاسخ داد: «خداوندا نزد چه کسی برویم؟ سخنان زندگی جاودانی نزد توست.»^{۶۹} ما ایمان آورده‌ایم و دانسته‌ایم که تو قدوس خدا هستی^h.»^{۷۰} عیسی به ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیده‌ام؟ و یکی از شما ابلیس است.»ⁱ ۷۱ او از یهو [پسر] شمعون اسخریوطی سخن می‌گفت زیرا هم او بود که باید او را تسلیم می‌کرد، او که یکی از آن دوازده تن بود!

۱ پس از آن عیسی در جلیل
 ۲ می‌گشت زیرا نمی‌خواست در
 ۳ یهودیه بگردد، چون که یهودیان می‌خواستند
 او را بکشند.^۴ جشن خیمه‌های^k یهودیان
 نزدیک بود. ۳ پس برادرانش^۱ به او گفتند:
 «از این جا حرکت کن و به یهودیه برو تا
 شاگردانت نیز کارهائی را که می‌کنی
 مشاهده کنند^۴ زیرا اگر کسی در جستجوی
 آن است که شناخته شود در خفا رفتار
 نمی‌کند. چون تو این کارها را می‌کنی خود
 را به جهان نمایان کن^m!»^۵ زیرا برادرانش
 هم به او ایمان نمی‌آوردند. ۶ پس عیسی به
 ایشان گفت: «وقت من هنوز نرسیده اما
 وقت شما همیشه وقت مناسب استⁿ.»
 ۷ جهان نمی‌تواند از شما متنفر باشد، اما
 مرا منفور می‌دارد، زیرا درباره‌اش شهادت

g- ر. ک ۴۲:۱ توضیح p. اگر ایمان در برابر بیانات عیسی که موجب لغزش می‌شود مقاومت نکنند بیهوده است. / او می‌دانست
 چه کسی او را تسلیم خواهد کرد: در اینجا یوحنا خیانت یهو را اعلام می‌کند (۱۳:۱۱، ۱۸، ۲۱-۳۰). در انجیل یوحنا عیسی
 جریان مصائب و مصلوب شدن خود را هدایت می‌کند و ساعت آن را می‌داند (۱۱:۴، ۱۳:۱، ۱۸:۴) و به پیشواز آن می‌رود
 (ر. ک ۴:۲ توضیح x: ۲۷:۱۲ توضیح k).

h- در برابر رفتار کسانی که عیسی را ترک کردند، ایمان واقعی عبارت از گرویدن بدون قید و شرط به کسی است که سخنانش
 زندگی جاودان را وعده داده و می‌بخشد: او حقیقتاً فرستاده‌ای است که خدا او را تقدیس کرده (ر. ک ۱۰:۳۶، ۱۷:۱۷-
 ۱۹). این صحنه اعتراف و ایمان پطرس را به یاد می‌آورد (مت ۱۶:۱۶-۲۳؛ مر ۸:۲۷-۳۳؛ و مخصوصاً لو: ۹:۱۸-۲۲).

i- انتخاب دوازده تن توسط عیسی (۱۵:۱۶) آزادی آنان را سلب نمی‌کرد و مانع از آن نبود که یکی از آنان به عیسی خیانت کند.
 کسی که خیانت می‌کرد آلت دست شیطان شده است (۱۳:۲، ۲۷:۴۴).

j- ر. ک ۵:۱۸، ۷:۱۹، ۲۰، ۲۵:۳۷، ۴۰:۵۳؛ در این قسمت طولانی انجیل که وقایع در اورشلیم روی می‌دهد در همه
 جا تهدید مرگ وجود دارد.

k- جشن خیمه‌ها در اواخر تابستان در موسم انگور چینی برگزار می‌شد (ر. ک لاو ۲۳:۳۳-۴۴؛ تث ۱۶:۱۳-۱۶؛ خروج ۱۶:۲۳) و مدت هشت روز ادامه داشت (اعد ۲۹:۱۲-۳۹:۲-۲ مک ۱۰:۶). در این جشن عمل نجات بخش خدا را در جریان خروج از
 مصر یادآوری و در ضمن برای برداشت محصول سالیانه شکرگزاری می‌کردند. این جشن جنبه نبوتی داشت و نعمت‌های
 پربرکت دوران مسیحایی را اعلام می‌کرد (زک ۱۴:۱۶-۱۹).

l- ر. ک مت ۱۲:۴۶ توضیح n.

m- طبق برداشت اشتباه آمیز دنیوی، فقط ابراز قدرتی فوق‌العاده کافی خواهد بود تا اعتماد و احترام مردم به فرستاده مسیحایی
 جلب شود (ر. ک ۲:۱۸، ۴:۴۸، ۶:۳۰؛ مت ۱۲:۳۸-۴۰).

n- ترجمه تحت‌اللفظی: اما وقت شما همیشه آماده است. مراحل مختلف عمل عیسی به وسیله پدر که او را فرستاده تعیین شده و
 مخصوصاً لحظه مناسب در اورشلیم برای عمل قطعی که عیسی آن را ساعت خود می‌ماند (۲:۴، ۵:۲۵، ۲۸، ۷:۳۰، ۸:۲۰؛
 ۱۲:۲۳، ۲۷:۱۳، ۱۷:۱؛ مر ۱۴:۳۵-۴۱). بالعکس مردمانی که از این دنیا هستند وقت را در اختیار خود دارند.

می‌دهم که کارهایش شروانه است.^۸ شما به جشن فراز آئید، من به این جشن فراز نمی‌آیم زیرا وقت من هنوز نرسیده است.»^۹ این را گفت و خودش در جلیل ماند. ^{۱۰} وقتی برادرانش به جشن فراز آمدند، او هم نه نمایان بلکه در خفا فراز آمد.^P

آموزشهایی در طی جشن خیمه‌ها

۵۶:۱۱ پس به هنگام جشن، یهودیان او را جستجو می‌کردند و می‌گفتند: «او کجاست؟»^{۱۲} و در بین مردم درباره او بسیار زمزمه می‌شد. برخی می‌گفتند: «مرد خوبی است»، دیگران می‌گفتند: «خیر، بلکه جمعیت را گمراه می‌کند.»^{۱۳} با این همه، هیچکس، از ترس یهودیان درباره او آشکارا اظهار نمی‌کرد.^۹ ^{۱۴} هنگامی که هنوز در میانه جشن بودند عیسی به معبد فراز آمده آموزش می‌داد. ^{۱۵} پس یهودیان شگفت‌زده می‌گفتند:

«چطور این مرد بدون آنکه درسی خوانده باشد باسواد است؟»^{۱۶} پس عیسی در پاسخ به آنان گفت: «آموزش من از من نیست بلکه از آن کسی است که مرا فرستاده است.^{۱۷} اگر کسی بخواهد اراده او را بجا آورد خواهد شناخت که آیا این آموزش از خداست یا اینکه من از خود حرف می‌زنم.»^{۱۸} کسی که از خود حرف می‌زند، شکوه خود را می‌جوید، اما کسی که شکوه فرستنده خود را می‌جوید او راستین است و در او بی‌عدالتی^{۱۹} نیست. ^{۱۹} مگر تورات را موسی به شما نداده است؟ حال هیچکدام از شما به تورات عمل نمی‌کنید! چرا در جستجوی آن هستید که مرا بکشید؟^{۲۰} جمعیت پاسخ داد: «تو دیو داری، چه کسی در جستجوی کشتن تو است؟»^{۲۱} عیسی در پاسخ به آنان گفت: «من فقط یک کار انجام داده‌ام^{۲۲} و شما همگی از آن شگفت‌زده هستید.^{۲۲} موسی^{۲۳} آید»

o- فعالیت عیسی کینه دنیا را برمی‌انگیزد (۱۸:۱۵-۲۵) زیرا این فعالیت خباثت واقعی اعمال دنیوی را برملا می‌کند (۲۰:۳-۲۱).

p- ر.ک ۴:۲ توضیح X. عیسی نه از درخواستهای مبهم مردمان بلکه از اراده پدرش پیروی می‌کند.

q- ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۲. بعد از این بایستی ایمان بر ترس از مجازات‌های یهودیان غالب شود. شکی نیست که در اینجا یوحنا اشاره به اقداماتی می‌کند که پس از سال ۷۰ میلادی، کنیسه بر ضد کسانی که به انجیل می‌پیوستند به عمل می‌آورد (ر.ک ۹:۲۲ توضیح r و ۱۱:۴۷ توضیح d).

r- ترجمه تحت‌اللفظی: حروف الفبا را می‌شناسد. این اصطلاح [نظیر اصطلاح فارسی باسواد] بدو در مورد تحصیلات مقدماتی (یعنی خواندن و نوشتن) به کار می‌رفت و بعداً بتدریج مجموعه آموزشهای مدرسه‌ای را دربرمی‌گرفت. از سوی دیگر چون در آموزشهای مدرسه‌ای در مورد شناختن قوانین تورات و روایات کاملاً تأکید می‌شد این اصطلاح به مفهوم آموزش متداول عالمان و کاتبان درآمد.

s- عیسی نه وابسته به سبک آموزشهای مدرسه‌ای است و نه وابسته به تحصیلاتی که پیش خود کرده باشد. آموزشی که او می‌دهد از شناسایی کامل و بلاواسطه پدر ناشی می‌شود. (ر.ک ۳:۱۱-۱۳، ۳۱-۳۶؛ ۵:۱۹-۲۳؛ ۱۲:۴۹-۵۰).

t- فقط کسانی که می‌پذیرند اراده پدر را انجام دهند آمادگی دارند مکاشفه راز الهی را پذیرفته و منشأ خدایی مشخص عیسی و آموزش او را قبول کنند.

u- گاهی این کلمه را خدعه یا شیادی ترجمه می‌کنند. [بی‌عدالتی]

v- کسانی که قصد دارند عیسی، فرستاده پدر را نپذیرفته و او را بکشند، نشان می‌دهند که اصولاً به قوانین تورات که به آن می‌بالند ایمان ندارند (ر.ک ۵:۴۷؛ ۷:۴۹؛ ۸:۳۷-۴۱).

w- ظاهراً اشاره به شفای مفلوجی است که در ۵:۱-۱۵ روایت شده است.

- می دانید از کجا هستم! ولی از طرف خودم
نیامده‌ام^a، اما آن کسی که مرا فرستاده
راست است و شما او را نمی شناسید^b.
- ^{۲۹} من او را می شناسم زیرا از او می آیم و
اوست که مرا فرستاده است.»^{۳۰} پس
ایشان در جستجوی آن بودند تا او را
بگیرند اما هیچکس بر او دست نرزد
زیرا ساعت او هنوز نرسیده بود.^{۳۱} از میان
جمعیت بسیاری به او ایمان آورده
می گفتند: «آیا وقتی مسیح بیاید نشانه‌های
بیشتری انجام خواهد داد از آنچه این یکی
انجام داده است؟»
- ^{۳۲} چون فریسیان شنیدند که مردم درباره
او چه زمزمه می کنند، کاهنان اعظم و
فریسیان نگاهبانانی فرستادند تا او را
بگیرند.^{۳۳} پس عیسی گفت: «اندک
زمانی هنوز با شما هستم^d و به سوی آن
کس می روم که مرا فرستاده است.^e شما
مرا جستجو خواهید کرد و نخواهید یافت و
- ختنه را به شما داده است - نه آنکه ختنه
از موسی باشد، بلکه از نیاکان^x است - و
شما در روز سبت آدمی را ختنه می کنید.
^{۲۳} چون انسان در روز سبت هم ختنه می شود
تا تورات موسی بی حرمت نگردد، شما بر
من آشفته اید چونکه انسانی را به تمامی در
روز سبت بهبودی بخشیده‌ام!^{۲۴} دیگر به
ظاهر داوری نکنید بلکه به عدالت داوری
کنید.»
- ^{۲۵} پس برخی از اهالی اورشلیم می گفتند:
«آیا او همان کسی نیست که در جستجوی
کشتن وی هستند؟^{۲۶} اینک آشکارا سخن
می گوید و چیزی به او نمی گویند! آیا به
راستی رؤسا^{۲۷} دانسته اند که او مسیح
است؟^{۲۷} ولی ما می دانیم که او از کجاست
در صورتی که وقتی مسیح بیاید هیچکس
نخواهد دانست از کجاست^z.»^{۲۸} پس در
حالی که عیسی در معبد آموزش می داد ندا
کرده گفت: «شما مرا می شناسید و

x - ترجمه تحت اللفظی: پدران. ر. ک پید ۱۷:۱۰؛ روم ۱۱:۴. در خط ۲۳ عیسی طبق عادت ربیون بیان می دارد: یهودیان ختنه را به عنوان شفا، برای یک عضو خاص در نظر می گرفتند پس اگر شفا دادن (ختنه کردن) یک عضو روز سبت مجاز بود صورت گیرد چقدر و بیشتر شفا دادن به یک انسان «به تمامی» می بایست مجاز باشد.

y - روایت مکتوب در این مورد قطعی و مشخص نیست: در بعضی نسخه خطی به جای کلمه رؤسا، کاهنان اعظم و در نسخ دیگر مشایخ نوشته شده است. در دو نسخه خطی دیگر این کلمه حذف شده است.

z - در این متن مجدداً انعکاس بحث و مجادله ای که در قرن اول میلادی بین یهودیان و مسیحیان ادامه داشته به نظر می رسد ضمناً این عبارات نوعی لحن استهزاآمیز دارند: از یک دیدگاه اصل و تبار او مشهور است (ر. ک ۴۲:۶) چون انسان است از طرف دیگر اصل و تبار آسمانی او را هیچ کس نمی تواند درک کند.

a - گاهی این سخنان را چنین ترجمه می کنند: شما مرا می شناسید، می دانید از کجا هستم! با این همه از طرف خودم نیامده‌ام.

b - چون نمی توانند او را به عنوان فرستاده خدا بشناسند و این نشان می دهد که واقعاً خدا را نمی شناسند.

c - فقط کاهن اعظم نگاهبانانی در اختیار داشته است. بنابراین مقامات رسمی در جریان وقایعی وارد شده اند که به کشتن عیسی منتهی خواهد شد. ضمناً چنین به نظر می رسد که طرز رفتار و نظر نسبتاً مساعد جمعیت درباره او موجب شد مقامات رسمی در اتخاذ تصمیم خود تسریع نمایند (ر. ک ۴۵:۱۱-۴۶:۱۱؛ ۵۷:۱۱؛ ۱۸:۱۹-۱۹).

d - رنجهای عیسی در جریان مصائب و صلیب او به طوری که در انجیل نظیر اعلام شده (ر. ک مر ۸:۳۱-۳۳؛ ۹:۳۰-۳۲)؛ ۱۰:۳۳-۳۴) در انجیل یوحنا وجود ندارد. عیسی عزیمت و بازگشت خود را به سوی پدر (۳۳:۷؛ ۸:۲۱؛ ۱۳:۳۳) و برافرازی خود را به آسمان اعلام می نماید (۳:۱۴؛ ۸:۲۲؛ ۱۲:۳۲).

e - ر. ک ۸:۱۴، ۲۱-۲۲؛ ۱۳:۳۳، ۳۶؛ ۱۴-۴؛ ۵، ۲۸؛ ۱۶:۵، ۱۰؛ ۱۷:۱۱، ۱۳.

۲۱:۸ به آنجائی که من هستم شما نمی توانید
تث ۲۹:۴ بیائید^f.» ۳۵ پس یهودیان با خود گفتند:
امث ۲۸:۱ «به کجا خواهد رفت که ما او را نخواهیم
یافت؟ آیا به میان کسانی که در بین
یونانیان^g پراکنده اند خواهد رفت و به
یونانیان^h آموزش خواهد داد؟^{۳۶} معنی این
گفتار چیست که گفت: مرا جستجو نکرد و
نخواهید یافت و به آنجائی که من هستم
شما نمی توانید بیائید؟»

لاو ۳۶:۲۳
یو ۱۹:۳۱-۳۴
مکا ۲۱:۶
اش ۱۷:۲۲
۳:۱۲
۳:۴۴
۲۰:۴۳
۱۱:۵۸
۱:۵۵
حزق ۱۲:۱-۴۷
یول ۱۸:۴
زک ۱:۱۳
امث ۴:۱۸

آخرین روز جشن

۳۷ در آخرین روز که روز بزرگ جشن
بودⁱ عیسی در آنجا ایستاده ندا برآورد:
«اگر کسی تشنه است به سوی من بیاید و

بنوشد. ۳۸ آن که به من^j ایمان دارد برابر
آنچه در نوشته مقدس گفته شده از بطن او
نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد^k.»
۳۹ این را درباره روح گفت که آنانی که به
او ایمان می آورند بایستی دریافت کنند
چون هنوز روح نبود زیرا عیسی هنوز شکوه
نیافته بود^l.

۴۰ پس در میان جمعیتی که این سخنان را
شنیده بودند گروهی می گفتند: «به راستی
او آن پیامبر است^m!» ۴۱ دیگران

می گفتند: «این مسیح است!» برخی دیگر
می گفتند: «آیا مسیح باید از جلیل بیاید؟»
۴۲ آیا نوشته مقدس نگفته که مسیح از تبار

داود و از بیت لحم، روستائی که داود از
رک ۶-۵:۲
۲۲:۹
۳:۱
۲۷:۹
۳:۱
روم

^f- این سخن که عمداً به طور دو پهلو بیان شده موجب تعبیرهایی نیشدار و کنایه آمیز خواهد شد، با این همه نبوت واقعی که بعداً
به وقوع خواهد پیوست.

^g- یا در جامعه مهاجرنشین یونانیان.

^h- کلمه یونانی در اینجا دو معنی دارد. خواه یهودیانی که در میان بت پرستان زندگی می کرده اند و یونانیان یهودی تبار بوده اند
از جمله بت پرستانی بودند که به ایمان یهود گرویده اند. خواه به خود یونانیان: ر.ک ۲۰:۱۲؛ اع ۲۰:۱۱؛ ۱:۶؛ ۲۹:۹. بیشتر
محتمل است که منظور یوحنا معنی اخیر باشد. رسالت در بین خارجیان از مختصات دورانی است که پس از گذر عیسی
به سوی آغاز می شود (ر.ک ۴:۳۵-۳۸؛ ۱۲:۲۰-۲۴).

ⁱ- منظور روز هفتم و احتمالاً روز هشتم ایام جشن است که مدت هشت روز ادامه داشته و روز آخر را سوگاح می نامیدند. در این
روزها مراسم پاشیدن آب انجام می شد و شکی نیست که بدین سبب در سخنان عیسی آب به عنوان نماد و نشانه به کار برده
شده است.

^j- ترجمه دیگری امکان پذیر هست، «اگر کسی تشنه باشد نزد من بیاید و بنوشد. از کسی که به من ایمان دارد طبق گفته نوشته
مقدس، نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد» ما در اینجا طبق قدیمی ترین سنت کلیسا که بیشتر با طرز نوشتن یوحنا تطبیق
دارد این گونه می فهمیم: عیسی چشمه آب زنده می باشد برای کسانی که تشنه اند و به او ایمان می آورند. قسمت مهم سنت
غربی نقطه آخر جمله چنین درک می شود که: «به سوی من بیاید و بنوشد» و سخن کتاب مقدس چنین به ایمان دار اطلاق می
شود که خود چشمه آب زندگانی می گردد (ر.ک ۴:۱۴).

^k- چنین به نظر می رسد که در اینجا نقل قول معینی نیست بلکه چکیده ای از متون مختلف می باشد که در آنها عطایای آسمانی را
آب زندگانی بشمار آورده اند (ر.ک ۴:۱۰-۱۵ توضیح u). می توان به زک ۱۴:۸ اندیشید که در برگزاری آداب مذهبی جشن
یهود به کار می رفته است.

l- ر.ک ۴:۱ توضیح u. به نظر یوحنا شکوه عیسی عبارت از چیزی است که او را به عنوان پسر خدا (۱:۱۴) و فرستاده پدر ظاهر
می کند. عیسی شکوهمندی خود را از آدمیان دریافت نمی کند (۴۱:۵) بلکه از پدر (۱:۱۴؛ ۵:۴) و پیش از آفرینش جهان
دریافت می نماید (۵:۱۷). این شکوه در طی رسالت زمینی عیسی تجلی می نماید (۱:۱۴؛ ۱۱:۲؛ ۴:۱۱). برترین لحظه
شکوهمندی عیسی مرگ و رستاخیز اوست (۷:۳۹؛ ۱۲:۱۶؛ ۲۳:۱۳-۳۱؛ ۳۲:۵؛ ۱۷:۵) که یوحنا آن را به طور کلی بارها با
کلمات بلند شدن و سرافرازی ذکر کرده است (ر.ک ۸:۲۸ توضیح l). در هر لحظه شکوه پدر بر روی پسر و شکوه پسر بر
روی پدر انتقال یابد می کند (۱۱:۳۴؛ ۱۲:۲۳، ۲۸:۱۳؛ ۳۱-۳۲؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۷:۱).

m- ر.ک ۶:۲۱؛ ۱۴-۱۵.

«آیا تو هم از جلیل هستی؟ تفحص کن و ۱:۴۶:۵؛ ۳۹:۵؛ ۴۱:۷ خواهی دید که از جلیل پیامبری برنمی خیزد^۹». هر یک به خانه خود رفتند.

آنجا بود باید بیایدⁿ؟^{۴۳} به این ترتیب به خاطر او در بین جمعیت تفرقه افتاد^۹. ۱۱:۳؛ ۱۶:۹؛ ۱۹:۱۰؛ ۴۴ برخی از آنان می خواستند او را بگیرند اما کسی بر او دست دراز نکرد. ۳۰:۷

^{۴۵} پس نگهبانان به سوی کاهنان اعظم و فریسیان آمدند و آنان به ایشان گفتند: «چرا او را نیاوردید؟»^{۴۶} نگهبانان پاسخ دادند: «هرگز انسانی چنین سخن نگفته که این انسان می گوید!»^{۴۷} پس فریسیان در پاسخ پاسخ گفتند: «آیا شما نیز گمراه شده اید؟»^{۴۸} آیا در بین رؤسا یکی هست که به او ایمان آورده باشد؟ یا از بین فریسیان؟^{۴۹} اما این انبوه که تورات را نمی شناسند، ملعون اند^p.^{۵۰} نیکودیموس یکی از آنان، آن کس که قبلاً نزد عیسی آمده بود به ایشان گفت: «تورات ما بدون آنکه [اظهار] کسی را شنیده و دانسته باشد چه می کند؟ آیا از قبل او را محکوم می کند؟»^{۵۱} در پاسخ به او گفتند:

زن زناکار

لو ۳۷:۲۱-۳۸

^۱ اما عیسی به کوه زیتون رفت.^۲ ولی صبحدم باز در معبد حاضر شد و همه مردم به سوی او می آمدند و نشسته به ایشان آموزش می داد.^۳ کاتبان و فریسیان زنی را که در حین زنا گرفتار شده بود، نزد وی آوردند و او را در میان قرار داده^۴ به او گفتند: «ای استاد، این زن در حین ارتکاب زنا گرفتار شده است؛^۵ باری موسی در تورات به ما حکم کرده^s که این چنین زنان را باید سنگسار کرد. پس تو چه می گویی؟»^۶ این را می گفتند تا او را تجربه کنند تا بتوانند برای اتهام او چیزی داشته باشند. اما عیسی خم شده با انگشت

مت ۲۶:۵۵

لو ۳۷:۲۱-۳۸

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

مت ۲۶:۵۵

n- ر. ک ۲- سمو: ۱۲-۱۷؛ مز: ۸۹-۴؛ ار: ۲۳:۵؛ در مورد بیت لحم میک: ۵:۱. به نظر می رسد که رقیبان عیسی موضوع تولد او را در بیت لحم نمی دانند. آیا می توان تصور کرد که یوحنا به کنایه و مسخره این مطالب را نوشته است؟ به هر صورت باید توجه داشت که یوحنا در هیچ مورد از تولد عیسی در بیت لحم سخن نگفته است.

o- مکاشفه ای که در عیسی به ظهور می رسد موجب ایجاد تفرقه بین آدمیان می شود بسته به اینکه ایمان می آورند یا نه (ر. ک ۱۶:۹؛ ۱۹:۱۰؛ ۴۱:۹؛ ۱:۹-۱۳؛ ۳:۱۹-۲۱).

p- بیشتر کسانی که ایمان می آورند افراد توده عوام هستند (کسانی را که علمای دین یهود مردم زمین یا دهاتی می نامیدند) در صورتی که بی ایمانی طبقه برگزیده رهبران یهود تشدید می شود. در مورد تحقیر مردمان جاهل طبقه پایین (ر. ک ار: ۵:۱-۴) نوشته های ربیون یهود بسیار است.

q- در تمام این قسمت از انجیل یوحنا، مقامات رسمی اورشلیم، جلیل و اهالی جلیل را پست می شمارند تا جایی که برای آنان هیچ نقشی در تاریخ اسرائیل قائل نیستند (ر. ک ار: ۴۶). نبایستی فراموش کرد که اهالی یهودیه مسیحیان را اکثراً به نام جلیلیان می نامیدند. ضمناً گاهی با افراد فرقه غیوران به همین گونه رفتار می کردند.

t- در تعدادی از نسخه های بسیار کهن خطی، قطعه ۷:۵۳-۸:۱۱ وجود ندارد؛ در نسخه های دیگری این قطعه پس از آیه ۳۶ یا آیه ۴۴ یا در آخر انجیل آمده است. در نسخه های دیگری پس از لو ۳۸:۲۱ قرار گرفته است. چنین به نظر می رسد که پدران یونانی کلیسا از وجود این قسمت اطلاع نداشته اند. ضمناً در متن این قسمت نیز تفاوت هایی مختلف دیده می شود و فاقد مشخصات شیوه نگارش یوحنا است. بدین سبب می توان گفت که این قسمت در ابتدا جزو انجیل یوحنا نبوده و روایت مستقلی است که بعداً به انجیل یوحنا افزوده شده است؛ به هر صورت در مورد اصالت آن و مورد قبول کلیسا بودن تردیدی وجود ندارد.

s- ر. ک لاو: ۲۰:۱۰؛ تث: ۲۲:۲۲-۲۴.

بر روی زمین خطوطی ترسیم می کرد.^۴
 چون در پرسش اصرار می کردند، قد^۷
 راست کرده به آنان گفت: «آن کس که در
 بین شما بی گناه است اول بر او سنگی
 بیندازد!»^۸ و باز خم شده بر روی زمین
 می نوشت.^۹ وقتی که این را شنیدند، از
 مسن ترین آنان شروع کرده، یک یک از
 آنجا رفتند و او با آن زن که در میان بود،
 تنها ماند.^{۱۰} آنگاه عیسی قد راست کرده
 به او گفت: «ای زن کجا هستی؟»^۷ آیا
 هیچکس ترا محکوم نکرده است؟»^{۱۱} زن
 گفت: «خداوندا هیچکس» و عیسی گفت:
 «من نیز ترا محکوم نمی کنم، برو از حالا به
 بعد دیگر گناه مکن.»

عیسی نور جهان^{۱۲}
 پس عیسی باز با ایشان سخن گفت:
 «من نور جهان هستم. آن که به دنبال من

می آید در تاریکی راه نخواهد رفت بلکه نور
 زندگانی را خواهد داشت.»^{۱۳} پس
 فریسیان به او گفتند: «تو درباره خودت
 شهادت می دهی! شهادت تو راست^x
 نیست!»^{۱۴} عیسی در پاسخ به آنان گفت:
 «حتی اگر درباره خودم نیز شهادت بدهم،
 شهادت من راست است زیرا می دانم از کجا
 آمده ام و به کجا می روم. اما شما نمی دانید
 از کجا می آیم و به کجا می روم.»^{۱۵} شما
 چون بشر^{۱۶} داوری می کنید. من هیچکس را
 داوری نمی کنم؛ اما اگر من داوری کنم،
 داوری من راست است^a زیرا من تنها نیستم
 بلکه من هستم و آن کس که مرا فرستاده
 است^b. و در تورات خود شما نوشته شده^c
 که شهادت دو شخص راست است.^{۱۸} من
 درباره خودم شهادت می دهم و درباره من پدر
 شهادت می دهد که مرا فرستاده است^d.
 آنگاه به او گفتند: «پدرت کجاست؟»

t- از کلمه ای که در اینجا به کار رفته چنین برمی آید که عیسی خطوطی، یکی پس از دیگری رسم می کرده چنانکه گویی چیزهایی
 را می شمرد (گناهان هریک را؟): ر. ک ایوب ۱۳:۲۶. این کلمه را گاهی ترجمه می کنند: خطوطی ترسیم می کرد. این آیه
 ممکن است عبارتی را که در ازا ۳:۱۷ آمده عیناً و کلمه به کلمه بیاد آورد: آنان که از من دور می شوند بر روی زمین ثبت شده اند.
 u- عیسی با یادآوری مقررات شرعی (تث ۱۷:۵-۷؛ خروج ۲۳:۶-۷) از دایمی که برایش گسترده اند احتراز می کند یا اینکه
 می خواهد به کسانی که اتهام وارد می کنند وضعیت گناهکار بودن خودشان را یادآوری نمایند (مت ۱:۷-۲).
 v- یعنی کاتبان و فریسیان که او را متهم می کردند.
 w- دعوت پیروی از عیسی علاوه بر نخستین شاگردان (۱:۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۱۰:۴، ۲۷:۱۲، ۲۶:۱۳، ۳۶-۳۷، ۱۹:۲۱،
 ۲۲) به کلیه ایماندارانی خطاب می شود که از همه جا خواهند آمد؛ این ایمانداران بایستی در شخص عیسی نوری را بشناسند
 که به وسیله صلیب در شکوه پدر وارد شده است: یعنی آن کسی که راه وصول به زندگی واقعی را به نزد خدا ارائه نموده و
 وصول به آن را مقدور می سازد (۱:۴-۵، ۳:۹، ۱۹:۳-۲۱، ۵:۹، ۱۱:۹-۱۰، ۱۲:۳۵-۳۶، ۴۶:۱۳، ۶:۱-۱۰، ۷:۵-۷).
 x- گاهی این کلمه را قابل قبول ترجمه می کنند.

y- قاعده کلی (۳۱:۵) در مورد عیسی صدق نمی کند: زیرا فقط او می تواند بگوید که کیست، چون از پدر می آید و به پدر باز
 می گردد. انسانهای دیگر با وسایل بشری قادر نیستند به این روش دسترسی داشته باشند.
 z- ترجمه تحت اللفظی: برطبق تن: یعنی برابر موازین بشری و در نتیجه قضاوت و داوری برحسب ظواهر امر می باشد (ر. ک
 ۱۴:۷، ۱-۱۶:۲۶:۱-۱۶:۲۶).

a- گاهی ترجمه می کنند: داوری من مطابق حقیقت است.

b- ر. ک ۵:۲۲-۳۰، ۹:۳۹، ۱۲:۴۷، ۳:۱۶-۲۱.

c- ر. ک تث ۱۷:۶، ۱۹:۱۵، اعد ۳۵:۳۰.

d- اصولی را که قانون تورات مقرر کرده رعایت شده ولی به طوری که شنوندگان برای درک آن آمادگی ندارند.

- هستم. شما از این جهان هستید، من از این جهان نیستم.^h پس من به شما گفته‌ام که در گناهان خود خواهید مرد زیرا اگر ایمان نیاورید که «من هستم»ⁱ شما در گناهانتان خواهید مرد.^{۲۵} پس به او می‌گفتند: «تو اش ۱۱:۴۳:۱۹:۱۳:۶:۱۸ کیستی؟» عیسی به آنان گفت: «همان که [مکرر] به شما می‌گویم.^j دربارۀ شما گفتنی و داوری بسیار دارم، اما آن کس که مرا فرستاده راست است و من آنچه از او شنیده‌ام به جهان می‌گویم.^k» آنان ندانستند که به ایشان از پدر می‌گفت.^{۲۸} پس عیسی به آنان گفت: «وقتی پسر انسان را بالا ببرید، بدان هنگام خواهید دانست که «من هستم» و من از خود هیچ نمی‌کنم، بلکه برابر آنچه پدر به من آموخته است سخن می‌گویم.^l و آن کس که مرا
- عیسی پاسخ داد: «شما نه مرا می‌شناسید و نه پدرم را. اگر مرا می‌شناختید، پدرم را نیز می‌شناختید.»^{۲۰} این سخنان را در «خزانه»^e هنگامی که در معبد آموزش می‌داد بر زبان راند. کسی بر او دست دراز نکرد زیرا ساعتش هنوز نرسیده بود.
- عزیمت عیسی و داوری**
- پس عیسی باز به آنان گفت: «من می‌روم و شما مرا جستجو خواهید کرد و در گناه خود خواهید مرد. به جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید بیایید.^f» پس یهودیان می‌گفتند: «آیا می‌خواهد خود را بکشد^g که می‌گوید به جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید بیایید؟»^{۲۳} و او به آنان می‌گفت: «شما از پائین هستید، من از بالا
- مردم مجاز نبودند به ساختمانی که گنجینه معبد در آن حفظ می‌شد وارد شوند ولی نام گنجینه به محوطه‌ای که در اطراف ساختمان بود اطلاق می‌شد: مگر اینکه در اینجا منظور محلی در میدان زنان باشد که در آنجا صندوق‌های مخصوص جمع‌آوری پیش‌کشها قرار داشت (ر.ک مر ۱۲:۴۱-۴۳؛ لو ۲۱:۱-۴).
- فقط پذیرفتن واقعی عیسی به وسیله ایمان می‌توانست آنان را از مرگ که نتیجه گناه است بیرون آورد (در مورد کلمه مرگ ر.ک ۲۵:۵ توضیح b). بی‌ایمانی یا عدم ادراک کنونی هلاکت و گمراهی ایشان را قطعی می‌کند: نجات یعنی ایمان داشتن به عیسی و گذشتن با او به نزد پدر (ر.ک ۳۳:۷؛ ۴۱:۹؛ ۳۱:۱۲).
- یهودیان تصور می‌کنند که عیسی خودکشی خواهد کرد و این امر در آیین یهود یکی از گناهان مهم به شمار می‌رود. چنانکه بارها در انجیل یوحنا آمده این عبارت مبهم و دوپهلو است (ر.ک ۳۵:۷): این سخنان را که گویندگان بدون آنکه مفهوم واقعی آنها را بدانند بر زبان می‌رانند خواننده درک می‌نماید بدین معنی که عیسی واقعاً زندگی خود را خواهد داد (۱:۱۰-۱۸). ضمناً در اینجا یوحنا با ظرافت از زبان یهودیان درباره عیسی پیشگویی می‌کند چنانکه بعدها از زبان دیگران نظیر قیفا
- h- در مورد دو نوع زندگی ر.ک ۳:۳۱.
- i- آزاد شدن از گناه و رهایی از مرگ منحصرأ بسته به آن است که در ایمان عیسی را پذیرفته و بشناسند. در اینجا عیسی خود را با جمله مرموز: من هستم توصیف و معرفی می‌کند. شاید می‌خواهد عبارات قبلی را یادآوری نماید که در طی آنها عمل خود را نجات آدمیان توصیف کرده است (نان، روشنایی). ولی بیشتر متحمل است که این عبارت، ترکیب کلامی را یادآوری نماید که بیشتر در ترجمه یونانی کتاب مقدس به کار برده شده است (اش ۴۳:۱۰؛ ۴۱:۴؛ ۴۶:۴؛ ۴۸:۱۲؛ تث ۳۳:۳۹). در اش ۴۳:۱۰ عبارت مذکور بدین معنی است: من (تا/بد) همین هستم. ممکن است اشاره به اظهارات مهمی است که در کوه سینا شده است: من هستم که خواهم بود (خروج ۳:۱۴-۱۶)؛ در این صورت این عبارت وجود خدایی عیسی را بیان می‌کند که در سطح پدر قرار دارد و بنابراین مطلقاً امین و مورد اعتماد است.
- j- این جمله را به طرق مختلف ترجمه کرده‌اند: از همان آغاز مرتباً به شما گفته‌ام: روی هم رفته از چه چیزی سخن بگویم؟ بدو آنچه به شما می‌گویم: از همان چه به شما گفتم: عیسی در مورد هویت و رسالت خود مرتباً همان آموزش را بیان می‌کند ولی شنوندگان به طور کلی نشان می‌دهند که قادر به درک و شنیدن سخنان او نیستند.
- k- ر.ک ۱۷:۷؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۰:۱۴.
- l- عیسی که بر روی صلیب بالا برده می‌شود در شکوه و جلال نیز بالا برده می‌شود (۳:۱۵-۱۲؛ ۳۲-۳۴) و الوهیت او نظیر حقیقت سخنان او بر همگان آشکار می‌گردد (ر.ک ۷:۳۹ توضیح l).

به شما می گویم هر کس گناهی مرتکب شود برده گناه است.^{۳۵} باری برده برای ابد در خانه نمی ماند، پسر برای ابد [در آنجا] می ماند.^{۳۶} پس اگر پسر شما را آزاد کند، شما به راستی آزاد خواهید بود.^{۳۷} می دانم که شما از تبار ابراهیم می باشید^{۳۸} اما در جستجوی کشتن من هستید زیرا سخن من در شما نفوذ ندارد.^{۳۸} آنچه من نزد پدرم دیده ام، همان را می گویم و شما آنچه را از پدر خود شنیده اید انجام می دهید.»^{۳۹} پاسخش داده گفتند: «پدر ما ابراهیم است.» عیسی به آنان گفت: «اگر فرزندان ابراهیم هستید کارهای ابراهیم را بکنید.^{۴۰} بلکه در عوض در جستجوی کشتن من هستید. من انسانی هستم که راستی را که از

فرستاده با من است^m، مرا تنها نگذاشته زیرا همواره من چنان می کنم که خوشایند او باشد.»^{۳۰} چون این مطالب را می گفت بسیاری به او ایمان آوردند.ⁿ

فرزندان واقعی ابراهیم

^{۳۱}پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند می گفت: «اگر شما در سخن من بمانید^o، شما به راستی شاگردان من هستید.^{۳۲} و راستی را خواهید شناخت^p و راستی شما را آزاد خواهد کرد^q.»^{۳۳} به او پاسخ دادند: «ما از تبار ابراهیم هستیم و هرگز برده کسی نبوده ایم^r، تو چگونه می توانی بگویی: شما آزاد خواهید شد؟»^{۳۴} عیسی به آنان پاسخ داد: «آمین، آمین،

m- عیسی عبارتی را که در عهدعتیق آمده در مورد خود به کار می برد. در آنجا گفته شده که خدا همراه و پشتیبان کسانی است که به رسالت مأمور می نماید (خروج ۱۲:۳؛ یوشع ۱:۵؛ سمو ۷:۱۰؛ ارمیا ۸:۱؛ عزا ۱۴:۵) ولی این عبارت مفهوم والایی می گیرد (رک ۱۶:۳۲): متقابلاً عیسی به تمامی در خدمت پدر است (۳۴:۴؛ ۳۰:۵؛ ۳۸:۶).

n- ر.ک ۲:۲۳؛ ۴:۳۹-۴۱؛ ۷:۳۱؛ ۱۰:۴۲؛ ۱۱:۱۲؛ ۴۲.

o- یعنی اگر به کسی که اظهار می کند کلام خدا یعنی حقیقت است بپیوندند: ر.ک ۸:۳۷؛ ۵:۳۸؛ ۶:۵۶؛ ۷:۱۵؛ ۲:۹-۹. p- به نظر یوحنا حقیقت یعنی واقعیت خدا زیرا خدا تمامیت زندگی حقیقی است و می تواند آدمیان را که آفریده در آن سهم کند. این حقیقت در عیسی متظاهر می شود، بنابراین ایمان به او شناختن و پذیرفتن حقیقت است (۱۴:۱، ۱۷؛ ۱۴:۱۶، ۱۷؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷؛ ۱۳:۱۷؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۹:۱۸-۳۷؛ ۱-۱۰؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۸؛ ۲-۱۰).

q- در اینجا منظور یوحنا نه آزادی سیاسی و نه استقلال درونی می باشد که فرد عاقلی با تفکر درباره وجود بشری خود می تواند به این استقلال برسد. آزادی نسبت به دروغ (۸:۴۴) و در برابر مرگ (۸:۲۴، ۵۱) قابلیت زندگی کردن به تمامیت (۱۰:۱۰) در همبستگی با پسر و پدر است (۳:۱۷). این آزادی که مربوط به سرنوشت نهایی بشر است عطیه ای می باشد و به حقیقتی که از عیسی دریافت می شود وابسته است.

r- یهودیان به خوبی درک کرده اند منظور آن آزادی است که در ارتباط با خدا حاصل می شود (زیرا از نظر سیاسی اغلب اوقات تحت تسلط دیگران بوده اند)؛ ولی این آزادی عطیه ای است که بایستی در ایمان به دست آید؛ فقط به سبب تعلق داشتن به تبار ابراهیم نمی توان خود را برتر از دیگران دانست زیرا آنان که به عیسی ایمان دارند ذریت واقعی ابراهیم را تشکیل می دهند (ر.ک مت ۳:۹؛ روم ۴:۴؛ غلا ۳:۲۱-۳۱).

s- آزادی یکی از جنبه های شرایط فرزندانی و مخالف بردگی است. گناه که عبارت از عدم شناسایی خدا و جدایی از اوست حالت بردگی یا دیوانگی را می رساند. تنها پسر در موقعیت همبستگی با پدر به طور قطعی و مطمئن در خانه است (در مورد اختلاف پسر و خدمتگذار ر.ک پید ۱۰:۲؛ ارمیا ۲:۱۴-۳؛ ۲۲:۳؛ غلا ۴:۹-۱۰؛ ۵:۱) و می آید تا ایمانداران در موقعیت او سهم شوند.

t- تبار ابراهیم تنها یک واقعیت از نظر زیست شناسی یا جامعه شناسی نیست (یعنی کسانی که فقط فرزندان تنی ابراهیم بوده یا به سبب وابستگی به جامعه یهود از نسل او به شمار آیند) بلکه ایجاب می کند که رفتاری برابر رفتار آن پیامبر داشته باشند. این برابری بایستی در عمل ابراز شود و اکنون با شناسایی و پذیرفتن فرستاده خدا بیان گردد (ر.ک روم ۴:۱، ۱۱-۲۵؛ ۷:۹؛ غلا ۶-۱۶). بالعکس اقداماتی که برای کشتن عیسی انجام می دهند نشانه آن است که عوامل این اقدامات فقط از نظر جسمانی از تبار ابراهیم می باشند.

خدا شنیده ام به شما گفته ام. این را ابراهیم
نکرده است.^u شما کارهای پدرتان را
می کنید.» به او گفتند: «ما روسپی زاده
نیستیم^v، ما فقط یک پدر داریم که خدا
باشد.»^{۴۲} عیسی به آنان گفت: «اگر خدا
پدرتان می بود، به من محبت می داشتید
زیرا من از خدا برون شده و می آیم، زیرا از
خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است.
^{۴۳} چرا گفتار مرا در نمی یابید؟ زیرا
نمی توانید سخن مرا بشنوید.^w شما،
پدرتان ابلیس است و می خواهید هوی و
هوسهای پدرتان را انجام دهید. وی از
همان آغاز قاتل بود^x و در [طریق] راستی
نمانده بود زیرا در او راستی نیست، وقتی
دروغ می گوید از خودش می گوید زیرا او
دروغگو و پدر دروغ است.^y اما چون من
راستی را می گویم، به من ایمان
غلا: ۴:۱۶ راستی را می گویم، به من ایمان

خروج: ۲۲:۴
تث: ۶:۳۲
اش: ۱۶:۶۳
ملا: ۱۰:۲
۱- یو: ۱:۵
یو: ۳:۱۳
۲- یو: ۸:۱۸
۸:۱۷
مت: ۷:۲۶
روم: ۷:۸
پید: ۴:۳
حک: ۲:۲۴
روم: ۱۲:۵
۱- یو: ۱۵-۸:۳
۱- یو: ۸:۵
مت: ۲۰:۷
مر: ۱:۹
لوقا: ۲۲:۲
۱۸:۵
۲۱:۲
۲۴:۲
۳۷:۱۸
۳۹:۳۴
۴۰:۲۱
۴۴:۲۱
۴۵:۶
۴۶:۳
۴۷:۱۸
۴۸:۱۸
۴۹:۳
۵۰:۱۱
۵۱:۲۳
۵۲:۲۶
۵۳:۱۱
۵۴:۲۰
۵۵:۲۰
۵۶:۲۰
۵۷:۲۰
۵۸:۲۰
۵۹:۲۰
۶۰:۲۰
۶۱:۲۰
۶۲:۲۰
۶۳:۲۰
۶۴:۲۰
۶۵:۲۰
۶۶:۲۰
۶۷:۲۰
۶۸:۲۰
۶۹:۲۰
۷۰:۲۰
۷۱:۲۰
۷۲:۲۰
۷۳:۲۰
۷۴:۲۰
۷۵:۲۰
۷۶:۲۰
۷۷:۲۰
۷۸:۲۰
۷۹:۲۰
۸۰:۲۰
۸۱:۲۰
۸۲:۲۰
۸۳:۲۰
۸۴:۲۰
۸۵:۲۰
۸۶:۲۰
۸۷:۲۰
۸۸:۲۰
۸۹:۲۰
۹۰:۲۰
۹۱:۲۰
۹۲:۲۰
۹۳:۲۰
۹۴:۲۰
۹۵:۲۰
۹۶:۲۰
۹۷:۲۰
۹۸:۲۰
۹۹:۲۰
۱۰۰:۲۰

u- /براهیم نمونه کسانی است که به کلام خدا ایمان دارند: ر. ک پید: ۱۵:۶؛ بنسی: ۴۴-۲۰-۲۱؛ روم: ۴:۳، ۱۸، ۲۰؛
حک: ۱۸-۱۹:۱۹؛ یع: ۲۱-۲۴:۲۴.

v- یهودیان که خدا را منشأ قوم خود می شمارند، خدا را پدر خود می خوانند و تولدی را که بر اثر عمل فحشا است رد می کنند:
معمولاً پرستش بتها و عدم وفاداری قوم را نسبت به خدا با کلمه فحشا توصیف می کردند (هو: ۱-۳؛ ار: ۳-۴؛ اش: ۵۷-۷-۱۳؛
جز: ۱۶-۳۳)؛ با این همه دین ایشان بت پرستی است زیرا با اینکه تصور می کنند به خدا وفادار می باشند از او جدا
شده اند و اکنون شیطان پدر ایشان شده است (ر. ک ۱۹:۱۵).

w- این وضعیت که قادر نیستند حقیقت سخنان عیسی را بشناسند نشان می دهد که به دنیای خدا تعلق ندارند (ر. ک ۱۸:۳۷).
x- مخالفت با خدا در این نکته ابراز می شود که تصمیم دارند زندگی را که به انسان داده شده از بین ببرند (ر. ک پید: ۳ که در
حک: ۱-۱۳-۱۶:۲۴ تفسیر شده؛ روم: ۵:۱۲؛ ۱- یو: ۳-۸:۱۵). قصد کشتن عیسی از همین میل به از بردن زندگی ناشی
می شود.

y- پدر دروغ/ است، [اصطلاحی مختص زبانهای سامی چنانکه در زبان عربی هم اصطلاحاتی نظیر این الوقت، ابن السبیل،
ابوجهل... به کار می برند و منظور آن است که دروغ گفتن خصیصه ذاتی او می باشد]. گاهی این عبارت را در زبانهای غربی
ترجمه می کنند: پدر دروغگو/ است. ابلیس به وسیله نپذیرفتن حقیقت مشخص می شود زیرا قادر نیست پای بند به حقیقت
باشد و دروغ نشانه اعمال او است (مکا: ۹:۹).

z- در اینجا گناه عبارت از خطا و دروغ می باشد زیرا نپذیرفتن حقیقت (۱۵:۲۴) و نپذیرفتن خدا است.

a- ر. ک ۴:۹ توضیح t. در نظر یهودیان فرد سامری نمونه انسانی است که از قوم برگزیده جدا شده و تحت نفوذ فساد و هرزگی
قرار دارد.

b- اتهام دیو داشتن اتهامی عادی و معمولی است: ر. ک مت: ۱۲-۲۴:۳۷؛ ۹:۳۴؛ ۱۱-۱۸:۱۹؛ لوقا: ۱۱-۱۵:۲۶؛ و همچنین
ر. ک ۷:۲۰؛ ۱۰:۲۰.

c- ر. ک ۸:۲۴، ۳۱؛ ۱۱-۲۵:۲۶.

شود "من هستم. g" ۵۹ پس سنگها ۳۹:۳۱:۱۰
برداشتند تا براو پرتاب کنند، اما عیسی ۸:۱۱
خود را پنهان کرده از معبد بیرون رفت. ۳۰-۲۹:۴ لو

شفای کور مادرزاد

۹ ا چون می گذشت انسان کور اع ۸:۱۴:۲۰:۳
مادرزادی را دید. ۲ و شاگردانش از
او پرسیدند: «ربی، چه کسی گناه کرده ۵:۲۰
است، خودش یا والدینش تا اینکه کور ۲۰:۱۸
زاده شود؟» ۳ عیسی پاسخ داد: «نه او و ۴:۱۱:۱۴:۵
نه والدینش، بلکه تا کارهای خدا در او ۲:۱۳
نمایان شود! i تا روز است ما j باید در ۱۰:۹:۱۱
کارهای آن کس که مرا فرستاده کار کنیم. ۳۶-۳۵:۱۲
شب خواهد رسید که کسی نمی تواند ۳۴:۴
کار کند. k. مادامی که در جهان هستم، من ۱۲:۸:۴:۱
نور جهان! ۱ ۶:۴۱:۱۲
این را گفت و آب دهان به زمین ۶:۴۹
انداخته با آن گل ساخت و گل را بر ۲۳:۸

می گوئی: اگر کسی سخن مرا نگاه دارد،
هرگز تا به ابد مرگ را نخواهد چشید. d.
۵۳ آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرده است
بزرگتر هستی؟ پیامبران نیز مرده اند. تو
خود را که می دانی؟» ۴ عیسی پاسخ داد:
«اگر من خود را شکوه دهم، شکوه من هیچ
است، پدرم مرا شکوه می بخشد، همان که
شما می گوئید: «این خدای ماست.»
۵۵ و شما او را نمی شناسید، اما من او را
می شناسم و اگر می گفتم او را نمی شناسم
همچون شما دروغگو بودم. اما من او را
می شناسم و سخن او را نگاه می دارم.
۵۶ پدرتان ابراهیم از فکر دیدن روز من e به
وجد آمد و آن را دید و شاد گردید. f.
۵۷ پس یهودیان به او گفتند: «تو هنوز
پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟»
۵۸ عیسی به آنان گفت: «آمین، آمین، به
شما می گویم پیش از آنکه ابراهیم پدیدار ۲۴:۸:۱:۱
اش ۱۹:۱۳
۱۳:۴۳

d- گاهی ترجمه می کنند: هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد (ر. ک عبر ۹:۲).

e- در نوشته های عهدعتیق سخن از روز خداوند، روز داوری و استقرار ملکوت مسیحایی است (عا ۵:۱۸؛ اش ۱۳:۶؛ حزق ۳۰:۳۰؛ یول ۱۵:۱ و غیره). این اصطلاح در مورد آمدن عیسی به کار می رود (ر. ک لو ۱۷:۲۴؛ ۱- قرن ۸:۱؛ ۵:۵؛ ۲- قرن ۱۴:۱).

f- شاید منظور روایی پیامبرانه است که ابراهیم در انتظار و امید آمدن مسیح آن را تا اندازه ای دریافت داشته باشد (ر. ک ۳۱:۱۲ در مورد اشعیا که شکوه او را دیده است)؛ ولی امکان دارد که ابراهیم اکنون آمدن عیسی را می بیند که امید او را برآورده می کند (ر. ک لو ۱۶:۲۷).

g- ر. ک ۸:۲۸؛ ۱۳:۱۹؛ ۱-۳. تأکید روشن و صریح بر وجود قبلی پسر جاودانی نسبت به ابراهیم که یک فرد بشری بود.
h- بنابر عقیده ای که در دنیای کهن شایع بود ارتباط نزدیکی بین گناه و نقص عضو جسمانی وجود دارد (خروج ۹:۱-۱۲؛ مز ۳۸:۲-۶؛ حزق ۲۰:۱۸). در مورد کودکانی که ناقص الخلقه بدنیا می آمدند بعضی از کاهنان این امر را به خطای والدین کودک نسبت می دادند و کاهنان دیگری آن را به خطای خود کودک در بطن مادر مربوط می دانستند.

i- عیسی بی آنکه نظریه تازه ای ابراز نماید عقاید معمولی را رد می کند. او فقط نقص عضو را ملاحظه کرده و اقدامی می نماید تا تمامیت سلامت جسمانی این مرد تأمین شود. عیسی با این عمل نشانه ای ارائه می کند که منشأ الهی او را نشان داده و از آنان دعوت خواهد کرد نور حقیقی را دریافت کنند. ضمناً تحول از کور بودن به بینایی اشاره و رمزی از بی ایمانی و مرگ به ایمان و زندگی است. در این معنی مرد کور (که تنها مورد کور مادرزاد در عهدجدید است) ممکن است به عنوان نمونه کسانی باشد که به ایمان دست می یابند.

j- ضمیر جمع «ما» که در این مورد به کار برده شده کاملاً مورد تأیید می باشد و نشان می دهد که جامعه مسیحیان عمل خود را ادامه عمل مسیح می دانسته است: ر. ک ۱۰:۱۱-۱۰.

k- اغلب اوقات دوران زندگانی و فعالیت انسان با یک روز کاری مقایسه شده است، به همین گونه فعالیت عیسی را که روشنایی جهان است می توان با یک روز مقایسه کرد.

l- فعالیت پدر برای صلاح و نجات آدمیان در عیسی تجلی می کند که تنها وسیله نجات می باشد (۸:۱۲؛ ۱۲:۳۵).

چشمان کور مالید^m و به او گفت: «برو
در استخر شیلوچا - یعنی فرستادهⁿ - خود را
بشوی. پس او رفت و خود را شست و بینا
بازگشت.
اع ۱۰:۳^۸ همسایگان و کسانی که او را پیشتر
دیده بودند - زیرا وی گدا بود - می گفتند:
«آیا این همان نیست که نشسته گدائی
می کرد؟»^۹ بعضی می گفتند: «همان
است!» برخی دیگر می گفتند: «خیر، ولی
شبهه اوست.» خودش می گفت: «من همان
هستم.»^{۱۰} پس به او می گفتند: «پس
چگونه چشمهای تو باز شد؟»^{۱۱} پاسخ داد:
«مردی که او را عیسی می نامند گلی ساخت
و به چشمانم مالید و به من گفت: "به
شیلوچا برو و خود را بشوی" من رفتم، خود
را شسته بینائی خود را باز یافتم.»^{۱۲} به او
گفتند: «او کجاست؟» جواب داد:
«نمی دانم.»
آنان را که قبلاً کور بود به نزد فریسیان
آوردند.^{۱۳} آن روز که عیسی گل ساخته و
چشمان او را باز کرده بود، روز سبت بود.^{۱۴}
پس مجدداً، فریسیان نیز از او پرسیدند
که چگونه بینائی خود را باز یافته بود. به
آنان گفت: «به چشمهای من گل نهاد و من

خود را شستم و می بینم.»^{۱۵} پس برخی از
فریسیان می گفتند: «این مرد سبت را
رعایت نمی کند، پس از نزد خدا
نمی آید^p.» دیگران می گفتند: «چگونه
یک مرد گناهکار می تواند چنین
نشانه هائی انجام دهد؟» و در بین آنان
تفرقه افتاد.^{۱۶} باز به کور گفتند: «تو
درباره او چه می گوئی از آن که چشمان تو
را باز کرد؟» گفت: «او پیامبر است^q.»
پس یهودیان پیش از آنکه والدین او را
بطلبند ایمان نیاوردند که کور بوده و
بینائی خود را باز یافته است.^{۱۷} از ایشان
پرسیده گفتند: «آیا این پسر شماست که
خود می گوئید کور به دنیا آمده است؟ پس
اکنون چگونه می بیند؟»^{۱۸} پس والدینش
پاسخ داده گفتند: «ما می دانیم که او پسر
ما است و کور به دنیا آمده^{۱۹} اما اکنون
چگونه می بیند، ما نمی دانیم؛ یا چه کسی
چشمان او را باز کرده است از آن هم چیزی
نمی دانیم. از خودش پرسید. او به سنی
رسیده، از خودش پرسید!»^{۲۰} والدینش
چنین گفتند زیرا از یهودیان می ترسیدند،
چونکه یهودیان از پیش مقرر کرده بودند
اگر کسی او را مسیح بشناسد از کنیسه

m - در دوران کهن برای آب دهان خواص درمانی قائل بودند؛ عیسی این عمل متداول را انجام داده که اثری جدید به آن می دهد
(ر. ک مر ۷:۳۳:۸:۲۳).

n - استخر شیلوچا در داخل شهر قرار داشته است (۲- پاد ۲۰:۲۰:۸:۶:۳:۱۵): یوحنا که اهمیت فراوانی برای موضوع
رسالت قائل است با به کار بردن واژه «فرستاده» چنین تلقین می کند: به همان گونه که آب استخر فرستاده بینایی می دهد
فرستاده مسیحایی نور کلام خدا را می آورد.

[کلمه شیلوچا که از کتاب مقدس فارسی قدیم گرفته شده غلط فاحش است و بهتر است شیلوچا نوشته شود زیرا: ۱- در
زبانهای آرامی، سریانی و کلدانی و همچنین زبان عبری شیلوچا نوشته و تلفظ می شود. ۲- این کلمه از ریشه ثلاثی مجرد
ش ل ح آمده که به معنی فرستادن است و کلمات شیلوچا و شلیحا اسم مفعول و به معنی مرسل، فرستاده و... است.]

o - معالجه و درمان بیماران در روز سبت به جز در موارد خطرات شدید ممنوع بود (ر. ک ۹:۵).

p - ر. ک تث ۱۳:۱-۶.

q - ر. ک ۱۹:۴؛ در اینجا نخستین مرحله از تفسیر نشانه ای است که عیسی انجام داده؛ او را به عنوان مرد خدا می شناسند که
نیروی مافوق امکانات بشری دارد (لو ۱۹:۲۴). همچنین ر. ک ۳۷:۵ توضیح i.

هستیم.^{۲۹} ما می دانیم که خدا با موسی تکلم کرده اما این یکی را ما نمی دانیم از کجاست!^u»^{۳۰} مرد پاسخشان داد و گفت: «جای تعجب همین جا است که شما نمی دانید او از کجا است در حالی که چشمان مرا باز کرده است.^{۳۱} ما می دانیم که خدا گناهکاران را مستجاب نمی کند^v اما اگر کسی پارسا است و اراده او را انجام می دهد او را مستجاب می کند^w.^{۳۲} هرگز شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزادی را باز کرده باشد!^x اگر این ۲:۳ شخص از جانب خدا نبود، هیچ نمی توانست بکند.^y» به او پاسخ داده گفتند: «تو از هنگام تولد در گناه هستی و مز ۵:۱-۷؛ یو ۹:۲ تو به ما درس می دهی!» و او را بیرون راندند.

رانده خواهد شد.^f ^{۲۳} بدین سبب بود که والدینش گفتند: «او به سنی رسیده، از خودش پیرسید.»

^{۲۴} پس یهودیان یک بار دیگر مردی را که کور بود خواستند و به او گفتند: «خدا را تمجید بگو!^s ما می دانیم که این مرد گناهکار است.» ^{۲۵} پس پاسخ داد: «اگر او گناهکار است من نمی دانم. فقط یک چیز می دانم: من کور بودم و اکنون می بینم.»

^{۲۶} پس به او گفتند: «به تو چه کرد؟ چطور چشمان تو را باز کرد؟» ^{۲۷} به آنان پاسخ داد: «قبلاً به شما گفتم و شما گوش ندادید. چرا می خواهید دوباره بشنوید؟ مگر شما نیز می خواهید شاگردان او بشوید؟» ^{۲۸} و ایشان دشنامش داده گفتند: «تو شاگرد این مردی. ما شاگردان موسی

۴۲:۱۲؛ ۱۳:۷
۱۹:۲۰؛ ۳۸:۱۹

یوشع ۱۹:۷
مکا ۱۳:۱۱

۲۸-۲۷:۷
۱۴:۸

^f- در دوران عیسی یهودیان برای طرد بعضی از متخلفان و مجرمان اقداماتی به عمل می آوردند ولی اخراج واقعی مسیحیان فقط در اواخر قرن اول میلادی آغاز شد؛ محتمل است یوحنا اقداماتی را که یهودیان به تازگی اعمال می کردند (ر. ک ۴۲:۱۲؛ ۲:۱۶) و شاید در مورد بعضی از خوانندگانش اجرا شده بود به زمان گذشته مربوط کرده و نسبت داده است.

^s- معمولاً به این ترتیب از کسی دعوت می کردند تا در زیر نظر خدا حقیقت را اظهار نماید بدون اینکه از اشکالات شخصی که احیاناً در پی داشته باشد اندیشناک باشد.

^t- ر. ک ۱۹:۱ توضیح c: یوحنا در این روایت از شخصیت مرد نابینا استفاده کرده تا با ریشخند و طنز به اختلافات بین یهودیان و مسیحیان اشاره نماید.

^u- ۴۲:۶؛ ۲۷:۷، ۴۲، ۵۲ را ملاحظه کنید. با توجه به اینکه در آیین یهود قانون تورات اهمیت شایانی یافته بود برای موسی به عنوان قانونگذار اعتبار و منزلت زیادی قائل می شدند. فریسیان او را استاد و مربی عقاید و نظریات یهود به شمار می آوردند. چون عیسی حامل مکاشفه کلی و قطعی می باشد بنابراین با موسی اختلاف خواهد داشت (ر. ک ۳۲:۶ توضیح i).

^v- ر. ک ۳۷:۵ توضیح i. این موضوع حقیقتی معمولی و عادی است (اش ۱:۱۵؛ مز ۶۶:۱۸؛ ۱۰۹:۷؛ امث ۱۵:۲۹؛ ایوب ۲۷:۹؛ ۱۳:۳۵؛ یو ۱۶:۲۳-۲۷؛ ۱-۳:۲۱-۲۲).

^w- یوحنا مختصات تقوی و پرهیزکاری را که یونانیان معتقد بودند با آنچه در کتاب مقدس به عنوان کمال مطلوب است و بیشتر در مورد اطاعت از خدا تأکید می نماید به هم آمیخته و یک جا آورده است.

^x- در طو ۷:۷؛ ۷:۱۱-۱۳؛ ۱:۱۴ سخن درباره کور مادرزاد نیست چنانکه روایات اناجیل نظیر موضوع کور مادرزاد نمی باشد (مر ۲۶-۲۲:۸؛ مت ۲۹:۲۰-۳۴؛ مر ۱۰:۴۶-۵۲؛ لو ۱۸:۳۵-۴۳). تحول از کوری به بینایی رمز و نشانه ای از گذشتن از بی ایمانی به ایمان و از ظلمات به روشنایی است، بنابراین نشانه ای که عیسی انجام داده تصویری از مجموعه رسالت او می باشد (ر. ک ۳۶:۶).

^y- در اینجا مرحله تازه ای در طریق ایمان است که نابینای سابق که قبلاً عیسی را به عنوان پیامبر شناخته بود (۱۷:۹) اعلام می کند تاکنون هیچکس در اسرائیل به مانند او مرد خدا نبوده است؛ به این ترتیب از عناوین کهن فراتر می رود.

مثل شبان نیکو

۱۰ «آمین، آمین، به شما می گویم
آن کس که از در به آغل گوسفندان میک ۱۲:۲
وارد نشود^c بلکه از جای دیگر بالا رود و
دزد و راهزن است^d.^۲ برعکس آن که از در
وارد شود شبان گوسفندان است.^۳ دربان،
برای او در را می گشاید و گوسفندان
صدایش را می شنوند و او هر یک از
گوسفندان را به نام صدا می کند^e و آنها
را با خود بیرون می برد.^۴ وقتی همه آنها را
بیرون برد، پیشاپیش آنها راه می رود و
گوسفندان به دنبال او می روند زیرا
صدایش را می شناسند.^۵ به دنبال بیگانه ۲۷:۱۰
نخواهند رفت، بلکه از او فرار خواهند کرد
زیرا صدای بیگانگان را نمی شناسند.»
ع^۶ عیسی این مثل^f را به آنان گفت اما
نفهمیدند از چه با آنان حرف می زد.^۷ پس ۲۵:۱۶
عیسی بار دیگر گفت: «آمین، آمین، به

۳۵ عیسی چون شنید که او را بیرون
مت ۲۰:۸ رانده اند، او را یافته گفت: «آیا تو به پسر
انسان^z ایمان داری؟»^{۳۶} او پاسخ داده
گفت: «خداوندا او کیست تا من به وی
ایمان آورم؟»^{۳۷} عیسی به او گفت: «هم تو
۲۶:۴ او را دیده ای و هم آن کس که با تو سخن
مت ۱۰:۸ می گوید همان است.»^{۳۸} او اعلام کرد:
«خداوندا ایمان آوردم» و در برابرش
سجده کرد.^{۳۹} و عیسی گفت: «برای یک
داوری من به این جهان آمده ام، تا آنکه
آنان که نمی بینند، بینا شوند و آنان که
می بینند، کور شوند^a.»^{۴۰} فریسانی که با
او بودند این را شنیده به او گفتند: «آیا ما
هم کور هستیم؟»^{۴۱} عیسی به آنان گفت:
«اگر کور بودید، گناهی نداشتید اما اکنون
چون می گوئید ما می بینیم گناهتان
می ماند^b».

Z- در مرحله نهایی این واقعه، کوری که بر اثر معجزه شفا یافته شهادت خود را تا به آخر ادامه می دهد و مورد ستم و آزار قرار
می گیرد، نظیر کلیسایی که یوحنا بنیان می گذارد و در آینده سرنوشت مشابهی خواهد داشت (ر. ک ۱:۱۵-۴:۱۶ الف).
بدین معنی که عیسی با او برخورد می کند و خود را به عنوان پسر انسان به او آشکار می کند، یعنی کسی که از آسمان می آید تا
مردمان را گرد آورده به آنان تعالی دهد تا در زندگی خدا سهیم شوند (۱:۵۱:۳؛ ۱۴:۳؛ ۱۵:۶-۶۲:۶).

a- رسالت عیسی تغییر واقعی وضعیت ها را در این دنیا مشخص می کند. این موضوع در دو مورد در سطوح مختلف بیان می شود:
بدین معنی که نابینایانی که به عیسی ایمان می آورند شفا یافته و به درک و شناسایی کلام خدا دست می یابند؛ برعکس آنانی
که به خود می بالند که دانشمند هستند (ر. ک ۹:۱۶، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۴)، حتی نمی توانند ببینند (۹:۱۴) کسی را که نور
رستگاری و نجات را می آورد (۱۲:۸؛ ۵:۹)؛ این افراد خود را برای ابد در ظلمات و گمراهی زندانی می کنند (ر. ک ۱۷:۳-
۲۱:۴ مر ۱۱-۱۲). در مورد نظریه یوحنا راجع به داوری به ۲۱:۳ توضیح b مراجعه کنید.

b- اگر به مانند نابینایی که شفا یافته اند کور بودند گناهی نداشتند؛ ولی آنان، پرمدها بر مبنای آنچه قبلاً داشتند به عیسی ایمان
نمی آورند در صورتی که فقط او می تواند ایشان را از ورطه گناه بیرون بکشد (ر. ک ۳:۳۶).

c- به هنگام شب معمولاً گوسفندان را در محوطه ای که دور آن دیوار کوتاهی کشیده شده بود می گذاشتند و نگاهیانی از آنها
حفاظت می کرد.

d- مثل اول (۱:۵-۵) در مقابل شبان که به طور معمولی وارد آغل گوسفندان می شود زیرا مأموریت یافته است به کسانی اشاره
دارد که برخلاف قاعده عمل می کنند و می خواهند فقط منافع خود را تأمین نمایند و منظور فریسیان متشرعی هستند که در آیه
۳۱:۹ از آنان سخن به میان آمده و در ادامه بخش ۱۱:۱۰-۱۸ می آید که با سخن عیسی: «من شبان نیکو هستم» آغاز
می شود. در مثل دوم (۷:۱۰-۱۰) اظهارات عیسی مبنی بر اینکه: «من در هستم» بحث و بررسی می شود؛ ر. ک ۹:۱۰ توضیح h.

e- در میان اسرائیل دو نوع انسان وجود دارد: آنان که واقعاً به شبان تعلق دارند و فقط به صدای او پاسخ می دهد و آنانی که پاسخ
نمی دهند زیرا هرگز به او تعلق نداشته اند. ر. ک ۴۷:۱ یا ۱۶:۲۰.

f- این سخنان اسرارآمیز یا نمادین مبهم است. به نظر یوحنا این مثل طرز بیان مختص رسالت عیسی در این دنیا است؛ و آن را
واقعاً نمی توان درک کرد مگر به وسیله ایمان و در پرتو اظهارات نهایی در هنگام صعود عیسی و عطای روح القدس.

۶:۱۴ شما می گویم من در گوسفندان هستم. ^۸ تمام
 ۲۰:۱۱۸ کسانی که پیش از من آمده اند، دزد و
 ۲:۲۳ راهزنان هستند^g اما گوسفندان به آنان
 ۳-۲:۳۴ گوش نکرده اند. ^۹ من در هستم^h، اگر کسی
 ۱۷:۳ از راه من وارد شود نجات خواهد یافتⁱ و
 ۳-۱:۲۳ من^{۱۰} به درون آمده و بیرون خواهد رفت^j و
 ۱۷:۲۷ اشد^{۱۱} چراگاهی خواهد یافت^k. ^{۱۰} دزد جز برای
 ۱۱:۴۰ دزدی و ذبح کردن و هلاک کردن نمی آید.
 ۱۵:۳۴ من آمده ام تا آنکه زندگانی داشته باشند و
 ۲۴:۳۷ آن را به فراوانی داشته باشند^l.
 ۱۳:۱۸ ^{۱۱} من شبان نیکو هستم^m. شبان نیکو،
 ۱۷:۱۱ جان خود را به خاطر گوسفندان
 ۱۶:۳۷ می دهدⁿ. ^{۱۲} مزدور که شبان نیست و

گوسفندان از آن او نیستند چون ببیند که
 گرگ می آید گوسفندان را گذاشته
 می گریزد و گرگ آنها را گرفته می پراکند
^{۱۳} زیرا مزدور است و در پروای گوسفندان
 نیست. ^{۱۴} من شبان نیکو هستم و
 گوسفندان خود را می شناسم و گوسفندان
 من مرا می شناسند ^{۱۵} همچنان که پدر مرا
 می شناسد و من پدر را می شناسم^o و من
 جان خود را به خاطر گوسفندان می دهم.
^{۱۶} گوسفندان دیگری نیز دارم که از این
 آغل نیستند، آنها را نیز باید راهنمایی
 کنم. آنها صدای مرا خواهند شنید و آنگاه
 فقط یک رمه خواهد بود و یک شبان^p.

۱۰:۲۷؛
 ۱-۸:۳-۳؛
 ۱۳:۱۴؛
 ۴:۹؛
 ۲-۱۹:۲؛
 ۱۱:۲۵-۲۷؛
 ۱۳:۱۵؛
 ۱-۱۶:۳؛

۵:۲۵؛
 ۱۱:۵۲؛
 ۱۸:۳۷؛
 ۵۶:۸؛
 ۱-۲:۲۵؛
 ۳۴:۲۳؛
 ۳۷:۲۴؛

^g - منظور پیامبران عهد عتیق نیستند بلکه مردانی که در دنیای یهود یا در بین مشرکان مدعی بودند با وسایل خودشان شناخت امور الهی و نجات را برای آدمیان می آورند.

^h - در روایات یهود موضوع دری که راه وصول به حقایق آسمانی شود فراوان است (پید۲۸:۱۷؛ مز۷۸:۲۳؛ خنوخ۷۲:۷۵) چنانکه در اناجیل نظیر هم آمده است (مت۱۳:۷-۱۴؛ لو۱۳:۲۳؛ مت۲۵:۱۰؛ لو۱۱:۲۵)؛ در انجیل یوحنا، خود عیسی به وسیله تن گیری، محل کشف و پذیرفتن عطایای الهی است و مفهوم مثل دوم (آیات ۷-۱۰) همین است.

ⁱ - مسیح آدمیان را از مرگ نجات می دهد (ر. ک ۱۱:۲۶ توضیح ۷) و همچنین از هر چیزی که موجب هلاکت آدمی است (۱۷:۳).

^j - شاگرد و پیرو عیسی که نجات یافته به آزادی و امنیت می رسد (ر. ک ۸:۳۲، ۳۶).

^k - گاهی ترجمه می کنند: و خوراک خواهد یافت.

^l - در صورتی که نجات دهندگان دروغی اصولاً در صدد هلاکت و پراکنده کردن هستند، عیسی مأموریت شاگردانش را در زندگانی پدر سهیم ساخته و بدین وسیله آنان را کاملاً خشنود می کند.

^m - تصویر شبان که گله را هدایت و محافظت می نماید گاهی در نوشته های عهد عتیق در مورد خدا بکار رفته است (مز۲۳:۱؛ اش۴۰:۱۱؛ ارا۳۱:۹)، گاهی در مورد مسیح پادشاه (مز۷۸:۷۰-۷۲؛ حزق۳۷:۲۴) و زمانی در مورد متصدیان امور و مسئول در اسرائیل آمده است (ارا۲:۸؛ ۱۰:۲۱؛ ۲۳:۸-۱؛ حزق۳۴). این تصویر اکثراً در اناجیل نظیر بکار برده شده (مر۶:۳۴؛ ۲۷:۱۴؛ مت۹:۳۶؛ ۱۸:۱۲-۱۳؛ ۲۵:۳۲؛ ۲۶:۳۱؛ لو۳:۱۵-۷). عیسی کاملاً وظیفه شبانی را تحقق می بخشد زیرا پسر انسان است که در اوضاع و شرایط آدمیان شرکت نموده تا آنان را به زندگانی جاودان هدایت نماید.

ⁿ - ترجمه تحت اللفظی: جان خود را به خاطر گوسفندانⁿ می گذارد. این اصطلاح نزدیک به عبارتی است که مرقس در ۴۵:۱۰ آورده و دادن جان خود نوشته و چنین می نماید که از اش۵۳:۱۲ گرفته شده باشد. در صورتی که مزدور گوسفندان را به خاطر نفع خود فدا می کند عیسی وجود خود را تا مرگ تسلیم خواهد کرد تا شاگردان و پیروانش زندگی یابند (ر. ک ۶:۵۱؛ ۱۵:۱۰؛ ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۸:۱۴).

^o - در روایات کتاب مقدس از شناسایی بین اشخاص متضمن وجود محبت بین آنان است: منبع و سرچشمه شناسایی که عیسی را با کسانش مربوط می کند در محبتی است که پسر را با پدر می پیوندند. مرگ بر روی صلیب والاترین ابراز این محبت می باشد (۱۳:۱۵؛ ۱۳:۱۳).

^p - این عبارت اشاره به رسالت جهانی (ر. ک ۴:۳۵-۳۸) و عمل مسیح است همچنان که اشاره به فعالیت او در فلسطین می باشد (ر. ک ۱۷:۲۰): آنان که در سرتاسر جهان از هم اکنون به طرز اسرائیلی کسان او بشمار می آیند (۵۲:۱۱) صدای او را در سخنان فرستادگان خواهند شناخت. وحدت آدمیان اعم از یهودی و یونانی به وسیله عیسی تحقق خواهد پذیرفت (ر. ک ۳:۲۸؛ ۱۱:۳۱).

در معبد در زیر رواق سلیمان^۴ می گشت. ^{اع ۱۱:۳؛ ۱۲:۵؛ ۲۵:۸؛ لو ۶۷:۲۲}
 ۲۴ یهودیان او را احاطه کرده به او گفتند: «تا به کی جان ما را در تردید نگاه می داری؟ اگر تو مسیح هستی آشکارا به ما بگو^۵». ^{۲۵} عیسی به آنان پاسخ داد: «این ۳۸:۵؛ ۳۶:۱۰؛ ۳۸:۱۰»
 را به شما گفته ام و ایمان نمی آورید. کارهائی را که من به نام پدرم انجام می دهم خود بر من شهادت می دهند. ^{۲۶} اما شما ایمان نمی آورید زیرا شما از گوسفندان من نیستید^۷. ^{۲۷} گوسفندان من صدای مرا می شنوند و من، آنها را می شناسم و آنها به دنبال من می آیند ^{۲۸} و من به آنها زندگانی جاودان می دهم و هرگز تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد ربود^۷. ^{۲۹} پدرم که آنها را به من داده از همه بزرگتر است و هیچکس نمی تواند [چیزی] از دست پدرم برباید^۸. ^{۳۰} من و پدر یک هستیم^۹.
^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^{۳۹۹} ^{۴۰۰} ^{۴۰۱} ^{۴۰۲} ^{۴۰۳} ^{۴۰۴} ^{۴۰۵} ^{۴۰۶} ^{۴۰۷} ^{۴۰۸} ^{۴۰۹} ^{۴۱۰} ^{۴۱۱} ^{۴۱۲} ^{۴۱۳} ^{۴۱۴} ^{۴۱۵} ^{۴۱۶} ^{۴۱۷} ^{۴۱۸} ^{۴۱۹} ^{۴۲۰} ^{۴۲۱} ^{۴۲۲} ^{۴۲۳} ^{۴۲۴} ^{۴۲۵} ^{۴۲۶} ^{۴۲۷} ^{۴۲۸} ^{۴۲۹} ^{۴۳۰} ^{۴۳۱} ^{۴۳۲} ^{۴۳۳} ^{۴۳۴} ^{۴۳۵} ^{۴۳۶} ^{۴۳۷} ^{۴۳۸} ^{۴۳۹} ^{۴۴۰} ^{۴۴۱} ^{۴۴۲} ^{۴۴۳} ^{۴۴۴} ^{۴۴۵} ^{۴۴۶} ^{۴۴۷} ^{۴۴۸} ^{۴۴۹} ^{۴۵۰} ^{۴۵۱} ^{۴۵۲} ^{۴۵۳} ^{۴۵۴} ^{۴۵۵} ^{۴۵۶} ^{۴۵۷} ^{۴۵۸} ^{۴۵۹} ^{۴۶۰} ^{۴۶۱} ^{۴۶۲} ^{۴۶۳} ^{۴۶۴} ^{۴۶۵} ^{۴۶۶} ^{۴۶۷} ^{۴۶۸} ^{۴۶۹} ^{۴۷۰} ^{۴۷۱} ^{۴۷۲} ^{۴۷۳} ^{۴۷۴} ^{۴۷۵} ^{۴۷۶} ^{۴۷۷} ^{۴۷۸} ^{۴۷۹} ^{۴۸۰} ^{۴۸۱} ^{۴۸۲} ^{۴۸۳} ^{۴۸۴} ^{۴۸۵} ^{۴۸۶} ^{۴۸۷} ^{۴۸۸} ^{۴۸۹} ^{۴۹۰} ^{۴۹۱} ^{۴۹۲} ^{۴۹۳} ^{۴۹۴} ^{۴۹۵} ^{۴۹۶} ^{۴۹۷} ^{۴۹۸} ^{۴۹۹} ^{۵۰۰} ^{۵۰۱} ^{۵۰۲} ^{۵۰۳} ^{۵۰۴} ^{۵۰۵} ^{۵۰۶} ^{۵۰۷} ^{۵۰۸} ^{۵۰۹} ^{۵۱۰} ^{۵۱۱} ^{۵۱۲} ^{۵۱۳} ^{۵۱۴} ^{۵۱۵} ^{۵۱۶} ^{۵۱۷} ^{۵۱۸} ^{۵۱۹} ^{۵۲۰} ^{۵۲۱} ^{۵۲۲} ^{۵۲۳} ^{۵۲۴} ^{۵۲۵} ^{۵۲۶} ^{۵۲۷} ^{۵۲۸} ^{۵۲۹} ^{۵۳۰} ^{۵۳۱} ^{۵۳۲} ^{۵۳۳} ^{۵۳۴} ^{۵۳۵} ^{۵۳۶} ^{۵۳۷} ^{۵۳۸} ^{۵۳۹} ^{۵۴۰} ^{۵۴۱} ^{۵۴۲} ^{۵۴۳} ^{۵۴۴} ^{۵۴۵} ^{۵۴۶} ^{۵۴۷} ^{۵۴۸} ^{۵۴۹} ^{۵۵۰} ^{۵۵۱} ^{۵۵۲} ^{۵۵۳} ^{۵۵۴} ^{۵۵۵} ^{۵۵۶} ^{۵۵۷} ^{۵۵۸} ^{۵۵۹} ^{۵۶۰} ^{۵۶۱} ^{۵۶۲} ^{۵۶۳} ^{۵۶۴} ^{۵۶۵} ^{۵۶۶} ^{۵۶۷} ^{۵۶۸} ^{۵۶۹} ^{۵۷۰} ^{۵۷۱} ^{۵۷۲} ^{۵۷۳} ^{۵۷۴} ^{۵۷۵} ^{۵۷۶} ^{۵۷۷} ^{۵۷۸} ^{۵۷۹} ^{۵۸۰} ^{۵۸۱} ^{۵۸۲} ^{۵۸۳} ^{۵۸۴} ^{۵۸۵} ^{۵۸۶} ^{۵۸۷} ^{۵۸۸} ^{۵۸۹} ^{۵۹۰} ^{۵۹۱} ^{۵۹۲} ^{۵۹۳} ^{۵۹۴} ^{۵۹۵} ^{۵۹۶} ^{۵۹۷} ^{۵۹۸} ^{۵۹۹} ^{۶۰۰} ^{۶۰۱} ^{۶۰۲} ^{۶۰۳} ^{۶۰۴} ^{۶۰۵} ^{۶۰۶} ^{۶۰۷} ^{۶۰۸} ^{۶۰۹} ^{۶۱۰} ^{۶۱۱} ^{۶۱۲} ^{۶۱۳} ^{۶۱۴} ^{۶۱۵} ^{۶۱۶} ^{۶۱۷} ^{۶۱۸} ^{۶۱۹} ^{۶۲۰} ^{۶۲۱} ^{۶۲۲} ^{۶۲۳} ^{۶۲۴} ^{۶۲۵} ^{۶۲۶} ^{۶۲۷} ^{۶۲۸} ^{۶۲۹} ^{۶۳۰} ^{۶۳۱} ^{۶۳۲} ^{۶۳۳} ^{۶۳۴} ^{۶۳۵} ^{۶۳۶} ^{۶۳۷} ^{۶۳۸} ^{۶۳۹} ^{۶۴۰} ^{۶۴۱} ^{۶۴۲} ^{۶۴۳} ^{۶۴۴} ^{۶۴۵} ^{۶۴۶} ^{۶۴۷} ^{۶۴۸} ^{۶۴۹} ^{۶۵۰} ^{۶۵۱} ^{۶۵۲} ^{۶۵۳} ^{۶۵۴} ^{۶۵۵} ^{۶۵۶} ^{۶۵۷} ^{۶۵۸} ^{۶۵۹} ^{۶۶۰} ^{۶۶۱} ^{۶۶۲} ^{۶۶۳} ^{۶۶۴} ^{۶۶۵} ^{۶۶۶} ^{۶۶۷} ^{۶۶۸} ^{۶۶۹} ^{۶۷۰} ^{۶۷۱} ^{۶۷۲} ^{۶۷۳} ^{۶۷۴} ^{۶۷۵} ^{۶۷۶} ^{۶۷۷} ^{۶۷۸} ^{۶۷۹} ^{۶۸۰} ^{۶۸۱} ^{۶۸۲} ^{۶۸۳} ^{۶۸۴} ^{۶۸۵} ^{۶۸۶} ^{۶۸۷} ^{۶۸۸} ^{۶۸۹} ^{۶۹۰} ^{۶۹۱} ^{۶۹۲} ^{۶۹۳} ^{۶۹۴} ^{۶۹۵} ^{۶۹۶} ^{۶۹۷} ^{۶۹۸} ^{۶۹۹} ^{۷۰۰} ^{۷۰۱} ^{۷۰۲} ^{۷۰۳} ^{۷۰۴} ^{۷۰۵} ^{۷۰۶} ^{۷۰۷} ^{۷۰۸} ^{۷۰۹} ^{۷۱۰} ^{۷۱۱} ^{۷۱۲} ^{۷۱۳} ^{۷۱۴} ^{۷۱۵} ^{۷۱۶} ^{۷۱۷} ^{۷۱۸} ^{۷۱۹} ^{۷۲۰} ^{۷۲۱} ^{۷۲۲} ^{۷۲۳} ^{۷۲۴} ^{۷۲۵} ^{۷۲۶} ^{۷۲۷} ^{۷۲۸} ^{۷۲۹} ^{۷۳۰} ^{۷۳۱} ^{۷۳۲} ^{۷۳۳} ^{۷۳۴} ^{۷۳۵} ^{۷۳۶} ^{۷۳۷} ^{۷۳۸} ^{۷۳۹} ^{۷۴۰} ^{۷۴۱} ^{۷۴۲} ^{۷۴۳} ^{۷۴۴} ^{۷۴۵} ^{۷۴۶} ^{۷۴۷} ^{۷۴۸} ^{۷۴۹} ^{۷۵۰} ^{۷۵۱} ^{۷۵۲} ^{۷۵۳} ^{۷۵۴} ^{۷۵۵} ^{۷۵۶} ^{۷۵۷} ^{۷۵۸} ^{۷۵۹} ^{۷۶۰} ^{۷۶۱} ^{۷۶۲} ^{۷۶۳} ^{۷۶۴} ^{۷۶۵} ^{۷۶۶} ^{۷۶۷} ^{۷۶۸} ^{۷۶۹} ^{۷۷۰} ^{۷۷۱} ^{۷۷۲} ^{۷۷۳} ^{۷۷۴} ^{۷۷۵} ^{۷۷۶} ^{۷۷۷} ^{۷۷۸} ^{۷۷۹} ^{۷۸۰} ^{۷۸۱} ^{۷۸۲} ^{۷۸۳} ^{۷۸۴} ^{۷۸۵} ^{۷۸۶} ^{۷۸۷} ^{۷۸۸} ^{۷۸۹} ^{۷۹۰} ^{۷۹۱} ^{۷۹۲} ^{۷۹۳} ^{۷۹۴} ^{۷۹۵} ^{۷۹۶} ^{۷۹۷} ^{۷۹۸} ^{۷۹۹} ^{۸۰۰} ^{۸۰۱} ^{۸۰۲} ^{۸۰۳} ^{۸۰۴} ^{۸۰۵} ^{۸۰۶} ^{۸۰۷} ^{۸۰۸} ^{۸۰۹} ^{۸۱۰} ^{۸۱۱} ^{۸۱۲} ^{۸۱۳} ^{۸۱۴} ^{۸۱۵} ^{۸۱۶} ^{۸۱۷} ^{۸۱۸} ^{۸۱۹} ^{۸۲۰} ^{۸۲۱} ^{۸۲۲} ^{۸۲۳} ^{۸۲۴} ^{۸۲۵} ^{۸۲۶} ^{۸۲۷} ^{۸۲۸} ^{۸۲۹} ^{۸۳۰} ^{۸۳۱} ^{۸۳۲} ^{۸۳۳} ^{۸۳۴} ^{۸۳۵} ^{۸۳۶} ^{۸۳۷} ^{۸۳۸} ^{۸۳۹} ^{۸۴۰} ^{۸۴۱} ^{۸۴۲} ^{۸۴۳} ^{۸۴۴} ^{۸۴۵} ^{۸۴۶} ^{۸۴۷} ^{۸۴۸} ^{۸۴۹} ^{۸۵۰} ^{۸۵۱} ^{۸۵۲} ^{۸۵۳} ^{۸۵۴} ^{۸۵۵} ^{۸۵۶} ^{۸۵۷} ^{۸۵۸} ^{۸۵۹} ^{۸۶۰} ^{۸۶۱} ^{۸۶۲} ^{۸۶۳} ^{۸۶۴} ^{۸۶۵} ^{۸۶۶} ^{۸۶۷} ^{۸۶۸} ^{۸۶۹} ^{۸۷۰} ^{۸۷۱} ^{۸۷۲} ^{۸۷۳} ^{۸۷۴} ^{۸۷۵} ^{۸۷۶} ^{۸۷۷} ^{۸۷۸} ^{۸۷۹} ^{۸۸۰} ^{۸۸۱} ^{۸۸۲} ^{۸۸۳} ^{۸۸۴} ^{۸۸۵} ^{۸۸۶} ^{۸۸۷} ^{۸۸۸} ^{۸۸۹} ^{۸۹۰} ^{۸۹۱} ^{۸۹۲} ^{۸۹۳} ^{۸۹۴} ^{۸۹۵} ^{۸۹۶} ^{۸۹۷} ^{۸۹۸} ^{۸۹۹} ^{۹۰۰} ^{۹۰۱} ^{۹۰۲} ^{۹۰۳} ^{۹۰۴} ^{۹۰۵} ^{۹۰۶} ^{۹۰۷} ^{۹۰۸} ^{۹۰۹} ^{۹۱۰} ^{۹۱۱} ^{۹۱۲} ^{۹۱۳} ^{۹۱۴} ^{۹۱۵} ^{۹۱۶} ^{۹۱۷} ^{۹۱۸} ^{۹۱۹} ^{۹۲۰} ^{۹۲۱} ^{۹۲۲} ^{۹۲۳} ^{۹۲۴} ^{۹۲۵} ^{۹۲۶} ^{۹۲۷} ^{۹۲۸} ^{۹۲۹} ^{۹۳۰} ^{۹۳۱} ^{۹۳۲} ^{۹۳۳} ^{۹۳۴} ^{۹۳۵} ^{۹۳۶} ^{۹۳۷} ^{۹۳۸} ^{۹۳۹} ^{۹۴۰} ^{۹۴۱} ^{۹۴۲} ^{۹۴۳} ^{۹۴۴} ^{۹۴۵} ^{۹۴۶} ^{۹۴۷} ^{۹۴۸} ^{۹۴۹} ^{۹۵۰} ^{۹۵۱} ^{۹۵۲} ^{۹۵۳} ^{۹۵۴} ^{۹۵۵} ^{۹۵۶} ^{۹۵۷} ^{۹۵۸} ^{۹۵۹} ^{۹۶۰} ^{۹۶۱} ^{۹۶۲} ^{۹۶۳} ^{۹۶۴} ^{۹۶۵} ^{۹۶۶} ^{۹۶۷} ^{۹۶۸} ^{۹۶۹} ^{۹۷۰} ^{۹۷۱} ^{۹۷۲} ^{۹۷۳} ^{۹۷۴} ^{۹۷۵} ^{۹۷۶} ^{۹۷۷} ^{۹۷۸} ^{۹۷۹} ^{۹۸۰} ^{۹۸۱} ^{۹۸۲} ^{۹۸۳} ^{۹۸۴} ^{۹۸۵} ^{۹۸۶} ^{۹۸۷} ^{۹۸۸} ^{۹۸۹} ^{۹۹۰} ^{۹۹۱} ^{۹۹۲} ^{۹۹۳} ^{۹۹۴} ^{۹۹۵} ^{۹۹۶} ^{۹۹۷} ^{۹۹۸} ^{۹۹۹} ^{۱۰۰۰}

^{۱۷} به همین سبب پدر مرا محبت می کند، زیرا من جانم را می دهم تا آن را بازگیرم^۹.
^{۱۸} هیچکس آن را از من نمی گیرد، بلکه فی ۲-۸-۹ به خواست خود آن را می دهم^{۱۰}. من اقتدار دارم که آن را بدهم و اقتدار دارم تا آن را بازگیرم. این فرمانی است که از پدرم یافته ام.
^{۱۹} به سبب این سخنان باز در بین یهودیان تفرقه افتاد. ^{۲۰} بسیاری از بین آنان می گفتند: «او دیو دارد و مجنون است! چرا به او گوش می دهید؟» ^{۲۱} دیگران می گفتند: «این سخنان از دیوانه ای نیست. آیا دیو می تواند چشمان کوران را باز کند؟»

اظهارات رسمی و اتهام کفرگویی

به من ایمان نیاورید.^{۳۸} اما اگر آنها را به
جا می آورم، حتی اگر به من ایمان
نمی آورید به کارها ایمان آورید تا بدانید
و بشناسید که پدر^{۳۹} در من است و من در
پدر. «^{۳۹} باز در جستجوی دستگیری او
برآمدند و او از دست آنها بدر شد.^{۴۰} باز
به آن سوی اردن به جایی که یحیی قبلاً^{۴۱}
در آنجا تعمید می داد رفت و در آنجا ماند.
و بسیاری نزدش آمده می گفتند:
«یحیی هیچ نشانه ای انجام نداده است،
اما یحیی هر چه درباره این یکی گفته بود
راست بود.^f»^{۴۲} و در آنجا بسیاری به او
ایمان آوردند.

عیسی مرده ای را زنده می کند

۱۱ بیماری بود به نام ابلعازر^g، اهل
بیت عنیا^h که روستای مریم و لو ۳۸-۳۹:۱۰
خواهرش مرتاⁱ بود. این مریم همان بود ۸-۱:۱۲

۵۹:۸ بار دیگر یهودیان برای سنگسار
کردنش، سنگها آوردند^{۳۲} عیسی به آنان
پاسخ داد: «بسیار کارهای نیکو از سوی
پدر به شما نشان داده ام. برای کدام یک
از این کارها مرا سنگسار می کنید؟»
۳۳ یهودیان به او پاسخ دادند: «برای کار
نیکو نی، بلکه به سبب کفر تو را سنگسار
می کنیم، زیرا تو که انسانی خود را خدا
می کنی.^z»^{۳۴} عیسی به آنان پاسخ داد:
«آیا در تورات^a شما نوشته نشده است:
"من گفته ام: شما خدایانید؟"^b اگر
[تورات] کسانی را که سخن خدا خطاب
به آنان بوده، خدایان نامیده است - و
نوشته مقدس البته ممکن نیست نقض
شود! -^{۳۶} کسی را که پدر تقدیس کرده و
به جهان فرستاده، شما می گوئید: "تو کفر
می گوئی" زیرا گفته ام من پسر خدا هستم.^d
۳۷ اگر من کارهای پدرم را به جا نمی آورم،

لاو ۱۶:۲۴
مت ۲۵:۲۶
مر ۱۴:۶۴
لو ۷:۷۱-۷۰
یو ۱۸:۵

مز ۸۲:۶
رو ۳:۱۹
۱-۸:۵

مت ۱۸:۵
لو ۱۷:۱۶
رو ۱۷:۲۰-۲۱
ار ۵:۱

- z- اگر مقررات احکام شرعی در نظر گرفته شود کفر گفتن در صورتی است که نام خدا ذکر شود (سانهدرین ۵:۷). ولی در اینجا علت چنین اتهام مهمی آن است که عیسی در اظهارات خود به طور ضمنی ادعای موقعیت خدایی کرده و سپس صریحاً اعلام شده است (ر. ک. مر ۱۴:۶۱-۶۳ و متون متوازی).
- a- کلمه ای که «تورات» ترجمه شده در اینجا به مفهوم مجموعه نوشته های مقدس است (ر. ک. ۴۹:۷؛ ۳۴:۱۲؛ ۲۵:۱۵). در مورد کلمه «شما» که درباره آن بحث می شود ر. ک. ۱۹:۱ توضیح c و ۳۲:۶ توضیح i.
- b- مز ۸۲:۶. مفسران یهودی معتقد بودند که این سخن نه تنها به داوران بلکه به عموم اسرائیلیان خطاب شده است لذا به دلیل بالاتر در مورد والاترین فرستاده صدق می کند. بنابراین دلیلی وجود ندارد که سخن از کفر گفتن در میان باشد.
- c- فرستاده منتخب خدا به طریق ممتازی در قدوسیت خدا سهیم است؛ ر. ک. ار ۵:۱؛ بنسی ۷:۴۹؛ یو ۶:۶۹؛ ۱۷:۱۷-۱۹.
- d- عیسی بدون درنگ اظهار می کند که عنوان پسر خدا دارد. ضمناً با توجه به طرز عمل عیسی و عباراتی که وحدت او را با پدر بیان می نماید این عنوان اهمیت جدیدی خواهد داشت (۳۸، ۳۰:۱۰).
- e- ر. ک. ۱۴:۱۰-۱۱؛ ۲۱:۱۷؛ ۱-یو ۳:۲۴؛ ۱۵:۴.
- f- ر. ک. ۲۶:۳ توضیح f. عیسی به پره عزیمت می نماید (ر. ک. ۲۸:۱). یوحنا در اینجا یعنی روز قبل از مرحله قطعی رسالت عیسی لازم می بیند گواهی یحیی را یادآوری نماید (ر. ک. ۱۹:۱-۳۵؛ ۲۲:۳-۳۰؛ ۳۳-۳۶).
- g- نام ابلعازر که گاهی آن را به صورت مخفف لازار می گویند از نظر لغوی یعنی «خدا یاری می کند» [مترادف نامهای الهیار و خدایار در زبان فارسی]. این نام در قرن اول میلادی نسبتاً شایع بود و در مثل لو ۱۹:۱۶-۳۱ نام فقیری است که پس از مرگ اجر و پاداش یافته است.
- h- منظور قصبه ای در پره نیست بلکه دهکده ای در شرق کوه زیتون در نزدیکی اورشلیم است (مت ۲۱:۱۷؛ ۲۶:۶؛ مر ۱۱:۱۱، ۱۱-۱۲؛ لو ۱۹:۲۹؛ ۲۴:۵۰).
- i- لوقا نام این دو خواهر را در ۳۸-۴۲ ذکر کرده است. در روایتی که یوحنا بیان می کند مریم زنی است که عیسی را با عطر تدهین کرده بود.

دوازده ساعت نیست^m؛ اگر کسی در روز ۹:۴:۱۲؛
 راه برود [پایش] نمی لغزد زیرا نور این ۱۲:۳۵؛
 جهان را می بیندⁿ، اما اگر کسی شب راه ۱۲:۳۵؛
 برود می لغزد زیرا در او نوری نیست^o. ۱۱:۲-۱۱
 «این را گفته، بعد به آنان گفت:
 «ایلعازر دوست ما خفته است^p. اما من

می روم تا او را از خواب برخیزانم.»^{۱۲} پس ۹:۲۴؛
 شاگردان به او گفتند: «خداوندا اگر خفته ۲۷:۵۲؛
 است، نجات خواهد یافت.»^{۱۳} عیسی از ۵:۳۹؛
 مردن او گفته بود اما آنان می پنداشتند که ۸:۵۲؛
 وی از آرامش خواب سخن می گوید.^{۱۴} پس ۷:۶۰؛
 آنگاه عیسی آشکارا به ایشان گفت: ۱۱:۲
 «ایلعازر مرده است.^{۱۵} به خاطر شما ۱۴:۵، ۳۱؛
 خوشنودم: اگر آنجا نبودم برای این بود که ۲۰:۲۹-۲۴؛
 ایمان بیاورید. اما به نزد او برویم.»^{۱۶} توما ۱۰:۳۲؛
 ملقب به «دیدیموس» (توام)^{۱۷} به شاگردان ۶:۸ روم
 دیگر گفت: «ما نیز برویم تا با او بمیریم.^{۱۸}»

که خداوند را به روغن معطر تدهین نموده
 پاهایش را با موهای خود خشک کرده بود.^۱
 همان بود که برادرش ایلعازر بیمار بود.
 خواهران کسانی نزد او فرستاده تا
 بگویند: «خداوندا، اینک آن دوست تو
 بیمار است.»

چون عیسی شنید گفت: «این بیماری تا ۹:۳۳؛ ۱۱:۲
 به مرگ نیست بلکه برای شکوه خداست ۳۳:۳۴-۳۳:۱۰
 که به وسیله آن پسر خدا شکوه یابد^k.»
 باری عیسی به مرتا، خواهرش و ایلعازر ۱۰:۲۱؛
 محبت داشت.^۶ پس چون شنید که او بیمار ۲-۱
 است، باز دو روز دیگر در همانجا که بود
 ماند.^۷ سپس بعد از آن به شاگردان گفت:
 «باز به یهودیه برویم.»^۸ شاگردان به او
 می گویند: «ربی به تازگی یهودیان در ۱۰:۳۱؛ ۵۹:۸
 جستجوی سنگسار تو بودند^۱؛ و تو دوباره به ۲۸:۲۲
 آنجا می روی!»^۹ عیسی پاسخ داد: «آیا روز

j- موضوع تدهین در بیت عنیا را که طبق روایات قبل از هفته مصائب و صلیب روی داد یوحنا بعداً روایت خواهد کرد (۱:۱۲-
 ۱۸) و خوانندگان کاملاً از این موضوع اطلاع داشته اند (مت ۲۶:۶-۱۳؛ مر ۱۴:۳-۹؛ لو ۷:۳۶-۵۰).

k- چون بیماری ایلعازر خطرناک است و چون عیسی در این مورد بهترین نشانه معرف خود را انجام می دهد موقعیتی خواهد بود تا
 شکوه خدا را که شکوه خود او است نیز ظاهر سازد: برخاستن ایلعازر از مرگ آشکار می کند که عیسی پسر خدا است (ر. ک
 ۱۱:۲). ضمناً این بیماری نقطه آغاز جریانی است که عیسی را به سوی مرگ رهبری می کند (۱۱:۴۵-۵۴) یعنی به سوی
 شکوه مندی بر روی صلیب و به وسیله صلیب. بدین گونه به کلیه ایمانداران امکان شرکت در رستخیز عطا خواهد شد زیرا
 به وسیله صلیب کاملاً تجلی شکوه در پایان روزگار تحقق خواهد یافت (ر. ک ۱۶:۱۲، ۲۳، ۲۸، ۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۵-۱۱).

l- ر. ک ۱۰:۳۱؛ ۵:۱۸؛ ۷:۱، ۱۹-۲۰، ۲۵؛ ۸:۳۷-۴۰. رفتاری که عیسی در نظر دارد متضمن خطر مرگ است و عیسی آن را
 عالماً و در کمال آزادی می پذیرد (۱۸:۱۰).

m- مدت کار روزانه از طلوع آفتاب تا غروب دوازده ساعت است: عیسی بایستی انجام رسالت خود را تا به پایانی که پدر معین
 کرده ادامه دهد، تا ساعتی که شب با ظلمات فرامی رسد (۷:۸، ۳۳:۱۳؛ ۱۷:۱؛ لو ۲۲:۵۳).

n- عیسی برای آدمیان نوری می آورد تا بتوانند در کمال امنیت گام بردارند. خطر واقعی آن نیست که شاگردان تصور می کنند
 بلکه آن است که نتوانند نوری را که اکنون می درخشند ببینند یا اینکه مانع از اجرای عمل او تا به پایان باشند.

o- روشنایی خارجی که عیسی می آورد با روشنایی باطنی و درونی مکمل یکدیگرند (ر. ک مت ۶:۲۳؛ لو ۱۱:۳۵)؛ کلام خدا را
 فقط فرزندان روشنایی درمی یابند (ر. ک ۳:۱۹-۲۱).

p- آرمیدن: در زبانهای یونانی و عبری به جای کلمه مردن که زنده است واژه آرمیدن بکار برده می شود. یوحنا که از خواب سخن
 می گوید در صورتی که ایلعازر مرده است یادآوری می نماید که سوء تفاهمی وجود دارد. ضمناً این نکته را تذکر می دهد که
 عیسی برای مردن مفهوم جدیدی می آورد (ر. ک ۱۱:۲۶؛ مت ۹:۲۴؛ مر ۵:۳۹؛ لو ۸:۵۲).

q- کلمه یونانی didyme به معنی توأم است. این شاگرد که فقط نام او در فهرست اسامی دوازده رسول آمده (مت ۱۰:۳؛
 مر ۳:۱۸؛ لو ۶:۱۵؛ اع ۱۳:۱) نقش مهمی در انجیل یوحنا دارد (۱۴:۵؛ ۲۰:۲۴-۲۹؛ ۲۱:۲).

r- در اینجا یوحنا نمی خواهد سرنوشت آینده شاگردان را اعلام کند بلکه اشتباه توما را یادآوری می کند که متوجه نیست برخاستن
 ایلعازر از مرگ موقعیتی برای شکوه مندی عیسی خواهد بود.

ایمان دارم که تو مسیح، پسر خدا هستی که
 باید به جهان بیاید^{۲۸}. «مرتا این را گفته
 رفت تا خواهرش را فرا خواند و در نهان به
 او گفت: «استاد اینجاست و تو را
 می خواند.»^{۲۹} همین که شنید فوراً قیام
 کرد و نزد او آمد.^{۳۰} زیرا عیسی هنوز به
 روستا نیامده بود بلکه همچنان در همان
 جایی بود که مرتا او را دیدار کرده بود.
^{۳۱} یهودیانی که با او در خانه بودند تا او را
 تسلی دهند مریم را دیدند که به سرعت بلند
 شده بیرون رفت. پس چون پنداشتند که به
 سوی قبر می رود تا در آنجا بگرید به دنبال
 او روان شدند.^{۳۲} وقتی مریم به جایی آمد
 که عیسی در آنجا بود، با دیدن او به
 پاهایش افتاد و به او گفت: ^x «خداوندا
 اگر اینجا می بودی برادر من نمی مرد!»
^{۳۳} عیسی وقتی دید که او می گرید و
 یهودیانی که او را همراهی کرده بودند نیز
 می گریند روحاً^{۳۴} مرتعش شد و به هم
 برآمده گفت: «او را کجا نهاده اید؟» به
 او گفتند: «خداوندا بیا و بین.»^{۳۵} عیسی
 ۳۵:۱۱
 ۳۱:۱۳
 ۳۰:۹
 ۲۷:۱۲
 ۲۶:۱۱
 ۲۵:۹
 ۲۴:۱۱
 ۲۳:۱۱
 ۲۲:۱۱
 ۲۱:۱۱
 ۲۰:۱۱
 ۱۹:۱۱
 ۱۸:۱۱
 ۱۷:۱۱
 ۱۶:۱۱
 ۱۵:۱۱
 ۱۴:۱۱
 ۱۳:۱۱
 ۱۲:۱۱
 ۱۱:۱۱
 ۱۰:۱۱
 ۹:۱۱
 ۸:۱۱
 ۷:۱۱
 ۶:۱۱
 ۵:۱۱
 ۴:۱۱
 ۳:۱۱
 ۲:۱۱
 ۱:۱۱

^{۱۷} پس چون عیسی آمد، او را که از چهار
 روز پیش در قبر بود، یافت.^{۱۸} بیت عنیا
 نزدیک اورشلیم و در پانزده استادی^s آن
 بود.^{۱۹} یهودیان بسیاری نزد مرتا و مریم
 آمده بودند تا درباره برادرشان آنها را تسلی
 دهند.^{۲۰} پس وقتی مرتا شنید که عیسی
 می آید، به پیشواز او رفت، در حالی که
 مریم همچنان در خانه نشسته ماند.^{۲۱} پس
 مرتا به عیسی گفت: «خداوندا اگر این جا
 می بودی برادر من نمی مرد!»^{۲۲} و اکنون
 می دانم آنچه از خدا بخواهی، خدا آن را به
 تو خواهد داد.^{۲۳} عیسی به او گفت:
 «برادرت برخواهد خاست.»^{۲۴} مرتا به او
 گفت: «می دانم که به وقت رستاخیز در روز
 واپسین برخواهد خاست.»^{۲۵} عیسی به او
 گفت: «من هستم آن رستاخیز و زندگانی و
 هر که به من ایمان دارد، حتی اگر بمیرد
 زندگانی خواهد کرد.»^{۲۶} و هر که زنده
 است و به من ایمان آورد، هرگز تا به ابد
 نخواهد مرد.^{۲۷} آیا به این ایمان داری؟
^{۲۷} مرتا به او می گوید: «آری خداوندا،

مت ۱۷:۲۱
 ۴۵:۱۱
 ۱۱-۳۹:۱۲
 ۱۹-۱۷

دان ۲:۱۲
 ۲۹-۲۸:۵
 ۴۰-۳۹:۶
 ۱۵:۲۴

۵۱:۸؛ ۲۴:۵

s- [استاد واحد طول که در حدود ۱۸۵ متر می باشد، بنابراین] بیت عنیا در حدود سه کیلومتری اورشلیم بوده است.
 t- در محافلی که تحت تأثیر فریسیان بودند عقیده و امید به رستاخیز در پایان روزگار توسعه یافته بود (دان ۱۲:۱-۳؛ ۲-
 مک ۷:۲۲-۲۴؛ ۱۲:۴۴).

u- عیسی از پدر این قدرت را دریافت می کند تا کسانی را که به او ایمان می آورند به زندگی کامل و بنابراین به رستاخیز در
 پایان روزگار برساند (۵:۲۶-۲۹؛ ۶:۳۹-۴۰، ۴۴، ۴۵).

v- فعل مردن در آیه ۲۵ به معنی درگذشتن و پایان زندگی زمینی آدمی است در صورتی که در اینجا اشاره به زندگانی بدون ایمان
 است که از خدا قطع رابطه شده و مرگ واقعی باشد. ر. ک ۲۵:۵ توضیح b. به نظر یوحنا برخاستن ایلعازر از مرگ تأکید
 می نماید که عیسی درست همان کسی است که ما را از مرگ به زندگی می گذراند.

w- مرتا با اعتراف و گواهی بر این که عیسی، مسیح و پسر خدا است می پذیرد که او منشأ هر رستاخیزی است. آن کسی است که
 باید به جهان بیاید: ر. ک ۶:۱۴؛ ۹:۱؛ مت ۳:۱۱؛ لو ۱۹:۷.

x- مریم در هنگام رسیدن به عیسی همان سخنانی را بر زبان می آورد که مرتا گفته بود. ضمناً افتادن به پاهای عیسی و تعظیم در
 برابر او نوعی پذیرایی دیگر است.

y- گاهی ترجمه می کنند: باطناً مرتعش شده... این کلمه ممکن است به مفهوم خشمگین شدن در برابر ناله های کسانی که
 ایمان نداشته یا نومید هستند تعبیر شود یا اینکه به معنی تأثر شدید در برابر اندوه باشد. ر. ک ۱۱:۳۸.

برآورد: «ایلعازر بیرون! اینجا بیا!» ۲۹-۲۷:۵
 ۴۴ مرده بیرون آمد، دستها و پاهایش
 نواریچ بود و صورتش را دستمالی پوشانده ۴۰:۱۹
 بود. عیسی به آنان گفت: «او را باز کنید و
 بگذارید برود.» ۷-۶:۲۰

(متی ۲۶:۱-۵؛ مرقس ۱۴:۱-۲؛
 لوقا ۲۲:۱-۲)

۴۵ بسیاری از یهودیان که به نزد مریم
 آمده و آنچه را عیسی کرده بود، دیده
 بودند به او ایمان آوردند. ۴۶ اما برخی از
 میان ایشان نزد فریسیان رفته آنچه را عیسی
 کرده بود به آنان گفتند. ۴۷ پس کاهنان
 اعظم و فریسیان شورائی^d گرد آورده
 گفتند: «چه کنیم؟ این مرد نشانه‌های
 زیادی انجام می‌دهد. ۴۸ اگر این گونه
 رهایش کنیم، همه به او ایمان خواهند آورد
 و رومیان خواهند آمد و مکان مقدس^e و
 ملت ما را از بین خواهند برد.» ۴۹ یکی از
 میان آنان، «قیافا» که در آن سال
 مت ۱۳:۱۸
 ۳:۲۶
 لو ۲:۳

اشک ریخت. ۳۶ آنگاه یهودیان می‌گفتند:
 «ببینید چقدر او را دوست می‌داشت.»
 ۳۷ اما برخی از آن میان گفتند: «او که
 چشمان کور را باز کرد آیا نمی‌توانست
 [کاری کند] که این هم نمیرد؟» ۳۸ پس
 عیسی بار دیگر در درون خود مرتعش شده

به سر قبر آمد و این غاری بود که سنگی بر
 آن گذاشته بودند. ۳۹ عیسی گفت:
 «سنگ را بردارید!» مرتا خواهر متوفی به
 او گفت: «خداوندا، چون روز چهارم است
 دیگر بو گرفته است.» ۴۰ عیسی به او
 گفت: «آیا به تو نگفتم اگر ایمان بیاوری
 شکوه خدا را خواهی دید؟» ۴۱ پس سنگ
 را برداشتند. عیسی چشمان خود را بلند
 کرده^a گفت: «ای پدر تو را شکر می‌کنم که
 مرا مستجاب کرده‌ای. ۴۲ من می‌دانستم که
 همواره مرا مستجاب می‌کنی^b. اما به خاطر
 این جمعیت اطراف من سخن گفته‌ام تا
 آنان ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده‌ای.»
 ۴۳ و این را گفته با صدای بلند فریاد

مت ۲۷:۶۰
 مر ۱۵:۴۶
 لو ۲۳:۵۳
 یو ۲۴:۲
 ۱:۲۰

۱۱:۴:۱۱:۲
 ۲۶-۲۳:۴

۱:۱۷
 مت ۱۹:۱۴
 ۱-پاد ۱۸:۳۶
 ۳۷

۳۰:۱۲:۲۹:۶
 ۲۱، ۸:۱۷
 ۱-یو ۱۴:۵

Z- قبر ایلعازر ظاهراً حفره یا غار کوچکی است که در دیوارهٔ صخره‌ای کوه قرار دارد (ر. ک ۱:۲۰).

a- یهودیان بیشتر روی خود را به طرف معبد می‌کردند؛ بلند کردن چشمان به سوی آسمان، تا اندازه‌ای جزو آداب مذهبی مسیحیان خواهد بود (۱:۱۷؛ مر ۶:۴۱؛ لو ۱۳:۱۸؛ اع ۵:۵۵). [کلمه مستجاب کردن در ترجمه تحت اللفظی شنیدن است.]

b- چون همبستگی پدر با پسر دائمی و مستمر است بنابراین پدر در هر لحظه درخواست عیسی را شنیده و مستجاب می‌کند؛ و به همان گونه که به اطرافیان خود اعلام کرده در او امکان تعیین سرنوشت نهایی جهان تحقق می‌یابد (ر. ک ۱۴:۳؛ ۱۵:۷؛ ۱۶:۱۶-۲۳:۲۴؛ ۱-یو ۳:۲۱-۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵). این نیایش نشان می‌دهد که با برخاستن ایلعازر از مرگ، ارتباط فرزندی عیسی نسبت به خدا را می‌توان دریافت. [ترجمه تحت اللفظی مستجاب کردن: شنیدن.]

c- نشانه‌هایی که عیسی انجام می‌دهد واکنش‌های مختلفی ایجاد می‌کنند: کسانی ایمان می‌آورند و کسان دیگری شدیداً مخالفت می‌نمایند (ر. ک ۷:۳۴؛ ۹:۱۶؛ ۱۰:۱۹). آخرین نشانه موجب خواهد شد در اورشلیم تصمیم به کشتن عیسی گرفته شود.

d- این کلمه را می‌توان سانه‌درین ترجمه کرد. در اینکه آیا اجتماع کاهنان اعظم و تعدادی از فریسیان بوده و آیا این مجمع جنبه رسمی داشته است یا خیر؛ باید توجه داشت که پس از انهدام معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی فریسیان رهبری یهودیان را به دست گرفتند. ر. ک ۹:۲۲ توضیح I.

e- ترجمه تحت اللفظی: محل، که ممکن است منظور مجموعه شهر اورشلیم و یا منحصرأ معبد باشد (۲-مک ۳:۱۲، ۱۸، ۳۰؛ اع ۶:۱۳-۱۴؛ ۷:۷).

تدهین در بیت عنیا

(متی ۲۶:۶-۱۳؛ مرقس ۱۴:۳-۹؛

ر.ک لوقا ۷:۳۶-۳۸)

^{۵۵} [جشن] گذر یهودیان^k نزدیک بود و

بسیاری از مردم از روستاها پیش از گذر

برای تطهیر خود به اورشلیم فراز آمدند^۱.^{۵۶} در جستجوی عیسی بودند و در معبد

ایستاده به یکدیگر می گفتند: «چه

می پندارید؟ آیا اصلاً به جشن نخواهد

آمد؟»^{۵۷} اما کاهنان اعظم و فریسیان دستور

داده بودند: اگر کسی بداند که او کجاست

باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند.

کاهن اعظم بود^f به آنان گفت: «شما هیچنمی دانید،^{۵۰} مگر فکر نمی کنید که برای

۲- قرن ۱۵:۵ شما مفیدتر است یک انسان در راه قوم

بمیرد، تا همه هلاک شوند^g؟»^{۵۱} این را

از خود نگفت اما چون در آن سال کاهن

اعظم بود، نبوت کرد^h که عیسی باید برایملت بمیرد.^{۵۲} و نه تنها برای ملت، بلکه

همچنین تا فرزندان خدا که پراکنده اند

در یگانگی گرد هم آیندⁱ.^{۵۳} از همان روزتصمیم به کشتن او گرفتند.^{۵۴} عیسی

دیگر در میان یهودیان آشکارا رفت و آمد

نمی کرد بلکه از آنجا به ناحیه ای نزدیک

بیابان به شهری به نام افرائیم^j رفت و با

شاگردانش در آنجا ماند.

^۱ پس شش روز پیش از جشن گذر،

۱۲

عیسی به بیت عنیا آمد، جائی که

ایلعازر بود و عیسی او را از میان مردگان

قیام بخشیده بود^m.^۲ در آنجا برایش شامی

تهیه کردند و مرتاً خدمت می کرد و ایلعازر

لو^۳ یکی از کسانی بود که بر سر سفره با او

خروج ۳۰:۲۸

اعد ۲۱:۲۷

پید ۲۰:۵۰

۴:۲۰

۱- یو ۲:۲

اش ۵:۴۹

۵:۱۸

۲۵، ۱:۷

۴۰-۳۷:۸

مت ۱۴:۱۲

۵:۱۴

۲۲:۳؛ ۱۲:۲

۱:۷

^f- قیافا از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی ریاست عالییه سانهدرین را برعهده داشت (لو ۲:۳؛ اع ۴:۶؛ ر.ک تاریخ کهن فلاویوس ژوزف

۳۵:۱۸)؛ نقش قیافا در مت ۲۶:۳، ۵۷ و یو ۱۸:۱۳-۱۴، ۲۴، ۲۸ ذکر و تأکید شده است. یوحنا که مصرأ یادآوری می کند

که وی در آن سال کاهن اعظم بود شاید می خواهد اهمیت بی نظیر سالی را که نجات انجام خواهد شد یادآوری نماید.

^g- قیافا به بحث در این باره جنبه سیاسی می دهد: به هرصورت دلایل هرچه باشد چون عیسی موجب بروز اختلالاتی است شایسته

است او را از بین ببرند تا آرامش و نظم عمومی تأمین گردد.

^h- این سخنان با توجه به وقایعی که بعداً روی می دهد در نظر شاگرد عیسی کاملاً معنی و مفهوم دیگری دارند بدین معنی که

عیسی با مرگ خود نجات اسرائیل را تأمین می کند و تمام کسانی را که در سراسر دنیا در تابعیت پدر هستند به صورت یک

ملت جمع می کند.

ⁱ- منظور قیافا آن بود که برای یهودیان اشکالاتی پیش نیاید. وی بدون اینکه بداند اعلام می کند که مرگ عیسی چه معنایی برای

ایمانداران دربر خواهد داشت. در مورد مرگ به خاطر وحدت ر.ک ۱۰:۱۶؛ ۱۷:۱۹-۲۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۱:۱۱.

^j- افرائیم را اکثراً با دهی به نام /لطیبه یکی دانسته اند که در حدود ۲۰ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم در منتهی الیه سرزمین

صحرائی قرار دارد.

^k- ر.ک ۱۳:۲؛ ۴:۶. چنین به نظر می رسد که یوحنا جشن یهودیان را که از به دوران و نظم کهن تعلق دارد در برابر یگانه جشن

گذر واقعی مسیح قرار می دهد (۱:۱۳).

^l- شرکت در جشن مستلزم آن بود که از نظر شرعی پاک باشند و این پاکی با اجرای اعمال مذهبی مختلفی حاصل می شد

(خروج ۱۹:۱۰-۱۵؛ اعد ۹:۱۴-۲؛ توا ۳:۱-۳، ۱۷-۲۰؛ اع ۲۱:۲۴-۲۶؛ ۲۸:۱۸؛ یو ۱۸:۲۸).

^m- ر.ک مت ۱۳:۲۶؛ ۱۴:۹-۳؛ ۱۴:۳۰-۳۶؛ ۴۰-۴۱.

لو ۳۷:۷-۳۸ بود. ^۳ پس مریم رطلیⁿ از عطر سنبل واقعی^o گرانها برداشته پاهای عیسی را تدهین نمود و با گیسوانش پاهای او را خشک کرد^p و خانه را بوی عطر فرا گرفت^q. ^۴ یهودای اسخربوطی^r، یکی از شاگردانش، آن کس که او را تسلیم می کرد گفت: ^۵ «چرا این عطر را به سیصد دینار^s مت ۲۱:۱۹؛ نفروختند تا به بینوایان داده شود؟» ^۶ این ^۷ را نه از آن رو گفت که در غم بینوایان بود، بلکه چون او دزد بود و کیسه پول را در دست داشت آنچه را در آن می انداختند لو ۲۲:۱۸؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۳:۲۹؛ ۸:۳ می ربود. ^۷ پس عیسی گفت: «او را بگذار، این عطر را برای روز تدفین من نگاه داشته^t» ^۸ زیرا بینوایان را همیشه با خود دارید اما^u مرا برای همیشه ندارید^u.» ۴۳:۱۲-۴۴ پس بسیاری از یهودیان دانستند که [عیسی] در آنجاست. پس آمدند نه تنها

ورود پیروزمندانه عیسی به

اورشلیم

(متی ۲۱:۱-۱۱؛ مرقس ۱۱:۱-۱۱؛

لوقا ۱۹:۲۸-۴۰)

^{۱۲} روز بعد جمعیت زیادی که برای جشن

آمده بودند، وقتی دانستند که عیسی به

اورشلیم می آید ^{۱۳} شاخه های نخل

برداشته^v به استقبال او بیرون شدند و فریاد

برمی آوردند: «هوشیاعنا!» «مبارک باد

آنکه به نام خداوند می آید^w» و «پادشاه

مکا ۹:۷؛ ۵۱:۱۳؛ ۱۰:۳۹؛ ۱۵:۳۲؛ ۲۷:۴۲؛ ۱۱۸:۲۵-۲۶

n- کلمه یونانی که رطلی ترجمه شده واحد رومی و برابر ۳۲۷/۴۵ گرم است.

o- این کلمه که فقط در مر ۳:۱۴ و در اینجا بکار برده شده گاهی ناب و خالص ترجمه می کنند و در مورد مفهوم آن مفسران توافق ندارند. ظاهراً در زبان یونانی این کلمه از همان ریشه ایمان می آید و لذا می توان واقعی یا حقیقی ترجمه نمود ولی ممکن است نام گیاهی باشد که از آن عطر گرفته اند.

p- طبق اناجیل متی و مرقس، مریم عطر را بر سر عیسی می ریزد در صورتی که در اینجا بر روی پاهای عیسی ریخته و با خشک کردن با موهایش فروتنی و محبت کامل خود را ابراز می کند.

q- در ادبیات یهود عطری را که رایحه اش منتشر می شود با پرتو و درخشندگی زندگی عادلانه تشبیه و مقایسه کرده اند. ذکر این نکته که رایحه عطر فضای خانه را پر می کند ممکن است با مت ۱۳:۲۶ و مر ۹:۱۴ مقایسه شود که در آنجا گفته شده در هر جایی که انجیل موعظه شود این عمل مریم شناخته خواهد شد.

r- ر. ک ۷:۱۶. یوحنا توجه را به یهودای اسخربوطی جلب کرده و این اظهارات را به او نسبت می دهد در صورتی که مرقس گوینده این سخنان را بعضی ها و حتی شاگردان ذکر کرده است.

s- کلمه ای که دینار ترجمه شده واحد پول و احتمالاً برابر مزد روزانه یک کارگر بوده است. ر. ک ۷:۶ توضیح t و مر ۵:۱۴.

t- ترجمه دیگر: او را به حال خود بگذارید! این رسم را به خاطر تدفین من رعایت می کند. ولی معنی دقیق این عبارت مشخص نیست. به نظر بعضی از مفسران یوحنا که شکستن شیشه عطر را ذکر نکرده در نظر داشته عطر برای تدفین ذخیره شود. به نظر بعضی دیگر منظور بیاد نگهداشتن خاطره این عمل است که پیشاپیش مراسم تدفین را نشان می دهد. متی و مرقس در این مورد اهمیت حضور عیسی و فوریت شناختن او را در ایمان تذکر و یادآوری می کنند. ر. ک ۱۰:۱۲ توضیح m.

u- ر. ک مت ۱۱:۲۶؛ مر ۷:۱۴.

v- این روش ورود پیروزمندانه سلاطین است، ر. ک ۱-مک ۵۱:۱۳؛ ۲-مک ۷:۱۰؛ ۷:۷؛ ۹:۷.

w- ر. ک مز ۱۱۸:۲۵-۲۶. هوشیاعنا به مت ۹:۲۱ توضیح c توجه نمایید. این کلمات را که از مزمور ۱۱۸ گرفته شده برای تقدیس رؤسایی که در رأس ملتزمین خود به معبد فراز می آمدند بکار می بردند. همین عبارت در مورد عیسی بکار برده شده که کاملاً والاترین کسی است که می آید (۶:۱۴؛ ۱۱:۲۷؛ ۹:۱) و با داشتن قدرت خدایی مأمور رسالت می باشد.

گفتند: «می بینید که هیچ فایده ای ۲۶:۳
نمی برید، همه دنیا به دنبال او می رود!» ۴۸-۴۷:۱۱
اع ۲۸:۵

شکوه و صلیب

۲۰ در آنجا چند یونانی بودند، از آنانی ۳۵:۷
که به هنگام جشن برای پرستش^d فراز ۵۵:۱۱
می آمدند. ۲۱ پس اینان به سوی فیلیپس که ۲۷:۸
از بیت صیدای جلیل^e بود پیش رفتند و از ۱۱:۲۳
او درخواست کرده گفتند: «ای سرور
می خواهیم عیسی را ببینیم.» ۲۲ فیلیپس ۳۴:۷
آمده آن را به اندریاس گفت. اندریاس و ۳:۱۹
فیلیپس آمده آن را به عیسی گفتند.
۲۳ عیسی در پاسخ ایشان گفت: «ساعتی که ۳۹:۷
پسر انسان باید شکوه یابد فرا رسیده ۳۲-۳۱:۱۳
است!»^f ۲۴ آمین، آمین به شما می گویم: اگر ۱:۱۷
مت ۲۰:۸

اسرائیل^x! ۱۴ اما عیسی کره الاغی یافته بر
آن نشست، برابر آنچه نوشته شده است:
۱۵ ای دختر صهیون مترس: اینک پادشاه
تو، سوار بر کره الاغی می آید.^y ۱۶ اول
شاگردانش این چیزها را نفهمیدند، اما ۲۶:۱۴
وقتی عیسی شکوه یافت^z، بدان هنگام ۴۳:۴
به یاد آوردند^a که این درباره وی نوشته
شده بود و این چیزها را برای او کرده
بودند^b. ۱۷ پس جمعیتی که با او بودند به ۴۴-۴۳:۱۱
هنگامی که ایلعازر را از قبر به بیرون
خوانده و او را از میان مردگان قیام بخشیده
بود شهادت می دادند. ۱۸ همچنین جمعیتی
نیز بدین سبب به استقبال او می آمدند:
زیرا شنیده بودند که او این نشانه را انجام
داده است. ۱۹ پس فریسیان در بین یکدیگر

x- موضوع عنوان پادشاه اسرائیل در سرتاسر انجیل آمده است مخصوصاً در قسمتی که راجع به مصائب عیسی و مصلوب شدن او است (۱:۴۹:۶:۱۵:۳۳:۳۷، ۳۹:۱۹:۳، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱).

y- یوحنا نظیر انجیل نگاران دیگر که این روایت را آورده اند خلاصه پیام سروش مسیحایی زک ۹:۹ را ذکر کرده و بدین وسیله روایت را مفهوم و روشن می کند. [ترجمه تحت اللفظی: کره خریک خر ماده].

z- عیسی به وسیله صلیب و صعود به آسمان شکوهمند شده است (ر. ک. ۷:۳۹:۱۷).

a- یوحنا به مانند انجیل نگاران دیگر (مر ۱۴:۷۲؛ مت ۲۶:۷۵؛ لو ۲۴:۶۰؛ ۲۴:۶، ۸) متوجه است که بیشتر گفتارها و اعمال عیسی در مدت زندگی زمینی او درک نشده یا به خوبی آنها را دریافت نکرده بودند. پس از مصلوب شدن عیسی و صعود او توانستند این وقایع را درک نموده و به معنی واقعی آنها پی ببرند و نبوت هایی را که در نوشته های مقدس آمده است به طرز جدیدی دریابند. این تذکر و یادآوری یوحنا بر اثر عمل روح القدس انجام می شود (۲:۲۲:۱۴؛ ۲۶:۱۵؛ ۲۶:۱۶-۱۲-۱۵).

b- فاعل این جمله یا شاگردان است که قسمتی از این وقایع را آماده کرده بودند (ر. ک. مت ۱:۱۱-۷) یا منظور جمعیت است که برای عیسی احتراماتی بجا می آوردند.

c- روش نگارش یوحنا آمیخته با طنز و استهزا است بدین معنی که خود فریسیان متوجه جنبه جهانی عمل عیسی می باشند (ر. ک. ۳۲:۱۲؛ مر ۱:۳۷).

d- این اشخاص که فرهنگ یونانی داشتند و نسبت به نژاد یهود بیگانه بودند جدیداً به آیین یهود گرویده یا اینکه فقط به آن علاقمند بودند و به اورشلیم می آمدند تا در مراسم زیارت جشن گذر شرکت نمایند (اع ۱۰:۲، ۲۲، ۳۵؛ ۱۶:۱۳، ۲۶). تمایل به پرستش خدای حقیقی (ر. ک. ۴:۲۱-۲۳) آنان را هدایت می کرد که عیسی را ملاقات کنند (یا به عبارت بهتر او را ببینند).

e- ر. ک. ۴۴:۱ و ۸:۶. فیلیپس و اندریاس تنها شاگردانی هستند که نام یونانی دارند. ر. ک. ۴۲:۴؛ ۳۸-۲۷:۴ توضیح h.

f- منظور لحظه ای قطعی است که عیسی در شکوه وارد می شود و شاگردانش را در آن سهم خواهد کرد (۱:۱۷-۵، ۲۲، ۲۴؛ ۱۴:۱۶) شکوهی که پدر تعیین کرده و فرا رسیدن آن در پایان فعالیت زمینی عیسی است (۲:۴:۷، ۸، ۳۰؛ ۲۰:۸؛ ۱۳:۹:۱۳؛ ۱:۱۷)، همچنین قبل از هر چیز ساعت خدمت تا مرگ بر روی صلیب است (قبلاً در مر ۱۴:۳۵، ۳۷، ۴۱ آمده است).

اش: ۱۲-۱۰:۵۳	دانه گندم که به زمین افتاده نمیرد، تنها	بده! اما به سبب همین تا این ساعت
مت ۲۱:۱۶	می ماند اما اگر بمیرد، میوه بسیار	آمده ام ^k . ^{۲۸} ای پدر، نام خود را
روم ۹:۱۴	می آورد ^g . ^{۲۵} هر که جان خود را دوست	شکوهمند گردان ^۱ .» پس ندایی از آسمان
۱-قرن ۳۶:۱۵	دارد آن را از بین می برد و هر که از جان	رسید: «[او را] شکوه داده ام و باز شکوه
مت ۳۹:۱۰	خود در این جهان نفرت دارد ^h آن را برای	خواهم داد ^m .» ^{۲۹} پس جمعیتی که آنجا
۲۵:۱۶	زندگانی جاودان نگاه خواهد داشت ^۱ .	ایستاده بودند، شنیده گفتند که غرض
مر ۳۵:۸	^{۲۶} اگر کسی به من خدمت می کند، پس مرا	تندری بود. دیگران گفتند: «فرشته ای با
لو ۲۴:۹	هم پیروی کند و در آنجا که من هستم خادم	او حرف زده است.» ^{۳۰} عیسی پاسخ داده
۳۳:۱۷	من نیز همانجا خواهد بود ^۱ . اگر کسی به من	گفت: «این ندا نه به خاطر من، بلکه
مت ۲۴:۱۶	خدمت کند پدر او را محترم خواهد	به خاطر شما رسیده است ⁿ . ^{۳۱} اکنون
۲۱:۱۶:۳۳:۱۱	داشت.	داوری ^o این جهان ^p است. اکنون رئیس
۳:۶:۱۱:۱۸	^{۲۷} اکنون جان من مضطرب است و چه	این جهان بیرون افکننده خواهد شد ^q .
۱۱:۵:۴۲	بگویم؟ ای پدر، مرا از آن ساعت نجات	^{۳۲} و من چون از زمین بالا برده
مت ۳۸:۲۶		
مر ۳۴:۱۴		
لو ۴۶:۴۰:۲۲		
عبر ۸-۷:۵		

g- تصویر دانه بذری که می میرد برای آن که محصول فراوانی بدست آید در موعظه های انجیلی تصویری معمولی است (مر ۴:۳-۹، ۲۶، ۳۱؛ مت ۱۳:۲۹-۳۰). علمای مذهبی یهود و پولس رسول (۱-قرن ۳۵:۱۵-۴۴) این تصویر را در مورد صعود و شکوه یافتن بکار برده اند. مصلوب شدن و مصائبی که عیسی متحمل خواهد شد منجر به باروری رستخیز او می شود تا کاملاً یهودیان و یونانیان در جامعه ای مسیحایی گرد هم آیند.

h- ترجمه تحت اللفظی: نفرت داشتن. فعلی که در اینجا آمده برابر روشی که در زبانهای سامی بکار می رود در مقابل دوست داشتن است و اکثراً به مفهوم کمتر دوست داشتن و به عنوان ارزشی والا بشمار نیارودن است. [بنابراین می توان ترجمه کرد: هرکس در این جهان از جان خود دست بشوید] (پید ۲۹:۳۱-۳۳؛ تث ۲۱:۱۵؛ مت ۲۴:۶؛ لو ۱۳:۱۶؛ ۲۶:۱۴؛ ۲۶:۱۴ توضیح k را ملاحظه کنید).

i- ر. ک مر ۳۵:۸؛ مت ۲۵:۱۶؛ لو ۲۴:۹؛ شاگرد بایستی زندگانی خود را بر طبق زندگی جدیدی که استاد بر او آشکار و به او عطا کرده است یکی کند و هماهنگ سازد.

j- رابطه بین خدمت کردن و به دنبال عیسی رفتن نکته اساسی در روایات انجیلی است (ر. ک مر ۳۴:۸؛ مت ۳۸:۱۰؛ لو ۲۷:۱۴). خدمت عیسی متضمن آن است که شاگرد به روش خود در مرگ و رستخیز او سهم خواهد بود (ر. ک مر ۱۰:۳۵-۴۵).

k- در اینجا یوحنا احساس اضطراب عیسی را در برابر مرگی که فرامی رسد ذکر می کند (ر. ک ۳۳:۱۱-۳۸؛ ۲۱:۱۳) ولی احتضار او را در جتسیمانی روایت نخواهد کرد (مر ۱۴:۳۲-۴۲؛ مت ۲۶:۳۶-۴۶؛ لو ۲۲:۳۹-۴۶) با اینکه به آن اشاره می نماید (۱۱:۱۸). یوحنا مخصوصاً علاقمند است اطاعت کامل عیسی را یادآوری کند که با شکوهمند کردن پدر، در کمال آزادی دوران مصائب و مصلوب شدن خود را آغاز می کند (ر. ک ۱۰:۱۸ توضیح i).

l- نام مظهر و بیان تجلی شخص می باشد. عیسی که درخواست می کند نام پدر شکوهمند باشد خدا به عنوان پدر تجلی نماید (۱۶:۳؛ ۱۷:۱۲؛ ۲۶، ۲۶)، خدایی که به وسیله مرگ و رستخیز پسرش عمل محبت خود را نسبت به آدمیان کامل می کند.

m- پس از تظاهر شکوه که با فعالیت زمینی عیسی و نشانه ها انجام می شود (۲:۱۱؛ ۳۸:۱۰؛ ۴:۱۱؛ ۴۰) تجلی کامل به وسیله مرگ و رستخیز (۱۳:۳۱-۳۲؛ ۱۷:۱۰؛ ۱۴:۱۰) و اعطای روح القدس خواهد رسید.

n- جمعیت بلافاصله ارزش و اهمیت دخالت خدا را در نیافته، با این همه قاعده تاً بایستی بدین وسیله معنی وقایع نجات را تشخیص می دادند و گر نه عیسی که با پدر یکی است نیازی به توضیح ندارد.

o- در اینجا داوری به معنی محکومیت است (ر. ک ۳:۱۹؛ ۳:۲۱ توضیح c؛ ۲۹:۵).

p- در روایات مکاشفه ای/این جهان در مقابل جهان آینده است که در آن خدا حکمرانی خواهد کرد. این اصطلاح همچنین به مفهوم دنیای کنونی است که در آن قدرتهای مخالف فرمانروایی خدا تسلط دارند و در انجیل یوحنا به نامهای مختلف مجسم شده اند: مثلاً ابلیس (۷۰:۶؛ ۸:۴۴؛ ۱۳:۲)، شیطان (۲۷:۱۳)، سلطان این دنیا (۱۶:۳۰؛ ۱۱:۱۶).

q- برابر بعضی نسخ خطی پایین افکننده خواهد شد. البته عیسی نه برای داوری بلکه برای نجات آمده است (۱۷:۳-۲۱؛ ۴۷:۱۲)؛ با این همه پیروزی او به وسیله صلیب و بر روی صلیب به معنی شکست شیطان و انفصال از تسلط بر جهان است.

خاتمه کتاب نشانه‌ها. شرایط ایمان حقیقی

۳۷ هر چند آن همه نشانه‌ها را در برابرشان ۱۱:۲
تث ۳-۱:۲۹
مت ۲۰:۱۱
روم ۱۶:۱۰
عبر ۲:۴
کرده بود، به او ایمان نمی‌آوردند ۳۸ تا گفتار
اشعیای پیامبر به تحقق رسد که گفت:
«خداوند چه کسی به پیام ما ایمان آورده و
بازوی خداوند به چه کسی الهام گردیده
است؟» ۳۹ به همین جهت نمی‌توانستند
ایمان بیاورند زیرا باز اشعیا گفته است:
۴۰ «چشم‌انسان را کور کرده و دلشان را ۴:۵
سنگ گردانیده تا با چشمان خود نبینند و با
دل‌هایشان نفهمند و باز نگردند تا من آنان را ۱۸:۸
شفا دهم» ۴۱ اشعیا این را گفته است زیرا
شکوه او را دیده و از او سخن گفته است ۴۲
با وجود این حتی در بین رؤسا بسیاری به ۲۳:۲
۴۸، ۳۱:۷
او ایمان آوردند اما به سبب فریسیان بروز ۲۲:۹
۳۰:۸
۴۲:۱۰
نمی‌دادند مبادا از کنیسه رانده شوند ۴۵:۱۱
۱۱:۱۲

شوم^T، همه را به سوی خود خواهم کشید^S.
۳۳ این را گفت تا نشان دهد به چه مرگی
می‌بایست بمیرد^T. ۳۴ پس جمعیت پاسخ
دادند: «از تورات^U شنیده ایم که مسیح
جاودان می‌ماند^V، پس تو چگونه می‌گویی
که: "پسرانسان باید بالا برده شود؟" این
پسرانسان کیست؟» ۳۵ پس عیسی به آنان
گفت: «اندک زمانی نور در بین
شماست^W، تا وقتی نور را دارید راه بروید
مبادا تاریکی‌ها شما را دربرگیرند. و آن
که در تاریکی‌ها راه می‌رود نمی‌داند به
کجا می‌رود. ۳۶ تا وقتی نور را دارید، به
نور ایمان بیاورید تا شما پسران نور
شوید^X.» عیسی چنین گفت و از آنجا رفت
و از ایشان پنهان شد.

مز ۳۶، ۴:۸۹، ۴:۱۱۰
اش ۷:۹
دان ۱۴:۷
یو ۳۴:۱۰
روم ۱۹:۳
مت ۲۰:۸
۳۳:۷
۱۱:۲:۸
۴:۹، ۱۲:۴، ۱۶:۹
۱۰:۱۱
۱۱:۲
اش ۱۰:۵۰
ار ۱۶:۱۳
افس ۸:۵

T- ر.ک ۱۴:۳ و ۲۸:۸ بالا رفتن بر روی صلیب را ایمانداران باید به عنوان بالا رفتن در شکوه به نزد پدر درک کنند. به طوری
که اکثراً مشاهده می‌شود یوحنا اصطلاحاتی بکار می‌برد که معنی دو پهلو دارند.

S- ر.ک ۴۴:۶ که در آنجا پدر به سوی پسر می‌کشد.
T- ر.ک ۳۲:۱۸.

U- کلمه یونانی قانون که در اینجا تورات ترجمه شده به مفهوم مجموعه نوشته‌های مقدس و روایات است.

V- در تأیید این سخنان می‌توان اش ۹:۶؛ مز ۱۱۰:۴؛ دان ۷:۱۴ را ذکر کرد ولی برطبق عقیده عمومی یهودیان تحقیر و
سرکشستگی بر روی صلیب قابل تصور نبود.

W- ر.ک ۱۲:۸؛ ۹:۴-۵؛ ۱:۹؛ ۳۳:۷؛ ۳۳:۱۳.

X- منظور از پسران نور کسانی هستند که به وسیله ایمان در قلمرو نور وارد شده و زندگی می‌کنند (افس ۵:۸؛ ۱-تسا ۵:۵). این
عنوان در نوشته‌های فرقه‌اسنیان که در قمران کشف شده فراوان است و در آنجا منظور برگزیدگانی هستند که تورات را دقیقاً
بررسی کرده و عمل می‌نمایند.

Y- این عبارت که در ابتدای وحی درباره خدمتگزار رنجور است (اش ۵۳:۱) یادآوری و تأکید می‌نماید کلام و عمل خدا که
اشعیا بیان خواهد کرد نشنیده و بی‌مانند است. یوحنا این عبارت را در ستایش مسیحیت بکار می‌برد (ر.ک روم ۱۰:۱۶).

Z- یوحنا سخنان اشعیا (۹:۶-۱۰) را که نخستین الهیدانان مسیحی اکثراً بکار برده‌اند (مر ۴:۱۱-۱۲؛ مت ۱۳:۱۵؛ لو ۸:۱۰؛
مر ۱۸:۸؛ اع ۲۶:۲۷-۲۸) به روش مخصوص خود گرفته و مفهوم آن را تشدید کرده است. اشعیای پیامبر در پیام خود اعلام
می‌کند که کوری مانع از آن است دل خود را به عمل خدا بگشایند و مسیحیان بر مبنای این پیام ایمان نیاوردن اسرائیل را
تفسیر می‌کردند (ر.ک ۳۹:۹-۴۱؛ ۳:۱۹-۲۱؛ ۱:۹-۱۱).

a- به نظر یوحنا شکوه الهی که به اشعیا آشکار می‌شد همان است که از این پس در عیسی خواهد درخشید (ر.ک ۸:۵۶؛ ۱-
قرن ۴:۱۰).

b- ایمان ارزش ندارد مگر در صورتی که بدون هیچ ملاحظه و پروایی باشد تا به جایی که در ملا عام بیان و اظهار شود که ممکن
است منجر به اخراج از جامعه اسرائیل گردد (ر.ک ۹:۲۲؛ ۱۶:۴-۱۰).

سخنی که من گفته‌ام در واپسین روز بر او داوری خواهد کرد.^{۴۹} زیرا من از طرف خودم سخن نمی‌گویم بلکه پدری که مرا فرستاده است او مرا به من آنچه باید بگویم و بیان کنم، فرمان داده است.^{۵۰} و می‌دانم که فرمان او زندگانی جاودان است. پس آنچه من می‌گویم همان است که پدر به من گفته است و من به همان طور می‌گویم.»

شام آخر و شستشوی پاها^h

۱۳ پیش از جشن گذرⁱ عیسی که می‌دانست ساعت او برای گذشتن^k ۴:۲:۴۸:۱
:۲۸:۱۶:۱۸:۱۰
:۹:۱۷:۱۳:۱۵
مت ۴:۵:۱۷:۲۶
مر ۴:۱:۱۴
غلا ۲:۲۰
۱- یو ۱۶:۳

۴۴:۵ زیرا شکوه آدمیان را بیشتر از شکوه خدا دوست داشتند.^c
۴۴:۵:۲۰:۱۳:۲۴:۵
مت ۴۰:۱۰
۹-۷:۱۷ ایمان آورد، نه به من بلکه به فرستنده من ایمان آورده است^{۴۵} و هر که مرا می‌بیند، فرستنده مرا می‌بیند.^e ۴۶:۴۶ من، آن نور، به جهان آمده‌ام تا همه کسانی که به من ایمان آورند، در تاریکی نمانند.^{۴۷} و اگر کسی سخنان مرا می‌شنود و آنها را رعایت نمی‌کند، او را داوری نمی‌کنم زیرا من برای داوری جهان نیامده‌ام، بلکه برای نجات دادن جهان^f. ۴۸:۴۸ هر که مرا طرد کند و سخنان مرا نپذیرد داوری کننده‌ای دارد:

c- ر. ک ۴۴:۵.

d- این مجموعه کوچک سخنان که مخصوصاً از گفتارهای عیسی است ظاهراً نتیجه‌گیری نخستین بخش انجیل است و به اظهارات عیسی در میان مردم خاتمه می‌دهد.

e- عیسی به خودی خود و به تنهایی چیزی نیست؛ ارتباط او با پدر بر این مبنا است که کسی که به او ایمان می‌آورد ضمناً ایمان خود را به پدر می‌دهد؛ یا به همین گونه می‌توان گفت کسی که او را می‌بیند در او پدر را می‌بیند (ر. ک ۲۰:۱۳:۳۸:۱۰:۱۸:۱۴:۷:۱۱:۵:۱۹:۳۰-۱۸:۱).

f- کلام مستلزم توجه و اطاعت مستمر و مداوم است (ر. ک مت ۲۴:۷-۲۷:۶:۴۷-۴۹). رسالت عیسی منحصرراً به خاطر نجات است (۱۷:۳:۱۵:۸) ولی کسی که این رسالت را نمی‌پذیرد خود را به گمراهی محکوم می‌نماید؛ زیرا واقعاً راه دیگری برای رسیدن به خدا وجود ندارد (۲۶:۲۲:۵:۲۷:۱۶:۸:۲۶).

g- آنچه را یهودیان دربارهٔ قانون تورات گفته و اظهار می‌کردند که قانون تورات در روز داوری میزان محکومیت خواهد بود یوحنا در مورد کلام عیسی می‌گوید (ر. ک مر ۳۸:۸).

h- بابهای ۱۳ الی ۱۷ انجیل یوحنا مجموعه ادبی گسترده‌ای است که در آن مطالب مختلفی گردآوری شده است. در ابتدا روایت آخرین شامی که عیسی با شاگردانش صرف نمود و ارتباطی که با موضوع شستن پاها دارد (۱۳:۱-۳۰)، سپس مذاکره طولانی عیسی با اطرافیانش آمده است (۱۳:۳۱-۲۶:۱۷). در این بخش موضوعات متنوعی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند: مثلاً به خوبی روشن است که آیات ۲۷-۳۱ در ابتدا پایان گفتار وداع بوده و پس از آن بایستی موضوع آمدن اشخاصی که مأمور دستگیری عیسی هستند ذکر شود (۱۸:۱-۱۱). یوحنا بابهای ۱۵-۱۷ را در این بخش وارد کرده تا نخستین مذاکره وداع را تشریح نماید (۱۳:۳۱-۱۴:۳۱). در بابهای ۱۳ الی ۱۷ عیسی به شاگردان خود و از ورای ایشان به ایمانداران همه دورانها خطاب می‌نماید. برای ایشان توضیح می‌دهد در دورانی که با صعود شکوهمند او آغاز می‌شود وضعیت و شرایط آنان چگونه خواهد بود. بنابراین یوحنا بعضی از نگرانیهای مهم مخاطبان را دقیقاً تشریح خواهد کرد و لذا تعجیبی ندارد اگر در تعدادی از نکات این بابها تقدم و تأخر تاریخی تطبیق نمی‌کند. مثلاً یوحنا از زبان عیسی نظر یک فرد ایماندار را پس از رستاخیز بیان می‌نماید که چگونه در پایان قرن اول میلادی با مشکلات کلیسا مواجه است.

i- در مورد جشنهای یهودیان که در انجیل یوحنا ذکر شده به ۴:۶ توضیح^۲ مراجعه نمایید. معمولاً این شام را که یوحنا روایت می‌کند برابر آخرین شامی بشمار می‌آورند که در انجیل نظیر آمده است. با این همه در اینجا موضوع غذای جشن گذر یا برقراری دعای سپاسگزاری صریحاً ذکر نشده است. دلیل اینکه چرا یوحنا این نکته را ذکر نکرده، نمی‌دانیم. چنین می‌نماید که مخصوصاً ترجیح داده در این باره در باب ششم به تفصیل توضیح دهد.

پس چون به سوی شمعون پطرس آمد،
وی به او گفت: «خداوند، تو پاهای مرا
می شویی!»^۲ عیسی در پاسخ او گفت:
«آنچه من می کنم اکنون درک نمی کنی اما
بعداً خواهی دانست.»^۳ پطرس به او گفت:
«نه، هرگز تا به ابد پاهای مرا نخواهی
شست!» عیسی به او پاسخ داد: «اگر تو را
نشویم با من سهمی نخواهی داشت.»^۴
شمعون پطرس به او گفت: «خداوند،
پس نه تنها پاهایم بلکه همچنین دست ها و
سر را!»^۵ عیسی به او گفت: «آن که
شستشو کرده نیازی به شستن خود ندارد^۶
بلکه کاملاً پاک است.»^۷ شما نیز پاک
هستید اما نه همه.»^۸ چون می دانست
۴۸:۱، ۶۴:۶، ۷۱-۷۰

از این جهان به سوی پدر فرارسیده است،
چون به خاصان خود که در این جهانند
محبت داشت تا پایان محبت نمود.^۱ و در
طی شام، چون قبلاً ابلیس به دل یهودای
اسخریوطی [پسر] شمعون انداخته بود که
او را تسلیم کند^۲ و [عیسی] می دانست
که پدر همه چیز را به دست او داده^۳ و او از
خدا می آید^۴ و به سوی خدا می رود^۵، از
سر شام قیام کرده، لباسش را به کناری
گذاشت و حوله ای برگرفته، آن را به
کمرش گره زد.^۶ سپس در طشتی آب ریخته
شروع به شستن پاهای شاگردان کرد^۷ و آنها
را با حوله ای که به کمرش گره زده بود
خشک کرد.

۲۷:۱۳
مت ۲۶:۲۰
۱- یو ۱۶:۳
۲۷:۱۳
مت ۲۶:۲۰
مر ۱۴:۱۷-۱۸
لو ۳:۲۲، ۱۴:۱
۳۵:۳، ۱:۱
۲۸:۱۶
مت ۲۷:۱۱
لو ۲۲:۱۰
۳۷:۱۲
لو ۱۷:۷-۱۰
۳:۱۲
لو ۴۴:۷

ج- عیسی کاملاً آگاه است که ساعت او فرا می رسد (۲:۴؛ ۷:۶؛ ۱۲:۲۳، ۲۷) و اهمیت و دامنه وقایعی را که آغاز می شود
به خوبی می داند و آنها را در کمال آزادی خواهد پذیرفت (۱۰:۱۸؛ ۱۸:۴؛ ۱۹:۲۸).

k- کلمه عبری که در زبانهای غربی «عید پاک» ترجمه می کنند به معنی عبور و گذر است (خروج ۱۲:۱۲-۱۳) چنین به نظر
می رسد وقایعی که عیسی را از وضع حاضر به وسیله گذشتن از مرگ به سهیم شدن در شکوه پدر می رساند در نظر یوحنا (و در
نظر اطرافیان) گذر واقعی است و غیر از عید گذر یهودیان می باشد (۲:۱۳؛ ۶:۴؛ ۱۱:۵۵).

l- از اینجا به بعد یوحنا تأکید خواهد کرد که معنی و مفهوم عمل عیسی و مخصوصاً مصائب و صلیب او محبت است (۱۳:۳۴؛
۹:۱۵؛ ۱۷:۲۳؛ ۱- یو ۱۶:۳؛ ر. ک. غلا ۲۰:۲-۲؛ ۱۴:۵؛ ۸:۵؛ ۸:۳۵؛ افس ۳:۱۹؛ ۵:۱-۲). وقایع عید گذر آخرین
صحنه و نشانه والای این محبت است که نجات می دهد. [جمله «تا پایان محبت نمود» را می توان «به حد کمال محبت
نمود» ترجمه کرد.]

m- یوحنا در پشت صحنه تاریخ، حضور قدرت فعال شیطانی را نشان می دهد (ر. ک. ۸:۴۴؛ ۱۲:۳۱؛ ۱۳:۲۷؛ ۱۶:۱۱؛ لو ۳:۲۲).

n- ر. ک. ۳:۳۵؛ ۵:۱۹-۲۰؛ ۶:۳۷؛ ۱۷:۳۹؛ ۱۱:۱۷؛ مت ۱۱:۲۷؛ لو ۱۰:۲۲.

o- ر. ک. ۸:۴۲؛ ۱۶:۲۷-۲۸؛ ۱۷:۸.

p- ر. ک. ۷:۳۳-۳۴؛ ۱۶:۲۸؛ ۳:۱۳-۱۵؛ ۶:۶۲.

q- شستن پاهای کسی عملی پست و موهن بشمار می آمد به طوری که حتی این عمل را به برده ای یهودی تحمیل نمی کردند ولی
همین عمل در مورد پدر یا نسبت به استاد به عنوان ابراز منتهای تقوی بشمار می رفت. رفتار عیسی را در این مورد می توان با
طرز عمل نمونه پیامبران مقایسه و تشبیه نمود و در اینجا نشانه محبت عیسی است و مرگ او را اعلام می نماید (ر. ک. آیه ۷).

r- پطرس که برطبق موازین بشری قضاوت می کند (۷:۲۴؛ ۱۵:۸) اجرای این عمل را نسبت به خود نمی پذیرد زیرا برخلاف
تصویری است که از مسیح موعود دارد (ر. ک. مت ۱۶:۲۲).

s- پطرس اکنون با پذیرفتن عمل محبت آمیز و فروتنی عیسی خود را در خدمت او می گذارد (چنانکه جان خود را در این راه
خواهد داد) و به این ترتیب زندگی جدید را درک کرده و در آن سهیم خواهد شد.

t- در نسخه خطی آمده است: هیچکس نیازی به شستن ندارد به جز پاهای هر چند این متن کوتاه تأیید نشده ولی بیشتر با روش
نگارش و افکار یوحنا تطبیق می کند. در این مورد ممکن است که پطرس جنبه مادی عمل عیسی را در نظر می گیرد در صورتی
که هدف این عمل پاک شدن نیست بلکه مفهوم آن را به وسیله ایمان بایستی دریافت. ضمناً امکان دارد در اینجا اشاره ای به
تعمید وجود داشته باشد.

u- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته هم به معنی «پاک» و هم به معنی «خالص» است.

می خورد باشند خود را علیه من بلند کرده
است.^a از هم اکنون آن را به شما
می گویم، قبل از آنکه پیش آید، تا ایمان
بیاورید من هستم وقتی که فرا رسید.^b
^{۱۰}آمین، آمین، به شما می گویم هر که
فرستاده مرا بپذیرد، مرا پذیرفته است و هر
که مرا بپذیرد، فرستنده مرا را پذیرفته
است.^c

مت ۲۹:۱۶؛ ۴:۲۵
مت ۲۵:۳۴

مت ۱۰:۴۰؛
مر ۹:۳۷؛
لو ۹:۴۸؛
۱۰:۱۶؛
غلا ۴:۱۴

خیانت یهودا

(متی ۲۶:۲۰-۲۵؛ مرقس ۱۴:۱۷-۲۱؛
لوقا ۲۲:۲۱-۲۳)

^۱عیسی این را گفته، روحاً مضطرب
گردید^d و اظهار کرده گفت: «آمین،
آمین، به شما می گویم که یکی از شما مرا
تسلیم خواهد کرد.»^۲ شاگردان سردرگم
به یکدیگر می نگرند: از چه کسی سخن
می گوید.^۳ بر سر سفره، یکی از
شاگردانش که عیسی او را محبت

مت ۲۶:۲۱-۲۵؛
مر ۱۴:۱۸-۲۱؛
لو ۲۲:۲۱-۲۳

یکی او را تسلیم می کند. برای همین بود
که گفت: «همه شما پاک نیستید^v»

^{۱۲}پس وقتی پاهای آنان را شسته بود
لباس خود را در بر کرده دوباره نشست و به
آنان گفت: «آیا آنچه برایتان کرده ام
فهمیدید؟^{۱۳} شما مرا استاد و خداوند
می نامید و نیک می گوید زیرا همان هستم.

مت ۲۱:۳؛
۸:۲۳

^{۱۴}پس اگر من که خداوند و استاد هستم
پاهای شما را شسته ام، شما نیز باید پاهای
یکدیگر را بشوئید.^{۱۵} زیرا این نمونه ای

لو ۲۲:۲۷؛
۱- تیمو ۵:۱۰؛
۱- پطر ۵:۵؛
۱- یو ۱۶:۳

است که به شما داده ام تا همچنان که با
شما کردم، شما نیز همان کنید^w.^{۱۶} آمین،
آمین، به شما می گویم، خادم بزرگتر از
خداوند خود نیست و نه فرستاده بزرگتر از
فرستنده خود^x.^{۱۷} چون این را بدانید،
خوشا بر شما اگر چنین کنید!^{۱۸} آنچه
می گویم درباره همه شما نیست، من آنانی

۳۴:۱۳؛
۱۲:۱۵؛
۳۰-۲۴:۲۲؛
۸-۵:۲؛
افس ۲:۵؛
کول ۱۳:۳؛
۱- پطر ۲:۲۱؛
۱- یو ۶:۲۴؛
مت ۱۰:۲۴؛
۴۰:۲۰؛
یو ۱۵:۲۰

را که برگزیده ام می شناسم^z. اما برای آنکه
نوشته مقدس به تحقق رسد: آن که نان مرا

مز ۴۱:۱۰؛
یو ۶:۷۰؛
۲- تسال ۱۳:۲؛
افس ۴:۱

v- عمل شستن پاها که عیسی انجام می دهد متضمن پاک شدن نیست چنانکه یهودا با آنکه شسته شد واقعاً پاک نگردید (ر. ک
۱- قرن ۱۱:۲۶).

w- عمل شستن پاها اشاره و کنایه ای به قسمت اساسی زندگی عیسی و مصائب و صلیب او است، محبت ورزیدن به اندازه ای که
پایین ترین خدمت را به خاطر نجات آدمیان می پذیرد. این طرز زندگی مبنا و پایه ای برای شاگردان است که چگونه در انجام
وظیفه از خداوند پیروی نمایند (ر. ک ۱۳:۳۴؛ ۱۵:۱۲).

x- ر. ک مت ۱۰:۲۴؛ ۴۰:۶؛ ۲۴:۳۰ وضعیت شاگرد یا فرستاده الزاماً بایستی نظیر وضعیت عیسی باشد به طوری که آنان
را برانگیزد جان خود را در خدمت به برادران خود بدهند.

y- ر. ک مت ۷:۲۱، ۲۴-۲۷؛ روم ۱۳:۲؛ یع ۲۲:۲۵، ۲۵. یوحنا دانستن را با انجام دادن کاملاً به یکدیگر می پیوندد (ر. ک
۳:۲۱؛ ۷:۱۷).

z- یعنی آنان را که واقعاً برگزیده ام (و یهودا از آنان نیست)، یا اینکه: من دلهای آنان را که برگزیده ام می شناسم و آنچه را که
آماده می شود می دانم (که بیشتر محتمل است چنین تفسیر شود. ر. ک ۶:۷۰).

a- یوحنا به روش مخصوص خود مز ۱۰:۴۱ را بکار می برد: «آن کس که نان مرا می خورد» یعنی آن کسی را که من پذیرا شده ام
و با من زندگی می کند (ر. ک مر ۱۸:۱۴). «باشنه خود را علیه کسی بلند کردن» یعنی رفتاری خصمانه داشتن و در صدد
نابودی برآمدن.

b- گرچه خیانت یکی از شاگردان موجب حیرت و شگفتی است، این نکته که عیسی آن را اعلام می کند شاگردان دیگر را دلگرم
می کند زیرا نشان می دهد که عیسی همه چیز را می داند و زندگی او با مشیت خدا که در نوشته های مقدس آمده تطبیق
می نماید. (در مورد عبارت «من هستم» ر. ک ۸:۲۴؛ ۵۸:۲۸).

c- ر. ک مت ۱۰:۴۰؛ مر ۹:۳۷؛ لو ۱۶:۱۰؛ رسالت شاگردان کاملاً در ادامه رسالت عیسی است (۱۷:۱۷؛ ۲۰:۲۱).

d- ر. ک ۱۱:۳۳؛ ۱۲:۲۷. [عبارت «اظهار کرده» را می توان «شهادت داده» ترجمه نمود].

پنداشتند که عیسی به او گفته بود: «آنچه برای جشن لازم داریم بخر یا چیزی به بینوایان بده.»^{۳۰} همین که لقمه را خورد، خارج شد. شب بود.^h

۱۲:۸
لو ۵۳:۲۲

آخرین گفتگو

^{۳۱} پس وقتی که او خارج شد، عیسی گفت: «اکنون پسرانسان شکوه یافته و خدا در او شکوه یافته است؛ⁱ اگر خدا در او شکوه یافته است، خدا نیز او را در خود شکوه خواهد داد^j و به زودی او را شکوه خواهد داد.^k ای فرزندان کوچک، اندک زمانی^l باز با شما هستم. مرا جستجو خواهید کرد و همچنان که به

۲۳:۱۲
۵-۱:۱۷
مت ۲۰:۸
۳۹:۷، ۱۴:۱

۳۴-۳۳:۷
۲۰:۸

می کرد^e به عیسی تکیه دارد.^f ^{۲۴} پس شمعون پطرس به او اشاره می کند تا بداند آن کیست که درباره اش حرف می زند. ^{۲۵} او بر سینه عیسی خم شده می گوید: «خداوندا او کیست؟» ^{۲۶} پس عیسی پاسخ می دهد: «همان که برایش لقمه را خیسانده و به او خواهم داد^g». پس لقمه را خیسانده آن را به یهوذا [پسر] شمعون اسخریوطی می دهد. ^{۲۷} و بعد از لقمه، شیطان در او داخل شد. پس عیسی به او گفت: «آنچه می کنی هر چه زودتر بکن.» ^{۲۸} اما هیچ یک از آنانی که سر سفره نشسته بودند نفهمیدند چرا این را به او گفت. ^{۲۹} چون ۶:۱۲ یهوذا کیسه پول را با خود داشت برخی

e- این شاگرد که نام او هرگز ذکر نشده ظاهراً مورد محبت عیسی بوده و بنابراین به نیت او وارد است. این شاگرد بی نام در چندین جای انجیل یوحنا در ذکر وقایع مهم و اساسی دیده می شود (۲۶:۹-۲۷:۲۰؛ ۱۰-۲۰؛ ۱۰؛ و احیاناً ۱۵-۱۶؛ ر. ک. ۲۱:۷، ۲۰). در روایات اکثراً او را با یوحنا ی رسول که در انجیل نظیر ذکر شده یکی می دانند (ر. ک. مر ۱۹-۲۹؛ ۱۷:۳؛ ۳۷:۵؛ ۲۹:۳۸؛ ۳۸؛ ۳۵:۱۰؛ ۴۱:۳۱؛ ۳۳:۱۴ و متون متوازی: اع ۱۳:۱۳؛ ۱۳:۳، ۴، ۱۱؛ ۱۳:۴؛ ۱۹؛ ۱۴:۸؛ ۲۱:۹). چهره او مرموز و معمایی است: نمونه فرد ایماندار (تنها شاگردی که در لحظه مرگ عیسی پای صلیب است) و اکثراً او را در ارتباط با پطرس یا در همپیشی با او ذکر کرده اند (ر. ک. ۲۰:۱۰-۱۰). معلوم نیست آیا انجیل نگار چهره ای نمونه و ممتاز بوجود آورده یا به وسیله او شخصیتی را ارائه می نماید که نقش مهم تاریخی ایفا کرده است.

f- ترجمه تحت اللفظی: در کنار عیسی دراز کشیده بود. بنا به رسوم رومیان و یونانیان مهمانان بر روی تشکچه های تزئینی دراز کشیده و بر روی بازوی چپ تکیه می کردند. بنابراین شاگردی که در سمت راست عیسی موقعی که به طرف او خم می شود نزدیک به سینه او قرار می گیرد. این عبارت همچنین به مفهوم سادگی و صداقت در روابط دوستانه است (ر. ک. ۱۸:۱).

g- ر. ک. ۱۸:۱۰ توضیح n و ۲۷:۱۲ توضیح w. مجدداً یوحنا با این تذکر یادآوری و تأکید می کند که عیسی ابتکار پذیرفتن مصائب و مصلوب شدن را دارد. منظور از لقمه قطعه ای از غذا است و معلوم نیست که نان باشد. با این همه برخی از مفسران تصور می کنند که منظور نانی است که در دعای سپاسگزاری داده می شود. (کلمه یونانی psomion که در این مورد لقمه ترجمه شده بعدها در کلیساهای مشرق در مورد نان مقدس بکار برده شده است).

h- این تذکر «شب بود» مخصوصاً جنبه رمز و اشاره دارد. ساعت قدرت ظلمات است (لو ۲۲:۵۳؛ یو ۱۲:۳۵؛ ۲:۳؛ ۴:۹؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۹:۳۹).

i- ر. ک. ۱۴:۱ توضیح u و ۴:۱۱ توضیح k. در نوشته های مقدس شکوه عبارت از تجلی و تظاهر خدا است. عیسی با دادن جان خود عملی را که پدر به او محول کرده است انجام داده و به پایان می رساند و این عمل در نهایت فرمانبرداری است که گواه وحدت او با پدر و نشانه الوهیت او است، ضمناً پدر را ظاهر ساخته و او را شکوهمند می کند.

j- جمله «اگر خدا در او شکوه یافته است» در بعضی از نسخه های خطی وجود ندارد. k- در کلمه اکنون که در آیه ۳۱ آمده و مربوط به سرنوشت نهایی بشریت است موضوع دوجانبه ای وجود دارد؛ بدین معنی که عیسی با اطاعت کامل در خدمت تا مرحله مرگ که با فروتنی انجام می دهد خدا را شکوهمند می سازد و خدا با سهم کردن او با خود یعنی شرکت دادن او در شکوه جاودانی خود و تجلیل او پاسخ می دهد (ر. ک. ۱۷:۵-۲۲، ۲۴؛ ۲۳:۱۲، ۲۸؛ ۱۳:۱۴؛ ۸).

l- ترجمه تحت اللفظی: برای اندکی. ر. ک. ۷:۳۳ توضیح d، ۸:۲۱.

یهودیان گفته ام به جایی که من می روم، شما نمی توانید بیایید^m. به شما نیز اکنون همان را می گویم.

۳۴ به شما فرمانی نوین می دهمⁿ که یکدیگر را محبت نمایند. همچنان که من شما را محبت نموده ام^o، شما نیز یکدیگر را محبت نمایید^p. بدین طریق همه خواهند دانست که شما شاگردان من هستید^q از اینکه به یکدیگر محبت داشته باشید.

۱۷:۱۲، ۱۵:۲۷-۲۶، ۱۰:۲
۷:۸، ۱۰:۱۱، ۳:۱۹، ۱۰:۴
۵:۳، ۱:۵
۱-قرن ۹:۲۱
۲:۶ غلا
۳:۴ اع
۱۴:۳ یو-۱

به کجا می روی^r؟ عیسی پاسخ داد: «به جایی که می روم تو اکنون نمی توانی به دنبال من بیایی اما بعداً به دنبال من خواهی آمد^s.» پطرس به او گفت: «خداوندا چرا اکنون نمی توانم به دنبال تو بیایم؟ من جانم را به خاطر تو خواهم داد.» عیسی پاسخ داد: «تو جانت را به خاطر من خواهی داد؟ آمین، آمین، به تو می گویم خروس بانگ نخواهد زد پیش از آن که تو سه بار مرا انکار کرده باشی.»

مت ۲۶:۳۳-۳۵
مکا ۱۴:۲۹-۳۱
لو ۲۲:۳۱-۳۴

(متی ۲۶:۳۱-۳۵؛ مرقس ۱۴:۲۷-۳۱؛

لوقا ۲۲:۳۱-۳۴)

۳۶ شمعون پطرس به او گفت: «خداوندا

۳۵:۳۶-۳۷
۱۸:۲۱-۲۹
۳۱:۲۲-۳۴

عیسی، راه بسوی پدر

۱۴

۴۷:۱۴
۳۰-۲۸:۱۰
۳۳:۱۶
۲-قرن ۲:
۲۰، ۱۷:
خروج ۱۴:۳۱
مر ۱۴:۲۲
۳۵:۸

دیگر دل شما مضطرب نشود^t: به خدا ایمان آورید، به من نیز ایمان

m-شکوه مندی عیسی با عزیمت او یعنی با مرگ او (صعود او به آسمان) به نقطه اوج می رسد، توضیح ۱ آیه ۸:۲۸ را ملاحظه کنید. این عزیمت که به یهودیان اعلام شده (۷:۳ و ۸:۲۱) او را از شاگردان جدا خواهد کرد: بایستی ارزش و اهمیت این غیبت را درک نمود (۱۴:۱، ۲۸:۱۶، ۱۹:۲۲، ۲۰:۱۶-۱۸). ولی عیسی به وسیله عزیمت و بازگشت به نزد پدر واقعاً در نزد شاگردان حضور خواهد داشت (۱۴:۱-۲۹).

n- در دنیای مشرکان نیز نظیر دنیای اسرائیل (لاو ۱۹:۱۸) به دلایل مختلف دوستی و خدمت متقابل را بین افراد ستوده و توصیه می کردند. فرمان عیسی تازگی دارد، بدو به این دلیل که برای ورود به جمعیتی که معتقد به واپسین روز داوری نهایی است شرط ضروری و اساسی می باشد. همچنین بدن سبب که مستلزم ابراز فروتنی و اراده به خدمت می باشد به طوری که افراد پایین ترین مقام را گرفته و برای دیگران جان خود را فدا کنند. از این پس این محبت نشانه حضور خدا در جهان خواهد بود (ر.ک ۱۷:۲۱-۲۳).

o- طرز زندگی عیسی نه تنها شیوه و قواعدی را ارائه می کند بلکه امکان زندگی کامل با محبت برادرانه و تهذیب متقابل را پایه گذاری می کند. یوحنا برخلاف اناجیل نظیر از محبت نسبت به هم نوع سخنی نمی گوید بلکه سخن او درباره محبت متقابل بین شاگردان است.

p- محبت در جامعه ای به منتهای شکوفایی می رسد که در آن جامعه مبادله بخشش و پذیرش وجود داشته باشد.

q- وقتی که محبت برادرانه وجود داشته باشد والاترین نشانه حضور محبت خدا در زندگی آدمیان است (ر.ک ۱۷:۲۱-۲۳).

r- پطرس سخنان عیسی را درست درک نکرده و به همان معنی می گیرد که یهودیان در ۷:۳۵ و ۸:۲۲ درک می کردند (ر.ک ۸:۲۲ توضیح g): او متوجه بود که عزیمت عیسی بازگشت او به سوی پدر است. چنین به نظر می رسد دستوری را که در مورد فعالیت شاگردان پس از عزیمت عیسی است نشنیده و مجدداً به اظهاراتی که در ۱۳:۳۳ مطرح شده برمی گردد (ر.ک مت ۲۶:۳۳-۳۵؛ مرقس ۱۴:۲۹-۳۱؛ لوقا ۲۲:۳۳-۳۴).

s- زیرا عیسی پس از شکوه مندی خواهد آمد تا او را بازیابد (۱۴:۱-۴). پطرس در ایمان با همبستگی با عیسی خواهد زیست. ممکن است عیسی در اینجا اشاره به مرگ پطرس می نماید (۲۱:۱۸-۲۰) ولی کلمه «بعداً» به مطالب آیات ۲-۳۱ برمی گردد یعنی بازگشت عیسی بین کسان خود به وسیله روح القدس.

t- عزیمت عیسی و دورنمای تنها ماندن در وسط دنیایی از دشمنان در روحیه شاگردان اضطراب عمیقی ایجاد می کند که ممکن است به کلی آنان را فراگیرد (۱۴:۲۷، ۱۶:۶، ۲۰) عیسی به آنان دلگرمی داده و نشان می دهد که عزیمت او موجب خواهد شد ارتباط و همبستگی نزدیکی با او و با پدر داشته باشند در حالی که روح القدس از ایشان حمایت خواهد کرد.

آورید^u.^۲ در خانه پدرم^v مسکن های بسیار است و گرنه آیا به شما می گفتم می روم تا جایی برایتان تهیه کنم؟^w و اگر بروم جایی برایتان تهیه کنم، باز آمده شما را به نزد خود خواهیم برد تا آنجا که من هستم، شما نیز باشید^x.^۴ و به جایی که من می روم شما راه آن را می دانید.^۵ توما به او گفت: «خداوندا نمی دانیم به

۲۶:۱۲:۳۴:۷
۲۴:۱۷
عبر ۲۰-۱۹:۶
فی ۲۳:۱
۱-تسا ۱۷:۴

کجا می روی، پس راه را چگونه^{۱۱:۱۶} می دانیم!^{۱۳:۳۶} عیسی به او گفت: «من هستم راه^{۲۰:۲۴-۲۹} لا و راستی و زندگانی^z و هیچ کس به سوی پدر نمی آید مگر از طریق من.^{عبر ۲۰:۱۰:مت ۲۷:۱۱} اگر مرا می شناختید، پدر مرا نیز^{۸:۱۹:۱۲:۴۵} می شناختید. از هم اکنون او را می شناسید و او را دیده اید^a.^{۲-قرن ۴:۴} فیلیپس به او گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان خروج ۱۸:۳۳

u- این عبارت را می توان به طریق دیگری ترجمه کرد: به خدا/ایمان داشته باشید همچنین به من/ایمان داشته باشید یا اینکه: شما به خدا/ایمان دارید و به من/ایمان دارید. ایمان عبارت از اطمینان داشتن به خدا است که با کمکی که می دهد خود را آشکار می کند. به وسیله ایمان حتماً بر اضطراب فایق می آیند. ضمناً از این پس اطمینان نسبت به عیسی خواهد بود که پسر مجسم خدا است و تظاهر نهایی در او آشکار شده است (ر.ک ۳۸:۵؛ ۴۶:۸-۴۷).

v- چون خانه جایی است که به طور ثابت اقامت می کنند این کلمه در مورد معبد اورشلیم بکار برده می شد که محل حضور خدا در میان قوم خود بود (خروج ۳۳:۷؛ ۳۴:۴۰-۳۸؛ اعد ۷:۱۲؛ ۲-سمو ۷:۱۳-۱۴؛ مز ۶۹:۱۰ که در ۱۷:۲ نقل شده است): بعداً این تصویر برای نشان دادن کبریائی وجود الهی بکار برده شده است: مثلاً خواهند گفت که خانه خدا در آسمانها مستقر شده است.

w- مفهوم این عبارت را می توان چنین استنباط کرد: و گرنه آیا به شما می گفتم می روم تا جایی را که شما در آنجا خواهید بود آماده کنم. یا اینکه و گرنه به شما می گفتم می روم... عیسی با گذشتن در شکوه تضمین می نماید که تمام ایمانداران جاودانه در همبستگی با پدر، در زندگی جدید باشند (ر.ک ۳:۳ توضیح n: ۱۴؛ ۵۱؛ ۲۳:۲۱-۲۳؛ ۳۵:۸). در این متن تفاوتی بین جایگاه ها منظور نشده است.

x- بازگشت عیسی برای اینکه کسان و نزدیکان خود را در وضعیت شکوهمندی سهیم کند به نظر یوحنا منحصر به پایان روزگار نخواهد بود (ر.ک مت ۲۷:۱۶؛ ۲۵:۳۱؛ ۱-تسا ۴:۱۶-۱۷؛ ۱-قرن ۱۶:۲۶؛ ۲۲:۱۶؛ مکا ۱۷:۲۲؛ ۱-یو ۲۸:۲)، بلکه از زمان تشکیل کلیسا است (۱۴:۱۸، ۲۳، ۲۸؛ ۲۶:۱۵؛ ۷:۱۶، ۱۳، ۱۶-۳۰). افعالی که در این عبارت به طرز شگفت آوری به زمان حال و آینده به طوری که عیسی می گوید (یعنی وقایعی که پس از مرگ او برای جمعیت ایمانداران روی خواهد داد) برای یوحنا و خوانندگان او از هم اکنون زمان حال می باشد. ر.ک ۱:۱۳ توضیح h.

y- تصویر راه دراز و دشواری که اسرائیل پیموده و در این باره با ایمان به خدا و به پشتیبانی او به سرزمین موعود برسد تصویری کهن و اشاره به دوران خروج از مصر است (تث ۱:۳۰-۳۳؛ ۲:۱-۲؛ ۸:۲-۱۰؛ مز ۷۷:۲۰؛ ۱۳۶). بعداً این تصویر در مورد قوانین تورات بکار برده شده و نشان می دهد چه طریقی را خداوند تعیین نموده است تا قوم خود را به پاداش جاودانی برساند (تث ۳۲:۴؛ مز ۲۵:۱۰؛ ۱۲۸:۱؛ ۱۴۷:۱۹-۲۰؛ باروخ ۳:۱۳-۱۴، ۳۷؛ ۱:۴) در نوشته های عهدجدید باز هم همین تصویر بکار برده شده ولی تغییر یافته است. بدین معنی که عیسی برای گام برداشتن بر طبق دستور خدا و برای ملاقات با خدا روش جدیدی می آورد (مر ۸:۳۴؛ مت ۲۴:۱۶؛ لو ۲۳:۹؛ عبر ۱۰:۲۰) به طوری که مسیحیت را در آغاز طریقی یا راه می نامیدند (اع ۲:۹؛ ۱۸:۲۵؛ ۲۴:۲۲) ولی این اصطلاح در انجیل یوحنا معنی عمیق تری می گیرد، بدین معنی که عیسی فقط راهی نیست که به وسیله آموزش او به زندگی هدایت می شوند بلکه راهی است که به پدر هدایت می کند زیرا خود او حقیقت و زندگی است (ر.ک ۹:۱۰).

z- عیسی حقیقت است زیرا به عنوان پسر مجسم خدا برای آدمیان ابراز کامل پدر می باشد و او را (۸:۱۷، ۱۴؛ ۱۸:۱) به وسیله فعالیت خود و گفتار خود به آدمیان می نمایاند. بدین گونه ایمانداران را در همبستگی با پدر وارد می کند که کمال و تحقق زندگی واقعی است (۳:۱۷؛ ۴:۱؛ ۱۶:۳؛ ۴۰:۶؛ ۴۷، ۶۳؛ ۱۱:۲۵). به نظر یوحنا بازگشت عیسی به منظور شراکت دادن کسان خود در شکوه، منحصر به پایان روزگار نیست.

a- در بعضی از نسخه های خطی چنین آمده است: اگر شما مرا می شناسید پدر مرا هم می شناسید. در عیسی که بر روی زمین است و خود را در وقایع عید گذر کاملاً می شناساند کاملاً خدا را می توان شناخت.

می گویم آن کس که به من ایمان دارد، همان کارهایی را خواهد کرد که من می کنم و از آن بزرگتر نیز خواهد کرد زیرا من به سوی پدر می روم^f و آنچه به نام من درخواست کنید انجام خواهد داد^g تا پدر در پسر شکوه یابد^h. اگر شما چیزی از من به نام من بخواهید آن را انجام خواهم داد.

نوید روح القدس

اگر مرا محبت می کنید، فرمانهایم را رعایت خواهید کرد^{۱۶} و من از پدر درخواست خواهم کرد و او مدافعⁱ دیگری

ده و همین برای ما کافی است^b. «مدت زمان درازی است که با شما هستم و تو مرا نمی شناسی ای فیلیپس؟ آن که مرا دیده است، پدر را دیده است. چرا می گویی: پدر را به ما نشان ده^c؟ آیا ایمان نداری که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی را که من به شما می گویم از خودم نیست^d که آنها را بر زبان می آورم. پدر که در من می ماند، کارهای خود را انجام می دهد^e.
به من ایمان آورید که من در پدر و پدر در من است و گرنه به خاطر این کارها ایمان بیاورید. آمین، آمین، به شما

b- در مورد دیدن و ایمان ر. ک ۳:۹ توضیح i. فیلیپس عمیق ترین اشتیاق آدمی را اظهار می کند (۲۲:۱۲؛ ۵:۶؛ ۴۴:۱)، اشتیاقی که فقط عیسی می تواند اجابت و تأمین نماید (۱۸:۱؛ ۴۶:۶...) ولی فیلیپس هنوز این نکته را درک نکرده است. وی همانند پطرس (۳۸-۳۶:۱۳) و توما (۵:۱۴؛ ر. ک ۱۶:۱۱ توضیح i) واقعاً عیسی را نشناخته است و با آنکه با آنان تفاوت دارد در مورد شخصیت عیسی در اشتباه است.

c- سرتاسر زندگی عیسی، گفتار و عمل او موقعیتی برای تجلی و تظاهر کامل پدر است زیرا به وسیله همبستگی توصیف ناپذیری با او یکی است (۳۰:۱۰؛ ۱۷:۵). البته در اینجا گفته نشده است که از این پس به جای خدا عیسی بشر می باشد.

d- ر. ک ۱۷:۷؛ ۱۸:۸؛ ۲۶:۸؛ ۴۹:۱۲-۵۰.

e- در اینجا منظور مجموعه اعمال نجات است که حساس ترین آنها ارائه نشانه ها می باشد (۵:۱۸؛ ۸:۲۸، ۴۲).

f- آنچه شاگردان انجام خواهند داد کارهای شگفت انگیز و حیرت آور نیست بلکه از روح القدس که مسیح اعطا می کند به فعالیت درمی آیند و به دنیا گواهی خواهند داد تا ایمان بیاورد (۲۱:۱۷-۲۳). عمل مهم و بزرگی که در رسالت عیسی انجام می شود ایجاد جمعیتی از ایمانداران یعنی کلیسا است که در دنیا حضور داشته و بر او گواهی دهند. «زیرا من به سوی پدر می روم» بدان معنی است که عمل خداوند از طریق شاگردان عیسی و به وسیله آنان گسترده خواهد شد (۱۷:۱۷-۱۸).

g- کلمه نام در اینجا معرف شخصیت مسیح در موقعیت شکوهمندی او است و قدرتی که باید زندگی آدمیان را تغییر دهد. شاگردان اعمال مهمی را که بتوانند انجام خواهند داد یا با اتکا به او از او درخواست خواهند کرد انجام دهد (ر. ک ۱۵:۱۶؛ ۲۳:۱۶-۲۴، ۲۶ که در آنجا سخن از نیایش به پدر با یاد کردن نام عیسی است: ۱-یو:۵؛ ۱۴ که درخواست کردن برطبق مشیت او است).

h- عمل مسیح که به نیایش پاسخ می دهد نشانه شکوهی است (یا قدرت روحی است) که پدر به پسر عطا نموده و بنابراین نشانه شکوه پدر است (۱۷:۱-۵؛ ۱۴:۱، ۱۶).

i- کلمه یونانی که در اینجا «تسلی بخش» ترجمه شده اصلاً واژه ای قضایی و به معنی کسی است که برای کمک به متهم و دفاع از او در دادگاه تعیین می شود. بنابراین نخستین مفهوم این کلمه وکیل مدافع است و با توجه به این معنی مفاهیم تسلی بخش با واسطه و میانجی پیدا می شود. این کلمه در عهد جدید فقط در نوشته های یوحنا آمده که گاهی به مفهوم روح القدس (۱۴:۱۶، ۲۶:۱۵؛ ۷:۱۶) و زمانی به معنی مسیح است (۱-یو:۲۰). بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به کلمه دیگری که در ۴۰:۲ و ۱-قرن ۱۴:۳ آمده دانسته اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در میان دشواریها است. در انجیل یوحنا بیشتر جنبه قضایی مفهوم کلمه مطرح است بدین معنی که در محاکمه گسترده ای که دنیا علیه شاگردان برپا کرده و پیروی می کند روح القدس شاگردان را یاری می نماید (۴:۱۶-۱۵) ولی در هر مورد که این کلمه بکار برده شده ممکن است اثری از مفاهیم دیگر که در بالا ذکر شده کمابیش وجود داشته باشد.

پدرم خواهد بود و من به او محبت خواهم کرد و خود را به او نمایان خواهم ساخت.»^{۱۷} اع ۴۱-۴۰:۱۰
 ۲۲ یهو^{۱۸}دا، نه آن اسخربوطی^{۱۹}، به او گفت: «خداوند چه شده است که تو خود را به ما خواهی نمایاند و نه به جهان^{۲۰}؟»^{۲۱} عیسی پاسخ داد و به او گفت: «اگر کسی به من محبت دارد سخن مرا رعایت خواهد کرد و مکا ۳:۲۰؛ امث ۸:۱۷؛ ۲-قرن ۶:۱۶؛ افس ۳:۱۷
 پدرم به او محبت خواهد کرد و ما به سوی او خواهیم آمد و نزد او خواهیم ماند.^{۲۲} S
 آن^{۲۳} که به من محبت نمی کند، سخنان مرا رعایت نمی نماید و سخنی که شما می شنوید از من نیست، بلکه از پدر که مرا فرستاده است.^{۲۴} این را به شما گفته ام در حالی که نزد شما می ماندم^{۲۵} اما آن مدافع،^{۲۶}
 به شما خواهد داد تا جاودانه با شما باشد.^{۲۷} ۲۶:۱۴
 روح حقیقت که جهان نمی تواند بپذیرد زیرا او را نه می بیند و نه می شناسد^{۲۸}، اما شما او را می شناسید زیرا نزد شما می ماند و در شما خواهد بود.^{۲۹} ۱۸ من شما را یتیم نخواهم گذاشت. به سوی شما می آیم.^{۳۰} ۲۸، ۳:۱۴
 بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نخواهد دید. اما شما مرا خواهید دید زیرا من زنده ام و شما نیز زنده خواهید بود.^{۳۱} m
 در آن روز^{۳۲} خواهید شناخت که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.^{۳۳} O
 آن^{۳۴} که فرمانهای مرا دارد و رعایت می کند^{۳۵} کسی است که مرا محبت می کند و آن که مرا محبت می کند مورد محبت بنسی ۴:۱۴
 اعطای روح القدس بدون محدودیت زمانی است، این موهبت همبستگی با مسیح را که روح القدس را عطا می کند تأمین می نماید (ر. ک مت ۲۸:۲۰).
 k- روح/القدس به وسیله کسی که حقیقت است عطا شده و شاگردان را یاری می کند تا در امر معرفت پیشرفت کنند (۱۳:۱۶) و درباره او گواهی دهند (۲۷:۱۵؛ ر. ک ۱-یو ۴:۶؛ ۵:۶). روح حقیقت برخلاف روح خطا (۱-یو ۴:۵) و دروغ است (۴۴:۸) که بر دنیا تسلط دارد.
 l- در بعضی از نسخ خطی این عبارت چنین است: زیرا نزد شما جای دارد و در شما است.
 m- در حالی که جهان فقط با وسایل دانش خود قادر نخواهد بود عیسی را در ماورای مرگ او درک نماید (۲۱:۸؛ ۳۴:۷)
 شاگردان حضور مسیح برخاسته از مرگ را تجربه خواهد کرد (گاهی ترجمه می کنند: شما مرا زنده خواهید دید) و در زندگی جدید او سهیم خواهند شد؛ همچنین کسانی که بر مبنای گواهی ایشان ایمان خواهند آورد. این شناخت و این شرکت در زندگی مسیح برخاسته از مرگ در نظر یوحنا زندگی جاویدان بشمار می آید.
 n- «در آن روز» عبارت و اصطلاح معمولی در نوشته های عتیق برای بیان فرارسیدن پایان روزگار و داوری نهایی است (اش ۲:۱۷؛ ۴:۱-۲؛ ار ۴:۹؛ زک ۲:۱۵). پایان روزگار با صعود عیسی و رستاخیز عیسی آغاز می شود و ایمانداران در آن شرکت دارند. آنچه مهم و اساسی است از هم اکنون داده شده ولی دورنمای پایان آن هنوز گشوده باقی می ماند.
 o- فقط به وسیله روابطی که شاگردان را با عیسی پیوند می دهد می توان حقیقت رابطه ای را که عیسی را با پدر متحد می کند درک و کشف نمود.
 p- در اینجا عباراتی را که بکار رفته و به معنی مضاعف شناختن و پایداری رعایت کردن فرمانها است می توان با کلمات مضاعف گوش دادن و به خاطر نگهداشتن (۴۷:۱۲) و گوش دادن و ایمان آوردن (۲۴:۵) مقایسه نمود. این اطاعت بیان محبت و ایمان است. بدین وسیله می توان عملاً محبت پدر را از ورای تظاهرات مسیح درک نمود. گاهی کلمه رعایت می کند را ترجمه می کنند: نگه می دارد.
 q- ر. ک لو ۶:۱۶ توضیح h: ۱۳:۱۴؛ شاید منظور تدبیری است که در مت ۱۰:۳؛ مر ۱۸:۳ آمده است.
 r- پیش از وقایع عید گذر شاگرد عیسی هنوز درک نمی کند که نوع دیگری از وجود هم امکان دارد که شناخت دیگری به همراه داشته باشد.
 s- عیسی به طور غیرمستقیم به سؤال پاسخ داده و اظهار می کند که او و پدرش جای خود را به نزد کسانی برقرار خواهند کرد که با رعایت سخن او محبت خود را واقعاً اظهار نمایند. بدین گونه آنچه ایمانداران عهد عتیق اشتیاق داشتند تحقق خواهد پذیرفت (ر. ک ۱-پاد ۸:۲۷؛ حزق ۳۷:۲۶-۲۷؛ زک ۱۴:۲).

یعنی روح القدس، که پدر به نام من خواهد
فرستاد^۲ وی همه چیز را به شما خواهد
آموخت و آنچه را به شما گفته‌ام به شما
یادآوری خواهد کرد^۳.^۴ آرامش به شما
می‌دهم، آرامش^۵ خود را به شما می‌بخشم.
چنان که جهان می‌دهد من به شما
نمی‌دهم.. دلتان مضطرب و هراسان نشود.
^۶ شنیده‌اید که به شما گفته‌ام: من می‌روم
۱:۱۴-۳:۱۶
۲. تسال ۳:۱۶
روم ۱:۵
فس ۲:۱۴-۱۸
فی ۷:۴

به شما گفته‌ام تا وقتی روی دهد ایمان
بیاورید^۷.^۸ دیگر با شما زیاد سخن
نخواهم گفت زیرا رئیس این جهان
می‌آید^۹. البته علیه من هیچ [قدرت]^{۱۰}
ندارد^{۱۱} اما برای اینکه جهان بشناسد که
من پدر را محبت می‌کنم و برابر هر آنچه به
من فرمان داده است عمل می‌کنم^{۱۲}.
برخیزید! از این جا برویم^{۱۳}.

۶:۳۸:۱۰-۱۸
۳۱:۱۲-۲:۱۳
۱۱:۱۶
۱۲:۴۹-۱۰:۱۵
مت ۲۶:۴۶
مر ۱۴:۴۲

عیسیٰ، تاک راستین

۱۵

امن تاک^c راستین هستم و پدرم
باغبان^d است. ۲هر شاخه ای در من

ار ۲:۲۱
مز ۸۰:۹-۲۰
بنی ۲۴:۱۷
مک ۱:۲۹

t- فرستادن روح القدس به وسیله پدر پاسخ به درخواست عیسی (یا به وسیله او) است (۱۴:۱۳-۱۴:۱۵؛ ۱۶:۱۶-۲۳) و این ارتباط کامل با رسالت او دارد. به نظر یوحنا روح القدس را گاهی پدر می‌فرستد (۱۴:۱۶، ۲۶) و گاهی مستقیماً به وسیله خود عیسی فرستاده می‌شود (۱۵:۲۶).

u- شاگردانی که در زندگی زمینی عیسی شرکت داشته‌اند (۲۷:۱۵؛ اع:۱؛ ۲۱:۱) آنچه را که گفته و انجام داده است به یاد دارند. روح مسیح برخاسته از مرگ آنان را هدایت خواهد کرد تا معنی عمیق اعمال او را دریابند (۲۲:۲؛ ۱۶:۱۲). بدین گونه با راهمایی به درک حقیقت عیسی و مفهوم چیزهایی که مربوط به او است، روح القدس همه چیز را می‌آموزد (ر. ک. ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۳-۱۴).

۷- در مورد مفهوم کلمه ای که آرامش ترجمه شده ر.ک لو: ۷۹ توضیح ز و روم: ۱ توضیح Y. در انجیل یوحنا آرامش همواره با شخص عیس و حضور او پیوسته است (۲۷: ۱۴؛ ۳۳: ۱۶؛ ۲۰: ۱۹، ۲۱، ۲۶).

W- این عبارت را نمی‌توان از محتوای مطالب دیگر و از مجموعه اندیشه‌های یوحنا جدا کرد؛ منظور روایتی نیست که پدر را با پسر در ارتباط کامل پیوند می‌دهند (۹:۵-۳۰:۱۰)، بلکه اطاعت پسر که موجب شکوهمندی او به وسیله پدر خواهد شد و منبع زندگی برای شاگردان است (۷:۱۶).

X- مقایسه و سنجش سخنان عیسی و وقایعی که روی می دهد شاگردان را رهبری خواهد کرد درک جدیدی از حقیقت بیابد (۲۱:۲-۲۲:۱۳؛ ۱۹:۱۶؛ ۴).

۲۷:۱۳:۴۱:۸:۷۱-۷۰:۶:۳۱:۱۲ ک. ی-۲

Z- جهان و کسی که آن را اداره می کند هیچ حقی بر عیسی ندارند زیرا بی گناه است (۸: ۴۶؛ ۱۷: ۱۴). مصائب و مصلوب شدن نتیجه اراده آزادانه عیسی است که بدین گونه اطاعت کامل و محبت خود را نسبت به پدر ابراز می نماید (۴: ۳۴؛ ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸).

a- ر.ک ۱۳:۳۱ توضیح i.

b- در این بند نخستین گفتگوی عیسی با شاگردانش به پایان رسیده و قاعدتاً روایت مصائب و مصلوب شدن (باپهای ۱۸-۱۹) وابسته آغاز شود. ر.ک ۱:۱۳ توضیح ۱:۴۲.

c- تصویر درخت رز (مو، تاک) اکثراً به قوم اسرائیل اطلاق می شده تا نشان داده شود که مورد محبت و قوم برگزیده است: این درخت که به وسیله خدا کاشته شده و محافظت می گردد بایستی ثمره عدالت و تقدس به بار آورد ولی اگر به انتظار الهی پاسخ ندهد در داوری پایان روزگار تهدید به نابودی خواهد شد (اش ۱: ۵-۷؛ حزق ۲: ۲۱؛ حزق ۱: ۸-۱۰؛ ۱۰-۱۴؛ مر ۱۲: ۹-۱۳؛ مت ۲۱: ۳۳-۴۱؛ لو ۲۰: ۹-۱۶؛ مت ۲۱: ۲۸-۳۲؛ لو ۱۳: ۶-۹). در انجیل یوحنا این تصویر مشروحاً توضیح داده شده و بسط یافته بدین معنی که درخت رز حقیقی (که برخلاف اسرائیل کهن است) عیسی است و شاگردان که به وسیله ایمان اساساً به او وابسته اند بایستی ثمرات، بیار آورند.

d- ر.ک ۱-قن ۳:۶-۹.

۲۲:۹: که میوه نیاورد^e، آن را می کند^f و هر
مت ۱۰:۳: شاخه ای که میوه آورد آن را هرس می کند
۱۳:۱۵: تا بیشتر ثمر دهد.^۳ به خاطر سخنی که به
۹:۱۵:۱۰:۱۳: شما گفته ام شما هم اکنون پاک هستید^g.
۵۷-۵۶:۶: ^۴در من بمانید همچنان که من در شما.
۱۸-۱۷:۱۱: همان گونه که شاخه به خودی خود، اگر بر
۵:۳: تاک نماند نمی تواند ثمر دهد، شما نیز
فی ۱۳:۲: اگر در من نمانید^h! ^۵من تاک هستمⁱ، شما
۱۶:۱۵:۳:۱: شاخه ها. آن که در من بماند و من در او،
۱۲:۲۷: میوه بسیار می آورد زیرا جدا از من هیچ
نمی توانید بکنید^j. ^۶اما اگر کسی در من
نماند او را مثل شاخه بیرون می اندازند و
حزق ۱۵:۱-۸: مت ۱۰:۳: ۱۹:۷: ۲۲:۱۳:

e- عبارت «در من» را می توان به دو نوع تعبیر و درک نمود: یا هر شاخه ای در من که ثمره نمی آورد... یا هر شاخه ای که در من ثمره نمی آورد... در اینجا ثمره با اشاره به ایمان واقعی (ر. ک ۲۱:۱۴) و شهادتی است که ادا می کند (درمورد اهمیت رسالتی ثمره ها ر. ک ۳۰:۴-۳۸ و ۲۴:۱۲).

f- به همان گونه که شاخه درخت رز در زندگی تنه درختی که به آن متصل است سهم می باشد فرد ایماندار با پیوستن به مسیح در زندگی واقعی یعنی زندگی خدا شرکت دارد: این مشارکت او را ملزم می کند برطبق روش تازه ای که عیسی ابراز کرده است زندگی نماید.

g- واژه یونانی که «هرس کردن» ترجمه شده می توان پاک کردن یا تصفیه کردن ترجمه نمود. پاک کردن اساساً به وسیله ایمان به کلام یا آموزش عیسی انجام می شود که مشیت خدا را در مورد نجات عرضه می کرد (۱۰:۱۳).

h- ماندن برای آدمی عبارت از آن است که به آنچه در گذشته داده شده علاقمند بوده، در زمان حال به آن علاقه داشته و آینده را به اقتضای آن در نظر بگیرد. فرد ایماندار نیز به همین معنی در کلام می ماند (۳۱:۸) چنانکه در محبت (۹:۱۵-۱۰)، در روشنایی (۱-۲:۱۰) و در خدا می ماند (۱-۱۳:۱۶). بالعکس از نظر خدا و عیسی، ماندن به مفهوم ادامه موهبت های نجات است که به ایمانداران عطا شده است (۱-۲:۲۷: ۳:۹-۱۵:۴-۱۲:۱۵). فرد ایماندار به وسیله وفاداری زندگی خود را بلاعوض به مسیح می پیوندد که در او موهبت های خدا جاودانه عطا شده است، این وفاداری متضمن قدم برداشتن در راه ایمان است.

i- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده و رز ترجمه کرده ایم هم به معنی درخت مو و هم تنه این درخت است.
j- البته نمی توان ارزش خاص اقدامات بشری را نفی کرد و نادیده گرفت، با این همه بایستی اذعان کنیم که این اقدامات به خلاء و پوچی می انجامد اگر کسانی که آنها را انجام می دهند در همبستگی با مسیح نباشد زیرا فقط مسیح می تواند به زندگی ایشان ارزش جاودانی بدهد (ر. ک ۱:۳). ر. ک ۶۳:۶ توضیح f.

k- همانطور که شاخه بی حاصل را بریده و از بین می برند به همان گونه شاگرد و پیرو بی وفا از جامعه مسیح برکنده می شود و از مشارکت در حقیقت دنیای فرجامین محروم خواهد شد.

l- فرد ایماندار به سبب پیروی ثابت از عیسی و فرمانبرداری از او هیچ ترسی از آینده احساس نمی کند زیرا می داند که نیایش او بر مبنای معنویات الهی است مسلماً شنیده شده و پشتیبانی خواهد شد، ر. ک ۱۳:۱۴ توضیح g.

m- شکوه پدر که در عیسی تجلی می کند همچنین در کسانی که به سبب وابستگی به او ثمره هایی ببار می آورند تجلی می نماید.
n- محبت عیسی نسبت به پدر که توأم با اطاعت است با محبت پدر که او را شکوهمند می کند تطبیق می نماید. این محبت پایه و والاترین نمونه زندگی مسیحی است که از این پس با محبت ابراز خواهد شد.

o- محبتی که پاسخ به محبت مسیح است عملاً به وسیله رعایت دستورات او اظهار می شود (۱۴:۱۵، ۲۱)، یعنی اجرای فرمانی که درباره محبت متقابل است (۱۵:۱۲: ۱۳:۳۴: ۱-۲:۳: ۳:۲۲-۲۳).

نفرت جهان

۳۸۰

از جهان برداشته ام، بدین سبب جهان از شما نفرا دارد.^a سخنی را که به شما گفته ام بیاد آورید: خادم بزرگتر از خداوندش نیست. اگر مرا آزار داده اند، شما را نیز آزار خواهند داد^b، اگر سخن مرا رعایت کرده اند^c سخن شما را نیز رعایت خواهند کرد.^d اما همه اینها را به سبب نام من با شما خواهند کرد زیرا کسی را که مرا فرستاده است، نمی شناسند^d اگر نیامده بودم و با آنان حرف نزده بودم، گناهی نمی داشتند اما اکنون عذری بر گناه خود ندارند.^e هر که از من نفرت دارد، از پدر من نیز نفرت دارد.^e اگر در بین

آنان^f کارهایی نکرده بودم که هیچکس دیگر نکرده، گناهی نمی داشتند، اما اکنون دیده اند و از ما نفرت دارند، هم از من و هم از پدرم.^g اما این به خاطر تحقق یافتن سخنی است که در تورات^g آنان نوشته شده است: آنان بیهوده از من نفرت دارند.^h چون آن مدافع که من از سوی پدرⁱ برایتان خواهم فرستاد بباید، روح راستی که از پدر می آیدⁱ برای من شهادت خواهد داد.^j و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از آغاز با من هستید.^k

a- ر. ک ۱۷:۱۴.

b- ر. ک ۱۶:۱۳؛ مت ۲۴:۱۰-۲۵. ستم و شکنجه هایی را که شاگردان متحمل می شوند نشانه واقعی تعلق ایشان به مسیح است که در سرنوشت او سهیم شده اند. این وقایع آنان را به هیچ وجه دلسرد نکرده بلکه پابرجا و استوارشان می نماید (ر. ک ۱-تسا:۱۶؛ ۱-پط:۱۲-۱۹).

c- ترجمه دیگر: اگر مواظب سخن من بوده اند مواظب سخن شما هم خواهند بود.

d- شاگردان عیسی به وسیله وابستگی به او که آنان را برگزیده است با ذکر نام عیسی و به نام او سخن گفته و عمل می کنند، بنابراین وقتی که شاگردان را تعقیب و شکنجه می کنند می خواهند بر او صدمه وارد کنند (ر. ک مر ۱۳:۱۳؛ مت ۲۲:۱۰؛ لو ۱۷:۲۱؛ اع ۴۱:۵؛ مکا:۲، ۳؛ ۱۳:۳).

e- بالاترین گناه عبارت از نفی خدا است که در عیسی تجلی می نماید (به وسیله سخنان و به وسیله اعمال خود؛ ر. ک ۸:۲۱، ۲۴، ۳۴؛ ۹:۴۱؛ ۱۶:۹؛ مت ۳۱:۱۲-۳۲؛ مر ۲۸:۲۹-۲۹؛ لو ۱۰:۱۲) زیرا گفتار عیسی که زندگی شاگردان بر آن گواهی می دهد آدمی و جهان را به طوری که در برابر خدا هستند نشان می دهد (ر. ک ۲۱:۳ توضیح ۵:۱۶-۱۱). کسانی که ایمان ندارند با کینه توزی واکنش کرده و اظهار خواهند کرد.

f- ترجمه دیگری که می توان تصور کرد: در میان آنان، ر. ک ۱۴:۱۰-۱۲.

g- منظور از این کلمه به مفهوم کلی مجموعه نوشته های مقدس است (ر. ک ۱۰:۳۴؛ ۱۷:۸).

h- متنی که در اینجا نقل شده از دو منبع گرفته شده است: مز ۳۵:۱۹؛ ۵:۶۹؛ شکایت و ناله بینوایانی را که به وسیله قدرتمندان و شریران ستم کشیده و رنج می برند عیسی در مورد خود بکار می برد (در بعضی محافل مزمو ۶۹ را با مفهوم مسیحایی تفسیر می کردند).

i- روح القدس که منعیت از پدر است به وسیله مسیح شکوه یافته که بدان کاملاً پیوند دارد فرستاده شده است (ر. ک ۵:۱۶-۱۵:۱۴، ۱۷-۲۵، ۲۶-۲۵؛ ۱-یو:۳؛ ۲۴:۴؛ ۱۳:۴؛ تیط:۳؛ ۶). ر. ک ۲۶:۱۴ توضیح ۴.

j- روح القدس در برابر شاگردان بر عیسی گواهی می دهد و به وسیله ایشان در برابر جهانیان گواه است (۱۵:۱۶-۱۵).

k- گواهی این فرستادگان عمل کسانی است که از آغاز رسالت عیسی در زندگی او شرکت داشته اند (ر. ک اع:۲۱)، ولی این گواهی در عین حال عمل روح القدس حقیقت است که برای ایشان ذکاوت عمیق مسیح را فراهم می کند و به گفتار این مردان نیروی واقعی و حقیقت را می دهد (ر. ک اع:۳۲).

۱۶

این را به شما گفتم تا دچار لغزش
نشوید.^۱ شما را از کنیسه ها بیرون
خواهند کرد^m و حتی ساعتی فرا می رسد
که هر کس شما را بکشد پنداشت
که خدا را پرستش می کند.ⁿ و این را
خواهند کرد زیرا نه پدر را شناخته اند و نه
مرا.^۴ اما این را به شما گفتم تا وقتی که
ساعت آنها فرا برسد^o، به یاد آورید که من
آن را به شما گفته ام^p.

۲۲:۹
مت ۱۷:۱۰
اع ۲۶:۹-۱۱

۱۹:۱۵:۲۱
مت ۱۱:۵
۹:۲۴
اع ۸:۱

۱۹:۱۳:۲۹
۲۵:۱۶:۱۲
مر ۱۳:۲۳

۵:۱۳، ۳۶:۱۴ از آغاز این را به شما نگفتم زیرا باشما
بودم. ^۵ اکنون به سوی آن کسی می روم که
مرا فرستاده است و هیچ یک از شما از من

نمی پرسد: «به کجا میروی؟»^۶ اما چون
این را به شما گفتم، اندوه، قلبتان را پُر
کرد.^۹ با این وجود من راستی را به شما
می گویم: به نفع شماست که من بروم،^۷
زیرا اگر نروم، آن مدافع به سوی شما
نخواهد آمد، اما اگر بروم او را برایتان
خواهم فرستاد. ^۸همین که او بیاید، جهان
را درباره گناه و عدالت و داوری سرزنش
خواهد کرد.^۹ درباره گناه: زیرا به من
ایمان ندارند.^{۱۰} درباره عدالت: زیرا
به سوی پدر می روم و شما دیگر مرا
نخواهید دید.^{۱۱} درباره داوری: زیرا
رئیس این جهان داوری شده است.^{۱۲}
^{۱۲} باز [سخنان] بسیار دارم که به شما

۱- گاهی ترجمه می کنند: تا در آزمایش از پا در نیاید (ر. ک مر: ۳: ۹: ۴۲). کلمه یونانی skandalon که در اینجا بکار رفته به معنی دام، تله و به طور کلی هر مانعی است که موجب سقوط شود. این کلمه در زبان کتاب مقدس به مفهوم چیزی است که ایمان را در معرض آزمایش قرار دهد. کینه توزی جهانیان علیه عیسی و نزدیکان او مشکلاتی برمی انگیزد که ممکن است ایمان شاگردان را به معرض آزمایش درآورند. عیسی پیشاپیش در گفتار خود معنی این آزمایش را در مشیت خدا بیان کرده و بنابراین خواهند توانست پیرومند از این آزمایش بدر آیند (ر. ک: ۶: ۶۱).

-m، ک ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۴۲.

n- در روایتی که شاید مربوط به فرقه غیوران باشد گفته می‌شود: هرکس خون کافری را بریزد همچون کسی است که قربانی تقدیم نماید (نوبری را ۲۰۴): به همین گونه ستم و شکنجه‌هایی که اعمال می‌شد شکل و صورت مذهبی می‌گرفت.

۰- در اینجا یوحنا اشاره به وقایعی می‌کند که خوانندگان او به خوبی با آنها آشنا هستند زیرا در معرض شکنجه و تعقیب قرار دارند (ک. ر. ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۴۲).

p-ر.ک ۲۲:۲ توضیح h و ۲۹:۱۴ توضیح x.

q- دورنمای عزیمت عیسی در بین شاگردان اندوهی ایجاد می‌کند (ر.ک ۱۶: ۲۰-۲۲) که هر اندیشه دیگری را تحت الشعاع قرار می‌دهد و هنگامی که بتوانند معنی و مفهوم آن عزیمت را درک نمایند بر اندوه فائق خواهند آمد.

۱- بهتر آن است که عیسی برود زیرا با عزیت او و بلند شدن بر روی صلیب باز می‌گردد تا به وسیله روح القدس شاگردانش را همراهی کرده و به آنان زندگی ببخشد (ر. ک ۱۴: ۲ توضیح W).

8- محکومیت و اعدام فیجیع و ننگین عیسی قاعدتا به نظر مردم باستانی دلیل شیدای و گناه او بشمار آمده باشد و در نتیجه حقانیت جهانیان باشد ولی مداخله روح القدس (که مخصوصاً گواهی شاگردان مشخص می نماید: ۲۶:۱۵) وضعیت را دگرگون خواهد کرد بدین معنی که نشان می دهد عیسی پس از مرگ شکوه یافته و بدینسان حقیقت دعوی و حقانیت عیسی آشکار گردیده است و به طرز مسلم و قاطع گناه جهان و محکومیت اداره کننده جهان را ثابت خواهد کرد.

۱- گناه جهان قبل از هر چیز نپذیرفتن ایمان به عیسی و در نپذیرفتن روشنایی است (ر.ک ۳: ۱۹-۲۱، ۳۶: ۸-۲۱، ۲۴: ۹-۴۱؛ ۱۲: ۴۶؛ ۱۵: ۲۱-۲۵).

u- واقعه گذر عیسی به نزد پدر به وسیله صلیب (۱:۱۳؛ ۲:۴-۳؛ ۲۰:۱۷) پایان دورانی است که در آن مدت شاگردان از دیدن بهره می‌بردند (۱۴:۱۹؛ ۱۶:۱۷، ۱۹؛ ۷:۳۴؛ ۱۳:۳۳). این واقعه گواه قاطعی بر بی‌گناهی و حقانیت عیسی (ر.ک ۸:۴۶) و بنابر این حقیقت آموزش او است.

۷- پیروزی عیسی الزاماً متضمن شکست و محکومیت قاطع کسی است که جهان را اداره می‌کرد (ر.ک ۱۲: ۳۱-۳۲: ۱۴-۳۰: ۱۶: ۳۳: ۱-۱۰: ۱۴).

بگویم^w اما اکنون نمی توانید آن را تحمل کنید.^{۱۳} پس وقتی بیاید، آن روح راستی، شما را به سوی راستی^x کامل رهنمون خواهد شد^l. زیرا از خود نخواهد گفت بلکه آنچه را شنیده همان را خواهد گفت و آینده را به شما نوید خواهد داد^z.^{۱۴} او مرا شکوه خواهد بخشید، زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما نوید خواهد داد^a.^{۱۵} آنچه پدر دارد، از آن من است. به همین سبب به شما گفتم آنچه از آن من است می گیرد و به شما نوید خواهد داد.

از اندوه به شادمانی

^{۱۶} «بعد از اندک [زمانی] دیگر مرا مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی خواهید دید^b.»^{۱۷} پس برخی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: «منظورش از این چیست

که به ما می گوید: بعد از اندکی^c دیگر مرا مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید؟ و نیز من به سوی پدر می روم؟»^{۱۸} پس آنان گفتند: «این اندک که می گوید چیست؟ نمی دانیم درباره چه می گوید.»^{۱۹} عیسی که فهمید می خواهند از او بپرسند به آنان گفت: «در بین هم درباره آنچه به شما گفتم جستجو می کنید. من گفته ام: بعد از اندک [زمانی] دیگر مرا مشاهده نمی کنید و بعد از اندکی مرا خواهید دید.^{۲۰} آمین، آمین، به شما

اش ۱۳:۵۲
روم ۲:۹:۴۸:۱
لو ۴۵:۹

مر ۱۰:۱۶
لو ۳۵:۵
مکا ۱۰:۱۱

می گویم: شما خواهید گریست و نوحه گری خواهید کرد و جهان شادمانی خواهد نمود. شما اندوهگین خواهید بود اما اندوه شما به شادی بدل خواهد شد^d.^{۲۱} زن به هنگام زادن، اندوه دارد زیرا ساعتش فرارسیده است اما وقتی کودک تولد یافت دیگر رنج

اش ۱۳:۸
۳:۴۱
۱۸-۱۷:۲۶
میک ۹:۴
۱-تسا ۳:۵
روم ۲۲:۸

w- با آنکه عیسی همه چیز را به شاگردان اظهار کرده بود (۱۵:۱۵) روح القدس ایشان را در دورانی که فرامی رسد همراهی خواهد کرد و در مشکلاتی که پیش آید با توجه به سخنان عیسی راهنمایی خواهد کرد. فعل تاب/وردن اکثراً در اوضاع و احوال مصائب و مصلوب شدن عیسی بکار برده شده است (۱۷:۱۹؛ لو ۲۷:۱۴؛ ۲۵:۶؛ ۲۵:۱۱) و در اینجا بدان معنی است که شاگردان بایستی بر طبق موهبت روح القدس مرگ و شکوهمند شدن عیسی را درک نموده و در آن شرکت داشته باشند (ر. ک ۷:۱۳، ۳۳).

x- در عهد عتیق این کلمه در مورد قانون تورات بکار برده شده است: ر. ک مز ۵:۲۵.
y- موهبت روح القدس شاگردان را به درک کامل حقیقت که در پسر تجلی می کند خواهد رساند. به همان گونه مسیح پیوسته به پدر مراجعه کرده و از پدر سخن می گوید که او را فرستاده است (۱۷:۷-۱۸؛ ۱۲:۴۹؛ ۱۰:۱۴؛ ۱۹:۵-۲۰؛ ۲۸:۸) روح القدس به پسر مراجعه می کند. الهام و اظهار جدید دیگری غیر از آنچه مسیح داده است وجود نخواهد داشت.
z- منظور این است که خواهد گفت با توجه به آنچه در عیسی تحقق می یابد پایان روزگار چگونه صورت خواهد گرفت.
a- روح القدس مسیح را شکوهمند می کند زیرا شاگردان را به شناختن حقیقتی که در او تجلی می کند هدایت خواهد کرد و در عین حال با شکوهمند ساختن و متجلی کردن پدر عمل خود را به پایان می رساند. وحدت الهام کلام خدا بدین گونه پدیدار می شود.
b- در این عبارت فعل دیدن با دو زمان مختلف بکار برده شده: چنانکه گویی یوحنا یادآوری می کند طرز دیدن عیسی در این دوران که به پایان می رسد (ر. ک ۱۹:۱۴) غیر از منظره ای است که پس از شکوهمند شدن به شاگردان ارائه خواهد شد. دوران جدید دارای این مختصات خواهد بود که به طرز عمیق تر و نافذتری پسر تن یافته و شکوه یافته را خواهند شناخت.
c- ر. ک ۲۲:۲ توضیح h.

c- در مورد کلمه/ندکی ر. ک ۳۳:۷، ۲۱:۸، ۳۳:۱۳؛ عیسی با این عبارت نزدیک شدن پایان عمل خود بر روی زمین و بازگشت به سوی پدر را اعلام می کرد. در مورد عدم تفاهم شاگردان ر. ک ۳۶:۱۳ توضیح i.
d- ناپدید شدن عیسی موجب اندوه شدید شاگردان خواهد شد در صورتی که کسانی که علیه او هم پیمان شده بودند شادی و پیروزی را خواهند شناخت، ولی در پرتو روشنایی رستاخیز شاگردان متوجه خواهند شد که شکست ظاهری عیسی و مرگ او در حقیقت شکوه یافتن و پیروزی او است همچنان که داوری کسانی است که او را محکوم کرده بودند. بر اثر این وقایع وضعیت جدیدی برای عیسی و طرفداران او ایجاد خواهد شد که آنان را سرشار از شادی خواهد کرد.

خود را به یاد نخواهد داشت از شادی اینکه
 انسانی در جهان تولد یافت.^{۲۲} پس شما
 نیز اکنون اندوه دارید اما باز شما را خواهم
 دید و قلبتان شاد خواهد شد و هیچکس
 شادی شما را از شما نخواهد گرفت.^{۲۳} و در
 آن روز^{۲۴} دیگر هیچ چیزی از من درخواست
 نخواهید کرد.^{۲۵} آمین، آمین، به شما می گویم
 آنچه از پدر سؤال کنید آن را به نام من به
 شما خواهد داد.^{۲۶} تاکنون هیچ چیز به نام
 من سؤال نکرده اید، سؤال کنید و دریافت
 خواهید کرد تا شادی شما کامل شود.^{۲۷}

پیروزی بر جهان

همه اینها را با امثال به شما گفته ام،
 ساعتی فرا می رسد که دیگر با امثال با شما
 می دانیم که تو همه چیز را می دانی و نیازی
 نداری که از تو سؤال کنند.^{۲۸} از این رو
 ایمان داریم که تو از خدا بیرون آمده ای.»

دردهای شدید زایمان (اش ۳: ۲۱-۴؛ ار ۳۰: ۶؛ هو ۱۳: ۱۳؛ میک ۴: ۹) با بدنیا آمدن انسان جدیدی به شادی تبدیل خواهد شد: این تصویر در نوشته های عهد عتیق در مورد وقایع دردناکی بکار برده شده که مقدمه دوران مسیحایی هستند (اش ۲۶: ۱۶-۲۰؛ ۷: ۶۶-۱۴؛ ر. ک مر ۸: ۱۳؛ ۱-تسا ۵: ۳؛ روم ۸: ۲۲؛ مکا ۱۲: ۲). یوحنا این تصویر را در مورد وقایع مصائب و مصلوب شدن و شکوهمند شدن عیسی بکار می برد که شاگردان جریان آنها را طی خواهند کرد.

f- شناختن مسیح برخاسته از مرگ که به شاگردان عطا خواهد شد موجب مسرت آنان خواهد شد (۲۰: ۲۰؛ ۱۳: ۱۷؛ ۱-یو ۴: ۱۹؛ ۲-یو ۱۲: ۲۸؛ مت ۸: ۲۸-۹؛ لو ۲۴: ۴۱) و این شادی بدان سبب بی آلاش خواهد بود که پیروزی قطعی عیسی وجود هرگونه تهدید واقعی را برای همیشه دور می کند.

g- «بدان روز» آغاز دوران پایان روزگار است (ر. ک مر ۱۳: ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۳۲؛ ۲۵: ۱۴؛ ۱۷: ۲۵؛ ۲-تیمو ۱: ۱۲، ۱۸ و غیره). این پرسش نشانه عدم ادراک است. ترجمه دیگر: شما دیگر از من نیایش نخواهید کرد.

i- ر. ک ۱۳: ۱۴-۱۵؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۴: ۲۶. در تعدادی از نسخه های خطی آمده است: آن را به نام من به شما خواهد داد.
 j- تا به این روز شاگردان درخواستی به نام او نکرده اند زیرا عیسی پس از گذشتن در شکوهمندی در نزد آنان حاضر خواهد بود و قدرت وساطت خود را اعمال خواهد کرد (۱۳: ۱۴).

k- ر. ک ۱۱: ۱۵. توضیح p. این عبارت را می توان با مت ۷: ۷-۸، ۱۱؛ ۱۹: ۱۸؛ لو ۹: ۱۱-۱۳ مقایسه کرد.
 l- در اناجیل نظیر اهمیت آموزش به وسیله مثل ها یادآوری و تأکید شده است. این مثل ها که برای همگان گفته و ارائه می شد ایجاب می کرد که بعداً برای شاگردان توضیح داده شود تا به تدریج درک نمایند (ر. ک مر ۴: ۱۱-۱۲، ۳۳-۳۴؛ مت ۱۳: ۱۱-۱۳، ۳۴-۳۵؛ لو ۸: ۱۰؛ ۱۰: ۶). ولی در اینجا گفته می شود که مجموعه آموزشهای عیسی در مدت رسالت در فلسطین تا اندازه ای غیرقابل درک هستند تا لحظه ای که به وسیله پرتو روشنائی وقایع عید گذر و موهبت روح القدس واقعاً به آنها پی ببرند (۲: ۱۹، ۲۲؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۶؛ ۱۳: ۷).

m- شفاعت مسیح به کلی فراتر از وساطت معمولی است. این شفاعت بدان سبب در مورد شاگردان تحقق می یابد که با ایمان گسترده و وسیع خود و به وسیله محبت به اندازه ای با عیسی پیوند دارند که مستقیماً در همبستگی او با پدر شرکت دارند (ر. ک ۳: ۳۵؛ ۵: ۲۰) مؤثر بودن نیایش به نام عیسی در چنین منظره ای روشن می شود (ر. ک ۱۳: ۱۴-۱۴).

n- کسانی که شروع کرده بودند ایمان بیاورند (۶: ۶۹) با توجه به تحولاتی که در عید گذر رخ داد می توانستند عیسی را عمیقاً درک کرده و بشناسند: زیرا متوجه می شدند که عیسی از حوادث و درون دلها اطلاع کامل دارد و بدون اینکه منتظر سوالات ایشان باشد سخنانی اظهار می کند که پاسخ انتظار آنان است. کسانی که این نکته را درمی یابند قاعدتاً بایستی با شدت و صراحت بیشتری از او پیروی کنند ولی یوحنا در مورد شاگردان نوعی طنز بکار می برد زیرا بلافاصله کمی پس از ایمان قاطع، فرار ایشان روی می دهد.

درآمد: «ای پدر، ساعت فرا رسیده است، ۳:۳۵:۳۱
مت ۱۸:۲۸
پسرت را شکوه ده تا پسرت تو را شکوه
دهد.^{۱۱} ۲ و همان گونه که او را بر هر بشری
اقتدار داده ای، تا آنچه به او داده ای، به
اینان زندگانی جاودان دهد.^۷ ۳ و زندگانی
جاودان چنین است که تو را بشناسند، تو
ای یگانه خدای حقیقی و کسی را که تو
فرستاده ای، عیسی مسیح را.^۷ ۴ من بر روی
زمین تو را شکوه دادم و کاری را که به من
داده ای تا انجام دهم به اتمام رساندم.^۵ ۵
اکنون ای پدر، مرا به نزد خود شکوه ده،
شکوهی که به نزد تو داشتم پیش از آنکه
جهان وجود داشته باشد.^۷ ۶
عبر ۵:۵

^{۳۱} عیسی به ایشان پاسخ داد: «اکنون ایمان
دارید؟^{۳۲} اینک ساعتی فرا می رسد - و هم
اکنون آمده است! - که همه شما به سوی
[خانه] خود متفرق می شوید و مرا تنها
خواهید گذاشت.^{۳۳} اما من نه، تنها نیستم
زیرا پدر با من است.^{۳۴} P. این را برای آن
به شما گفته ام تا در من آرامش^{۳۵} بیابید. در
جهان مصیبت^{۳۶} دارید. اما اعتماد داشته
باشید، من بر جهان پیروز شده ام.^{۳۷} S»

نیایش عیسی

^{۱۷} عیسی چنین گفت و چشمانش را
به آسمان بلند کرده^{۱۸} به سخن
۱۴:۱۱
۲۳:۱۲، ۴:۲
۳۱:۳۱، ۳۱:۳۱
مت ۴:۵:۲۶
مر ۴۱:۱۴

O- ایمانی کنونی شاگردان کافی نیست زیرا نمی توانند آزمون مصائب و مصلوب شدن عیسی را کاملاً تحمل نمایند و نیروهای شر
آنان را متفرق خواهد کرد (ر. ک. زک ۱۳:۷؛ مر ۱۴:۲۷؛ مت ۲۶:۳۱؛ یو ۱۲:۱۰) و هرکدام به طرفی خواهد رفت (زیرا عیسی
آنان را گرد آورده و وحدت ایشان را ایجاد کرده است).

P- ر. ک. ۸:۱۶، ۲۹:۱۰، ۳۰:۱۰. ممکن است یوحنا خواسته است پیشاپیش از سوء تعبیر مر ۱۵:۳۴ جلوگیری کند. حتی در
تاریکترین لحظات مصائب و رنجهای عیسی خدا حضور دارد.

Q- ر. ک. ۱۴:۲۷ توضیح V.

T- کلمه ای که در اینجا «مصیبت» ترجمه کرده ایم گاهی به معنی آزمایشهایی است که پیش از فرارسیدن پیروزی مسیحایی روی
می دهد (مر ۱۳:۱۹، ۲۴:۲۴؛ روم ۹:۲) و گاهی به مفهوم تعقیب و شکنجه هایی است که جمعیت مسیحیان تحمل می نمایند
(مر ۱۷:۱۷؛ ا. ۱۱:۱۹؛ ۱-تسا:۱۶؛ ۳:۳؛ ۷-۲-تسا:۱۰؛ ۵-۴:۱۷؛ ۴:۲۸؛ ۸:۱۱؛ ۲-قرن:۱۸؛ ۴:۲۸؛ ۷:۱۷؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۱۷) و غیره. یوحنا
دو مفهوم این کلمه را تلفیق کرده است بدین معنی که ستم هایی که به ایمانداران می رسد (ر. ک. ۱۵:۱۸-۱۶:۴) نظیر رنجها
و مصلوب شدن عیسی آزمایش پایان روزگار هستند که پیروزی نهایی را اعلام کرده و تحقق می بخشد موجب شادی هستند.

S- ر. ک. ۱-۲-۱۳-۱۴:۴؛ ۵-۴:۵؛ ۵-۴:۵؛ ۷:۱۱، ۲۶:۵؛ ۳۱:۱۲؛ ۲:۶؛ ۵:۵؛ ۳۱:۱۴-۳۰:۳۱.

T- این حرکت که در بسیاری از آیین های پرستش وجود دارد نشان می دهد که در عزیمت به سوی آن که در آسمانها است تمام
وجود آدمی متمرکز می باشد (مر ۴:۱۶؛ لو ۱۳:۱۸؛ ر. ک. ۴۱:۱۱ توضیح a).

U- انتظار و امیدواری یهودیان معطوف به ساعتی بود که در پایان روزگار دخالت قطعی خدا بایستی فرا رسد (دان ۱۷:۸-۱۹؛
۳۵:۱۱، ۴۰، ۴۵؛ مت ۲۴:۳۶، ۴۴، ۵۰). این ساعت که پدر مقرر کرده پیوسته در افق فعالیت عیسی است (۲:۴؛ ۵:۲۵؛
۶:۷، ۳۰؛ ۸:۲۰؛ ۹:۱۱) و آن را به خوبی می شناسد و در کمال آزادی می پذیرد (۲۷:۲۳، ۲۷). این ساعت لحظه
شکوه مندی پسر انسان است (ر. ک. مت ۲۸:۱۹؛ ۳۱:۲۵؛ مر ۳۸:۸؛ ۲۶:۱۳؛ روم ۸:۱۸) ولی شکوه مندی شدن به وسیله
اطاعت کامل، به وسیله محبت و در عین خوار شدن بر روی صلیب انجام می شود: بدین گونه مسیح پدر را شکوه مندی می کند.

V- شکوه مندی عیسی متضمن قدرتی است که همه آدمیان را در وضعیت جدید خود شرکت دهد. زندگی جاویدان به وسیله
کوششهای بشری حاصل نمی شود بلکه همچون موهبت رایگان خدا دریافت می گردد (۳:۳۵-۱۹:۵؛ ۳۰:۱۳؛ ۳۱:۶-۴۲-۴۴).

W- زندگی جاویدان در شناسایی فوری پدر تحقق می پذیرد (که متضمن محبت متقابل است) و به دست نمی آید مگر به وسیله
شناسایی مسیح که تجلی والای خدای یگانه است (۴:۱۴، ۳۶؛ ۶:۲۷؛ ۱۲:۲۵؛ ۱-یو ۱-۲؛ ۱۲:۵، ۳۰).

X- ر. ک. ۴:۳۴؛ ۵:۳۰؛ ۶:۳۸؛ ۸:۲۹؛ ۹:۴؛ ۱۰:۳۷-۳۸؛ ۱۳:۱۹؛ ۳۰:۱۹.

Y- منظور شکوهی است که پسر در وجود اصلی خود به نزد پدر داشته (ر. ک. ۱:۱) یا شکوهی که پدر از آغاز برای او مقدر کرده
بود. این شکوه که در سراسر زندگی زمینی عیسی آشکار می شد (۲:۱۱؛ ۴:۱۱) از زمان بالا شدن بر روی صلیب و رستاخیز
با حشمت و جلال خواهد درخشید (ر. ک. ۱۴:۳) و کسی خواهد شد که نام پدر را به بالاترین طریقی متجلی خواهد کرد.

۱۷:۲۶: نام^۶ تو را به مردمانی که از جهان
خروج ۱۳:۳: برگرفتی تا به من دهی نمایانم. آنان از آن
عبر ۱۲:۲: تو بودند که تو به من داده‌ای و آنان سخن
تو را رعایت کرده‌اند.^۷ اکنون می‌دانند
که هر آنچه به من داده‌ای از نزد تو می‌آید.
۸ زیرا کلامی را که به من داده‌ای، به ایشان
داده‌ام و ایشان آن را پذیرفته‌اند و به
راستی دانستند که من از نزد تو آمده‌ام و
ایمان آوردند که تو مرا فرستاده‌ای. ۹ من
برای آنان درخواست می‌کنم. برای جهان^b
درخواست نمی‌کنم، بلکه برای آنان که تو
به من داده‌ای زیرا از آن تو هستی. ۱۰ و
آنچه از آن من است از آن تو است و آنچه
لو ۱۵:۳۱: از آن تو است از آن من است و من در
۲:۱۰:۳۰

ایشان شکوه یافته‌ام^c و من دیگر در
جهان نیستم و ایشان در جهانند و من
به سوی تو می‌آیم. ای پدر قدوس^d در نام
خود که به من داده‌ای^e آنان را نگه دار تا
همچون ما یکی گردند.^f ۱۲ وقتی با آنان
می‌بودم آنان را در نام خود که به من
داده‌ای، نگه می‌داشتم^g و مراقبت کرده‌ام
و هیچ یک از آنان هلاک نشده^h مگر پسر
هلاکتⁱ تا نوشته مقدس به تحقق برسد.
۱۳ اما اکنون به سوی تو می‌آیم و این چنین
در جهان سخن می‌گویم تا آنان در خود
شادی مرا به کمال داشته باشند.^k ۱۴ من
سخن تو را به آنان داده‌ام و جهان از آنان
نفرت کرده است، زیرا از این جهان ۱۵-۱۹

- z- رسالت عیسی اصولاً آن نیست که گفتار و سخنان تازه‌ای بیان نماید بلکه به وسیله سخنانی که می‌گوید و اعمالی که انجام می‌دهد و به وسیله وجود خود حقیقت پدر را بفهماند (ر. ک ۱۲:۲۸؛ ۱۰:۳۸؛ ۷:۱۴-۱۱؛ ۱:۱۸).
- a- آدمی فقط به وسیله استعداد های فطری قادر نیست آنچه را در عیسی تجلی می‌نماید درک کند؛ بلکه بایستی قبلاً تحت نفوذ پدر باشد: ر. ک ۶:۳۷، ۳۹، ۴۴؛ ۱۰:۲۹؛ ۱۷:۲، ۹، ۱۲، ۲۴؛ این وضعیت برابر با خدمتگزاری صادقانه حقیقت می‌باشد (۲۱:۳؛ ۱۸:۳۷؛ ۷:۱۷؛ ۱:۴۷).
- b- کلمه جهان در اینجا به مفهوم مجموعه آدمیانی است که به سبب خودبینی خدا را نمی‌پذیرند؛ نیایش عیسی در اینجا فقط درباره کسانی است که از جهان گرفته شده‌اند تا جمعیت شاگردان عیسی را تشکیل دهند، ر. ک ۱:۱۰ توضیح: ۱۵:۱۹.
- c- با اینکه موهبت‌های معنوی که عیسی آورده است حقیقت همبستگی او را با پدر نشان می‌دهد با این همه شکوه واقعی ارائه قدرت نیست بلکه تظاهر وحدت و اشتراک محبت پدر و پسر است که شاگردان در آن سهیم بوده و بر آن گواهی می‌دهند.
- d- قدوسیت پدر پایه و مبنای قدوسیت عیسی و تقدس شاگردان است که در آیات ۱۷، ۱۹ ذکر خواهد شد (ر. ک لاو ۱۱:۴۴؛ ۱۹:۲؛ ۱- پطرا ۱۶)؛ این طرز دعا کردن خیلی زود جزو آیین پرستش مسیحیان معمول گشت (دیداکه ۲:۱۰).
- e- شاگردان با پذیرفتن عیسی و پیوستن به او که مظهر نام پدر است چنان در همبستگی او هستند که هیچ اقدام نیروهای این جهان قادر نخواهد بود آنان را از او جدا کند.
- f- اتحاد و یگانگی در محبت متقابل نتیجه همبستگی و پیوندی است که پدر و پسر را متحد می‌کند (آیات ۲۱-۲۳).
- g- اضافه بر حمایتی که شاگردان در وقایع رنجها و مصلوب شدن عیسی خواهند داشت (ر. ک ۸-۹) منظور از این گفتار تأیین و محافظت آنان در آزمایشهای پایان روزگار است که امکان دارد گناهکاران را در وضعیت مخالف زندگی واقعی محصور نماید.
- h- در اینجا یوحنا اصطلاحی مرسوم بکار برده (۳:۱۶؛ ۶:۳۹؛ ۱۰:۲۸؛ ۱۲:۲۵؛ مت ۷:۱۳؛ اع ۸:۲۰؛ روم ۹:۲۲؛ فی ۳:۱۹) که آن را تصریح نمی‌کند.
- i- پسر هلاکت [طرز بیان و اصطلاحی مختص زبانهای سامی است و در مورد کسی واجد صفتی و یا وابسته به چیزی است او را با عنوان پسر آن صفت یا پدر آن می‌نامند مثل ابن الوقت، ابن السبیل، ابوالهول، ابوجهل و غیره.] در اینجا منظور یهودای اسخریوطی است که تمام رفتار او به سوی هلاکت و نیستی متمایل است. ضمناً این اصطلاح جنبه مکاشفه‌ای دارد (ر. ک ۶:۷۰؛ ۲- تسا ۲:۳؛ ۱- یو ۲:۱۸، ۲۲؛ ۴:۳).
- j- ر. ک ۱۳:۱۸ که مز ۴۱:۱۰ را نقل می‌کند.
- k- شادی و سروری که از شنیدن گفتار عیسی حاصل می‌شود (۲۹:۳) به هیچ وجه به سبب عزیمت او به سوی پدر تهدید نمی‌شود زیرا انجیل همواره این شادی را در جمعیت ایمانداران تأمین می‌کند و روح القدس این جمعیت را هدایت کرده و از آن حمایت می‌نماید.

۲۰ من فقط برای اینان درخواست ۹:۱۷
 ۱- یو ۳:۱۰
 روم ۱۷:۱۰
 به وسیله سخن ایشان به من ایمان ۱۱:۱۷
 ۱۰:۳۰، ۳۸
 ۴:۳۲
 ۳:۲۸
 می آورند^{۲۱} تا همگی یکی گردند
 همچنان که تو، ای پدر، در من هستی و من
 در تو، آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان
 آورد که تو مرا فرستاده ای.^{۲۲} و شکوهی ۱۴:۱:۵:۱۷
 را که به من داده ای، به آنان دادم تا آنان
 یکی باشند همچنان که ما یکی هستیم.^{۲۳}
 ۱۵:۹
 ۱- قرن ۱۷:۶
 ۲۰:۲
 افس ۴:۵-۵
 شوند، تا جهان بشناسد که تو مرا
 تقدیس می کنی^{۲۴} تا آنان نیز در راستی
 تقدیس گردند.^{۲۵}
 ۲۳:۴:۱۸:۱۰
 ۳:۱۰
 ۱۱:۲
 ۱۱:۲
 ۱۱:۲

۱- این گفتار عکس العملی علیه انتظار غیرعادی ایمانداران است و یادآوری و تأکید می نماید وظیفه جمعیت شاگردان آن است که در بین مردمان مظهر دنیای فرجامین باشند. این وظیفه مسلماً منجر به برخورد و مقابله با نیروی شرارت و کینه می شود و فقط با یاری پدر بر آن فائق خواهند شد (۱۹:۱۵-۴:۱۶).

m- ر. ک ۱۱:۱۶ کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده می توان به صورت تحت اللفظی «بد» یا «شریر» ترجمه کرد. [گاهی این کلمه را سلطان/ این جهان ترجمه کرده اند.] یوحنا نیروی بدی که آدمیان را تهدید می کند به صورت مجسم ذکر می نماید ر. ک ۳۱:۱۲؛ ۳۰:۱۴؛ ۱۱:۱۶؛ مت ۱۳:۱۳؛ ۱۹:۱۳؛ ۳۸؛ ۲- تس ۳:۳؛ افس ۶:۱۶؛ ۱- یو ۱۳:۱۴؛ ۱۲:۳؛ ۱۸:۵-۱۹.

n- تقدیس کردن یا متبرک کردن کسی عبارت از آن است که او را از دنیای کفر و بی دینی خارج کرده و در دایره و قلمرو خدا وارد نمایند. تقدیس کردن عمل پدر قدوس است (۱۱:۱۷).

o- وسیله و ابراز تقدیس کردن شاگردان، حقیقت خداست که در کلام مجسم او تجلی کرده است و با ایمان به او پیوسته اند.

p- تقدیس و متبرک شدن شاگردان را قادر می سازد رسالت خود را به انجام رسانند (ر. ک ۳۶:۱۰؛ ارا ۵:۱۰؛ بنی ۴:۴۵). زیرا کسانی که برای بردن کلام اعزام می شوند از بین مردمان دنیا انتخاب می شوند بدون اینکه به کلی از آنان مجزا باشند (روح القدس آنان را قادر خواهد کرد گواهی دهند. ر. ک ۲۶:۱۵-۲۷؛ ۲۰:۲۱-۲۲).

q- با توجه به اینکه کسی را به خدا تخصیص دادن و نذر کردن شامل تمام وجود او و اعمال و رفتار او می شود تفویض مرگ را نیز دربر می گیرد. در اینجا موضوع قربانی شدن به سبب نزدیک بودن تاریخ مصلوب شدن و با بکار بردن کلمات «به خاطر ایشان» یادآوری و تشدید شده است. عیسی با این گفتار اراده خود را بیان می کند که آزادانه زندگی خود را تقدیم می نماید (۱۳:۱۵؛ ۱۸:۱۰) تا شاگردان خود را تقدیس کند (ر. ک ۵:۱۶؛ ۱- قرن ۱۱:۲۴؛ ۳:۱۵؛ مر ۲۴:۱۴؛ لو ۲۴:۲۰؛ عب ۲:۹؛ ۱:۵؛ ۷:۹؛ ۱۲:۱۰). بدین سبب اکثراً باب ۱۷ انجیل یوحنا را «نیایش کهنانی» نامیده اند.

r- تقدیس شاگردان سرانجام براساس قربانی بر روی صلیب و موهبت روح القدس به وسیله مسیح شکوهمند انجام می شود؛ بعضی از مفسران در مورد تقدیس بیشتر به مسئله تصفیه از گناه تأکید می کنند (۳:۱۵)؛ مفسران دیگری برای موهبت روحانی که به شاگردان عطا می شود اهمیت قائل می شوند زیرا آنان را به انجام رسالت خود قادر می سازد (۱۷-۲۰).

s- عیسی در نیایش خود کسانی را منظور می کند که در انجام رسالت او شرکت دارند، همچنین کسانی را که به وسیله گفتار خود در طی زمانهای مختلف و در سراسر جاهای دیگر جمعیت ایمانداران کلیسا را تشکیل خواهند داد (ر. ک ۳۵:۴-۴۲؛ ۱۶:۱۰؛ ۱۱:۵۲؛ ۲۰:۱۲؛ ۳۲؛ ۱۷:۲) این نکته متضمن نظریه انجیل است.

t- ایمانداران با پیوستن به عیسی در همبستگی محبت که پدر و پسر را پیوند می دهد شرکت دارند (۵:۱۹-۲۰؛ ۱۵:۱۰؛ ۳۰:۱-۳). از این پس ایمانداران به یکدیگر پیوسته اند که در نظر مردمان دنیا والاترین نشانه مداخله فرجامین خدا و نشانه صحت و واقعیت رسالت عیسی بشمار می رود.

u- شکوهی که عیسی از ورای صلیب از پدر دریافت می کند (آیات ۱-۵) همبستگی و پیوند او را با پدر به مردمان نشان می دهد. ایمانداران که این نکته را دریافته و احساس می کنند خودشان در آن سهیم هستند و به نوبه خود مظهر و تجلی شکوه مسیح می شوند: این امر عملاً با اتحادی که در محبت به یکدیگر دارند انجام می گردد.

دستگیری عیسی

(متی ۲۶:۴۷-۵۶؛ مرقس ۱۴:۴۳-۵۰؛

لوقا ۲۲:۴۷-۵۳)

۱۶

^۱ عیسی این را گفته با شاگردانش
به سوی دیگر مسیل قدرون^z
رفت. در آنجا باغی بود که با شاگردانش
وارد آن شد^a. ^۲ یهودا که او را تسلیم
می کرد نیز آنجا را می شناخت، زیرا عیسی
اغلب با شاگردانش در آنجا گرد هم
می آمدند. ^۳ پس یهودا دسته ای^b با خود
برداشت و به همراه نگاهبانان کاهنان
اعظم و فریسیان، با فانوسها و مشعل ها و
اسلحه به آنجا آمد. ^۴ پس عیسی که
می دانست بر او چه خواهد آمد^c، بیرون
آمده به آنان گفت: «که را می جوئید؟»
^۵ به او جواب دادند: «عیسای ناصری.»

فرستاده ای و به آنان محبت کرده ای

همچنان که به من محبت کرده ای. ^{۲۴} ای
پدر آنچه به من داده ای، می خواهم در
آنجایی که من هستم، اینان نیز با من
باشند^v تا شکوه مرا ببینند که تو به من
داده ای^w زیرا تو پیش از پی افکنی جهان^x
به من محبت داشته ای. ^{۲۵} ای پدر عادل^y،
اگر جهان تو را نشناخته، من تو را
شناخته ام و اینان شناخته اند که تو مرا
فرستاده ای. ^{۲۶} من نام تو را به آنان
شناسانده ام و به آنان خواهم شناساند تا
محبتی که مرا به آن محبت کرده ای در آنان
باشد و من هم در آنان.»

۱۲:۲۶:۱۴؛ ۱۴:۱
۱۰:۲۶:۱۷؛ ۵:۱۷
پید ۱۳:۴۵

۱:۱۰:۵۵؛ ۸:۱۰
مت ۲۷:۱۱
لو ۲۲:۱۰

۱۷:۶؛
۳:۱۳؛
روم ۸:۳۹

v - شاگرد در وضعیت خداوند سهیم می باشد بدین معنی که در پذیرفتن تحقیر و سرافکندگی اطاعت می کند (۱۳:۳۳، ۳۶) و در شکوه و جلال شور و هیجان دارد (۱۲:۲۶:۱۴).

w - تأمل و تعمق در شکوه مسیح (ر. ک ۲-قرن ۳:۱۸-۴:۶) ضمناً شناختن (شرکت در) محبتی است که پدر را با پسر می پیوندد: این امر پایه و انتهای هر وجود بشری است.

x - ر. ک ۱:۵-۱۷:۵.

y - اطلاق کلمه «عادل» در مورد خدا بیان راستی و اصالت داوری او است (مز ۱۱۹:۱۳۷؛ تث ۳:۴) ضمناً ممکن است به مفهوم درستی و رحمت او باشد (مز ۷:۱۸؛ ۹:۵؛ ۹۶:۱۳؛ ۱۱۶:۵؛ ۱۲۹:۴؛ ۱۴۵:۱۷). ظاهراً در اینجا به معنی اخیر است (ر. ک روم ۳:۲۶؛ مکا ۵:۱۶).

z - دره ای که مسیل قدرون، شهر اورشلیم را از باغ زیتون جدا می کند (۲-سمو ۱۵:۲۳؛ مت ۲۶:۳۰؛ مر ۱۴:۲۶؛ لو ۲۲:۳۹).
a - در مت ۲۶:۳۶ و مر ۱۴:۳۲ سخن از ملکی به نام جتسیمانی است. یوحنا از این که عیسی در آنجا نیایش کرده چیزی نمی گوید (با این همه ر. ک ۱۲:۲۷؛ ۱۸:۱۱).

b - کلمه یونانی speira که در متن اصلی آمده و دسته ترجمه شده معمولاً در مورد یک قسمت از سربازان رومی (۱۰۰۰ نفر) بکار می رود و چنین می نماید که به نظر یوحنا سربازان رومی در دستگیری عیسی شرکت داشته اند؛ ولی از همین عبارت می توان استنباط کرد که منظور دستجات یهودی و مخصوصاً افراد چریک وابسته به معبد است (یهودیه ۱۴:۱۱؛ ۲-مک ۸:۲۳؛ ۲۰:۲۲). با توجه به نشانه های مختلفی می توان گفت که ابتکار عمل از جانب بعضی مقامات یهودی بوده است. به هر صورت یوحنا به طرز استهزاآمیزی یادآوری می کند برای دستگیری عیسی که خودش را شخصاً تسلیم می کند چه نیرویی تجهیز شده است: ضمناً تظاهر شگفت انگیز نیروی الهی عیسی را که در آیه ۶ ذکر شده آماده می کند.

c - عیسی به هیچ وجه غافلگیر نشده بلکه از اهمیت و قریب الوقوع بودن رنجها و مصلوب شدن خود آگاه است و بر این وقایع مسلط می باشد (ر. ک ۱۳:۱، ۳:۱۲-۲۰:۲۸؛ ۱۰:۱۷-۱۸).

گفت: «دشنه را در غلاف کن. آیا جامی را
که پدر به من داده است ننوشم؟»^g
آنگاه دسته، فرمانده و نگاهبانان^h
یهودیان، عیسی را گرفتند و بستند.
مت ۲۰:۲۲؛ مر ۱۰:۳۸؛ لوقا ۲۲:۴۲؛
یوحنا ۱۲:۱۷؛ مت ۵۷:۵۵-۷۵؛
مر ۱۴:۵۳-۷۲؛ لوقا ۲۲:۵۴-۷۲

به آنان گفت: «من هستم^d». یهودا نیز که
او را تسلیم می کرد با آنان ایستاده بود.
پس وقتی به آنان گفت: «من هستم» آنان
عقب رفته به زمین افتادند.^۷ سپس باز از
آنان پرسید: «که را می جوئید؟» گفتند:

«عیسای ناصری.»^۸ عیسی پاسخ داد: «به
شما گفتم که «من هستم»، پس اگر در
جستجوی من هستید اینان را بگذارید
بروند»^۹ تا سخنی که گفته بود تحقق یابد:
«از آنان که به من داده ای هیچ یک را از
دست نداده ام.»^{۱۰} پس شمعون پطرس که
دشنه ای داشت، آن را کشید و به برده
کاهن اعظم زده گوش راستش را برید. این
برده نامش ملوک^f بود.^{۱۱} عیسی به پطرس

در کاخ کاهن اعظم حنا
(متی ۲۶:۵۷-۵۸؛ مرقس ۱۴:۵۳-۵۴؛
لوقا ۲۲:۵۴)

^{۱۳} و نخست او را نزد حنا^h، پدر زن
قیافا که در آن سال کاهن اعظم بودⁱ هدایت
کردند.^{۱۴} قیافا همان کسی بود که این
نصیحت را به یهودیان کرده بود که برای
شما مفیدتر است که تنها یک انسان در راه
قوم بمیرد^j.

d- در مورد وسعت و دامنه معنی این جمله ر. ک ۲۴:۸، عیسی با این پاسخ هویت حقیقی خود را آشکار می کند و برای کسانی که
مظهر نیروی اهریمنی هستند نزدیک شدن به او امری هولناک می شود. به همان گونه که در کوه مقدس خدا خود را به اسرائیل
ظاهر می کرد (خروج ۱۹:۲۲) یا در مورد صندوقچه پیمان که مقر او بشمار می رفت (۲- سمو ۶:۷). یوحنا به همان گونه که در
روایت عیسی ذکر می کند در اینجا قدرت، مقام والا و الوهیت عیسی را ظاهر ساخته و درخشان می نماید. در هر دو مورد
قدوسیت از هرگونه کفر و پلیدی به دور است. اگر شاگردان می توانند در خلوص و صمیمیت عیسی وارد شوند بدان سبب
است که به وسیله حقیقت تقدیس شده/ند (۱۷:۱۷).

e- ر. ک ۱۲:۱۷؛ ۱۲:۶؛ ۳۹:۱۰؛ ۲۸:۱۰؛ ۳۲:۱۶.

f- ر. ک مر ۱۴:۳۶؛ لوقا ۲۲:۴۲. یوحنا نظیر آنچه در مت ۲۶:۳۹ ذکر شده یادآوری می کند عیسی پطرس را به سبب این عمل
سرزنش کرده است: زیرا عیسی نه با خشونت بلکه با اختیار کامل در اطاعت عمل خود را به پایان خواهد رساند.

g- در مهمانی یهودیان به هنگام صرف غذا، پدر خانواده جام مهمانان را پر می کرد. بدین سبب کسی که الهام خدا را دریافت
می کند به مانند جامی تصویر شده است (مزا ۱:۶؛ ۵:۱۶). در نوشته های عهد عتیق اکثراً برای نشان دادن آزمونهای نهایی از
جام تلخ یاد می شود (اش ۵۱:۱۷، ۲۲؛ ارم ۲۵:۱۵، ۱۷، ۲۸؛ حزق ۴۹:۱۲؛ مرا ۴:۲۱؛ حزق ۲۳:۳۱-۳۲). این اصطلاح را عیسی
در مورد رنجها و مصلوب شدن خود بکار می برد (مت ۲۰:۲۳-۲۳؛ مر ۱۰:۳۸-۳۹)؛ و ممکن است یادآور نیایش جتسیمانی
باشد (مت ۲۶:۳۹؛ مر ۱۴:۳۶؛ لوقا ۲۲:۴۲). یوحنا این نیایش را روایت نکرده ولی مخصوصاً درباره اراده و تصمیم آزادانه
عیسی تأکید می نماید (۲۷:۱۲ توضیح k).

h- یوحنا نظیر متی و مرقس دادرسی یهودیان را در دو مرحله مشخص کرده است که جلسه اولی بدون اینکه صریحاً نام سانهدرین
را ذکر کند به ریاست حنا برگزار شده (۱۸:۱۳-۲۳) و سپس از شورایی سخن می گوید که به ریاست قیافا تشکیل گردید
(۱۸:۲۴-۲۸) و انگهی جلسات این دادرسی منحصر به بازپرسی های سریع بوده است. به نظر یوحنا دادرسی واقعی در سرتاسر
دوران رسالت عیسی انجام گردیده و تصمیم قبلاً اتخاذ شده بود (۱۸:۱۴ که یادآوری ۱۱-۴۹:۵۳، ۵۷ است؛ ۱۰:۱۲).

i- حنا که به خانواده ای از صدوقیان تعلق داشته مقام کاهن اعظم را بین سالهای ۶ الی ۱۵ میلادی عهده دار بوده و پس از اینکه
مقامات رومی او را برکنار کردند با این همه نفوذ مهمی بر امور داشته و کسانی که پس از او سمت کاهن اعظم را عهده دار
شدند از خانواده او بودند. یوحنا قیافا را به عنوان داماد او معرفی می کند که محتمل و ظاهراً مقرون به حقیقت است.

j- ر. ک ۱۱-۴۹:۵۱.

(متی ۲۶:۶۹-۷۰؛ مرقس ۱۴:۶۶-۶۸؛
لوقا ۲۲:۵۵-۵۷)

مت ۵۸:۲۶؛
مر ۵۴:۱۴؛
لو ۵۵-۵۴:۲۲

۱۵ شمعون پطرس همراه با شاگرد دیگری^k به دنیال عیسی رفت. این شاگرد با کاهن اعظم آشنا بود و با عیسی وارد حیاط کاهن اعظم شد. ۱۶ در حالی که پطرس در خارج نزدیک در ایستاده بود، شاگرد دیگر که با کاهن اعظم آشنا بود خارج شد و به دربان زن سخنی گفت و پطرس را به درون آورد. ۱۷ پس آن کنیز دربان به پطرس گفت: «آیا تو نیز از شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «از آنان نیستم. ۱۸» ۱۸ بردگان و نگاهبانان که در آنجا بودند به خاطر سرما زغال افروخته بودند و خود را گرم می کردند. پطرس نیز در کنار آنان بود و خود را گرم می کرد.

(متی ۲۶:۵۹-۶۶؛ مرقس ۱۴:۵۵-۶۴؛
لوقا ۲۲:۶۶-۷۱)

۱۹ پس کاهن اعظم از عیسی درباره شاگردان و آموزش او پرسید^m. ۲۰ عیسی به

او پاسخ داد: «من آشکارا به جهان سخن گفته امⁿ، من همواره در کنیسه و معبد در جائی که همه یهودیان گرد می آیند آموزش داده ام و هیچ چیزی در نهان نگفته ام. ۲۱ پس چرا از من پرس و جو می کنی؟ از آنان پرس که شنیده اند چه گفته ام، اینک ایشان آنچه من گفته ام می دانند^o.» ۲۲ چون این را گفت، یکی از نگاهبانان که در آنجا ایستاده بود به عیسی سیلی زده^p گفت: «این طور به کاهن اعظم جواب می دهی؟» ۲۳ عیسی به او پاسخ داد: «اگر بد گفته ام، شهادت بده چه بدی گفتم، اما اگر درست گفته ام برای چه مرا می زنی^q؟» ۲۴ سپس حنا او را بسته نزد قیافا کاهن اعظم فرستاد.

(متی ۲۶:۷۱-۷۵؛ مرقس ۱۴:۶۹-۷۲؛
لوقا ۲۲:۵۸-۶۲)

۲۵ شمعون پطرس در آنجا ایستاده بود و خود را گرم می کرد^r. پس به او گفتند: ۱۸:۱۸ «آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟» او

k- چندان اسان نیست که بتوان هویت این شاگرد را تعیین نمود که می تواند به کاخ حنا وارد شود. بعضی از مفسران او را رفیق و همنشین پطرس می دانند، شاگردی که عیسی به او محبت داشت.

l- چنین به نظر می رسد که انکارهای سه گانه پطرس (آیات ۱۷، ۲۶ و ۲۷) که در ۱۳:۳۶-۳۸ اعلام شده در برابر سه بار اظهار عیسی است که گفته من هستم (آیات ۵، ۷ و ۸)، همچنین به سه بار گواهی یحیی تعمیددهنده (من نیستم ۱:۲۰-۲۱) و اظهارات سه گانه پطرس (۱۵:۲۱-۱۷) مراجعه کنید.

m- در اناجیل نظیر که حضور عیسی در برابر سانهدرین روایت شده جنبه مسیحایی فعالیت های عیسی و موضوع کفر گفتن مورد توجه است (ر. ک مت ۵۷:۲۶-۶۶؛ مر ۱۴:۵۳-۶۴؛ لو ۲۲:۶۶-۷۱)، یوحنا حضور او را در برابر حنا یاد کرده و در آنجا سؤالات درباره آموزش عیسی است و اینکه شاگردان را به دور خود جمع می کند (ر. ک مر ۱۴:۴۸-۴۹ //). اتهام کفر گفتن در طی دوران زندگی در میان مردم بر او وارد شده است (۱۰:۲۲-۴۲).

n- آموزش عیسی که در ملاء عام بدون تمایز به تمام آدمیان خطاب شده شامل عقاید و نظریات مخفی و باطنی نیست (۲۶:۷)، گرچه فقط به وسیله موهبت روح القدس می توان واقعاً به اعماق آنها پی برد (ر. ک ۱۶:۲۵).

o- عیسی که پیشنهاد می کند به کسانی مراجعه کنند که سخنان او را شنیده اند تقاضا دارد داوری واقعی انجام گردد (ر. ک ۵۱:۷-۵۲). مخصوصاً تأکید می نماید که تصمیم گرفته شده و اکنون فقط با یک داوری ساختگی صحنه سازی می کنند. ممکن است در این مورد یوحنا می خواهد به خوانندگان مسئولیت شان را در «داوری عیسی» که در سرتاسر تاریخ ادامه خواهد داشت یادآوری نماید.

p- ر. ک مت ۲۶:۲۷؛ مر ۱۴:۶۵.

q- ر. ک ۸:۴۶؛ وسایل خشونت به هیچ وجه ارتباطی با شناسایی حقیقت ندارد.

r- مت ۲۶:۷۱-۷۵؛ مر ۱۴:۶۹-۷۲؛ لو ۲۲:۵۸-۶۲.

بخورند.^۷ ۲۹ پس پیلطس^۷ به سوی آنان
بیرون آمده گفت: «چه اتهامی به این مرد
وارد می کنید؟»^{۳۰} در پاسخ به او گفتند:
«اگر بدکار نبود او را به تو تسلیم
نمی کردیم.»^{۳۱} آنگاه پیلطس به آنان
گفت: «شما او را بگیرید و برطبق تورات
خود او را داوری کنید.» پس یهودیان به
او گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را
بکشیم.^{۳۲} تا سخن عیسی که گفته بود به
تحقق برسد تا نشان دهد به چه نوع مرگی
می بایست بمیرد.^{۳۳}
باز پیلطس به دیوان خانه داخل شد.
عیسی را فراخوانده به او گفت: «آیا تو
پادشاه یهودیان هستی؟»^{۳۴} عیسی پاسخ

مت ۵۱:۲۶: انکار کرده گفت: «از آنان نیستم.»
لو ۲۲:۴۹-۵۰: یکی از بردگان کاهن اعظم، خویشتان آن
کسی که پطرس گوش او را بریده بود
مت ۳۴:۲۶: گفت: «آیا من تو را با او در باغ ندیدم؟»
لو ۳۴:۲۲-۳۵: ۲۷ باز پطرس انکار کرد و در دم خروسی
یو ۱۸:۱۰: بانگ زد.^{۳۵}

عیسی در برابر پیلطس^۴

(متی ۲۷:۱-۱۱، ۱۴-۱۴)

(مرقس ۱۵:۱-۵؛ لوقا ۲۳:۱-۵)

۲۸ پس عیسی را از نزد قیافا به
دیوان خانه^۵ هدایت کردند. صبح بود اما
آنان به دیوان خانه داخل نشدند مبادا نجس
مت ۵۵:۱۱: شوند بلکه بتوانند [بره] جشن گذر را
مت ۱۷:۲۶:

S- ر. ک ۳۶:۱۳-۳۸.

T- یوحنا در مورد حاضر شدن عیسی در برابر پیلطس خیلی بیشتر از اناجیل نظیر اهمیت قائل می شود (۱۸:۲۸-۱۹:۱۶) بدین
معنی که پیلطس می آید و می رود (خارج می شود: ۱۸:۲۹، ۳۸:۱۹ و وارد می شود: ۱۸:۳۳: ۱۹:۹). در میان جمعیتی
که رفته رفته خشن تر شده عیسی با آرامش کامل بر اوضاع مسلط است. در حقیقت عیسی سرتاسر این داوری را با سخنان و با
سکوت خود رهبری می کند. یوحنا نشان می دهد که عیسی گرچه متهم است ولی کسانی را که ظاهراً متهم کننده هستند داوری
می نماید؛ ر. ک ۱۳:۱۹ توضیح P.

U- دیوان خانه محل اقامت رسمی حکمران رومی بوده است. در اینکه دیوان خانه در کجا قرار داشته نظریات مختلفی وجود دارد.
بعضی از مفسران معتقدند دیوان خانه در کاخ هیروودیس بوده و برخی دیگر محل آن را در دژ آنتونیا در نزدیکی معبد اورشلیم
می دانند.

V- به نظر یهودیان محل سکونت مشرکان نجس بشمار می آمد (۱۱:۳: مت ۸:۸): یهودیان که می خواستند از هرگونه آلودگی
برطبق شرع یهود برکنار باشند، مخصوصاً در وقتی که عید گذر یهود را جشن می گرفتند به محل اقامت حکمران وارد
نمی شدند. یوحنا این موضوع را به طنز یادآوری می کند.

W- پنطیوس پیلطس از سال ۲۶ تا ۳۶ میلادی حکمران یهودیه بود. تاریخ نویسان قرن اول میلادی او را همچون کارمند
عالی رتبه ای توصیف کرده اند که نسبت به ملت یهود نظر مساعدی نداشته است (ر. ک همچنین لو ۱:۱۳).

X- با توجه به قرائن و امارات بسیاری می توان تصور کرد که یهودیان در زمان عیسی در بعضی موارد حق اجرای حکم اعدام
(سنگسار کردن) را حفظ کرده بودند (۸:۱-۱۱:۱) ولی به طوری که از آیه ۱۸:۳۲ برمی آید مصلوب کردن فقط در اختیار
مقامات رومی بوده است.

Y- ر. ک ۱۲:۳۲-۳۳: ۱۴:۳ توضیح W: ۲۸:۸. یوحنا در روایت رنجها و مصلوب شدن عیسی بارها یادآوری می کند که
سرنوشت عیسی مطابق مطالبی است که در نوشته مقدس آمده است. قانون تورات که به استناد آن یهودیان عیسی را رد
می کردند در حقیقت به نفع او شهادت می داد.

Z- شاه. این عنوان را عیسی در مورد خود بکار برده ولی در آیات ۶:۱۵ و ۱:۴۹ به او نسبت داده شده است. برابر آنچه در اناجیل
نظیر ذکر شده (مر ۱۵:۲: مت ۲۷:۱۱: لو ۲۳:۳) این عنوان خلاصه اتهامی است که مقامات یهود بر او وارد می کردند
(۱۸:۳۰، ۳۵). پیلطس قاعداً بایستی این عنوان را به مفهوم سیاسی درک و تعبیر نماید: بدین معنی که محتمل است عیسی
آشوبی برپا کرده و طرفدارانی جمع نماید تا رهبران یهودیان را که طرفدار رومیان هستند براندازند. به نظر یوحنا در رنجها و
مصائب عیسی (بازگشت او به سوی پدر) و بر روی صلیب به طرز شگفت انگیزی سلطنت عیسی تأیید می شود، سلطنتی که
مفهوم آن دیگر ابهامی ندارد (ر. ک ۱۵:۶ توضیح W: ۱۸:۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۹: ۱۹:۳، ۱۲، ۱۵، ۱۹).

(متی ۲۷:۱۵-۳۱؛ مرقس ۱۵:۶-۲۰؛
لوقا ۲۳:۱۳-۲۵)

این را گفته باز به سوی یهودیان بیرون رفت و به آنان گفت: «من هیچ تقصیری نمی یابم. ^{۳۹} اما شما رسمی دارید که برای جشن گذر کسی را رها کنم. آیا می خواهید پادشاه یهودیان را برای شما رها کنم؟» ^{۴۰} از سر نو فریاد برآورده گفتند: «نه او را، بلکه برابا را!» باری برابا را هزن بود.^f ع ۱۴:۳

۱۹ پس پیلطس عیسی را گرفته [دستور داد] او را شلاقش بزنند. مت ۱۹:۲۰

^۲ و سربازان تاجی از خار بافته آن را بر سرش نهادند و ردائی ارغوانی بر تنش کردند. ^۳ و به سوبش آمده می گفتند: «سلام ای پادشاه یهودیان!» و سیلی هائی بر او می زدند. ^۴ پیلطس باز خارج شد و به ایشان گفت: «اینک او را نزد شما بیرون می آورم تا بدانید که در او هیچ تقصیری نمی یابم.» ^۵ پس عیسی بیرون آمد در حالی که تاج خار و ردای ارغوانی در برداشت و

داد: «این را از خودت می گوئی یا دیگران درباره من به تو این را گفته اند^a؟»

^{۳۵} پیلطس پاسخ داد: «مگر من یهودی

هستم؟ ملت تو و کاهنان اعظم تو را به من

تسلیم کرده اند. چه کرده ای؟» ^{۳۶} عیسی

پاسخ داد: «ملکوت من از این جهان

نیست، اگر ملکوت من از این جهان بود،

برای آنکه به یهودیان تسلیم نگردم^b،

نگهبانان من می جنگیدند، ولی درواقع

ملکوت من از این دنیا نیست.» ^{۳۷} پس

پیلطس به او گفت: «پس تو پادشاه

هستی؟» عیسی پاسخ داد: «این را تو

می گوئی که من پادشاه هستم، من برای

همین زاده شده ام و برای همین به جهان

آمده ام تا بر راستی شهادت دهم.^c هر که از

راستی است صدای مرا گوش می کند.^d»

^{۳۸} پیلطس به او گفت: «راستی چیست^e؟» ع ۲۵:۲۴

ع ۲۸:۲۶

a- پیلطس که قبول می کند فقط طبق اطلاعاتی که مقامات یهودی داده اند عمل نماید در وضعیت نادرستی قرار دارد و نخواهد توانست از این وضع خارج شود.

b- سلطنتی را که عیسی به طور غیرمستقیم به خود نسبت داده و ادعا می کند کاملاً غیر از سلطنتی است که هدفها و وسایل آن مربوط به این دنیا است. سلطنت او را نیازی به نیرو و روشهای معمولی در اقدام سیاسی نیست، بلکه این سلطنت را از خدا می گیرد. این پادشاهی را می توان ملکوت یا فرمانروایی ترجمه کرد.

c- برابر نظریاتی که در کتاب مقدس ابراز شده بین پادشاهی و حکمت ارتباطهایی وجود دارد (ر. ک ۲-سمو ۱۴:۱۷-۲۰) سلطنت پایان روزگار را که در این ساعت عیسی در دنیا افتتاح می کند خشونت بکار نخواهد برد؛ بلکه برابر مشیت پدر که به او رسالت داده است با پذیرفتن حقیقت خدا تحقق خواهد بخشید، حقیقت خدا که در او یعنی در کلام مجسم تجلی می نماید (ر. ک ۱۴:۶؛ ۱۱:۳؛ ۳۲:۱۳-۱۴، ۴۶). در مورد کلمه حقیقت ر. ک ۶:۱۴ توضیح Z.

d- کسانی که به فرستاده خدا می پیوندند از هم اکنون در حیطه نفوذ او هستند زیرا برابر حقیقت عمل می نمایند (ر. ک ۲۱:۳؛ ۴۲:۱۷؛ ۲:۱۷؛ ۶:۴۷).

e- این سؤال که پاسخی نمی طلبد نشان می دهد که کارمند رومی شخصاً فردی در دل شکاک است از سوی دیگر نیروی سیاسی قادر نیست نظریه عیسی را درباره حقیقت درک نماید. به همان گونه که در ۱۹:۴، ۶ و لوقا ۲۳:۱۴، ۲۲ آمده پیلطس بی گناهی عیسی را تشخیص داده و با عباراتی که در ۳۳:۱۸ توضیح c ذکر شده بیان خواهد کرد.

f- ر. ک مت ۲۷:۱۵-۲۶؛ مر ۱۵:۶-۱۵؛ لوقا ۲۳:۱۷-۲۴. یوحنا این قسمت را خیلی به اختصار ذکر کرده و یادآوری می نماید که یهودیان دزد راهزنی را بر عیسی که او را شورشی معرفی می کردند ترجیح داده اند زیرا دنیا طرفداران خود را می شناسد. ضمناً لازم به یادآوری است کلمه یونانی *lèstès* که در اینجا راهزن ترجمه شده اکثراً در مورد فرقه غیوران بکار می رفته که اقدامات سیاسی و مذهبی خشونت آمیز بکار می بردند (ر. ک ۸:۱۰).

g- ر. ک مت ۲۷:۲۷-۳۱؛ مر ۱۵:۱۶-۲۰ و همچنین توضیح Z مربوط به ۳۳:۱۸ را ملاحظه کنید.

... مگر نمی دانی که اقتدار دارم تو را رها کنم و اقتدار دارم تو را مصلوب کنم؟»
 ۱۱ عیسی به او پاسخ داد: «تو هیچ اقتداری ۳:۲۷؛ ۱۰:۱۸؛ روم ۱۳:۱؛ ۱ تیمو ۱۳:۶
 بر من نمی داشتی اگر از بالا^m به تو داده نشده بود. به همین جهت آن که مرا به تو تسلیم کرده گناهی بس بزرگتر داردⁿ.»
 ۱۲ از این به بعد پیلطس در جستجوی رهایی او برآمد اما یهودیان فریاد کرده ۱۸:۳۷؛
 می گفتند: «اگر این را رها کنی دوست ۲:۲۳؛
 قیصر نیستی^o، هر که خود را پادشاه کند با قیصر ضدیت می کند.»
 ۱۳ پس چون پیلطس این سخنان را شنید، عیسی را بیرون آورد و او را بر مسند داوری که لیتوستروتوس^q و به عبری گباتا

۳۶، ۲۹:۱ [پیلطس] به آنان گفت: «اینک این انسان^h!» پس همین که او را دیدند، کاهنان اعظم و نگاهبانان فریاد برآوردند گفتند: «بر صلیب! بر صلیب!» پیلطس به آنان گفت: «خودتان او را گرفته مصلوبش کنید، زیرا من در او تقصیری نمی یابم.»
 ۷ یهودیان به او پاسخ دادند: «ما قانونی داریم و برابر این قانون او باید بمیرد زیرا خود را پسر خدا کرده استⁱ.»^۸ پس همین که پیلطس این سخن را شنید ترسان گردید^j.^۹ و مجدداً به دیوان خانه وارد شد و به عیسی گفت: «تو از کجا هستی^k؟» اما عیسی به او پاسخی نداد^l.^{۱۰} پس پیلطس به او گفت: «بما من حرف نمی زنی؟»

h- در انجیل متی و مرقس موضوع تازیانه زدن و ناسزا گفتن به عیسی پس از محکومیت او ذکر شده است. در لو ۲۳:۱۶-۲۲ پیلطس پیش از محکومیت عیسی پیشنهاد می کند او را گوشمالی دهد. به طوری که یوحنا روایت می کند چنین می نماید پیلطس امیدوار بوده است این عمل وسیله ای برای منصرف کردن یهودیان شود: بدین معنی که منظره مردی با وضعیت رقت انگیز و مسخره کافی خواهد بود که پوچ بودن ادعاهای احتمالی سلطنت او را نشان دهد. ولی مسلماً یوحنا به این وقایع با چشم دیگری نگریسته و تلقین می کند در وجود عیسی انسان واقعی را تشخیص دهند که در عین همین تحقیر شدن سلطنت مسیحایی را آغاز می نماید.

i- در اینجا موضوع اتهام جنبه مذهبی می گیرد و به مسئله اصلی یعنی اظهار پسر خدا بودن پرداخته می شود (ر. ک ۱۸:۵-۲۰؛ ۳۳:۱۰) که کفر محسوب شده و بر طبق قانون تورات مستوجب مرگ است (لاو ۲۴:۱۶).

j- پیلطس با شنیدن آخرین سخنان عیسی (۳۷:۱۸) بیشتر احساس می کند که در برابر پدیده های فوق بشری قرار گرفته که تهدید کننده و خطرناک می باشند.

k- یعنی اصلاً اهل کجا هستی؟ از اصل و نسب می توان سرشت کسی را شناخت (۹:۲؛ ۱۱:۴؛ ۲۷:۷؛ ۲۸:۸؛ ۱۴:۸؛ ۲۹:۹-۳۰).

l- سکوت عیسی را بدین گونه می توان توضیح داد که شرایط ایمان واقعی و شناخت حقیقت وجود ندارد (ر. ک مت ۲۷:۱۴؛ مر ۴:۱۵؛ لو ۹:۲۳) و هیچ کلام و عبارتی جای آنها را نمی گیرد. ملاحظه کنید ۲۸:۱۸ توضیح ۷.

m- پیلطس درباره آنچه در بالا است چیزی نمی داند، در مورد دامنه قدرتی که به گمان او قدرت مطلق است نیز اشتباه می کند زیرا این قدرت به وسیله اراده بالانتری به او تفویض شده است (ر. ک ۱۷:۱۰-۱۸)؛ در اینجا نیاستی به جستجوی نظریه منشأ قدرت ها برآمد.

n- یهودا و رهبران یهودی مسلماً امکان بیشتری داشتند که حقیقت عیسی را دریابند (۶۴:۶؛ ۷۱؛ ۱۲:۴؛ ۱۳:۲؛ ۱۸:۳۰، ۳۵). در مورد گناه به عنوان نشناختن ر. ک ۸:۲۱-۲۴؛ ۹:۴۱؛ ۱۵:۲۲-۲۴؛ ۱۶:۸-۹؛ ۳۶:۳.

o- ممکن است دشمنان عیسی عنوان رسمی دوست /میراطور را یادآوری می کنند که پیلطس احتمالاً به سبب دوستی و نزدیکی با سژان (Sejan) وزیر قیصر دریافت کرده بود. یهودیان با پیش آوردن جنبه سیاسی موقعیت پیلطس را مطرح ساخته و او را مجبور می کنند راه خود را انتخاب کند. به این ترتیب با آنکه بی گناهی عیسی بارها شناخته شده است (۱۸:۳۹؛ ۴:۱۹، ۶) دعوی اتهام به عیسی پذیرفته می شود.

p- ترجمه دیگر: بر مسند داوری نشست (ولی این وقایع در خارج از کاخ روی می دهد چنانکه گویی قضاوت و رأی داوری وجود ندارد). ممکن است در اینجا انجیل نگار مجدداً اصطلاحی دوبلهو بکار می برد. در نظر مردمان دنیا پیلطس داوری می کند؛ در صورتی که ایمان مفهوم عمیق تری درک می کند بدین معنی که پیلطس بدون اینکه متوجه باشد عیسی را که داور واقعی است بر مسند می نشاند؛ بدینسان دنیا در اشتباه و حیرت است (۸:۱۶-۱۱) و اکنون نوبت داوری دنیا است (۳۱:۱۲) ر. ک ۵۲:۱۱ توضیح i؛ ۵:۱۹ توضیح h؛ ۲۲:۱۹ توضیح x.

در آنجا مصلوبش کردند. همچنین دو تن خروج ۱۲:۵۳ دیگر را با او، هرکدام در یک طرف و عیسی در میان^۷. ۱۹ پیلطس اعلامیه‌ای نوشته بود که آن را بالای صلیب بگذارند. [بر آن] نوشته شده بود: «عیسای ناصری^۸ پادشاه یهود»^{۲۰} پس این اعلامیه را بسیاری از یهودیان خواندند زیرا محلی که عیسی در آنجا مصلوب شده بود نزدیک شهر بود و به عبری، لاتین و یونانی نوشته شده بود.^{۲۱} پس کاهنان اعظم یهودیان به پیلطس می‌گفتند: «نباید بنویسی پادشاه یهودیان، بلکه این مرد گفته بود: من پادشاه یهودیان هستم.»^{۲۲} پیلطس پاسخ داد: «آنچه نوشتم نوشتم»^{۲۳} پس وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهایش را گرفته چهار بخش

می‌نامند، نشانند^{۱۴} P. هنگام تهیه [جشن] گذر و نزدیک به ساعت ششم بود^{۱۵}. او به یهودیان گفت: «اینک پادشاه شما.»^{۱۶} پس فریاد برآوردند: «مرگ! مرگ! مصلوبش کن.» پیلطس به آنان گفت: «آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟» کاهنان اعظم پاسخ دادند: «پادشاهی جز قیصر نداریم!»^{۱۷} پس او را به ایشان تسلیم کرد تا مصلوب شود.

مصلوب شدن و مرگ عیسی (متی ۲۷:۳۲-۴۴؛ مرقس ۱۵:۲۱-۳۲؛ لوقا ۲۳:۲۶-۴۳)

پس عیسی را با خود بردند.^{۱۷} و او که پید ۶:۲۲ خود صلیب را حمل می‌کرد^{۱۸} به سوی محلی مسمی به «جمجمه» که به عبری «جلجتا»^{۱۹} نامیده می‌شد بیرون رفت^{۱۸} و

- q- ترجمه تحت اللفظی: سنگفرش؛ احتمالاً جایی است که با قطعات سنگی مفروش شده و یا موزائیک می‌باشد. کلمه جباتا (گباتا) که بعداً آمده نشان می‌دهد که محلی بلندتر از سطح زمین است.
- r- تصمیم در موقع ظهر به هنگام تهیه جشن گذر یهودیان گرفته شده است: چنین می‌نماید که از این لحظه به بعد بره‌ها را برای تهیه جشن در معبد ذبح می‌کردند؛ تطبیق این تاریخها در نظر یوحنا ارزش نمادین دارد (ر. ک. ۱۹:۳۶؛ ۱:۲۹).
- rr- [فعل یونانی که در این مورد بکار رفته و به مرگ ترجمه شده کلمه‌ای است که به معنی تحت اللفظی باید ترجمه کرد: بردار، نابود کن، از بین ببر، از میان بردار.]
- s- نپذیرفتن عیسی نوام با شناسایی قدرت عالیه و انحصاری امپراتور روم است: در این لحظه قطعی مقامات یهودی فرمانروایی مطلق خدا را بر اسرائیل انکار می‌کنند (داور ۸:۲۳؛ ۱- سمو ۷).
- t- برابر قوانین جاری محکوم بایستی شخصاً وسیله شکنجه را حمل می‌کرد. اناجیل نظیر روایت کرده‌اند که شخصی به نام شمعون قیروانی را وادار کرده بودند مدتی صلیب را حمل نماید (متی ۲۷:۳۲؛ مر ۱۵:۲۱؛ لو ۲۳:۲۶)؛ یوحنا این موضوع را عمداً حذف نموده است. آیا روایت یوحنا عکس العملی علیه نظریه‌ای است که در قرن اول میلادی پیدا شده بود و کسانی تصور می‌کردند عیسی مصلوب نشده و شمعون قیروانی را به جای او به صلیب کشیده‌اند؟
- u- این نقطه بلندی کوچکی است که به فاصله کوتاهی از دیوار شهر قرار دارد (متی ۲۷:۳۳؛ مر ۱۵:۲۰؛ عب ۱۳:۱۲-۱۳). نام جلجتا (جمجمه) بدان سبب به این محل داده شده بود که این بلندی صخره‌ای به شکل جمجمه است.
- v- مر ۱۵:۲۷؛ متی ۲۷:۳۸؛ لو ۲۳:۳۳ تصریح می‌کنند که این دو نفر راهزن بوده‌اند در صورتی که بنا بر نوشته یوحنا مردان بینوایی هستند که عیسی در سرنوشت آنان سهم شده است. کلمه «در میان» نشان می‌دهد جایی است که پادشاه در آنجا قرار می‌گیرد (ر. ک. ۱۸:۳۳ توضیح Z).
- w- یوحنا املائی کلمه ناصری را که بر روی لوحه نوشته شده nazoreen روایت می‌کند (ر. ک. متی ۲۷:۳۷؛ مر ۱۵:۲۶؛ لو ۲۳:۳۸) در مورد این کلمه به متی ۲۳:۲ توضیح b مراجعه نمایید.
- x- معمولاً نوشته‌ای علت محکومیت را تعیین می‌کرده است. یوحنا با یادآوری و با اصرار در مورد این نوشته جنبه اشاره‌ای آن را تأکید می‌کند: عیسی به وسیله صلیب پادشاه مسیحایی می‌شود و این واقعه باید به تمام زبانهای جهان اعلام گردد (ر. ک. ۱۱:۵۰-۵۲؛ ۱۲:۳۲؛ ۱۰:۱۴-۱۶). مجدداً پیلطس بدون اینکه بداند نبوت می‌کند.

می کرد به مادرش گفت: «ای زن اینک پسر تو^d». ^{۲۷} سپس به شاگرد گفت: «اینک مادر تو» و از آن ساعت به بعد، آن ^{۳۲:۱۶} شاگرد او را نزد خویش برد^e. ^{۶:۲۱}

(متی ۲۷:۴۵-۵۶؛ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹)

^{۲۸} پس از آن عیسی که می دانست همه ^{۳۹:۵} چیز تحقق یافته است^f برای آنکه نوشته [مقدس] به تحقق رسد^g گفت: «تشنه ام^h». ^{۲۹} در آنجا ظرفی پُر از سرکه بود. پس بر سر شاخه ای از زوفاⁱ، اسفنجی پُر از سرکه به نزدیک دهانش بردند. ^{۳۰} در لحظه ای که عیسی سرکه را چشید گفت:

کردند. هر بخش برای یک سرباز^j، همچنین پیراهنش را، اما پیراهن دوخت نداشت و یک تکه از بالا به پائین بافته شده بود^k. ^{۲۴} پس به یکدیگر گفتند: «پاره اش نکنیم بلکه برای این قرعه بیندازیم تا از آن که بشود.» تا نوشته مقدس به تحقق رسد: «لباسهای مرا بین خود بخش کرده بر جامه من قرعه افکنند^a»، درست همان که سربازان کردند.

^{۲۵} نزدیک صلیب عیسی، مادرش، خواهر مادرش، مریم [زن] کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند^b. ^{۲۶} عیسی با دیدن مادرش^c و به همراه او شاگردی که او را محبت

مت ۲۷:۵۵-۵۶؛ مر ۱۵:۴۰-۴۱؛ لوقا ۲۳:۴۲-۴۳؛ یوحنا ۱۹:۲۰-۲۱

y- برطبق قانون رومیان.

z- یوحنا لباسهای رویی را از پیراهن زیر متمایز کرده است. پیراهن زیر یک پارچه است و پاره کردن آن مسخره و نامعقول خواهد بود. بعضی از مفسران این پیراهن را اشاره ای به لباس عیسی به عنوان کاهن اعظم تصور کرده اند زیرا وی از این پس کهنات جدید را عهده دار خواهد بود ولی این تفسیر چندان حقیقی به نظر نمی رسد. بلکه یوحنا این موضوع را روایت کرده تا نقل قول از نوشته مقدس را در آیه ۲۵ ذکر نماید. در این مورد ر. ک ۱۸:۳۲ توضیح y.

a- مز ۱۹:۲۲.

b- اناجیل نظیر حضور زنان و از جمله مریم مجدلیه را ذکر کرده اند که در فاصله ای از صلیب بر روی تپه جلجتا ایستاده بودند (مت ۲۷:۵۵-۵۶؛ مر ۱۵:۴۰؛ لوقا ۲۳:۴۹). یوحنا تنها انجیل نگاری است که روایت می کند زنانی در نزدیکی صلیب بودند.

وی سه یا چهار زن را نام می برد، بسته به اینکه خواهر مادر عیسی و مریم زن کلویا یک نفر یا دو نفر به حساب آورده شود. c- ترجمه تحت اللفظی: مادر. از آیه ۲۶ به بعد یوحنا دیگر نامی از زنان نیاورده و فقط از مریم و شاگرد مورد محبت عیسی سخن می گوید ر. ک ۱۳:۲۳ توضیح e.

d- ر. ک ۴:۲.

e- عیسی مریم و شاگرد محبوب خود را به یکدیگر می سپارد. برای این آیه تفسیرهای مختلفی قائل شده اند: ۱- عیسی به مریم مقام مادر ایمانداران داده است. روایات کاتولیک و ارتدکس از مریم به عنوان مادر روحانی سخن می گویند که در اینجا شاگرد عیسی نماینده آنان است. ۲- به طوری که بعضی از مفسران تصور می کنند این شاگرد فرد مشرکی بوده که به مسیحیت گرویده است و عیسی بدین وسیله مسیحیانی را که قبلاً مشرک بوده اند با مسیحیانی که یهودی بوده اند آشتی می دهد. ۳- ایمان واقعی که در پای صلیب پدید آمده آغاز روابط جدیدی می باشد.

f- یعنی عملی را که پدر به او مأموریت رسالت داده بود تا تحقق بخشد (۴:۳۴؛ ۶:۳۸؛ ۱۷:۴؛ ۱۳:۱) و بنابراین تحقق نوشته مقدس در جایی که اعلام شده بود.

g- ترجمه تحت اللفظی: برای آنکه نوشته [مقدس] به پایان برسد...

h- ر. ک مز ۶۹:۲۲؛ ۲۲:۱۶.

i- این گیاه [که به عربی زوفا و در فارسی مرزنگوش نامیده می شود] دارای برگهای پُرزدار است و در مراسم مذهبی برای افشاندن آب بکار می رفته است (لاو ۱۴:۴؛ مز ۵۱:۹). ارتفاع آن از یک متر تجاوز نمی کند. بکار بردن آن در این موارد عجیب نیست و مسلماً به عنوان نشانه و رمزی از مراسم مذهبی عید گذر آمده است (خروج ۱۲:۲۲). کلمه یونانی javelot که در این مورد بکار رفته با تغییر جزئی می توان نیزه خواند. در مورد سرکه ر. ک مت ۲۷:۴۸؛ توضیح b و مر ۱۵:۳۶ توضیح x.

ایوب: ۲۶-۲۷: «[همه چیز] به تحقق رسید!» و درحالی که سرش را خم می کرد، روح را تسلیم نمود.^k

ایوب: ۲۶-۲۷: ۲۷:۲۶
لو: ۱۲:۵۰
۲- تیمو: ۴:۷
اع: ۱۵:۱
یو: ۳۴:۴

خون و آب

۳۱ چون روز تهیه عید بود، برای آنکه در روز سبت بدنهای روی صلیب باقی نمانند - زیرا این سبت روز بزرگی بود^l - یهودیان از پیلطس درخواست کردند که ساق پاهای آنها را بشکنند^m و آنها را بردارند. ۳۲ پس سربازان آمدند و ساقهای پای اولی را شکستند، بعد دیگری را که با او مصلوب کرده بودند. ۳۳ چون به عیسی رسیدند،

۱۴:۱۹
تث: ۲۱-۲۲: ۲۳-۲۴
غلا: ۳:۱۳

وقتی دیدند که قبلاً مرده است ساق پاهای او را نشکستند. ۳۴ اما یکی از سربازان

۷: ۳۷-۳۹: ۱- یو: ۵: ۶-۸

نیزه اش را به پهلوی او فرو برد که در دم از آن خون و آب بیرون آمدⁿ. ۳۵ و آن کس که

دیده است شهادت می دهد و شهادت او ۲۴:۲۱ راست^o است، وانگهی وی می داند که راست می گوید^p تا شما هم ایمان بیاورید. ۳۶ زیرا برای آنکه نوشته مقدس به تحقق رسد این روی داده است: هیچ یک از استخوان هایش شکسته نخواهد شد^q. ۳۷ و باز نوشته مقدس دیگری می گوید: آن کس را که نیزه زده اند خواهند نگریست^r.

j- فعلی که به صورت معلوم آمده (فاعل عیسی است) نشان می دهد که عیسی تا آخرین لحظه بر اجرای رسالت خود تسلط کامل دارد (ر. ک. ۱۸:۱۰).

k- یوحنا با آنکه اعطای روح القدس را به کلیسا در طی ظاهر شدن عیسی و در وقایع عید گذر تعیین می کند (۲۰:۲۲)، در اینجا شاید خواسته القا کند که عیسی با مرگ خود می تواند روح القدس را به جهان منتقل سازد (۷:۳۹؛ ۵:۱۶-۷).

l- در انطباق با تث: ۲۱-۲۲: ۲۳.

m- برای اینکه مرگ تسریع شود.

n- مطالبی که در آیات ۳۱-۳۳ آمده نقطه اوج گواهی و تأیید نوشته مقدس است که در آیه ۳۶ ذکر شده است (۱۸:۳۲ توضیح y را ملاحظه کنید). چنین به نظر می رسد که آیات ۳۴-۳۵ بعدها در این انجیل وارد شده است. / از آنجا خون و آب بیرون آمد: این پدیده را می توان به طریق طبیعی توضیح داد بدین معنی که بلافاصله پس از مرگ ممکن است هنوز خون جاری شود و آب نتیجه ترشح غشاء داخلی سینه باشد. بنابراین یکی از روایات کاهنان بدن انسان از آب و خون تشکیل شده است؛ و جاری شدن این دو ماده نشانه واقعیت مرگ می باشد: بنابراین نظریه ای که در قرن اول میلادی به وجود آمده و کسانی معتقد بودند عیسی فقط ظاهر یک انسان را داشته و مصلوب نشده و نمرده است منتفی خواهد بود (ر. ک. ۵۱:۶ توضیح y). یوحنا این پدیده را نشانه ای از موهبت روح القدس می شمارد: ر. ک. آب در برابر روح القدس: ۴:۱۴؛ ۷:۳۸-۳۹؛ ۳:۵؛ خون در برابر زندگی جاویدان: ۵۱:۵۵. در همین معنی همچنین ۱- یو: ۶-۸ را ملاحظه کنید. مفسران متعددی قدم فراتر نهاده و آن را رمز و نشانه تقدیس می شمارند: آب - تعمید و خون - آیین سپاسگزاری؛ مفسران دیگری در اینجا پیدایش کلیسا را می بینند که حوای جدید از پهلوی آدم جدید بوجود می آید.

o- شاهد درباره واقعه ای که از آن سخن می گوید باید آشنایی مستقیم و بلاواسطه داشته باشد و در عین حال عمیق آن را درک کرده باشد (ر. ک. ۷:۱؛ ۳:۱۱؛ ۱۵:۲۶-۲۷). در اینجا ظاهراً همان شاگرد محبوب عیسی است (۱۹:۲۶-۲۷) که گواهی او مبنای روایات انجیل یوحنا است (۲۴:۲۱).

p- بنابر عادت یهودیان (۵:۳۱؛ ۸:۱۳) یوحنا شاهد دیگری در نظر دارد که حقیقت مطلق شهادت اولیه را تصدیق و تأیید کند. و در اینجا مسلماً شکوهمند است (که یوحنا اکثراً درباره او ضمیر مجلل **ekeinos** را بکار می برد: ۳:۲۸؛ ۷:۱۱؛ ۹:۲۸؛ ۱- یو: ۶:۳؛ ۳:۵، ۷، ۱۶؛ ۴:۱۷ و در اینجا «وی» ترجمه شده است)، به همان گونه که عیسی گواهی را که پدر درباره او داده است دارد، شاگردی که گواهی می دهد به خوبی می داند مسیح که او را فرستاده سخن او را تصدیق می نماید (ر. ک. ۳۱-۳۲؛ ۸:۱۳-۱۴). بعضی از مفسران این گواهی را تأیید پدر تصور کرده اند؛ مفسران دیگری آن را تفسیر و توضیحی از جانب کاتب انجیل پنداشته اند که واقعیت گواهی را که ذکر می کند تأیید می نماید.

q- چنین می نماید که این عبارت نقل قول ترکیبی از مز: ۲۱:۳۴ (درباره اینکه دادگر رنجور حفاظت می شود) و خروج: ۱۲:۴۶ و اعدا: ۲۹ (درباره بره عید گذر) است؛ ر. ک. ۱:۲۹.

r- ر. ک. زک: ۱۲:۱۰؛ کسی را که دوران مسیحایی را پایه گذاری می کند در خدمتگزاری بینوا و نیزه زده تشخیص می دهند (ر. ک. ۱۴:۱۵-۱۸:۲۸؛ ۱۲:۳۲)؛ و این وضع منظره سعادت ایمانداران و داوری گناهکاران خواهد بود (ر. ک. مکا: ۷).

شاگردان بر سر قبر

(متی ۱: ۲۸-۱۰؛ مرقس ۱: ۱۶-۸؛

لوقا ۲۴: ۱-۱۲)

۲۰ نخستین روز هفته، بامدادان
وقتی که هنوز هوا تاریک بود،
مریم مجدلیه^۱، به سر قبر آمد و دید که
سنگ قبر برداشته شده است.^۲ پس
دوید نزد شمعون پطرس و شاگرد دیگری
که عیسی او را محبت می کرد^۳ آمد و به
آنان گفت: «خداوند را از قبر برداشته اند
و نمی دانیم^۴ او را کجا گذاشته اند.»
پس پطرس خارج شد، همچنین آن
شاگرد دیگر و بر سر قبر آمدند.^۵ هر دو با
هم می دویدند اما آن شاگرد دیگر در جلو
تندتر از پطرس می دوید و نخست بر سر
قبر آمد.^۶ خم شده نظر کرد که نوارها^۷ در
آنجا مانده بود. با وجود این داخل نشد.
پس شمعون پطرس نیز که به دنبال او
بود آمد و به درون قبر وارد شده دید که
نوارها در آنجا صاف گذاشته شده است،
همچنین دستمالی که بر سرش بود، نه با
نوارها، بلکه جداگانه در جای دیگر
پیچیده شده بود.^۸ پس آنگاه شاگرد دیگر

t- مَر ماده صمغی خوشبویی است که برای معطر کردن مردگان بکار می رود (ر. ک مت ۲: ۱۱)؛ ماده دیگری که ذکر شده عود است (امت ۷: ۱۷؛ مز ۴۵: ۹)؛ وزن مواد معطر که صد رطل تعیین شده برابر ۳۲/۷۰۰ کیلوگرم بوده است.

u- ر. ک ۱۹: ۲۵؛ در انجیل نظیر سخن از چندین زن است که در بین آنان همواره نام مریم مجدلیه ذکر شده است (این زن اهل دهی در ساحل دریایچه طبریّه بوده است، ر. ک مت ۲۸: ۱، مر ۱۶: ۹؛ لو ۲۴: ۱۰) او در جلجتا حضور داشته (مت ۱۷: ۵۶، ۶۱؛ مر ۱۵: ۴۰، ۴۷)؛ لوقا شاید او را همان زن گناهکاری می داند که در خانه شمعون عیسی را با عطر تدهین کرده بود (لو ۸: ۲).

v- ر.ک ۱۳:۲۳ توضیح e.

W- فعلی که در اینجا به صورت جمع آمده ممکن است اثری از روایت قدیمی تری باشد که برطبق آن چندین زن بر سر گور آمده بودند (ر.ک. ۱۳:۲۰). مریم درباره خالی بودن گور توضیحی می دهد و شاید این توضیح در محافل فلسطینیان تا اندازه ای مورد استقبال قرار گرفته بوده است.

x- کلمه یونانی *othonia* که در اینجا بکار برده شده ممکن است به معنی *نوارها* یا یک تکه پارچه کتان نسبتاً گرانبها باشد که برای کفن مردگان بکار می بردند.

که نخست بر سر قبر آمده بود به درون آمد و دید و ایمان آورد^۹. زیرا هنوز نوشته مقدس^z را درک نکرده بودند که برابر آن می بایست از میان مردگان برخیزد^a.^{۱۰} پس شاگردان از آنجا رفته به خانه خود بازگشتند.

مز: ۹:۱۶
لو: ۲۴:۲۶-۲۷
اع: ۲۷:۲، ۳۱
۳-قرن: ۱۵:۴
یو: ۵:۳۹

مریم مجدلیه خداوند را می بیند (مرقس ۱۶: ۹-۱۱)

^{۱۱}مریم بیرون، نزدیک قبر ایستاده می گریست. پس همان طور گریان به سوی قبر خم شد.^{۱۲} و دید که دو فرشته سپید پوش، درجایی که بدن عیسی گذاشته شده بود نشسته اند، یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها^b.
^{۱۳} و آنان به او گفتند: «ای زن چرا گریه می کنی؟» به آنان گفت: «خداوند مرا برداشته اند و نمی دانم او را کجا

گذاشته اند.»^{۱۴} این را گفت و چون روی برگرداند عیسی را دید که در آنجا ایستاده است. اما نمی دانست که او عیسی است.
^{۱۵} عیسی به او گفت: «ای زن چرا گریه می کنی؟ که را می جوئی؟» چون می پنداشت او باغبان است به وی گفت: «خداوند، اگر تو او را برده ای به من بگو وی را کجا گذاشته ای تا او را بردارم.»
^{۱۶} عیسی به او گفت: «مریم!» و او روی برگرداند^c به عبری به وی گفت: «ربوئی»^{مر ۱۰: ۵۱} (یعنی ای استاد).^{۱۷} عیسی به او گفت: «دیگر مرا لمس مکن^d زیرا هنوز نزد پدر بالا نرفته ام اما نزد برادرانم برو و به ایشان بگو: به سوی پدر من و پدر شما، به سوی خدای من و خدای شما بالا می روم^e».
^{۱۸} مریم مجدلیه آمده به شاگردان نوید داد: «من خداوند را دیدم و به من چنین گفته است.»

مز: ۴:۲۱
لو: ۱۶:۲۴
۲-قرن: ۵:۱۶
مز: ۲۲:۲۳
مت: ۱۲:۴۹
۱۰:۲۸
روم: ۸:۲۹
عبر: ۱۱:۱۲-۱۲

y- این شاگرد برخلاف مریم مشاهده می کند که در داخل گور خالی، پارچه ها با دقت تا شده است و متوجه می شود که بدن عیسی را نه دزدیده و نه به جای دیگر برده اند بلکه به وسیله ایمان دوباره زنده شدن او را درمی یابد.

z- با توسل به نوشته های مقدس می توان واقعه رستاخیز عیسی را درک نموده و تفسیر کرد (ر. ک ۱-قرن: ۱۵:۴؛ اع: ۲۴:۳۱-۳۲:۱۳؛ لو: ۲۴:۲۷، ۴۴-۴۶).

a- ترجمه تحت اللفظی: برای می ایستاد؛ آنکه در خواب مرگ دراز کشیده بود برپا می ایستد (آدم زنده به حال ایستاده است).

b- دو فرشته در دو انتهای سکویی که جسد را بر روی آن گذاشته بودند نشسته اند. یوحنا این موضوع را که جزو روایات اناجیل نظیر است حفظ کرده بدون آنکه درباره آن توضیح بیشتری بدهد (ر. ک مت: ۲۸:۲، ۵؛ لو: ۲۴:۲۳؛ مر: ۱۶:۵ درباره مرد جوانی سخن می گوید).

c- ر. ک ۵:۱۰؛ چون عیسی او را به نام می خواند، مریم او را می شناسد.

d- گاهی ترجمه می کنند: مرا نگه مدار. به هر صورت عیسی می خواهد به مریم یادآوری کند تغییراتی که در او ایجاد می شود به منظور اینکه به نزد پدر برود موجب ایجاد نوع جدید روابط خواهد شد (ر. ک ۷:۱۶-۵، ۷-۲۰؛ ۲۳:۱۴؛ ۲۸:۱۹؛ ۲۷).

e- تا اینجا هروقت عیسی از خدا سخن می گفت کلمه پدرم را بکار می برد ولی اکنون در عین اینکه تفاوت قائل می شود برای نخستین بار از ارتباط پدر فرزندی خدا نسبت به شاگردان سخن گفته و آنان را برادران خود می نامد (مت: ۱۰:۲۸) در لابلای این عبارات که مورد پذیرفتن به فرزندی بیان می شود از عهد و پیمان جدید یاد شده که شاگردان به سبب پیوستگی با عیسی که در شکوه پدر وارد شده در عهد جدید سهیم هستند (۱:۱۲؛ ۱-یو: ۳:۲).

شاگردان خداوند را می بینند

(متی ۲۸: ۱۶-۲۰؛ مرقس ۱۶: ۱۴-۱۸؛

لوقا ۲۴: ۳۶-۴۹)

۱۹ شامگاه همان روز که نخستین روز هفته بود^f از ترس یهودیان، شاگردان در مکانی در بسته بودند که عیسی آمد^g و در میان ایستاده به آنان گفت: «آرامش بر شما باد!»^{۲۰} و این را گفته، دستها و پهلویش را به آنان نشان داد^h. پس شاگردان به دیدن خداوند شاد شدندⁱ. پس باز به آنان گفت: «آرامش بر شما باد! همچنان که پدر مرا فرستاد من نیز شما را می فرستم^j». این را گفته، دمید^k و به آنان گفت: «روح القدس را دریافت دارید.^{۲۳} گناهان کسانی را که ببخشید برایشان بخشیده خواهد شد و بر کسانی که باقی بگذارید مت^{۱۹: ۱۶} ۱۸: ۱۸»

شهادت شاگردان و ایمان

۲۴ توما یکی از دوازده تن، مشهور به «دیدیموس^m» وقتی عیسی آمد با آنان نبود.^{۲۵} دیگر شاگردان به او می گفتند: «ما خداوند را دیده ایم!» اما به آنان گفت: «اگر در دستهای او جای میخها را نبینم، اگر انگشت خود را در جای میخها فرو نبرم و اگر دست خود را پهلویش نگذارم، یقین نخواهم کرد.»^{۲۶} هشت روز بعد باز شاگردان در درون بودند و توما با آنان. درها بسته بود که عیسی وارد شد و در میان آنان قرار گرفت و گفت: «آرامش بر شما باد!»^{۲۷} سپس به توما گفت: «انگشت خود را اینجا جلو بیاور، این دستهای من است. دست خود را جلو بیاور و در پهلوی من بگذار. بی ایمان مباش، بل

f- وقتی شاگردان در شب نخستین روز هفته به دور هم گرد آمده اند احساس می شود که مسیح در میان آنان حاضر است (شاید در اینجا منظور اشاره ای به جلسات روز یکشنبه مسیحیان است).

g- در مورد علت ترس از یهودیان ر. ک ۱۹: ۱؛ ۲۲: ۹؛ ۴۲: ۱۲؛ ۲: ۱۶. مسیح برخاسته از مرگ می آید و در میان کسان خود جای می گیرد و آنان را مدام همراهی کرده و راهنمایی خواهد نمود (ر. ک ۱۴: ۳، ۱۸-۱۹؛ ۱۶: ۱۶).

h- آنچه لوقا در ۳۹: ۲۴ ذکر کرده جنبه ستایشی دارد؛ در صورتی که در اینجا یادآوری و تأکید می شود که بین عیسی که مصائب را تحمل کرده و آن که همواره با ایشان خواهد بود تداوم وجود دارد (ر. ک عبر ۲: ۱۸)، خداوند شکوهمند کلیسا کسی جز عیسی مصلوب نیست.

i- دیدار با مسیح برخاسته از مرگ سرچشمه شادی است (ر. ک ۱۱: ۱۵؛ ۱۶: ۲۰-۲۴؛ ۱۷: ۱۳؛ مت ۲۸: ۸؛ لوقا ۲۴: ۴۱، ۵۲).

j- رسالت شاگردان پس از صعود پسر به آسمان آغاز می شود: ر. ک ۱۴: ۱۲-۱۴ ولی مبنا و سرچشمه آن مجموعه رسالت عیسی است (۱۷: ۱۷-۱۹). یوحنا در مورد جهانی بودن این رسالت یادآوری و تأکید می نماید (ر. ک ۳۵: ۴-۳۸؛ ۱۲: ۱۹-۲۰).

k- فعل یونانی که در اینجا آمده یادآوری آفرینش نخستین انسان است (پید ۲: ۷) و چنین القا می کند که خلقت جدید و رستاخیزی واقعی می باشد (حزق ۳۷: ۹؛ روم ۴: ۱۷). روح القدس نیروی نجات بخشی خواهد بود که شاگردان در همبستگی با عیسی متجلی خواهند کرد (ر. ک ۱۵: ۲۶-۲۷؛ ۱۷: ۱۷-۱۹).

l- یوحنا عبارتی را که در روایات دیگر آمده است (ر. ک مت ۱۹: ۱۶ و ۱۸: ۱۸) در روایت خود می آورد و بایستی مفهوم آن را تا حد امکان با توجه به نظریات خداشناسی خود او درک کرد: بدین معنی که شاگردان در تداوم و انتشار رسالت عیسی در جهان گناهان را بخشیده یا باقی خواهند گذاشت. بنابر روایات کاتولیک و ارتدکس، قدرت بخشایش گناهان به اعضای گروه رسولان داده شده است که در همبستگی با عیسی مأموریت رسالت دارند (۱۵: ۲۱-۱۷). بنابر روایات پروتستان این قدرت و مأموریت رسالت به تمام شاگردان یعنی به همه ایمانداران در همه دورانها اعطا گردیده است (ر. ک ۱۷: ۲۰ توضیح S) و تنها به پطرس (مت ۱۹: ۱۶) یا هر انجمن کهناتی دیگری داده نشده است (لوقا ۲۴: ۴۸)؛ مردمان با شنیدن گواهی آنان ایمان خواهند آورد (گناهانشان بخشیده خواهد شد) یا دچار لغزش می شوند (خودشان درباره خود داوری خواهند کرد و گناهانشان باقی خواهد ماند).

m- ر. ک ۱۱: ۱۶؛ ۱۴: ۵؛ ۲۱: ۲.

n- ر. ک ۲۷: ۱۴؛ توضیح ۷: ۲۰؛ ۱۹: ۱۹.

جلیل، پسران زبیدی و دو تن دیگر از شاگردانش با هم بودند.^۳ شمعون پطرس به آنان گفت: «برای صید [ماهی] می‌روم.» به او گفتند: «ما نیز به همراه تو می‌آئیم.» به راه افتاده سوار قایق شدند و در آن شب ۵:۵

چیزی نگرفتند.^۴ چون صبح شد، عیسی در ساحل ایستاده بود. با وجود این شاگردان نمی‌دانستند که او عیسی است.^۵ پس

عیسی به آنان گفت: «بچه‌ها آیا چیزی برای خوردن دارید؟» به او پاسخ دادند:

«خیر!»^۶ به آنان گفت: «تور را به طرف راست قایق بیندازید و خواهید یافت.»^۷ ۷-۴:۵

پس انداختند و به سبب زیادی ماهی‌ها، دیگر توان کشیدن آن را نداشتند.^۷ آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌کرد به

پطرس می‌گوید: «این خداوند است!»^۸ ۲۳:۱۳
۲۶:۱۹

پس شمعون که شنید او خداوند است،^۹ ۲۰:۲۱
۸:۲۰

لنگی به کمر بست - زیرا برهنه بود - و به دریا پرید.^{۱۰} ۲۹:۱۴

زیرا از خشکی زیاد دور نبودند، مگر قریب

ایمان آور.^{۱۱} ۲۸:۲۰
توما به وی پاسخ داد: «ای خداوند من و ای خدای من!»^{۱۲} ۲۹:۱
عیسی به وی گفت: «چون مرا می‌بینی ایمان می‌آوری، خوشا آن کسانی که ندیده‌اند و ایمان آورده‌اند.»^{۱۳} ۸:۱

هدف نویسنده انجیل

۳۰ عیسی در برابر شاگردانش بسیار نشانه‌های دیگر به انجام آورد^{۱۴} که در این کتاب نوشته نشده است،^{۱۵} اما آنهایی که

نوشته شدند برای آن است تا ایمان آورید^{۱۶} که عیسی، مسیح و پسر خداست و ایمان آورده در نام^{۱۷} او زندگانی داشته باشید.

۳۷:۱۲:۱۱:۲
۲۵:۲۱

۱۵:۳
۱۳:۵
۱۶:۳

پیوست.

ظاهر شدن در کنار دریاچه

۲۱ پس از آن^۱ عیسی باز در ساحل دریای طبریه خود را به شاگردان چنین نمایان کرد.^۲ ۲۱:۱
شمعون پطرس، توما مشهور به «دیدیموس»، نتنائیل از قانای

مت ۳۲:۲۶
۷:۲۸
لو ۱:۵
۱۶:۱۱
۲۴:۲۰
مت ۴:۴

o- در این بیان ایمان که آخرین بیان ایمان در انجیل است عنوانین *خداوند و خدا* در یک جا آمده است (ر.ک ۱:۱، ۱۸:۱). شاید انعکاس هلهله و فریادی است که در نیایش اظهار می‌شده است.

p- از این پس ایمان بر مبنای دیدن نیست بلکه بر مبنای گواهی کسانی است که دیده‌اند؛ به وسیله این ایمان، مسیحیان با مسیح برخاسته از مرگ در همبستگی عمیق هستند (۲۰:۱۷).

q- شکی نیست که این قسمت (آیات ۳۱، ۳۲) پایان و نتیجه‌گیری انجیل بوده و یوحنا اظهار می‌کند منظور و هدف او از نوشتن انجیل چه بوده است.

r- منظور پیشرفت در امر ایمان است در مورد کسانی که به جمعیت ایمانداران تعلق دارند؛ ولی ممکن است قصد و منظور پیشرفت در امر رسالت باشد.

s- ایمان، اساساً درباره‌ی شناختن عیسی به عنوان پسر خدا و رسالت مسیحایی او است، به کسانی که به او ایمان می‌آورند در همبستگی با او زندگی جاودانی می‌دهد (ر.ک ۱:۱۲-۱۶:۳ و غیره).

t- آخرین باب انجیل که پس از آیات ۲۰:۳۰-۳۱ قرار گرفته به صورت ضمیمه‌ای بشمار می‌رود، در مورد منبع و منشأ این ضمیمه بحث و تردید وجود دارد زیرا در کنار قرائن ادبی که مختص یوحنا است عبارات و نظریات نسبتاً خاصی آمده است. می‌توان تصور کرد این ضمیمه را شاگردان انجیل نگار انشاء کرده‌اند و شاید همان شاگردانی که دو آیه قبلی را نوشته‌اند و به هر صورت آیات مذکور مسلماً به انجیل ضمیمه شده‌اند.

u- این قسمت را می‌توان با روایت صید معجزه‌آمیز لو ۵:۱-۱۱ در آغاز رسالت در جلیل مقایسه کرد.

v- نظیر آیات ۲۰:۲-۱۰ شاگردی که عیسی به او محبت داشته (و نمونه‌ی شاگردان واقعی است) اولین کسی است که خداوند را شناخته و به پطرس اطلاع می‌دهد که به عجله می‌آید.

وظیفه شبانی پطرس

^{۱۵} پس از خوردن غذا، عیسی به شمعون ^{۴۲:۱} مت ۱۷:۱۶-
پطرس گفت: ^{۴۳:۷} «شمعون [پسر] یوحنا، آیا مرا بیش از اینها محبت می کنی؟» به او ^{۳۴:۲۴} ۱- قرن ۱۵:۵
گفت: «آری خداوند، می دانی که تو را دوست دارم. ^{۲۸:۲۰} ا ۲- پتر ۵:۵
بچران ^{۱۶} باز بار دوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا محبت می کنی؟» به او گفت: «آری خداوند، می دانی که تو را دوست دارم.» [عیسی] به او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن ^{۳۸-۳۷:۱۳} ۱۷
بار سوم به او گفت: «شمعون [پسر] یوحنا آیا مرا دوست داری؟» پطرس غمگین شد از اینکه بار سوم پرسیده بود آیا مرا دوست داری، و به او گفت: «خداوند! تو از همه چیز آگاهی. می دانی که تو را دوست دارم.» عیسی به او گفت: «گوسفندان مرا بچران. ^{۲۵-۲۷:۷۸} ۱۸-۷۲

به دوپست زراع ^{۱۱} و تور ماهیان را می کشیدند. ^۹ پس چون به خشکی پیاده شدند نگاه کردند در آنجا آتشی افروخته بود و بر آن ماهی ها، و نان. ^{۱۰} عیسی به آنان گفت: «از آن ماهی ها که هم اکنون گرفته اید بیاورید.» ^{۱۱} پس شمعون پطرس سوار قایق شده تور پر از ماهیان بزرگ را به خشکی کشید: صد و پنجاه و سه! و با وجود آن همه تور شکافته نشد. ^{۱۲} عیسی به آنان گفت: «بیائید غذائی بخورید.» هیچ یک از شاگردان جرأت نمی کرد از او بپرسد: «تو کیستی؟» درحالی که می دانستند او خداوند است. ^{۱۳} عیسی نزدیک آمده نان را گرفته به آنان داد و همچنین ماهی را ^{۱۴} این بار سوم بود که عیسای قیام کرده از میان مردگان، خود را به شاگردان نمایان کرد. ^{۲۶، ۱۹:۲۰}

W- اندکی کمتر از یکصد متر.

X- ممکن است منظور یوحنا از این نکته اشاره به کلیسا باشد بدین معنی که شاگردان به دستور مسیح برخاسته از مرگ عمل کرده و دست بکار می شوند و برخلاف انتظار از هر طرف جمعیتی واحد و متحد گرد هم می آورند (یوحنا برخلاف لوقا یادآوری و تأکید می کند که تور ماهیگیری پاره نشد [و شاید پاره شدن تور هم اشاره ای به جدایی و تفرقه باشد]). در مورد عدد ۱۵۳ منظور و جنبه اشاره ای این رقم روشن نیست. به نظر ژروم قدیس، علمای علوم طبیعی دنیای قدیم ماهیان را به ۱۵۳ نوع تقسیم می کردند: بدین ترتیب تور ماهیگیری رسولان بایستی تمام خانواده های بشریت را در کلیسای واحدی گرد آورند (ر.ک مت ۱۳:۴۷-۵۰).

Y- ممکن است اشاره ای به صرف غذای سپاسگزاری باشد (ر.ک ۱:۶-۱۳): شاگردان دعوت شده اند و در غذایی که خداوند برپا داشته از مرگ به آنان می دهد شرکت می کنند.

Z- شکی نیست که تکرار این سخنان یادآور اظهارات تند پطرس (۳۷:۱۳) مت ۲۶:۳۰-۳۵: مر ۱۴:۲۶-۳۱: لوقا ۲۲:۳۱-۳۴) و سه بار انکار کردن او است (۱۳:۳۸، ۱۷:۱۸، ۲۵-۲۷).

a- پطرس محبت خود را اعتراف می کند بدون اینکه ادعا داشته باشد که در این امر بیش از دیگران است، ضمناً یادآوری می نماید که مسیح از دلها آگاه است.

b- عیسی در عین حال فرستاده پدر و شبان منحصر به فرد است (ر.ک ۱۰:۱۴-۱۶: لوقا ۳۲:۱۲ توضیح a)، بر مبنای محبت واقعی که پطرس اظهار و اعتراف کرده است وظیفه شبانی گله خود را به او واگذار می کند (ر.ک ۱۰:۱۶-۱۰). به همان گونه که مأموریت رسالت مفهومی ندارد مگر اینکه در پیوستگی با رسالت «پسر» مجسم باشد (۱۷:۱۷: لوقا ۲۱:۲۰)، به همان گونه وظیفه شبانی به وظیفه شبانی عیسی پیوستگی دارد (مت ۱۰:۶: لوقا ۲۸:۲۰-۲۹: ۱- پتر ۵:۱-۴) در اینجا چنین می نماید که محبت به مسیح شرط چنین وظیفه ای است و روح این وظیفه خواهد بود و در روایات کاتولیک با توجه و اتکاء به این متن به تدریج نظریه وظیفه رسالت مجمع رسولان و پاپ که رئیس این مجمع است ایجاد شده است (ر.ک مت ۱۷:۱۶-۱۹: لوقا ۲۲:۳۱-۳۲).

c- تفاوتی که در واژه ها وجود دارد چندان اهمیتی نداشته و فقط به منظور زیبایی انشاء و نگارش است.

عیسی گفت: «خداوندا برای او چه [خواهد شد]؟»^{۲۲} عیسی به او گفت: «اگر می‌خواهم تا زمانی که می‌آیم^e او بماند تو^{۳:۱۴} را چه؟ تو به دنبال من بیا^f»^{۲۳} پس این حرف بین برادران شایع شد که: «این شاگرد نمی‌میرد.» اما عیسی به پطرس نگفته بود: «او نمی‌میرد.» بلکه: «اگر می‌خواهم تا زمانی که بیایم او بماند تو را چه؟»^g

^{۲۴} این همان شاگردی است که درباره^{۲۷:۱۵} اینها شهادت می‌دهد و آنها را نوشته است^{۳۵:۱۹} و ما می‌دانیم که شهادت او حقیقی است^{۱۲}.

^{۲۵} همچنین بسیاری چیزهای دیگر عیسی^{۳۰:۲۰} کرده است که اگر یکایک آنها را می‌نوشتند به گمانم کتابهایی که از آنها نوشته می‌شد جهان گنجایش آنها را نداشت^۱.

تو می‌گویم وقتی جوان تر بودی، خودت کمر خود را می‌بستی و به هر جا که می‌خواستی قدم برمی‌داشتی. اما وقتی پیر شدی، دستها را دراز خواهی کرد و دیگری کمر تو را خواهد بست و تو را به جایی خواهد برد که نمی‌خواهی.»^{۳۳:۱۲} این را گفت تا نشان بدهد [پطرس] خدا را با چه مرگی شکوه خواهد داد^d. این را گفته به او گفت: «به دنبال من بیا.»

شاگرد محبوب عیسی و گواهی او^{۲۳:۱۳}
پطرس سر برگردانده آن شاگرد دیگر^{۲۰} را که عیسی وی را محبت می‌کرد دید که به دنبال ایشان می‌آید - همانی که در سر شام به سینه‌اش تکیه داشت و گفته بود: «خداوندا کیست آن کس که تو را تسلیم می‌کند؟»^{۲۱} - پس پطرس با دیدن او به

d - به خوبی روشن است که نویسنده، این باب را پس از مرگ پطرس نوشته است. او می‌داند که زندگانی پطرس با شکنجه‌ای به پایان رسیده که در اینجا عیسی اعلام می‌کند. به نظر نویسنده این باب، و حتی اگر یوحنا نویسنده این باب باشد (ر.ک ۳۶:۱۳ توضیح s) آیه ۱۳ حتماً اشاره به مرگ پطرس است: و بدین گونه خواهد توانست خدا را شکوهمند سازد. دراز کردن دستها ممکن است اشاره به مصلوب شدن باشد.

e - یعنی تا بازآمدن مسیح: ر.ک به عبارتی که در پایان مراسم سپاسگزاری است (۱-قرن ۱۱:۲۶) و کتاب مکاشفه هم با این عبارت پایان می‌یابد (مکا ۷:۲۲، ۱۲، ۱۷، ۲۰).

f - این عبارت مبهم و مرموز است و مفهوم آن به دشواری درک می‌شود. می‌توان چنین دریافت که پطرس باید بدون اینکه به آنچه تصریح نشده توجه نماید رسالت خود را تعقیب کند. همچنین می‌توان تصور کرد که شاگرد محبوب عیسی که بهتر از هر کس دیگر به راز عیسی آشنا است همچنان حضور خود را در کلیسا ادامه خواهد داد به وسیله گواهی که در این کتاب ثبت شده است.

g - در تعدادی از نسخه‌های خطی کلمات «تو را چه؟» وجود ندارد.

h - جمعیت مسیحیان که این نوشته را جمع‌آوری کرده به خوبی می‌داند که گواهی دائمی و واقعی شاگرد محبوب عیسی است. لازم به یادآوری است تنها در باب ۲۱ ذکر شده که شاگرد محبوب همان گواهی است که جمعیت مسیحیان وابسته به یوحنا به او وابسته است: با وجود این به ۳۵:۱۹ توضیح q مراجعه نمایید.

i - این آیه در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی حذف شده است. مدرک نوشته موجود نمی‌تواند تمام فعالیت‌های عیسی را ذکر کرده و روشن نماید و بنابراین ما را به خود مسیح احاله می‌کند.